



تک‌تیرانداز (اسنایپر)

(جلد دوم)

تألیف و ترجمه:

دکتر حمید فرامرزی پور



www.katibenovin.ir



۱۳۹۵

سرشناسه	:	فرامرزیپور، حمید، ۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآور	:	تک‌تیرانداز (اسنایپر)/تالیف و ترجمه حمید فرامرزیپور.
مشخصات نشر	:	شیراز: کتیبه نوین، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۲ج: مصور.
شابک	:	دوره: 4-52-978-600-8205
	:	ج. ۱: 5-42-978-600-8205: ۱۵۰۰۰ ریال؛
	:	ج. ۲: 2-43-978-600-8205: ۱۵۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
موضوع	:	تیراندازی نظامی
موضوع	:	Shooting, Military
موضوع	:	تیراندازی
موضوع	:	Shooting
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۵ ۸ت۴/ف/UD۳۳۰
رده‌بندی دیویی	:	۳۵۵/۵۴۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۳۴۶۶۶۱

عنوان کتاب:	تک‌تیرانداز (اسنایپر) - جلد دوم
تألیف و ترجمه:	دکتر حمید فرامرزی پور
ناشر:	کتیبه نوین
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۵
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۲۰۵-۴۳-۲
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
ویراستار، صفحه‌آرا:	علی داودی
طراح جلد:	مهندس محمد صالح فدایی
چاپ و صحافی:	چاپ پیشگام
قیمت:	۱۵۰۰۰ تومان

تقدیم به:

این کتاب را به تمام آزاد مردانی که جان خویش را برای وطنشان ایران فدا کردند و به خصوص
برادر عزیزم شهید علی سیدی تقدیم می‌کنم.

پیشگفتار

در این کتاب تاریخچه به وجود آمدن نیروهای تک‌تیرانداز را در ارتش‌های مختلف جهان و اهمیت آنان را در میدان‌های جنگ و نقش کلیدی آنان در ادامه و پیشرفت این جنگ‌ها را شرح می‌دهد و همچنین خصوصیات و عملکرد نیروهای تک‌تیرانداز در عملیات‌های جنگی که در مناطق مختلف جهان روی داده است را با تاکتیک‌های جنگی آنان و شرایط نشانه‌گیری و استتار موضع مخفی آنان در زمان‌ها و فصول مختلف را شرح و توضیح داده است؛ و خاطراتی هم از نیروهای تک‌تیرانداز زنده ارتش‌های دنیا که عملیات تک‌تیراندازی توسط آنان در نبردها و جبهه‌های مختلف جنگ انجام داده‌اند را توضیح می‌دهد. اگرچه تمام این روایت‌ها و مثال‌ها تجربه‌های مربوط به گذشته می‌باشند که با سختی و تلف شدن نیروهای زیادی که در جنگ‌ها شرکت کرده‌اند به دست آمده است اما هنوز کارائی خودشان را از دست نداده‌اند و شناختن و مرور این روایت‌ها درس خوبی برای نیروهای تک‌تیرانداز ما می‌گردد. البته امیدواریم هیچ جنگ دیگری در سرزمین ما ایرانی‌ها رخ ندهد و هیچ خونی بر زمین ریخته نشود تا بتوان از این تجربه‌ها استفاده کرد.

فهرست مطالب

صفحه	مطلب
۱۱.....	مبارزه و دوئل تک‌تیراندازان رقیب با یکدیگر در جبهه‌های نبرد
۶۳.....	استتار و استفاده صحیح آن در جبهه‌های جنگ و نبرد
۸۷.....	اصول صحیح تهیه پوشش (لباس) استتار توسط تک‌تیرانداز در مناطق جنگی
۱۲۱.....	آموزش و تمرین و هدف‌گیری با اسلحه مخصوص تک‌تیراندازان
۱۲۹.....	تهیه کروکی آتش توسط نیروی تک‌تیرانداز در مناطق نبرد
۱۳۵.....	تکنیک نشانه‌روی و شلیک تک‌تیراندازان در میدان‌های نبرد
۱۶۵.....	تکنیک شلیک به هدف‌های در حال حرکت توسط تک‌تیرانداز
۱۷۱.....	بالتستیک سیر پرواز گلوله اسلحه
۱۸۳.....	بالتستیک خارجی حرکت گلوله
۱۹۳.....	اطلاعاتی که باید یک تیرانداز برای شلیک به اهداف را بداند
۱۹۵.....	تعیین فاصله تا هدف توسط تک‌تیرانداز در مناطق نبرد
۲۰۵.....	روش‌های تعقیب و شناسایی تک‌تیرانداز متخاصم
۲۰۹.....	مروری بر جنگ تک‌تیراندازان در شمال قفقاز
۲۲۱.....	تعیین محل شلیک گلوله تک‌تیرانداز توسط سیستم جغد
۲۲۴.....	منابع

مبارزه و دوئل تک‌تیراندازان رقیب با یکدیگر در جبهه‌های نبرد

در جبهه‌های جنگ و نبرد برای از بین بردن نیروی تک‌تیرانداز متخاصم از تک‌تیرانداز زبده و ماهر استفاده می‌شود که در بعضی کتاب‌ها و مقاله‌ها به نام تک «تیرانداز شکارچی» هم معرفی گردیده است.

تعداد درگیری‌های و مبارزه‌های صورت گرفته در مناطق جنگی مابین تک‌تیراندازان تاکنون بسیار می‌باشد، در مناطق نبرد اگر نیروی تک‌تیراندازی قصد از بین بردن تک‌تیرانداز متخاصم را داشته باشد باید همیشه این را بداند و در خاطر بسپارد که نیروی تک‌تیرانداز متخاصم هم قوی، زبده، ماهر، حرفه‌ای و با تجربه است بنابراین برای مقابله و از بین بردن تک‌تیرانداز متخاصم باید از تاکتیک‌های حساب شده و مناسب استفاده کرد.

در مرحله اول وظیفه‌ای هر تک‌تیراندازی در این است که محل کمین و موضع اختفاء نیروی تک‌تیرانداز متخاصم را پیدا کرده و سپس با شگردها و ترفندهای حرفه‌ای و حساب شده خاص او را گمراه و به تله و در تیررس خود بکشاند و سپس با یک نشانه‌گیری و شلیک دقیق و محاسبه شده وی را از میان بردارد. تک‌تیرانداز متخاصم هم می‌تواند حيله‌گر باشد، باید بر حيله‌های او فائق آمده و محل مخفی او را پیدا کرده و وی را مورد هدف گلوله قرار داد. نیروی تک‌تیرانداز هم به طور خاص و حرفه‌ای موضع مخفی کمین خویش را به دور از چشمان تک‌تیرانداز رقیب استتار و مخفی می‌کند و در اینجا نیروی تک‌تیرانداز باید به هر طریق که ممکن است موضع مخفی کمین استتار شده وی را معلوم و مشخص کرده و او را مورد هدف و اصابت گلوله خود قرار دهد.

اگر قرار بر این شود که نیروی تک‌تیرانداز در موضع مخفی کمین خود بنشیند و منتظر پدیدار شدن حضور تک‌تیرانداز متخاصم بماند تا او را مورد هدف قرار دهد این فکر او غلط و خام است و هیچ کمکی به عملیات وی نمی‌کند، ممکن است نیروی تک‌تیرانداز ساعت‌ها و حتی روزها وقت خود را تلف کند و منتظر پدیدار شدن نیروی تک‌تیرانداز متخاصم گردد بی‌آنکه نتیجه‌ای از کار خود بگیرد، تک‌تیرانداز حرفه‌ای و زبده باید کاری کند که نیروی تک‌تیرانداز متخاصم متوجه حضور وی در منطقه نبرد گردیده و خود را نشان وی بدهد.

نیروی تک‌تیرانداز باید دست به عملی زند که تک‌تیرانداز متخاصم مجبور شود به دنبال موضع مخفی وی برگردد و منطقه احتمالی موضع مخفی کمین او را جستجو کند و در اینجا تک‌تیرانداز هم باید مرتکب اعمالی گردد که نیروی تک‌تیرانداز متخاصم برای پیدا کردن و مشاهده او متوسل به انجام کارهای گردد و در اینجا بازی قایم‌موشک بین دو تک‌تیرانداز شروع می‌گردد و در این بازی کسی برنده است که باهوش‌تر و زرنک‌تر و حیل‌گرتر و ماهرتر از دیگری باشد و با کوچک‌ترین خطا و اشتباهی که از جانب هر کدام از نیروهای تک‌تیرانداز (متخاصم و یا خودی) سر بزنند یکی از این تک‌تیراندازها دیگری را مورد هدف خود قرار داده و به سوی او شلیک گلوله کرده و وی را از پا در می‌آورد، تک‌تیرانداز معروف و آس نیروهای روس در جنگ جهانی دوم «واسیلی زایتسف» خیلی خوب و واضح در این خصوص توضیح داده است، او می‌گوید:

- سعی کنید که نیروی تک‌تیرانداز متخاصم را به مبارزه بکشید.
- مجبور کنید که تک‌تیرانداز متخاصم به سمت شما نشانه‌روی و شلیک گلوله کند.
- با حرکات و جابه‌جا شدن گمراه کننده خود سعی در جلب توجه تک‌تیرانداز متخاصم به سمت خود شوید.
- با فریب دادن و تله گذاشتن حواس تک‌تیرانداز متخاصم را به سوی خود جلب کرده و در یک لحظه حواس او را پرت کرده و به سمت او شلیک مرگبار کنید.
- با اعصاب تک‌تیرانداز متخاصم بازی کرده و وی را عصبانی کنید انسان عصبی همیشه باعث خطا می‌گردد.
- سعی کنید طوری عمل کنید که تک‌تیرانداز متخاصم محل و موضع اصلی و حقیقی شما را با دیگر مواضع موجود در منطقه اشتباه و قاطی کند.
- هر لحظه از جاها و مکان‌های متفاوت و مختلفی شلیک‌های به سوی مواضع مخفی احتمالی و یا حقیقی تک‌تیرانداز متخاصم انجام دهید به صورتی که موضع مخفی شما برای وی مشخص نگردد تا جایی که حتی او به چشم‌های خودش هم شک و تردید کند و در میدان جنگ و نبرد سر در گم و گیج شود.
- سعی کنید با کمک هم قطار خود مانکن مترسک‌ها را در مکان‌های کمین مختلفی نشان داده تا با گیج کردن وی حواس او را به چالش بکشید.
- فرم کار کردن و تاکتیک شلیک و نشانه‌روی تک‌تیرانداز متخاصم را شناسایی کنید.

- سعی کنید تک‌تیرانداز متخاصم را بهتر بشناسید و موقعیت‌های مناسبی که او احتمالاً دچار خطا و اشتباه می‌گردد را از دست ندهید.
- مجبور کنید که تک‌تیرانداز متخاصم مکان خود را عوض کند و وی را به شکلی که مورد نیاز شما است با ترفندهای خود جابه‌جا و به حرکت وادارید تا او گمراه شود و به تله و کمین شما بیفتد.
- اگر نیروی تک‌تیرانداز خودی صبر و حوصله داشته باشد و حساب شده عمل کند دیر یا زود نیروی تک‌تیرانداز متخاصم به طعمه و قلاب وی می‌افتد.
- در نبرد با نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم از هر حيله و حرکتی می‌توان استفاده کرد و هیچ مانعی و ممنوعیتی و گناهی در کار و عمل و نیرنگ شما نمی‌باشد.
- در این نبرد تک‌تیرانداز دشمن تو را به دوئل (در زمان‌های گذشته در جنگ‌ها و حتی در روابط عاشقانه یک طرف متخاصم طرف دیگر را به جنگ دو به دو فرا می‌خواند. در کشور روسیه الکساندر پوشکین نویسنده و شاعر معروف روس بر سر ماجرای عاشقانه طرف مقابل را به دوئل دعوت کرد و در این دوئل بر اثر اصابت گلوله رقیب خود کشته شد) دعوت می‌کند و تو باید به دعوت او برای دوئل جواب دهی، اگر تو جواب ندهی پس چه کسی از نیروهای شما بجز تو توانائی آن را دارد که به این دوئل و مبارزه جواب دهد؟
- در اینجا قانون نا نوشته‌ای وجود ندارد، باید این مبارزه را تا آخر ادامه داد و در این نبرد مرتکب خطا شدن جایز نیست و هر خطائی برای شما خطرناک و گران تمام خواهد شد.
- در نبرد و رویاروی با نیروی تک‌تیرانداز متخاصم باید فکر کرد بازهم فکر فکر... و فکر کرد و تصمیم صحیح گرفت و صبر و حوصله کرد، صبر حوصله کرد... و صبر حوصله کرد سعی کنید که شما نیروی تک‌تیرانداز متخاصم را با تمام وجود خود احساس کنید.
- نیروی تک‌تیراندازی که در میدان‌های نبرد بی‌صبر و بی‌حوصله باشد، او خوراکی مناسب برای مرگ خواهد بود.
- در نبرد و مبارزه و دوئل با نیروی تک‌تیرانداز متخاصم باید حداکثر یک تا دو گلوله به سوی او شلیک کرده و بیشتر از این هدف‌گیری و شلیک کردن گلوله ممنوع می‌باشد. (در اینجا سرعت و دقت در نشانه‌روی تک‌تیرانداز به سوی هدف و تجربه‌های جنگی وی به کمک او می‌آید.)

- «واسیلی زایتسف» برای نیروهایش توضیح می‌دهد که شما تک‌تیرانداز زبده و ماهری هستید که برای وطنتان کار می‌کنید و حوصله و تحمل شما زیاد است و این ابزار و نکته مثبت مهم کار و عملیات شماست.
- برای آماده شدن و تصمیم‌گیری جهت هدف‌گیری نهایی باید مغز شما خیلی سریع بسیار سریع عمل و کار کند. (از دست‌نوشته‌های «واسیلی زایتسف» تک‌تیرانداز آس روس در جنگ جهانی دوم).

در جنگ‌های به وقوع پیوسته از گذشته تاکنون برای دوئل و درگیری و نبرد با نیروی تک‌تیرانداز متخاصم مبارزه و عملیات‌های در شرایط آب و هوایی و مکان‌ها و زمان‌های مختلف انجام گرفته است و از تجربه گذشتگان می‌توان نتیجه گرفت که این نبردها و دوئل‌ها هیچ مرز و محدودیتی در هیچ کجا و هیچ زمان نداشته و نخواهند داشت و این نیروی تک‌تیرانداز حرفه‌ای و زبده و باهوش و از نظر فیزیکی قدرتمند است که بر دشمنش می‌تواند قائل آید.

نیروی تک‌تیرانداز برای مشخص و هویدا کردن موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز رقیب باید از تمامی روش‌ها و ترفندهای شناخته شده و موجود استفاده کند، البته مرور کردن و استفاده کردن از تجربه‌های جنگی نیروهای تک‌تیرانداز که در نبردهای گذشته تاکنون اتفاق افتاده است برای تک‌تیراندازان تازه‌کار بسیار مفید و مؤثر می‌باشد.

با مرور وقایع و نبردهای گذشته تک‌تیراندازان می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ بسته و نسخه پیچیده شده و آماده برای از بین بردن نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم وجود نداشته است و هیچ وقت هم به وجود نخواهد آمد، در نبرد با نیروی تک‌تیرانداز متخاصم باید حتماً نقاط ضعف و قوت او را شناخت، اگر تک‌تیرانداز در هنگام روز نبرد می‌کند حتماً گردش و حرکت و مکان خورشید را فراموش نباید کرد و با حرکت نور خورشید سایه‌های پیدا و از دیدها و چشمان ناپدید می‌گردند، باید شرایط طبیعی محیط و منطقه نبرد و در آخر روانشناسی و اخلاق نیروی تک‌تیرانداز دشمن را به خوبی شناسایی کرد.

در دوئل مابین نیروهای تک‌تیرانداز باید ترفندی به کار برد تا نیروی تک‌تیرانداز متخاصم مجبور شود به نبرد با شما برآید و برای این منظور به هر طریق ممکن است باید با اعصاب وی بازی کرده و اعصاب وی را به هم بریزید، حواس و مغز وی را مغشوش و اعصاب او را جریحه‌دار و کلافه کنید.

بعضی اوقات برای این کار کافی است فقط از کلاه آهنی نیروهای پیاده استفاده کرد و کافی است کلاه آهنی را بر سر دسته بیلی و یا چوبی گذاشته و از بالای سنگر و خاک‌ریز به حرکت در آورده تا او به این کلاه آهنی شلیک کند و این کار را هر چند لحظه یک بار انجام دهید تا حالت تمسخر به خود بگیرد، تا اینکه نیروی تک‌تیرانداز و دیدبان‌های متخاصم خسته و عصبانی و کلافه شوند و سعی کنید این کار را مرتباً انجام دهید تا آنها دچار خطا شوند.

اگر در منطقه نبرد پوشش گیاهی و بوته‌زار و علف‌های بلندی وجود داشته باشد در چنین مکان‌ها و محل‌های بعضی اوقات دو نفر از هم‌قطاران نیروی تک‌تیرانداز در فاصله‌ای مشخصی قرار گرفته و با بستن ریسمان و یا طنابی و گرفتن دو سر ریسمان به دست همدیگر و هر از گاهی با به حرکت در آوردن این طناب در میان علف‌ها حرکت جابه‌جائی انسان را در برابر دیدگان نیروهای متخاصم تداعی می‌کنند و نیروهای کمکی شما هم می‌توانند در مقابل چشمان تک‌تیرانداز و نیروهای دیدبان متخاصم به همین شکل عمل کرده و علف‌ها را به جنبش در آورده به شکلی که تک‌تیرانداز خیال کند که فرد و یا افرادی از نیروهای متخاصم در بین علف‌ها به صورت سینه‌خیز در حال حرکت می‌باشند و اگر به سوی علف‌ها شلیک کنند باید دوباره علف‌ها را به جنبش در آورده تا نیروی تک‌تیرانداز متخاصم خیال کند که گلوله او به هدف اصابت کرده و نیرو و یا نیروهای متخاصم مجروح گردیده‌اند و در علف‌های موجود در منطقه در حالت غلط زدن و جان دادن می‌باشند و در این وقت نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند منتظر بماند و از طریق پریسکوپ اطراف محل موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز متخاصم را مناظره کند. باید حوصله کرد اگر ترفند و حيله تک‌تیرانداز درست عمل کرده باشد نیروهای متخاصم خیال می‌کنند که به هدف مورد نظرشان گلوله‌ای اصابت کرده است در این صورت احتمال دارد که نیروی متخاصم بی‌احتیاطی کرده و از محل کمین و اختفاء خود بیرون آید و در این وقت تک‌تیرانداز می‌تواند به او نشانه‌روی کرده و او را مورد هدف گلوله خود قرار داده و کار او را یکسره کند.

(تصویر پایین استتار نیروهای تک‌تیرانداز را در میان علف‌ها را نشان می‌دهد)



البته همیشه و در همه‌جا در منطقه نبرد نمی‌توانید این ترفندها را به صورت استاندارد و با نسخه پیچیده شده انجام داد و همیشه نسبت به مکان و زمان انجام نبرد و دوئل در این عملیات تغییراتی کمی به وجود می‌آید و این نیروی تک‌تیرانداز زنده و حرفه‌ای است که باید با نبوغ و فکر خود ترفندها و حيله‌های مناسبی برای به تله انداختن نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم اختراع و ابداع کند. مقاله‌های بسیار زیادی نوشته شده است که به صورت اتفاقی یک از نیروهای تک‌تیرانداز قسمتی از شمایل خود را که اغلب قسمتی از لباس استتار او می‌باشد را در مقابل دیدگان نیروی تک‌تیرانداز دشمن قرار داده و تک‌تیرانداز دشمن به سمت او شلیک می‌کند و برای اینکه بیشتر جلب توجه تک‌تیرانداز متخاصم را کند و نشان دهد که مورد اصابت گلوله وی قرار گرفته است اسلحه‌اش را از سنگر به بیرون پرت می‌کند و وقتی که تک‌تیرانداز دشمن این موضوع را می‌بیند سعی می‌کند که از موضع مخفی کمین خود با دوربین اپتیکیش نتایج کار را ببیند و در این فاصله زمان کوتاه تک‌تیرانداز به مکانی دیگری در فاصله کمی از موضع مخفی کمین قبلی رفته و با اسلحه زاپاس خود به نیروی تک‌تیرانداز متخاصم شلیک کرده و وی را نابود می‌کند. (بنابراین لازم است که در مناطق جنگ و نبرد تک‌تیرانداز زنده همیشه چند موضع مخفی کمین برای خود محیا کند.)

در تمامی نبردها صورت گرفته از گذشته تاکنون موارد بسیاری زیادی بوده است که نیروهای تک‌تیرانداز کم تجربه و ناشی به علت جلب توجه‌های نیروی تک‌تیرانداز متخاصم و نتیجه‌های دروغین و هیجان شخصی ناشی از نتیجه کار خود به تله تک‌تیرانداز متخاصم افتاده و با گلوله وی نابود گشته‌اند.

در خیلی از نبردهای صورت گرفته تاکنون گاهی اوقات نیروهای تک‌تیرانداز در مناطق جنگ و نبرد به صورت عمدی از خود تئاتر کوچکی درست می‌کنند. آنها در این تئاتر با نشان دادن خویش به نیروی تک‌تیرانداز متخاصم او را مجبور می‌کنند تا به سمت آنان شلیک گلوله کند و به محض شلیک گلوله نیروی تک‌تیرانداز متخاصم به سمت تک‌تیرانداز زبده و ماهر او از محل کمین خود با مترسکی بر پشت به صورت عمدی به بیرون جهیده به شکلی که صورت مترسک به سمت زمین قرار بگیرد و اسلحه تک‌تیرانداز در کنار وی باقی بماند و خود نیروی تک‌تیرانداز در زیر آن ماکت انسانی در گودی زمین قرار می‌گیرد و با تکان داد مترسک طوری نشان می‌دهد که از فاصله دور تک‌تیرانداز متخاصم خیال کند که گلوله‌اش به هدف برخورد کرده و تک‌تیرانداز رقیب در حال جان دادن می‌باشد و آن به شکلی این تئاتر را ادامه می‌دهد که تک‌تیرانداز متخاصم به وی تیر خلاص بزند و یا با دوربین اپتیکیش به جان کندن او نظر اندازد و در این حال تک‌تیرانداز زبده و حرفه‌ای از فرصت مناسب استفاده کرده و با کوچک‌ترین اشتباه و سهل‌انگاری تک‌تیرانداز متخاصم او را به گلوله اسلحه خود بسته و نابود می‌کند.

در بعضی اوقات کافی است که تک‌تیرانداز پس از شلیک گلوله به سمت موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز متخاصم به جای خود مترسکی کار گذاشته و با حرکت سریع به موضع مخفی زاپاس خود رفته و منتظر حرکات تک‌تیرانداز متخاصم می‌ماند و همین که تک‌تیرانداز متخاصم قصد شلیک به مترسک را کند و خود را در دید تک‌تیرانداز رقیب قرار دهد. در اینجا او باید بی‌درنگ به وی نشانه‌روی و شلیک گلوله کند و او را نابود کند، در نبردهای گذشته از این تاکتیک‌ها و گذاشتن تله‌های برای گمراه کردن نیروی تک‌تیرانداز متخاصم بسیار استفاده گردیده است که در عمل خیلی خوب هم جواب داده است.

بعضی اوقات برای از بین بردن نیروی تک‌تیرانداز متخاصم می‌توان بدون مخفی شدن و موضع کمین گرفتن، وی را به دام انداخته و نابود کرد. برای این منظور در مناطق جنگ و نبرد در مکان‌هایی که پستی و بلندی‌ها و موانع طبیعی وجود دارد و نیروی تک‌تیرانداز با داشتن

شناخت کامل از محل طبیعی و عوارض زمین‌های منطقه نبرد شروع به حرکت و جابه‌جا شدن می‌کند و این جابه‌جا شدن وی بیشتر به صورت تظاهر به حرکت کردن برای گمراه کردن تک‌تیرانداز متخاصم می‌باشد. در اینجا نیروی تک‌تیرانداز سعی می‌کند به شکلی عمل کند که به نظر نیروی تک‌تیرانداز متخاصم برسد که او در تمام منطقه چرخیده و حرکت کرده و تا نیروی تک‌تیرانداز متخاصم در شرایط نامناسبی برای نشانه‌روی و شلیک کردن به سمت وی قرار بگیرد تا بتواند در فرصت مناسب و در زمان کوتاهی به سمت و سوی وی نشانه‌روی و شلیک گلوله کند.

در نبرد با نیروی تک‌تیرانداز متخاصم به راحتی نمی‌توان به پیروزی دست یافت. نیروی تک‌تیراندازی پیروز و موفق کسی است که بیش از دیگری با تجربه‌تر و با حوصله‌تر و در ضمن ترندهای بیشتری برای گمراه کردن نیروی تک‌تیرانداز رقیب خود بکار ببرد، در مناطق جنگ و نبرد اگر موقعیت و شرایط منطقه جنگی مناسب باشد بهتر است که نیروهای تک‌تیرانداز به صورت جمعی و با هماهنگی کامل و خیلی قدرتمند مثل گرگ‌های که برای شکار به حمله دست جمعی می‌زنند به سوی نیروهای متخاصم عملیات هدف‌گیری و نشانه‌روی را انجام دهند و این نشان می‌دهد که برای دریافت نتیجه مناسب همکاری گروهی با نیروهای تجسس نتیجه‌بخش خواهد بود.

برای مبارزه با نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم صداقتی در کار نیست، بگذارید آنها خیال کنند که در مقابل ایشان یک نفر نیروی تک‌تیرانداز رقیب قرار دارد در صورتی که در منطقه گروهی از نیروهای تک‌تیرانداز زبده خودی از موضع‌های مخفی مختلفی آنها را زیر نظر دارند و منتظر فرا رسیدن زمان مناسب می‌باشند. اگر در مقابل گروه تک‌تیراندازان متخاصم یک گروه تک‌تیرانداز خودی قرار داشته باشد سعی گردد به هر نحو ممکن است به صورت تکی آنها را از گروهشان جدا و دست‌چین کرده، (درست مثل حمله گرگ‌ها به گله گوزن‌ها) برای این منظور از هر روش ممکن که از قبل می‌دانند و در نظر داشته‌اند و یا در منطقه نبرد و کمین به ذهنشان آمده است علیه نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم استفاده کنند.

گروه تک‌تیراندازان خودی همگی باید با هم یکی یکی آنها را تحت محاصره خود در آورده و به سمت آنها هدف‌گیری و شلیک گلوله کرده و آنها را نابود کنند، البته تمامی نیروهای تک‌تیرانداز خودی به صورت هماهنگ و جمعی می‌توانند شلیک‌های انفرادی انجام دهند.

نیروهای تک‌تیرانداز خودی وقتی که به صورت گروهی کار می‌کنند مقدار زیادی درصد شانس آنان افزایش می‌یابد و این لحظه‌ای و موقعیتی است که در جبهه‌های جنگ و نبرد اوضاع را به نفع شما تغییر می‌دهد. ضمناً این عملیات ترور و از بین بردن نیروهای تک‌تیرانداز دشمن در مناطق جنگی و زد و خوردهای آنان اثرات روحی مثبتی در روحیه یاران شما و برعکس تأثیرات مخربی هم بر روحیه نیروهای متخاصم می‌گذارد.

در تابستان سال ۱۹۴۲ میلادی در جنگ‌های خیابانی شهر استالینگراد (این شهر در گذشته به نام یوسف استالین (نام حقیقی او یوسف ویسارویچ جوگاشویلی بود) نام‌گذاری گردیده بود و استالین گراد نام داشت پس از فروپاشی دولت شوراه‌ها به ولگاگراد که اسم قبلی این شهر بود تغییر نام داد) در کرانه رود ولگا نیروهای تک‌تیرانداز روسی مدت‌ها با نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی درگیر بودند تا بتوانند آنها را از بین ببرند. در یکی از این عملیات‌ها یک نفر از نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی به همراهی یک نفر تیربارچی شلیک مرگبار خود را در روی جبهه نیروهای روس انجام می‌دادند و تعداد زیادی از نیروهای روسی را قلع و قمع کردند، برای این منظور در هر کجا که ترور نیروهای پیاده روس توسط تک‌تیرانداز آلمانی صورت می‌گرفت سریعاً نیروهای تک‌تیرانداز روس در آنجا حاضر می‌گردیدند و از هم‌قطاران بازمانده نیروی تلف شده روس در خصوص چگونه کشته شدن هم‌قطار آنها سؤال و پرس جو می‌کردند که شلیک و نشانه‌روی نیروی تک‌تیرانداز آلمانی به نیروی پیاده روس چگونه و از چه سوی اتفاق افتاده است و نیروهای پیاده روس در جواب می‌گفتند که در هنگام اصابت گلوله به هم‌قطار آنان این نیروی تلف شده در کجا بوده و بدن وی در چه حالتی قرار داشته است. در اینجا نیروهای روسی اعلام کردند که صدای شلیک گلوله اسلحه نیروی تک‌تیرانداز آلمانی همراه با رگبار شلیک مسلسل آلمان‌ها همراه بوده و به نظر می‌رسید که صدای شلیک گلوله اسلحه تک‌تیرانداز آلمانی نزدیک‌تر از صدای گلوله‌های شلیک شده از مسلسل نیروی کمکی تک‌تیرانداز آلمانی می‌باشد و با توجه به محل ورود و خروج گلوله به کلاه آهنی نیروی پیاده مشخص گردید که گلوله از سمت بالا به وی شلیک گردیده است و برای مشخص شدن مکان مخفی نیروی تک‌تیرانداز زبده آلمانی نیروهای روس کلاه آهنی را در مسیر فرضی تک‌تیرانداز آلمانی به بالا برده و در همین حین گلوله‌ای از سوی نیروی تک‌تیرانداز آلمانی به کلاه آهنی اصابت می‌کند و تک‌تیرانداز روس به صورت دقیقی خط شلیک سیر گلوله تک‌تیرانداز آلمانی را مشخص

می‌نماید و متوجه می‌گردند که با یکی از نیروهای تک‌تیرانداز حرفه‌ای آلمانی طرف هستند که صدای شلیک گلوله اسلحه خود را با صدای شلیک گلوله‌های مسلسل هم‌قطار خود خفه کرده و می‌پوشاند تا مکان مخفی کمین وی مشخص نشود، بنابراین در وهله اول آنان باید آتش مسلسل هم‌قطار تک‌تیرانداز آلمانی را خاموش کنند.

بدین ترتیب یک نفر از نیروهای تک‌تیرانداز روس حرکت کرده و در سایه ساختمان‌های تخریب شده شهر استالینگراد به صورت پنهانی در مکانی مخفی می‌گردد که این مکان در نزدیکی محل مخفی احتمالی تیربارچی آلمانی قرار گرفته بود و ضمناً افراد کمکی تک‌تیرانداز روس در خرابه‌های ساختمانی در جایی که در دید مسلسلچی آلمانی قرار می‌گرفتند و تعداد زیادی مترسک مانکن را نشان وی می‌دهند، به شکلی که آنها در حال دویدن می‌باشند و تیربارچی آلمانی با دیدن مانکن‌های فراری به گمان اینکه نیروهای پیاده روسی در حال دویدن هستند به سوی این مترسک‌ها رگبار گلوله‌های شلیک می‌کند، در این هنگام موضع مخفی تیربارچی آلمانی برای نیروی تک‌تیرانداز روس هم معلوم می‌گردد و به سوی این مکان مخفی قراولروی می‌کند همین که بار دوم مسلسلچی آلمانی قصد نشانه‌روی و شلیک به مترسک‌ها روسی را می‌کند در اینجا نیروی تک‌تیرانداز زبده روس او را دیده و به سمت وی هدف‌گیری کرده و او را مورد اصابت گلوله قرار داده و نابود می‌کند.

(تصویر زیر نیروهای تک‌تیرانداز روس را با لباس استتار زمستانی در خرابه‌های شهر استالینگراد را نشان می‌دهد.)



بعد از اینکه تک‌تیرانداز روس نیروی کمکی تک‌تیرانداز آلمانی را از بین می‌برد او در میان خرابه‌های ساختمانی به صورت سینه‌خیز و خم شده به سمت موضع مخفی تک‌تیرانداز آلمانی حرکت می‌کند. پس از حرکت تک‌تیرانداز روس به سوی موضع مخفی تک‌تیرانداز آلمانی هم‌قطاران وی برای معطوف کردن حواس تک‌تیرانداز آلمانی به سمت خودشان کلاه آهنی نیروهای پیاده را در مقابل دیدگان وی به بالا برده تا او را به وسوسه بیانازند، اما تک‌تیرانداز زبده آلمانی به این کلاه آهنی توجهی نشان نمی‌دهد و گمراه نمی‌شود، پس از مدتی نیروهای روسی مانکن مترسکی را در برابر دیدگان وی به بالا می‌برند باز هم تک‌تیرانداز آلمانی علاقه‌ای به این مترسک‌ها نشان نمی‌دهد و گمراه نمی‌گردد و این بازی تا جایی ادامه پیدا می‌کند که تک‌تیرانداز روس خود را به نزدیکی تک‌تیرانداز آلمانی رسانیده و در پشت سر وی قرار می‌گیرد و در این هنگام از موضع مخفی خود مکان مخفی نیروی تک‌تیرانداز آلمانی را در طبقات بالای خرابه‌های ساختمانی می‌بیند، نیروی تک‌تیرانداز آلمانی با پریسکوپ خود از بالای خرابه‌های ساختمانی جبهه نیروهای روس را زیر نظر گرفته بود و بی‌خبر از پشت سر خود بوده که توسط نیروی تک‌تیرانداز روس مورد نشانه‌گیری و اصابت گلوله قرار گرفته و به هلاکت می‌رسد.



(تصویر بالا متعلق به اسلحه تک‌تیرانداز کالیبر ۷/۶۲ موزر ساخت آلمان مدل «K98K» که نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی در جنگ جهانی دوم استفاده می‌کردند که مشابه اسلحه «G98K» و یا اسلحه معروف برنو می‌باشد.)

پس از اینکه نیروی تک‌تیرانداز روس تک‌تیرانداز زبده آلمانی را از میان برمی‌دارد از موضع مخفی کمین خود دو نفر دیگر از نیروهای پیاده آلمانی را در تیررس خود می‌بیند که به سمت آنها هم نشانه‌روی و شلیک گلوله می‌کند که به آنها اصابت کرده و هر دو را از میان بین برمی‌دارد، در این هنگام نیروی تک‌تیرانداز روس به محل مخفی کمین تک‌تیرانداز آلمانی رفته و اسلحه غنیمتی موزر وی را به همراه خود به قرارگاه می‌آورد.

در خلال جنگ جهانی دوم وقتی که نیروهای ارتش سرخ در خاک کشور آلمان با نیروهای آلمانی درگیر جنگ بودند در میان نیروهای آلمانی تک‌تیراندازی خیلی دقیق و زبده‌ای وجود داشت که خیلی حرفه‌ای عمل می‌کرد او بسیار دقیق از فاصله خیلی زیادی به هدف‌های از نیروهای روس شلیک می‌کرد.

دقت در نشانه‌گیری و شلیک گلوله نیروی تک‌تیرانداز آلمانی به قدری بالا بود که حتی به لنز پرِسکوپ‌های نیروهای روس هم اصابت گلوله می‌کرد. این نیروی تک‌تیرانداز آلمانی با سرعت و دقت خیلی زیاد به هر جنبنده‌ای که در تیررس و دید وی قرار می‌گرفت شلیک مرگبار می‌کرد. لباس او خیلی خوب استتار شده بود و موضع مخفی کمین او نیز به خوبی پنهان و استتار گردیده بود و هیچ وضعی در کار او دیده نمی‌شد. او در پناه صدای رگبار مسلسل شلیک نمی‌کرد، آتش اسلحه او به هیچ وجه مشخص و دیده نمی‌شد، صدای شلیک گلوله او به صورت خفه‌ای شنیده می‌شد و به خیال نیروهای روس می‌رسید که تک‌تیرانداز زبده آلمانی از فاصله خیلی دور نشانه‌روی و شلیک گلوله می‌کند و فریب هیچ مترسک مانکنی هم نمی‌خورد تا بتوان محل وی را شناسایی کرد. این نیروی تک‌تیرانداز آلمانی تلفات زیادی به نیروهای ارتش سرخ وارد کرده بود به حدی یک هنگ از نیروهای ارتش روسیه در منطقه‌ای جنگی مزبور زمین‌گیر نشانه‌روی‌ها و شلیک گلوله‌های وی شده بودند و قدرت پیشروی از آنها سلب گردیده بود و نیروهای دیدبان‌های دقیق روس هم نتوانستند موضع مخفی کمین وی را مشخص کنند. کم کم دیگر استفاده از هر نوع تله‌ای بی‌فایده می‌گردید و نیروهای پیاده روس را حساسی گرفتار و درمانده کرده بود اما آنها جستجوی خود را ادامه داده و لحظه‌ای هم غافل نمی‌شدند تا اینکه یک روز نیروهای دیدبان و تک‌تیرانداز روس متوجه محلی مابین دو جبهه جنگ آلمان‌ها و روس‌ها درست در پشت میدان مین‌هایی که توسط نیروهای آلمانی در محل کاشته شده بودند گردیدند، در آنجا مقدار زیاد صندوق خالی مهمات و اشغال‌های به جا و باقی مانده از محل و موضع نیروهای آلمانی وجود داشت.

فرماندهی نیروهای روس واقع در منطقه جنگی مزبور دستور می‌دهد که در هنگام شب با کمک نیروهای تخریب مسیری را در بین میدان مین پاک‌سازی و باز کنند و با کمک یک گروه از نیروهای تک‌تیرانداز از آنجا به سوی جبهه نیروهای آلمانی محلی که مورد نظر آنان بود حرکت کنند و آنها دستور را انجام می‌دهند و وقتی به محل مورد نظر می‌رسند در همان جا کمین می‌زنند و در وقت سحر متوجه یک نفر از نیروهای آلمانی می‌شوند که به صورت

سینه‌خیز به سوی آنها می‌آید. نیروهای روس سریعاً وی را دستگیر کرده و در بازجویی مخصوص از او نیروی اسیر شده آلمانی اعلام می‌کند که او برای گمراه کردن نیروهای روس در فاصله ۱۵۰-۱۰۰ متری از این مکان (محل اشغال‌های باقی مانده از جبهه جنگ آلمان‌ها) خود را به شکلی نشان می‌دهد که نیروهای روس را گمراه و نظر آنها را به سوی خود جلب می‌کند و در همین حین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی که موضع مخفی کمینش در زیر آشغال‌های و صندوق‌های باقی مانده از مهمات جنگی ارتش آلمان قرار داشته شلیک‌های مرگباری به سوی نیروهای هنگ روسی مستقر شده در منطقه نبرد انجام می‌دهد.

این نیروی تک‌تیرانداز آلمانی موضع مخفی کمین خوبی در میان این صندوق‌ها برای خود مهیاء کرده بود و از این مکان مخفی تعدادی سوراخ و منفذ به سمت جبهه نیروهای روس تعبیه کرده و در زمان مناسب با پدیدار شدن هدف‌های در هنگ نیروهای روس از داخل این سوراخ‌ها به سمت آنان شلیک گلوله می‌کرده و دود و آتش ناشی از شلیک گلوله هم در میان صندوق‌های خالی و آشغال‌های باقی مانده پخش می‌گردید و به بیرون نمی‌رفته و صدای شلیک گلوله‌های وی هم در میان آن همه وسیله خفه می‌گردیده است. بعد از دریافت این اطلاعات از اسیر آلمانی نیروهای تک‌تیرانداز روس در همان جا موضع مخفی کمینی برای خویش درست کرده و در آنجا پنهان شده و منتظر آمدن نیروی تک‌تیرانداز زبده و حرفه‌ای آلمانی می‌مانند.

پس از گذشت مدت زمان کمی در سحرگاه سر و کله نیروی تک‌تیرانداز آلمانی پیدا می‌شود، او به سمت موضع کمین خود به آهستگی و به صورت خم شده‌ای حرکت می‌کند که توسط نیروهای تک‌تیرانداز روس شناسایی و از سمت پهلوی مورد هدف و شلیک گلوله قرار می‌گیرد که نیروهای روس با نشانه‌روی و اصابت گلوله به تک‌تیرانداز آلمانی او را از بین می‌برند و آن وقت نیروهای روس مستقر در این هنگ توانستند نفس راحتی بکشند.

(عکس زیر تک‌تیراندازان آلمانی را با لباس استتار در حال رفتن به مأموریت در جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد)



در عملیات ذکر شده قدم اصلی و مهم که نیروهای روس برداشته‌اند این بوده که به سرعت یکی از نیروهای آلمانی را در محل مورد نظر دستگیر کرده و خیلی سریع وی را بازجوئی و از او اطلاعات ارزشمندی در مورد موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی به دست می‌آورند که منجر به انجام موفق آمیز عملیات آنها می‌گردد.

در جنگ جهانی دوم نیروهای تک‌تیرانداز روس عملیات دیگری با موفقیت در خاک آلمان انجام می‌دهند که بدین شرح می‌باشد، وقتی که یک گروه تجسس و گشتی روس به همراهی یک نفر از نیروهای تک‌تیرانداز در میان دو جبهه جنگ حرکت و جستجو می‌کردند در محلی به موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز آلمانی برمی‌خورند که مقداری پوکه خالی و تکه کاغذی را پیدا می‌کنند که در روی آن فاصله و مسیرها و جهت‌های نشانه‌روی و شلیک به سمت نیروهای روس را تا محل کمین خود مشخص کرده و همچنین تعدادی از موضع‌های مخفی و کمین و اختفاء هم‌قطاران تک‌تیرانداز آلمانی هم در روی آن کاغذ ترسیم گردیده بود و با توجه به رد و آثار به جا مانده تازه از نیروی تک‌تیرانداز آلمانی نیروهای گشتی و تک‌تیرانداز روس در همان جا کمین زده و منتظر وی می‌مانند، در سحرگاه روز بعد وقتی که نیروی تک‌تیرانداز آلمانی به صورت سینه‌خیز به آنجا نزدیک می‌گردید توسط نیروهای روس در موضع مخفی کمینش دستگیر می‌شود و پس از بازجوئی فنی مناسب معلوم می‌گردد که او از موضع مخفی کمینش به

سوی نیروهای روسی شلیک گلوله می‌کرده و برای راحتی کار خود در مکان‌های مختلفی کاغذهای را با اطلاعات لازم در مورد مسیرهای مختلف و فاصله‌های محاسبه شده تا هدف‌های در جبهه نیروهای روس را در مکان‌ها مورد نظر کمین مخفی خود بر جای می‌گذاشته که باعث لو رفتن مکان او و هم‌قطاران وی می‌شود.

در مناطق جنگ و نبرد همیشه نیروی تک‌تیرانداز خبره و حرفه‌ای سعی می‌کند که در موضع مخفی کمین خود هرگز هیچ چیزی را بر جای نگذارد. حتی نباید هیچ علامتی را در محل مخفی کمین خود بر جای گذاشته که نشان دهد در اینجا نیروی تک‌تیراندازی موضع مخفی کمین گرفته بوده است. سعی گردد پوکه‌های مصرف شده را جمع‌آوری و یا در همان جا در زیر خاک دفن و یا به جای دیگری حمل کرده و مخفی کند.

نیروی تک‌تیرانداز نباید همیشه به یک موضع مخفی کمین برود، تک‌تیرانداز زبده و ماهر مثل روباه حيله‌گر است و همیشه تعداد زیادی راه فرار و موضع‌های مخفی کمین برای خود در نظر می‌گیرد و هر بار در صورت نیاز در یکی از این مکان‌های مورد نظر موضع مخفی کمین می‌گیرد. در جنگ‌های گذشته خیلی از نیروهای تک‌تیرانداز به علت سهل‌انگاری و بر جا گذاشتن علامت‌های دال بر وجود موضع مخفی کمین خود در منطقه نبرد به دردسر بدی افتاده‌اند و پس از ترک کردن موضع مخفی کمین خود و در زمان دیگری که برای استفاده به این موضع مخفی کمین باز می‌گشتند توسط نیروهای رقیب به اسارت گرفته و یا نابود می‌شدند یا اینکه نیروهای دشمن با توجه به دیدن موضع مخفی کمین وی و با آگاهی از این که نیروی تک‌تیرانداز به این محل باز می‌گردد در آن موضع مخفی کمین تله‌های انفجاری کار می‌گذاشتند که باعث از بین رفتن نیروهای تک‌تیرانداز می‌گردیده است. در مورد دیگری یک از نیروهای تک‌تیرانداز روس در موضع مخفی کمین خود یک کاغذ (نقشه دست‌نویس) برجای می‌گذارد که در روی آن محل‌های کمین نیروهای آلمانی را مشخص کرده بود و بعد از یک شبانه‌روز نیروهای گشتی و تجسس آلمانی این کاغذ را پیدا کرده و بر سر راه تک‌تیرانداز روس کمین زده و وی را به گلوله بسته و نابود می‌کنند. نیروهای تک‌تیرانداز همیشه باید به خاطر بسپارند که در منطقه جنگ و نبرد هیچ وسیله کوچک و به درد نخوری را که نشانی از وجود آنان در آن می‌باشد و ثابت می‌کند که آنها از این موضع مخفی کمین استفاده می‌کنند را بر جای نگذارند.

(تصویر زیر تک‌تیرانداز آلمانی و هم‌قطارش در جبهه‌های جنگ جهانی دوم با اسلحه موزر را نشان می‌دهد)



در سال ۱۹۴۳ میلادی در هنگام نبردی میان نیروهای ارتش روس و نیروهای ارتش آلمان در نزدیکی شهر «پلتاوا» واقع در کشور اکراین در هنگام شب نیروهای گشتی روس یک نفر جاسوس را دستگیر کرده و به سنگر خود آورده، این جاسوس به شدت ترسیده بود که نیروهای روس وی را آرام کرده، آنها با رثوفت و مهربانی با وی برخورد می‌کنند و دست‌های او را باز کرده و از دهان وی گلوله پارچه‌ای که برای بی‌صدا کردن وی گذاشته بودند بیرون کشیده و یک نخ سیگار به وی داده و او را آرام می‌نمایند، بعد از گذشت مدتی که این اسیر آرام گردید شروع به سخن گفتن می‌کند او توضیح می‌دهد که چند وقتی است یک گروه تک‌تیرانداز حرفه‌ای آلمانی به این قسمت از جبهه جنگ عزیمت نموده‌اند؛ البته آنها قبلاً در جبهه جنگ دیگری کار می‌کرده‌اند و در شماره‌حساب آنها ترورهای زیادی از نیروهای ارتشی روسیه می‌باشد، او ادامه می‌دهد که آنها خیلی حرفه‌ای عمل می‌کنند، خیلی خوب و عالی و حساب شده کار می‌کنند، آنها خیلی محافظه‌کارند. این نیروهای تک‌تیرانداز به طور خیلی حرفه‌ای موضع کمین خود را مخفی و استتار می‌کنند. آنها با دیدن هیچ مترسکی گمراه نمی‌شوند و به آن توجه‌ای نشان نمی‌دهند و با هر حيله و کلک نیروهای تک‌تیرانداز روس آشنا هستند و به هیچ وجه گمراه نمی‌شوند و وقتی که فرد اسیر شده متوجه گردید که نیروهای روس به خوبی از وی پذیرائی کرده‌اند و قصد آزار و اذیت و کشتن وی را ندارند او به خوبی عملکرد تک‌تیراندازان آلمانی را با جزئیات کامل عملیات نظامی آنها را توضیح و تشریح می‌کند و از روش‌های مورد

استفاده آنها، از عادات این گروه‌های تک‌تیرانداز صحبت بسیار می‌کند. او همچنین توضیح می‌دهد فرمانده این گروه تک‌تیراندازان همیشه از وسایل موجود در طبیعت منطقه نبرد برای استتار افراد گروه تک‌تیراندازش استفاده می‌کنند. او توضیح می‌دهد که این گروه از نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی بیشتر از علف‌ها و شاخ برگ درختان موجود در منطقه برای استتار موضع مخفی کمین افرادشان استفاده می‌کنند به همین علت است که موقعیت موضع مخفی کمین آنها کمتر توسط نیروهای دیدبان و تک‌تیراندازان روس مشاهده می‌گردد.

فرمانده این گروه تک‌تیرانداز آلمانی خیلی زبده و حرفه‌ای عمل می‌کند، او مرتباً موضع مخفی کمین نیروهایش را عوض می‌کند، این نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی اغلب در منطقه آزاد بین دو خط جبهه جنگ موضع مخفی کمینشان را برپا می‌کنند (در غرب منطقه بین دو جبهه جنگ را منطقه آزاد می‌گویند) و آنها اغلب در کانال‌های صاف و بدون عوارض طبیعی موضع کمینشان را مخفی و استتار می‌کنند و همیشه سعی می‌کنند که در پشت محل کمین آنها پشته زمین و یا ترانشه قدیمی قرار داشته باشد که در مواقع خطر به راحتی بتوانند عقب‌نشینی کنند. این نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی همیشه سعی می‌کنند که مکان کمین خود را طوری درست و مهیاء کنند که نور و تابش اشعه‌های خورشید در پشت سر آنها قرار گیرد و در سایه پشته بلند زمینی که در منطقه نبرد وجود دارد موضع مخفی کمین خود را درست می‌کنند طوری که نور و تابش اشعه‌های خورشید به چشمان نیروهای روس تابش داشته باشد و آنها همیشه سعی می‌کنند که موضع مخفی کمین آنها در میان بوته‌های و شاخ و برگ درختان قرار بگیرد و یا اگر موضع کمینشان در منطقه بدون درخت و بوته زاری واقع گردید سعی می‌کنند از همه طرف با شاخه و برگ درختان موضع کمین مخفی خود را پنهان و استتار کنند و آنها همیشه از این موضع‌های مخفی خود عملیات ترور نیروهای روس را انجام می‌دهند.

(تصویر زیر موضع مخفی کمین تک‌تیراندازان را در جنگلی نشان می‌دهد که به خوبی استتار گردیده است)



با توجه به اطلاعات ذی‌قیمتی که فرد اسیر شده در اختیار نیروهای روس قرار داده فرماندهی گروه‌های تک‌تیرانداز روس تصمیم قاطعی گرفته و با استفاده از نقشه مقیاس بزرگ ۱:۲۵۰۰۰ از محل جبهه‌های دو طرف جنگ و محل کمین نیروهای آلمانی به دقت تمام پستی و بلندی‌ها و تمام ترانشه‌ها منطقه نبرد را بررسی کرده و شبانگاهان به یک گروه تک‌تیرانداز روس دستور می‌دهد که در سمت جنوبی جبهه‌های جنگ در پهلوی پشته‌های خاک و ترانشه‌های قدیمی مخفی و موضع مخفی کمین برای خود در نظر بگیرند.

در آن وقت فصل تابستان بود و هوا در روز به شدت گرم و شرجی (در نیمکره شمالی در فصل تابستان به علت وجود تابش بیش از ۲۰ ساعت نور خورشید در روز و گرم شدن شدید و وجود رودخانه‌ها و دریاچه‌های فراوان هوا به شدت شرجی و گرم می‌گردد و اگر در نزدیکی و یا داخل جنگل باشید نیش پشه‌های هم در دسرساز می‌شوند و برای افرادی که در موضع مخفی کمین خود نشسته‌اند دیدبانی در این مناطق و صبر حوصله زیادی را می‌طلبد) و توجه گروه تک‌تیراندازان روس به جایی در منطقه نبرد تقریباً در محدوده‌ای که چند روز قبل نیروی آلمانی را دستگیر کرده بودند گردید، در آنجا کنار پشته‌های خاک و ترانشه‌های قدیمی محل تقریبی موضع کمین گروه تک‌تیرانداز آلمانی بود که به نظر می‌رسید بوته‌هایی در روی زمین کاشته شده‌اند و برگ‌های این بوته‌ها در زیر نور آفتاب پژمرده و پلاسیده شده بود و به نظر می‌رسید

که آن بوته‌ها از بی‌آبی پژمرده شده‌اند. اما کمی دورتر بوته‌های گیاهان شاداب به نظر می‌رسیدند و در مقابل این بوته‌های کاشته شده به سمت نیروهای روس سرشاخه بوته‌ها و علف‌های بلند موجود در موضع مخفی احتمالی کمین را به خوبی هرس کرده بودند تا مزاحم دیدبانی و هدف‌گیری و تیراندازی نیروهای تک‌تیرانداز احتمالی آلمان‌ها نگردند و کمی دورتر در نزدیکی این علف‌ها هنوز علف‌های بلند و دست نخورده وجود داشت و تک‌تیراندازان روس حدسشان درست از آب در آمده بود این مکان موضع مخفی کمین نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی بود و محدوده هرس شده شعاع تیراندازی آنها بود. همیشه در چنین مکان‌های با داشتن علف‌ها و یا بوته‌های بلند در هنگام شلیک گلوله اسلحه و سرعت گازهای خروجی و فشار خروجی گاز باروت علف‌ها و بوته‌های را به جنبش و حرکت در می‌آورد و بنابراین تک‌تیراندازان زبده همیشه تا شعاع چند متری از لوله اسلحه‌شان علف‌ها را هرس می‌کنند تا از سوی دیدبان‌های متخاصم موضع مخفی کمین آنها معلوم و مشخص نگردد.

گروه تک‌تیرانداز روس در موضع مخفی کمین خود به انتظار می‌نشینند تا اینکه شاید یک نفر از نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی از گرما کلافه شود و از محل کمین و اختفاء خود خارج گردد که انتظار آنان زیاد به طول نمی‌کشد که تک‌تیرانداز آلمانی به آهستگی از کمین خود به بیرون خزیده و در سایه تپه پشت سر خود به سمت جبهه خودی روانه می‌شود، در این وقت تک‌تیرانداز روس وی را مورد هدف گلوله خود قرار داد و به زندگی وی پایان می‌بخشد. در همین زمان تک‌تیرانداز روس فرد دیگری از گروه تک‌تیراندازان آلمانی را در همان نزدیکی در سایه تپه‌ای می‌بیند که به همان شیوه پنهان گشته بود، او گودال نه‌چندان عمیقی کنده، این گودال موضع مخفی کمین وی بود و روی این محل کمین را با بوته‌ها و شاخ برگ‌های درختان استتار کرده بود و تمامی علف‌ها را در اطراف موضع مخفی کمین خود سمت جلو و سمت چپ و سمت راست را تا شعاع چند متری هرس کرده بود، نیروها تک‌تیرانداز روس تکه‌ای از آینه شکسته‌ای را بر سر چوب کرده و از محل دیگری در برابر نور خورشید که بر آن تابش می‌کرد و موجب انعکاس نور خورشید از آینه می‌گردید را به وی نشان داده و در همین لحظه تک‌تیراندازان دیگر روس از طریق پریسکوپ از موضع مخفی کمینشان تک‌تیرانداز آلمانی را زیر نظر گرفته بود و به محض دیده شدن انعکاس تابش نور خورشید تک‌تیرانداز آلمانی به سوی آن نور که خیال می‌کرده تابش انعکاس لنز دوربین اسلحه تک‌تیرانداز روس‌ها است شلیک گلوله می‌کند، با شلیک گلوله و کمی تکان خوردن علف‌ها در نزدیکی موضع مخفی

کمین وی به خوبی مکان مخفی تک‌تیرانداز آلمانی مشخص می‌گردد، در این هنگام تک‌تیراندازان روس با دو اسلحه‌ای تک‌تیرانداز دوربین‌دار موسینای ۷/۶۲ میلی‌متری خود در یک زمان به زیر بوته‌ها به محل کمین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی شلیک می‌کنند و وی را با گلوله‌های آتشین خود نابود می‌کنند.

پس از چند روز نیروهای ارتش روس مناطق تحت اختیار نیروهای آلمانی را تصرف می‌کنند و در آنجا با جسد تک‌تیرانداز آلمانی که در موضع مخفی کمینش تلف شده بود مواجه می‌گردند و پس از این اتفاق بقیه نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی از این منطقه خارج گشتند و دیگر در این نواحی پیدا نمی‌شوند.

یکی دیگر از تک‌تیراندازهای معروف روسی جنگ جهانی دوم «ایوان کولبرتینوف» نام داشت، او از شکارچی‌های بومی منطقه سیبری بود به گزارش‌های اعلام شده در پرونده او شکار ۴۲۸ نفر از نیروهای آلمانی می‌باشد. او یکی از خاطره‌هایش را تعریف می‌کند و می‌گوید که یک بار در جبهه‌های جنگ جهانی دوم از موضع مخفی کمین خود متوجه چند نفر از نیروهای آلمانی گردیدم که در حال خالی کردن صندوق‌های مهمات از کامیونی بودند، او می‌گوید با خودم شروع به صحبت کردن کردم و گفتم صبر کنید فاشیست‌های لعنتی به زودی شفق قطبی برایتان درست می‌کنم (در مناطق شمالی کره زمین در هنگام شب نورهای رنگارنگی در افق پیدا می‌شوند که به شفق قطبی معروف هستند و هر سال تعداد زیادی جهانگرد برای دیدن آنها به مناطق شمالی کره زمین مسافرت می‌کنند) من منتظر ماندم تا آخرین صندوق را از کامیون ارتشی تخلیه و پیاده کنند در همین حال در خشاب اسلحه‌ام فشنگ آتش‌زائی قرار دادم و با نشانه‌روی دقیق به یکی از صندوق‌های مهمات انفجار مهیبی صورت گرفت و تعداد زیادی از نیروهای فاشیستی به همراه صندوق‌های مهمات به هوا پرتاب گردیده و از بین رفتند.

در جای دیگری از جبهه جنگ جهانی دوم تک‌تیرانداز زبده روس «واسیلی زایتسف» موضع کمین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی را زیر نظر می‌گیرد. برای این منظور او سینه‌خیز به سمت چپ نیروی آلمانی در بالای مکان مرتفعی می‌رود که دید کاملی به محل تک‌تیرانداز آلمانی نداشته است ولی در مسیر حرکت وی قرار گرفته بود. او می‌گوید ساعت‌ها صبر و انتظار نتیجه خودش را داد، نیروی تک‌تیرانداز آلمانی در حال برگشت از موضع مخفی کمینش همراه با افسری از نیروهای اس اس در حالی که اسلحه خود را به پشتش آویزان کرده بود در حال صحبت کردن و حرکت به سمت مواضع نیروهای خودی بودند، زایتسف می‌گوید که در خم ترانشه‌ای در مدت

زمان کوتاهی هر دوی آنها در دید و تیررس من قرار گرفتند، من آنها را دیده و از مکان مخفی خود با فاصله زمان اندکی به هر دو نفر آنان نشان روی و شلیک گلوله کردم و آنها را قبل از اینکه فرصت پنهان شدن پیدا کنند به گلوله بستم و نقش بر زمین کردم، در ادبیات کلاسیک برای کمتر تک‌تیرانداز (نیروی از بین برنده تک‌تیرانداز متخاصم را هم به این نام می‌شناسند) فرمول و روش‌های خاصی نوشته‌اند که بعد از جنگ جهانی دوم در خیلی از کشورهای جهان در تمام کتاب‌های و دوره‌های آموزش و دروس نیروهای تک‌تیراندازان تدریس می‌گردیده است.

روایت دیگری از درگیری بین تک‌تیراندازان روس و تک‌تیراندازان آلمانی در جنگ جهانی دوم بدین شرح اتفاق افتاده است که در یکی از خطوط مقدم جبهه‌های جنگ گروهی از نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی موضع مخفی کمین مناسبی برای خود انتخاب و درست کرده بودند محل کمین آنها واقع در نزدیکی خط مقدم و پشت میدان مین در نزدیکی جبهه و سنگرهای نیروهای خودی قرار داشت. آنان این موضع مخفی را از سنگرهای بتونی درست کرده بودند و برای از بین بردن نیروهای روس در آنجا به انتظار می‌نشستند و همین که یکی از نیروهای ارتش روسیه در دید و تیررس آنها قرار می‌گرفت آنان با نشانه‌گیری دقیق خود او را از بین می‌بردند با چنین وضعیتی از طرف فرماندهی جبهه به گروهی از تک‌تیراندازان روس مأموریت داده شده که سنگرها و موضع‌های مخفی کمین نیروهای آلمانی را در خط مقدم جبهه از بین ببرند.

تک‌تیراندازان روس به دقت محل مورد نظر را تحت بررسی خود قرار دادند، آنها عادات و کارهای تک‌تیراندازان آلمانی را زیر نظر گرفتند و مشخص کردند که تک‌تیراندازان آلمانی در زمان مشخصی برای صرف نهار به صورت سینه‌خیز به سمت نیروهای خودی بر می‌گردند، در هنگام شب نیروهای تخریب روسی به میدان مین نزدیک گردیده و شروع به خنثی کردن مین‌های کاشته شده در مسیری مشخص کردند و معبری را برای رفتن تا نزدیکی موضع مخفی نیروهای آلمانی گشودند، در شب هنگام وقتی که سنگر بتونی نیروهای آلمانی خالی بود نیروهای تخریب روس با همراهی یکی از نیروهای تک‌تیرانداز با لباس استتار کامل و به صورت سینه‌خیز به سنگر بتونی محل مخفی کمین نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی نزدیک گردیدند، آنان در زیر قطعات بتونی سنگر مخفی نیروهای آلمانی چند گلوله‌ای ۱۲۰ میلی‌متری خمپاره در زیر سطح زمین و در گودالی که توسط آنان حفر شده بود قرار دادند و کلید چاشنی انفجار گلوله‌ها را با برگ کاغذ سفیدی که نیروهای آلمانی قادر به دیدن آن نبودند پوشاندن و این کاغذ سفید از فاصله دور به راحتی توسط نیروهای تک‌تیرانداز روس مشاهده می‌گردید در روز بعد و اول صبح نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی به موضع مخفی کمین خود برگشتند در اینجا

یک نفر از نیروهای تک‌تیرانداز روس با نشانه‌روی و شلیک دقیق گلوله اسلحه و اصابت آن به کاغذ سفید چاشنی گلوله‌های خمپاره‌ها را به کار انداخته و در یک لحظه باعث انفجار گلوله‌های خمپاره‌ها گردید، از شدت انفجار صورت گرفته بدن نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی همراه با قطعات بتونی به هوا پرتاب می‌گردند و تا مدت‌ها این منطقه امن و نیروهای ارتش روس در این قسمت از جبهه جنگ نفس راحتی می‌کشند.

در جای دیگری در جبهه‌های جنگ جهانی دوم در محل مسطحی نیروهای روس متوجه ریشه درختی از جا درآمده‌ای گردیدند که به نظر می‌رسید از آن برای استتار موضع مخفی کمین دیدبان‌های آلمانی استفاده می‌شود، این ریشه درخت در فاصله تقریباً ۴۵۰ متری از جبهه نیروهای روس قرار داشت، نیروهای روس با تیربار «دشکا» (Deshaka) (در زبان فارسی به اشتباه «دوشیکا» می‌نامند) به این ریشه درخت رگباری از گلوله‌های ۱۲/۷ میلی‌متری (کالیبر ۵۰ اینچی) شلیک می‌کنند، ریشه درخت تکانی می‌خورد اما بر روی زمین نمی‌غلتد و در اینجا برای نیروهای روس این سؤال پیش می‌آید که این ریشه درخت باید خیلی محکم به جایی بسته شده باشد و به احتمال زیاد بر روی موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی محکم بسته شده است و در زیر آن یکی از نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی به دیدبانی و کمین نیروهای روس نشسته است و با استفاده از پریسکوپ خود منطقه جبهه و سنگرهای نیروهای روس را زیر نظر دارد، حدس آنان درست از آب در می‌آید و معلوم می‌شود که در زیر این ریشه درخت و در جایی بی‌خطری محل اختفاء تک‌تیرانداز آلمانی قرار گرفته است، نیروی تک‌تیرانداز روس برای از بین بردن تک‌تیرانداز زنده و حرفه‌ای آلمانی در محلی دیگری موضع مخفی کمینی درست کرده به طوری که دید کامل به پایین ریشه درخت و موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز آلمانی داشته باشد.

هم‌قطار تک‌تیرانداز روس در قسمتی از سنگر نیروهای روس که کف زمینش مقداری بالاتر از کف قسمت‌های دیگر بود مترسکی را در برابر دیدگان تک‌تیرانداز آلمانی حرکت می‌دهد، در این هنگام به چشم تک‌تیرانداز آلمانی می‌آید که این مترسک یکی از نیروهای روس در حال حرکت در قسمتی از سنگرهای جبهه روس‌ها که ارتفاع کمی دارد است و او خیال می‌کند که احتمالاً نیروهای روس متوجه محل مخفی کمین وی در زیر ریشه درخت نگردیده‌اند و شلیک گلوله‌های مسلسل «دشکا» فقط جهت کنترل بوده است. وقتی نیروی تک‌تیرانداز آلمانی خاطرش آسوده گردید که کسی در روی موضع مخفی کمین وی کار نمی‌کند بدن خود را از زیر ریشه درخت قدری به بالا آورده و از آنجا به این مترسک مانکن که به خیالش از فاصله دور تقریباً نیم کیلومتری یکی از افراد نیروهای ارتش روس می‌باشد و با اسلحه موزرش گلوله‌ای به سمت وی شلیک می‌کند.

(تصویر پایین تک‌تیرانداز آلمانی در جنگ جهانی دوم که در شاخ و برگ درخت پنهان شده را نشان می‌دهد)



گلوله شلیک شده نیروی تک‌تیرانداز آلمانی دقیقاً به صورت مترسک اصابت می‌کند و همزمان با شلیک تک‌تیرانداز آلمانی به مترسک تک‌تیرانداز روس آتش اسلحه او را در بین ریشه‌های درخت مشاهده می‌کند در این هنگام نیروی تک‌تیرانداز روس که به سمت ریشه درخت نشانه‌روی کرده و منتظر فرصت مناسب بوده است ماشه اسلحه خود را کشیده و به سمت تک‌تیرانداز آلمانی شلیک گلوله می‌کند که گلوله وی درست و دقیق به هدف اصابت می‌کند و باعث نابودی نیروی تک‌تیرانداز آلمانی می‌گردد.

اگرچه تمامی این روایت‌ها و مثال‌ها تجربه‌ای است مربوط به گذشته دور که با سختی و تلف شدن یکی از نیروها درگیر در جنگ‌ها به دست آمده است اما هنوز کارائی خودشان را از دست نداده‌اند و شناختن این روایت‌ها و تجربه‌ها درس خوبی برای نیروهای تک‌تیرانداز ما می‌گردد، البته امیدواریم هیچ جنگی دیگر در سرزمین جاودانه ما پاریسیان رخ ندهد و هیچ خونی از این جوانان رشید و مردمان دلیر و مهربان صلح‌طلب ایرانی بر روی زمین ریخته نشود تا بتوان از این تجربه‌ها مجدداً استفاده کرد.

در جنگ جهانی دوم در منطقه پروس غربی (منطقه پروس غربی در گذشته قسمتی از خاک کشور آلمان در کرانه دریای بالتیک بود که بعد از جنگ جهانی دوم به تصرف ارتش سرخ در آمد و هم اکنون با اسم کالنین گراد شناخته می‌شود و متعلق به جمهوری فدرال روسیه است)

هم‌قطار کمکی تک‌تیرانداز روس با در دست داشتن مترسک مانکنی توجه یک نفر از نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی را به سوی خود جلب می‌کند، موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز آلمانی درست در جلوی پست نیروهای دیدبان و در پشت سنگرها و خاک‌ریزهای آلمان‌ها قرار داشته است و هم‌قطار کمکی تک‌تیرانداز روس چندین مرتبه به پست دیدبانی نیروهای آلمانی شلیک گلوله می‌کند و سپس خیلی سریع و به سرعت به پایین و به پشت سنگر محل کمین مخفی خود می‌خزد و به جای خود مترسکی با اسلحه دوربین‌دار به دست به آهستگی به بالای سنگر می‌آورد و در اینجا تک‌تیرانداز آلمانی می‌داند که همیشه تک‌تیراندازان روسی به پست‌های دیدبانی آنان شلیک گلوله می‌کنند تا جلوی کار دیدبانی آنها را بگیرند بنابراین او بی‌درنگ به مترسک تفنگ به دست شلیک گلوله می‌کند.

در همین وقت از پهلوی دیگر جبهه نیروی تک‌تیرانداز ماهر روس این موضع را دنبال می‌کرده است و منتظر همین عکس‌العمل نیروی آلمانی بوده که با مشاهده و پدیدار شدن نیروی تک‌تیرانداز آلمانی از موضع مخفی کمین خود گلوله‌ای به سمت وی شلیک کرده و با اصابت دقیق گلوله او را به هلاکت می‌رساند.

همیشه در زمان جنگ پس از آموزش دادن نیروهای تک‌تیرانداز در آموزشگاه‌های تک‌تیراندازی نیروهای جوان دیر و یا زود به منطقه جنگی عزیمت می‌کنند و آنان تجربه عملیات در جبهه‌های جنگ را از نزدیک لمس می‌کنند. در اینجا تنها دشمن بزرگ این نیروهای جوان تک‌تیرانداز احساسات و غرور بیش از حد آنها می‌باشد. هرکدام از نیروهای ارتشی پس از مدتی به حال و هوا و صداها و انفجار مناطق جنگی عادت می‌کنند و در نتیجه آنها احساس می‌کنند که همه چیز را می‌دانند و این پیروزی‌های به دست آمده ساده و اتفاقی بوده‌اند و این باور غلط توسط آنان در جبهه‌های جنگ باعث می‌گردد که نیروهای تک‌تیرانداز نسبت به کار و تجربه اندک خود مغرور و شاد گردند و شادی و هیجان ناشی از پیروزی‌های کوچک آنان باعث سهل‌انگاری و ساده‌برخورد کردن نیروهای تک‌تیرانداز به مسائلی مهم و اصلی در جبهه جنگ و نبرد می‌شود و خودشان را به دردسرهای جبران‌ناپذیر و خطرناکی می‌اندازند که برای آنان بسیار گران تمام می‌شود.

روایت دیگری از این نمونه اتفاقات چنین است که در یکی از جبهه‌های جنگ در شمال قفقاز در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۸ میلادی یکی از افراد تازه‌کار نیروهای تک‌تیرانداز ارتش فدرال روسیه در یکی از مناطق جنگی قفقاز محل تقریبی موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز متخاصم

(منظور جدائی طلبان چچن) را که مدت‌ها به سمت نیروهای روسی هدف‌گیری و شلیک مرگبار می‌کرده و آنها را از بین می‌برده را در بالای دودکش کارخانه مخروبه‌ای پیدا می‌کند و پس از مشاهده موضع مخفی کمین وی او با محاسبه فاصله و سرعت باد و دیگر پارامترهای لازم بعد از مدت‌ها صبر و انتظار در حین غروب که هنوز خورشید در افق کاملاً ناپدید نگردیده بود هیبت سیاه رنگ او را در بالای دودکش کارخانه مخروبه مشاهده می‌کند. نیروی تک‌تیرانداز روس از فاصله نسبتاً زیادی به این هیبت سیاه رنگ هدف‌گیری و شلیک گلوله می‌کند که گلوله او دقیقاً به هدف اصابت کرده و تک‌تیرانداز متخاصم را از بین می‌برد و هیکل نیروی تک‌تیرانداز متخاصم به پایین دودکش کارخانه فرود می‌آید و کمر بند اسلحه او در بالای دودکش کارخانه به جایی گیر کرده و اسلحه او در همان جا در آن بالا باقی می‌ماند. در گزارش باقی مانده از این عملیات نشان می‌دهد که این صحنه خیلی تماشائی بوده است درست مثل فیلم‌های هالیوودی که تک‌تیرانداز روس نیروی متخاصم را به هلاکت می‌رساند و از وقوع موفق این عملیات تک‌تیرانداز روس از خوشحالی و به دست آوردن پیروزی بر نیروی متخاصم شروع به جشن و پایکوبی می‌کند و به همگی می‌گوید خلاصه من او را از بین بردم دیگر کسی به نیروهای ما شلیک نمی‌کند و او حقیقتاً فراموش کرده بود که در جبهه‌های جنگ باید و حتماً مسائل امنیتی را رعایت کرد. این نیروی تک‌تیرانداز تازه‌کار روس با اسلحه خود در جای باز و روبرو به دودکش کارخانه قدیمی ایستاده بود تا بهتر نتیجه کار خود را تماشا و احساس خوشحالی و شادی بیشتری کند در همین حال رفیق نیروی تک‌تیرانداز متخاصم هلاک شده از گوشه‌ای دیگری تمام عملیات این تک‌تیرانداز جوان روس را زیر نظر داشته است و او را دیده و به سمت او نشانه‌روی و هدف‌گیری می‌کند و با شلیک گلوله و اصابتش به وی او را به هلاکت می‌رساند. بعد از این اتفاق به وجود آمده نیروهای دیگر تک‌تیرانداز روس برای از بین بردن نیروی تک‌تیرانداز متخاصم به جنب و جوش می‌افتند و در اینجا رفیق تک‌تیرانداز کشته شده متخاصم شروع به جابه‌جا شدن به سمت چپ از خود و حرکت در خلاف جهت عقربه‌های ساعت می‌کند تا بهتر مسلط بر اوضاع منطقه و عملیات باشد همین که نیروهای تک‌تیرانداز روس موضع مخفی کمین او را پیدا می‌کردند او مرتباً جای خود را عوض می‌کرده و لحظه به لحظه از محل کمین خود به طرف نیروهای روس هدف‌گیری و شلیک گلوله می‌کرد، در تلاش‌هایی که برای از بین بردن او توسط تک‌تیراندازان روس صورت می‌گرفت همیشه سمت چپ بدن آنان در معرض شلیک‌های او قرار می‌گرفت، چون آن تک‌تیرانداز زنده طوری عمل می‌کرد که از سمت

راستش شلیک کند و نیروهای روسی به علت موضع کمین گرفته شده مناسب و حرفه‌ای این تک‌تیرانداز مجبور بودند از سمت چپ خود به سوی وی شلیک کنند. او به بازی کردن با نیروهای تک‌تیرانداز روس ادامه می‌داد تا اینکه در آخرین مرحله این جابه‌جایی‌ها نیروی تک‌تیرانداز چپنی به محلی می‌رود که توسط تک‌تیراندازان روس دیده می‌شود و در سمت چپ آن تک‌تیرانداز هیچ مانعی وجود نداشته است که در پشت آن پنهان گردد و سمت چپ او خالی می‌گردد و او مجبور می‌شود که از روی شانه چپ خود شلیک کند و سمت راست بدن خود را در تیررس نیروهای روس قرار می‌دهد و در اینجا تک‌تیرانداز روس از فرصت استفاده کرده وی را مورد شلیک و اصابت گلوله خود قرار داده و او را نابود می‌کند. افسر پیر و با تجربه نیروهای جوان روس را نصیحت می‌کرد و می‌گفت که هیچ وقت از مکان مخفی کمین خود به مکان باز و بدون حفاظی حرکت و جابه‌جا نشوید و هیچ وقت فکر نکنید که شما آخرین گلوله را شلیک می‌کنید و هیچ وقت فکر نکنید که شما آخرین نفر دشمن را از بین بردی و دیگر نیروی از آنها در خطوط جبهه جنگ باقی نمانده است که این بزرگ‌ترین اشتباه افراد بی‌تجربه و ساده‌لوح است که حتماً برای آنان گران تمام می‌شود.

روایتی دیگری است در یکی از شهرهای شمال قفقاز نیروهای تک‌تیرانداز جدائی‌طلب چپنی با همراهی نیروهای وهابی‌ها در دسرهای زیادی برای نیروهای ارتشی مستقر در یکی از پایگاه‌های روس ایجاد کرده بودند و برای از بین بردن این نیروهای مخالف تک‌تیراندازان روس متوسل به حيله می‌شوند و در جایی نزدیک به محل مخفی کمین آنان مقرر فرماندهی تقلبی موقتی برای فریب و از بین بردن آنان درست می‌کنند. آنها در آنجا سنگر مخابراتی بی‌سیم درست کرده و در بالای آن سنگر آنتن از کار افتاده‌ای بی‌سیم کار می‌گذارند و به صورتی در آن مکان صدای موتور نفربر ارتشی را در می‌آورند و این مقرر فرماندهی گمراه کننده را مخصوصاً در این مکان برپا می‌کنند که تک‌تیراندازی را که در آن منطقه کار می‌کرد را به تله بکشاند. محل کمین تک‌تیرانداز متخاصم در فاصله ۵۰۰-۴۰۰ متری در جنوب مقرر فرماندهی ساختگی و تقلبی گمراه کننده‌ای نیروهای روس قرار داشت، در روز دیگری نیروهای ارتش روس مترسک مانکنی را به بیرون از این محل کشانده و از جایی به جایی دیگر وی را در روی زمین جابه‌جا و حرکت می‌دهند که ناگهان این مسیر مترسک مورد اصابت گلوله تک‌تیرانداز متخاصم قرار می‌گیرد و گلوله‌ای به سر مترسک برخورد می‌کند و با اصابت این گلوله به مترسک نیروی تک‌تیرانداز روس محل تقریبی تک‌تیرانداز متخاصم را مشخص می‌کند و معلوم

می‌گردد که وی از داخل پریسکوپ مقر فرماندهی را زیر نظر دارد و در صورت دیده شدن هدفی با ارزش از موضع کمین خود خارج گردیده و یک تا دو گلوله شلیک کرده و سپس به موضع مخفی کمین خود باز می‌گردد، نیروهای روس این بار به کمر مترسک مانکن صندوق چوبی خالی باقی مانده از مهمات بسته و در پشت مترسک ماکت اسلحه و آنتن بی‌سیم شکسته‌ای وصل کرده و او را در برابر دیدگان نیروی تک‌تیرانداز متخاصم با طناب به دور ترانشه بر روی زمین می‌کشیدند که از فاصله دور به نظر می‌رسید که نیروی بی‌سیم‌چی روس به شکل سینه‌خیز در حال جابه‌جا شدن می‌باشد دوباره تک‌تیرانداز متخاصم به این مانکن مترسک نشانه‌گیری و شلیک می‌کند که گلوله‌اش به هدف اصابت نمی‌کند، او بار دوم شلیک می‌کند که به صندوق مهمات خالی بسته شده به پشت مترسک اصابت می‌کند که مترسک به پهلوی می‌غلتد. در اینجا تک‌تیراندازان روس که محل وی را از قبل تعیین کرده بود و همین که او از محل مخفی‌اش بیرون می‌آید که بار دیگری به مترسک شلیک گلوله کند تک‌تیراندازان روس با دیدن آتش اسلحه او به سمت وی نشانه‌روی کرده و او را مورد اصابت گلوله خود قرار داده و نابود می‌کنند تا دیگر او نتواند به سمت نیروهای روس نشانه‌گیری و شلیک گلوله کند و آنان را به هلاکت برساند. در اینجا اشتباه تک‌تیرانداز جدائی طلب چچنی در این بود که چند بار از یک موضع مخفی مشخص به سوی مترسک شلیک می‌کند و نیروهای روس محل وی را معلوم کرده و بار دوم که از محل مخفی‌اش شلیک می‌کند او مورد هدف گلوله نیروهای روس قرار می‌گیرد و این اشتباه نابخشودنی بزرگی برای نیروی تک‌تیرانداز چچنی بود. در اینجا می‌توان نتیجه گرفت هر نیروی تک‌تیراندازی از هر موضعی مخفی کمینی نباید ماکزیمم بیش از یک و یا دو مرتبه به سوی اهدافش شلیک کند چون بیش از این موضع مخفی وی مشخص گردیده و دشمن از برای نابودی وی بر می‌آید. لازم به ذکر است تاکتیک اصلی کار و عمل نیروهای تک‌تیرانداز مشخص و معلوم است و در صحبت‌ها و مقاله‌های خبرنگاران جنگی و خود تک‌تیراندازان تجربه‌های زیادی گفته و نهفته است. (البته از تجربیات نیروهای تک‌تیراندازان درگیر در جنگ عراق با ایران کمتر کتابی و مقاله کاملی نوشته شده و به چاپ رسیده است که بتوان در این کتاب توضیح داد).

دوباره برمی‌گردیم به تجربه‌های اتفاق افتاده در جنگ جهانی دوم روزی «واسیلی زایتسف» تک‌تیرانداز آس نیروهای روس در جنگ جهانی دوم از عملیات تک‌تیراندازان در نبردهای جنگ جهانی دوم خاطره‌ای تعریف می‌کند، او می‌گوید از سوی فرماندهی به گروه تک‌تیراندازان ما

دستور داده شد که دیدبان‌های توپخانه آلمانی را از میان برداریم، آنان در محلی موضع مخفی کمین گرفته بودند و با پریسکوپ‌های خود جبهه ما را زیر نظر داشتند و مختصات و گرائی جبهه ما را به توپخانه آلمانی‌ها می‌دادند، ما به زودی محل مخفی کمین آنها را پیدا کردیم، محل مخفی کمین آنها در سنگر بتونی بود و روی این سنگر هم دال بتونی بزرگی قرار داده بودند که مستحکم بود، حتی اگر از آسمان هم بمب و یا گلوله‌های خمپاره به این سنگر برخورد می‌کرد سازه بتونی سنگین این مخفیگاه از تخریب آن جلوگیری می‌کرد، خلاصه سنگری بود به تمام معنی مستحکم و نیروهای دیدبان آلمانی از میان شکاف‌های تعبیه شده در این سنگر بتونی مشاهدات و دیدبانی‌های خود را انجام می‌دادند، «زایتسف» می‌گوید ما از طریق پریسکوپ‌های خود سنگر دیدبان‌های آلمانی را به خوبی بررسی کردیم و متوجه نیروهای آلمانی در درون سنگرهای آنان شدیم و گاهی به وضوح درخشش لنز دوربین آنها و لوله یک قبضه تیربار آنها را می‌دیدیم، شکاف‌های سنگر بتونی آلمانی‌ها را شمردیم، شش شکاف کوچک برای نیروهای تک‌تیرانداز و یک منفذ پنجره‌ای شکل بزرگ‌تر برای قرار دادن مسلسل سنگین در این سنگر وجود داشت و من شکاف‌ها را بین دوستان خود تقسیم کردم تا به افرادی آلمانی که دیده می‌شدند و به پریسکوپ‌های آنها همزمان شلیک کنند و دوستان من همگی با همراهی یکدیگر به این شکاف‌ها شلیک کردند و از اصابت گلوله آنها تعدادی از افراد آلمانی که در دید آنها قرار داشتند و به همراه مسلسلچی و تعدادی پریسکوپ تخریب و از بین رفتند و این مثالی است از کار گروهی نیروهای تک‌تیرانداز و این ثابت می‌کند که تک‌تیراندازان حرفه‌ای می‌تواند حتی دشمن مخفی شده را در سنگری مستحکم و در پشت شکاف کوچکی هم نابود کنند، در جبهه دیگری در جنگ جهانی دوم با اجرائی مأموریتی دیگری افراد گروه تک‌تیرانداز روس توانستند از حمله گسترده یک لشکر ارتش آلمانی جلوگیری کنند و حمله آنها را به عقب بیاندازند.

«زایتسف» تعریف می‌کند فرماندهی جبهه ما به گروهی از نیروهای تک‌تیرانداز اطلاع داد که به زودی حمله‌ای از طرف نیروهای آلمانی صورت می‌گیرد و جهت مسیر احتمالی و زمان هجوم نیروهای ارتش آلمان را به ما توضیح داد و دستور داد تا جایی که برای گروه‌های تک‌تیراندازان ممکن و میسر است باید جلوی پیشروی نیروهای فاشیستی را گرفت، برای این منظور و با توجه به اینکه مسیر و جهت حمله این نیروها را می‌دانستیم تصمیم به این گرفتیم تا جایی که امکان دارد قبل از همه به افرادی از گروه فرماندهی، دیدبان‌ها و گروه‌های تجسس و گروه‌های

تخریب آلمانی نشانه‌گیری و شلیک کنیم، برای این منظور سیزده قبضه اسلحه تک‌تیرانداز ۷،۶۲ میلی‌متری «موسینا» و ۱۳ جفت چشم‌نیروهای تک‌تیرانداز در سیزده موضع مخفی کمین برای شلیک به قلب نیروهای آلمانی آماده گردیدند، به این گروه‌های شکارچی دستور داده شده بود قبل از شروع حمله تا جایی که ممکن است فرمانده گروهان‌های و جوخه‌های آلمانی را از بین ببرند و اطلاعات دیگری که فرماندهی جبهه به گروه تک‌تیراندازان روس داده این بود که افسران آلمانی قبل از شروع حمله برای آخرین بار منطقه آزاد (منطقه حائل مابین دو جبهه جنگ) را بازرسی و نظاره می‌کنند در این موقع سعی کنید آنها را تا جایی که ممکن است از بین ببرید، اگر در میان نیروهای متخاصم کسانی بودند که دلیر و شجاع باشند و قبل از نیروهای پیاده از سنگرهایشان به بیرون و به سمت نیروهای روس حرکت کنند اول به آنها نشانه‌گیری کنید (در خیلی نبردها صورت گرفته فرماندهی گروهان‌های پیاده برای نیرو و انرژی دادن به نفرات پیاده اولین نفراتی هستند که از سنگرها و خاک‌ریزهایشان به بیرون حرکت می‌کنند تا به طرف دشمن حمله و پیشروی کنند) اگر مشاهده کردید یک قسمت از نیروهای متخاصم با قدرت بیشتری در حال پیشرفت هستند تمام گروه ۱۳ نفره تک‌تیراندازان با اسلحه‌های خود به آن سمت آنان نشانه‌روی کنند، اول به هدف‌های مهم متخاصم و بعداً به هر نیروی پیاده و نیروی با ارزش متخاصمی که در تیررس می‌باشند نشانه‌روی و شلیک گلوله کنید تا هیچ نیروی مهاجمی قصد گرفتن و پیشروی در سرزمین مادری ما را نداشته باشد، در سحرگاهان وقت طلوع خورشید عالم‌تاب دیدبان‌ها و نیروهای تک‌تیرانداز روس جنب و جوشی را در میان جبهه نیروهای آلمانی مشاهده کردند و در همین وقت درخشش دوربین‌های چشمی و پریسکوپ‌های نیروهای متخاصم هم نمایان گردید و اینها همگی خبر از حمله زود هنگام نیروهای ارتش آلمان را می‌داد و در هر گوشه‌ای از خط جبهه آنان افسران با کلاه‌های لبه‌دار نمایان گشتند، البته آنها نمی‌دانستند که نیروهای تک‌تیرانداز روس در سر راهشان موضع کمین زده و مخفی شده‌اند و به سمت آنها هدف‌گیری و نشانه‌روی کرده‌اند.

در شروع آغاز حمله و روانه شدن نیروهای ارتش آلمان به سوی جبهه نیروهای روس گروه‌های تک‌تیراندازان روس که از قبل آماده بودند و تمامی حرکات آنها را زیر نظر گرفته بودند با هدف‌گیری‌های دقیق و اصابت گلوله به نیروها و هدف‌های مهم ارتش آلمان به خوبی توانستند جلوی حرکت و پیشروی آنان را گرفته و سد کنند و تعدادی از افسران ارشد آنان را به هلاکت رسانده و تلفات زیاد و ضربه سختی هم به نیروهای پیاده آنان وارد کردند.

«واسیلی زایتسف» تک‌تیرانداز حرفه‌ای، زنده، ماهر و باهوشی بود، او مثل روباه حيله‌گر بود و برای فریب دادن دشمن نقشه‌های خردمندانه طراحی می‌کرد و تاکتیک‌های جنگی منحصر به فردی برای خود داشت. او مثل شکارچی خرس بود، او می‌دانست چگونه خرس قدرتمند و قوی هیکل را به تله خود کشانیده و وی را نابود کند. او به یاد می‌آورد که چگونه دو نفر از افسران آلمانی را که در میان دو خط جبهه جنگ کمین گرفته و در حال بررسی مواضع نیروهای روس بودند را مشاهده و زیر نظر گرفته و مواظب حرکات آنها بوده و در زمان مناسب با نشانه‌گیری دقیق هر دو را با شلیک گلوله اسلحه‌اش به هلاکت رسانده بود. در جبهه دیگری از جنگ جهانی دوم «واسیلی زایتسف» قصد شکار تک‌تیرانداز زنده آلمانی را می‌کند، او یک تا دو هفته در حین مراقبت و تعقیب حرکات وی بود (بقول شکارچی‌های کرمانی باد شکارش را می‌زد) این تک‌تیرانداز آلمانی تعدادی از نیروهای روس را با شلیک گلوله‌های خود نابود کرده بود. تک‌تیرانداز آلمانی از این موضوع آگاه بود و می‌دانست تک‌تیراندازان روس در پی کمین و کشتن او می‌باشند و آن هم می‌خواست دخیل تک‌تیرانداز روس (زایتسف) را درآورد، بنابراین آنها روزهای متمادی در کمین و مراقب یکدیگر بودند هر روز که به پایان خود می‌رسید زایتسف خیلی خسته و کوفته و با چشمان باد کرده و قرمز و عصبی و بدون هیچ نتیجه‌ای از عملیات به سنگر خود باز می‌گشت و با استراحت کوتاهی دوباره در سحرگاهان روز بعد و قبل از طلوع خورشید به منطقه عملیات و موضع مخفی کمین خود بر می‌گشت تا شاید بتواند در آنجا با فریب و حيله و نشان دادن مترسک‌ها و یا کلاه آهنی بر سر چوب کردن، موضع مخفی تک‌تیرانداز آلمانی را پیدا کند، در شروع هفته دوم قایم‌موشک بازی مابین دو نیروی تک‌تیرانداز بود که زایتسف متوجه موضع مخفی کمین اصلی نیروی تک‌تیرانداز آلمانی گردید.

تک‌تیرانداز آلمانی به صورت حرفه‌ای در میان برف و یخ و در دل زمین و در زیر لاشه اسب مرده و باد کرده‌ای که از پاییز گذشته در میدان جنگ برجایی مانده بود و با لایه از برف و یخ پوشانده شده بود موضع مخفی کمین زده بود، زایتسف مجبور بود که او را با حيله‌های از سنگر و مخفیگاهش به بیرون و در تیررس خود بکشاند و گلوله‌ای آتشین نصیب او کند اما هر بار که او متوسل به حيله‌ای می‌گردید نیروی تک‌تیرانداز زنده و ماهر آلمانی متوجه حيله و نیرنگ او می‌گردید، بنابراین به حيله‌های «زایتسف» توجه و عکس‌العملی نشان نمی‌داد و گمراه نمی‌گردید حتی یک بار نیروهای آلمانی با مسلسل‌ها و خمپاره‌اندازهای خود آتش سنگینی بر روی محل مخفی کمین «واسیلی زایتسف» ریختند و او به سختی توانست از مهلکه خطر جان سالم به در ببرد و به جای امنی خود را برساند.

(تصویر زیر متعلق به «نیکلای یاکولویچ ایلین» یکی از نیروهای تک‌تیرانداز آس روس در جنگ جهانی دوم را نشان می‌دهد که در میان برف و یخ با لباس استتار به کمین نشسته است و در حساب او ۴۹۴ نفر ناپودی نیروهای آلمانی است)



زایتسف سعی می‌کند از حيله‌های قدیمی خود استفاده کند به نخ قلاب ماهیگیری مترسک مانکنی متصل کرده و او را در جلوی چشمان تک‌تیرانداز آلمانی بر روی زمین می‌کشانند اما باز هم تک‌تیرانداز آلمانی خود را نشان نمی‌دهد و برای قلاب و طعمه‌های «زایتسف» اهمیتی قائل نمی‌گردد. اگرچه حيله‌های او قدیمی بودند ولی هنوز هم کارائی خودشان را از دست نداده بودند و با این حيله‌ها می‌شد تک‌تیراندازان متخاصم را از فاصله دور به اشتباه انداخته و به تله خود کشاند. روزی دیگر در سحرگاه و در هنگام مه غلیظ صبحگاهی که هیچ دیدی مابین دو جبهه برقرار نبود زایتسف در مسیر دید تک‌تیرانداز آلمانی زمین برفی را لگدکوب کرده تا اثر پای او در روی برف تا نزدیکی درخت کاجی که در آن نزدیکی بود بر جای بماند این درخت کاج در فاصله معینی و در مقابل موضع مخفی تک‌تیرانداز آلمانی در جایی که اسب مرده واقع بود قرار داشت زایتسف در آنجا مقداری شاخه و برگ درختان را دور هم جمع کرده و پالتوی خود را در پشت آنها پنهان می‌کند او به این پالتو نخ قلاب ماهیگیری بسته و نخ را تا محل اصلی کمین خود که در میان برف و یخ و در فاصله مشخصی از درخت قرار داشته بود می‌کشد و در صبحگاه سرد مه‌آلود زمستان‌های شمال روسیه به کمین و انتظار تک‌تیرانداز آلمانی می‌نشیند، در هنگام طلوع خورشید هنگامی که خورشید عالم‌تاب پدیدار گردیده و مه صبحگاهی پراکنده

شد و آن وقت بود که بین مخفیگاه تک‌تیرانداز آلمانی در زیر اسب مرده و محل کمین ساختگی و قلابی زایتسف دید برقرار گردید. تک‌تیرانداز زنده روس به آهستگی نخ قلاب ماهیگیری را می‌کشد و تکان کمی به پالتوی پنهان شده در پشت شاخ برگ درختان می‌دهد مقداری برف از روی شاخ و برگ درخت کاج به پایین می‌ریزد و دوباره در محل مورد نظر سکوت و خاموشی و هم‌انگیزی برقرار می‌شود، پس از گذشت نیم ساعت زایتسف همین عمل را بار دیگر تکرار می‌کند و دوباره سکوت و خاموشی برقرار می‌گردد، زایتسف چندین مرتبه دیگر با فواصل زمانی مشخص و با احتیاط کامل این عمل را انجام می‌دهد تا اینکه در محل کمین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی جنبشی به چشم می‌خورد و به نظر می‌آید که در روی برآمدگی شکم باد کرده اسب مرده سایه شبح سفیدتری نسبت به برف و سپیدی اطراف لاشه اسب پیدا شده و این شبح که به نظر می‌رسید کمی سفیدتر از برف است نیروی تک‌تیرانداز آلمانی بود که لباس استتار سفید مخصوص فصل زمستان به تن کرده بود و از موضع مخفی کمینش به بیرون خزیده که به پالتوی تک‌تیرانداز روس که از فاصله دور شبیه به نیروی پیاده روس بود نشانه‌گیری و شلیک گلوله کند که در آن صبح سرد زمستانی صدای شلیک گلوله‌ای به هوا برخاست و این شلیک گلوله از اسلحه نیروی تک‌تیرانداز کهنه‌کار و حيله‌گر روس بود که به سوی سایه شبح موجود در کنار لاشه‌ای اسب نشانه‌گیری و شلیک گلوله می‌کند و گلوله اسلحه وی به هدفش اصابت می‌کند و پس از آن صدای شلیک گلوله در منطقه مذکور سکوت همه جا را فرا گرفته و نیروی تک‌تیرانداز زنده و ماهر آلمانی فریب تک‌تیرانداز حيله‌گر روس را می‌خورد و برای همیشه به خواب ابدی فرو می‌رود. در این دوئل (نبرد) بین دو نیروی تک‌تیرانداز مشکل در این بود که در زمین‌های صاف و با عوارض کم آنها با هم درگیر شده بودند و تک‌تیرانداز آلمانی یقیناً از مکان مخفی خود با پریسکوپ همه جا را زیر نظر خود داشته بود و تک‌تیرانداز روس هم در تمام این مدت به دنبال بیرون کشاندن وی از موضع مخفی کمین او تلاش می‌کرده است. در اینجا نیروی تک‌تیرانداز آلمانی هم حرفه‌ای و حساب شده عمل می‌کرده است و تقریباً به مدت دو هفته زیر بار کلک و حيله و فریب تک‌تیرانداز روس نمی‌رفته و گمراه نمی‌گردیده است ولی در آخر فریب می‌خورد و به تله تک‌تیرانداز کهنه‌کار روس می‌افتد و خطای بزرگی انجام می‌دهد و از موضع مخفی کمین خود بیرون می‌آید که در آخر مورد اصابت گلوله اسلحه «واسیلی زایتسف» تک‌تیرانداز آس ارتش روسیه قرار می‌گیرد.

(تصویرهای پایین در سمت راست واسیلی زایتسف تک‌تیرانداز معروف روس با لباس فرم ارتش سرخ و در سمت چپ او را در فصل زمستان با لباس استتار زمستانی به همراه هم‌قطارانش در درگیری‌ها و نبرد شهر استالینگراد نشان می‌دهد)



در منطقه‌ای دیگر از جبهه جنگ جهانی دوم یکی از نیروهای تک‌تیراندازی آلمانی در جبهه جنگ نیروهای روس بلوا به پا کرده بود، او با نشانه‌روی و شلیک‌های بی‌امان خود نیروهای روس را ترور کرده و هراس زیادی در بین آنان بر پا کرده بود و هر جا که کوچک‌ترین نشانه‌ای از موجود جاندار دیده می‌شد او را نقش بر زمین می‌کرد و حتی یک مرتبه به شیشه لنز دستگاه دوربین پایه‌دار دیدبان‌های توپخانه روس که به خوبی استتار و پنهان گشته بودند شلیک گلوله می‌کند، فرماندهی هنگ مستقر در این جبهه برای از بین بردن وی به تک‌تیراندازی به نام «ناموکنوف» که تک‌تیراندازی ماهر بود و تجربه جنگی زیادی داشت متوسل گردید.

(در تصویر پایین سمت چپ تک‌تیرانداز معروف روس ناموکنوف را در یکی جبهه‌های جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد او از بومی‌های منطقه سیبری بوده و قبل از جنگ جهانی دوم یکی از شکارچی‌های محلی و ماهر در سیبری بوده است)



ناموکنوف بعد از چند روز با تمام تشکیلات مربوط به تک‌تیراندازان به این هنگ مستقر در منطقه جبهه جنگ می‌آید، او با خود دو اسلحه مخصوص تک‌تیراندازان، کلاه آهنی زاپاس تیر خورده و مقدار زیادی تکه‌های شکسته آینه با اسباب و اثاثیه با خود به همراه می‌آورد و در سحرگاه روز بعد او با احتیاط زیاد شروع به تعقیب و جستجوی تک‌تیرانداز آلمانی را می‌کند، «ناموکنوف» در جلوی آتش دشمن دراز کشیده و به شکلی مخفی گردیده بود که هیچ کسی متوجه او نمی‌گردید او کلاه آهنی را بر سر کرده و روی کلاه آهنی را با شاخ و برگ درختان به خوبی استتار و پوشانده بود و از دور امکان شناسایی توسط نیروهای آلمانی غیرممکن بود.

در مدت سه روز نیروی تک‌تیرانداز روس یک لحظه غافل نمانده و تمام وقت در جستجوی موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز آلمانی بود، «ناموکنوف» شک داشت که کجا می‌تواند موضع مخفی او را پیدا کند او فکر می‌کرد تک‌تیرانداز آلمانی در چه جایی موضع مخفی کمین گرفته است، در نزدیکی جبهه نیروهای آلمانی کلبه کوچک روستایی مخروبه‌ای قرار داشت؛ او حدس می‌زد که ممکن است نیروی تک‌تیرانداز آلمانی در زیر شیروانی منزل روستایی (در روسیه سقف خانه‌ها را شیروانی می‌سازند و فضائی زیر سقف را از سقف اتاق‌ها جدا می‌کنند در این حالت

هوای اتاق‌ها گرم و از مکان زیر شیروانی هم به شکل انبار استفاده می‌کنند) موضع مخفی کمین گرفته و خود را مخفی کرده است و از آنجا به سوی نیروهای روس نشانه‌روی و شلیک گلوله می‌کند. اما او کاملاً یقین نداشت، برای این منظور «ناموکنوف» یکی از سلاح‌های خود را با فشنگ پر کرده و در پشت خاک‌ریز بلا استفاده قرار می‌دهد تا تک‌تیرانداز آلمانی را گمراه کند و خود در جایی دیگری کمین کرده و نخ نازکی به ماشه اسلحه بسته و از محل مخفی خود نخ بسته به ماشه اسلحه‌اش را می‌کشد و شلیکی صورت می‌دهد با شلیک گلوله ناموکنوف نیروی تک‌تیرانداز آلمانی بلافاصله به وی جواب می‌دهد و به سمت تفنگ قرار گرفته در روی خاک‌ریز شلیک می‌کند، نیروی تک‌تیرانداز روس با دیدن خاک‌های به هوا شده در لبه خاک‌ریز جهت مسیر خط سیر گلوله شلیک شده را پیدا کرده و متوجه موضع کمین مخفی تک‌تیرانداز آلمانی می‌گردد. تک‌تیرانداز آلمانی دقیقاً در زیر سقف شیروانی خانه روستایی مخروبه موضع مخفی کمین گرفته بود و از آنجا ترور نیروهای ارتش روسیه را انجام می‌داد.

همین که تک‌تیرانداز زنده روس موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز آلمانی را مشخص می‌کند، او به این محل چشم دوخته، او حتی پلک به هم نمی‌زند و از وزش باد اشک از چشمانش جاری بود او اشک‌هایش را پاک نمی‌کرد و از روی محل کمین وی لحظه‌ای چشم بر نمی‌داشت که مبادا او را گم کند. در هنگام غروب وقتی که خورشید به افق نزدیک می‌شد شعاع‌های خورشید از پشت منزل روستایی شروع به تابیدن می‌کنند. زیر شیروانی خانه روستایی هم کمی روشن و دیده می‌شود، ناموکنوف چشم از سوی زیر شیروانی محلی که به نظر وی می‌رسد تک‌تیرانداز آلمانی در آنجا می‌تواند مخفی گردد بر نمی‌دارد و به آنجا چشم دوخته و خوب به زیر شیروانی خانه نگاه می‌کند و در همین هنگام متوجه نبودن یکی از تخته‌های سقف زیر شیروانی منزل روستایی می‌شود، در اینجا تک‌تیرانداز روس اسلحه‌اش را به سمت محل مخفی احتمالی تک‌تیرانداز آلمانی در زیر شیروانی خانه روستایی هدف‌گیری می‌کند و دوباره نخ بسته شده به ماشه اسلحه را به سمت خود کشیده و گلوله‌ای از اسلحه خود شلیک می‌کند در همین حین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی به شلیک وی پاسخ داده و به سوی خاک‌ریز جایی که اسلحه «ناموکنوف» قرار داشت گلوله‌ای شلیک می‌کند و از شلیک گلوله اسلحه وی روشنایی و درخششی و در پشت آن سایه سیاه رنگی در زیر شیروانی پیدا می‌شود و در اینجا تک‌تیرانداز زنده روس ناموکنوف فرصت را از دست نداده و کمتر از چند ثانیه به سمت سایه و شب سیاه رنگ زیر شیروانی منزل روستایی شلیک گلوله می‌کند و از اصابت گلوله به تک‌تیرانداز آلمانی هیکل او از لبه زیر شیروانی ساختمان به پایین پرت می‌شود.

در این عملیات موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی به صورت حرفه‌ای تعیین شده بود و او از شکاف ناشی از فاقد بودن تخته در سقف خانه روستایی تا محدوده وسیعی از جبهه هنگ نیروهای روس را زیر نظر داشت و نیروی تک‌تیرانداز روس نمی‌توانست محل مخفی او را پیدا کند که این ناشی از دیده نشدن دود ناشی از شلیک اسلحه تک‌تیرانداز آلمانی بود که از زیر سقف شیروانی به بیرون سرایت نمی‌کرده و صدای شلیک اسلحه هم به علت شلیک از محل بسته‌ای خفه می‌گردید و در اینجا تک‌تیرانداز آلمانی مرتکب خطائی نابخشودنی گردید و در حین غروب که نور خورشید از محل حفره‌ای پنجره‌ای به زیر شیروانی می‌تابد و محل کمین او را هم کمی روشن می‌کند که البته او متوجه این موضوع نمی‌گردد تا به وسیله پارچه و یا چیز دیگری از ورود نور خورشید به زیر سقف شیروانی و پشت سر خود جلوگیری کند او سهواً اجازه می‌دهد که نور خورشید در زیر شیروانی سایه او را برای تک‌تیرانداز روس در مدت زمان کوتاهی مشخص و نمایان کند و آتش شلیک گلوله وی هم تأیید دیگری مبنی بر موضع مخفی کمین وی در زیر شیروانی خانه روستایی بود. در اینجا نیروی تک‌تیرانداز روس خیلی حرفه‌ای عمل می‌کند و تک‌تیرانداز آلمانی را فریب می‌دهد. ترفندی که «ناموکنوف» از آن استفاده کرد در تمام جنگ‌ها و نبردهای به وقوع پیوسته به طور صد درصد جوابگو بوده است فقط لازم است که تک‌تیرانداز اسلحه‌اش را طوری قرار دهد که در مسیر تقریبی خط دیدگانی نیروی تک‌تیرانداز متخاصم قرار گیرد و آن وقت در پشت آن اسلحه کلاه آهنی قرار داده حال اگر از محل دیگری ماشه اسلحه را بکشد و به سوی موضع و هدف تقریبی شلیک گلوله کند حتماً نیروی تک‌تیرانداز متخاصم به شلیک وی جواب می‌دهد و به سمت و سوی این تله ساختگی با اسلحه خود شلیک گلوله می‌کند و با مشخص شدن اثر ورود و خروج گلوله به کلاه آهنی دقیقاً مسیر حرکت و شلیک گلوله و در آخر محل کمین مخفی تک‌تیرانداز متخاصم را می‌توان مشخص و تعیین کرد.

(تصویر زیر تک‌تیراندازی را نشان می‌دهد که به خوبی خود را طبیعت منطقه و بوته‌زارها استار کرده است)



نیروی تک‌تیرانداز زده و کهنه‌کار روس «واسیلی زایتسف» تعریف می‌کند که در جبهه‌های جنگ جهانی دوم او به سمت مسلسل یکی از نیروهای آلمانی که در حال شلیک رگبار گلوله در روی مواضع نیروهای روس بوده نشانه‌روی و شلیک گلوله می‌کند که از اصابت گلوله او آن مسلسل خاموش گردیده و پس از این واقعه او متوجه می‌شود که در پشت آن مسلسل کسی نیست، او می‌گوید من حس کردم که نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی در پی شکار من هستند و به هر نحو ممکن می‌خواهند مرا گمراه کنند و به تله بکشاند و باید حتماً موقعیت کمین خود را تغییر دهم من این کار را کردم و به جای خود مترسکی گذاشتم که کلاه آهنی بر سر داشت و دوربین پایه‌داری را به همراه خود برداشته و به موضع مخفی دیگری رفتم و در آنجا مترسک دیگری وجود داشت که من به جای آن نشسته و از پشت خاک‌ریز و از طریق دوربین پایه‌دارم شروع به دیدبانی و جستجوی اهدافم کردم.

در مکان‌هایی باز و با عوارض طبیعی کم بهتر است با پنهان شدن در پشت دود ناشی از انفجار نارنجک‌های دودزا حرکت و جابه‌جا گردید و موضع کمین خود را مرتب عوض کرد. البته نیروی تک‌تیرانداز متخاصم هم دانا و خبره است، او می‌داند چگونه در چنین مواقعی عمل کند و حتماً به آنان آموزش داده‌اند که موقعیت و موضع مخفی دشمن ممکن است جهت گمراه کردن آنان باشد، بنابراین توجه نکنید و بگذارید که آنان از این موضع مخفی کمین خود شما را گمراه کنند

و کلک‌های خود را برای به تله انداختن و فریب دادن شما را انجام دهند. یکی دیگر از تجربه‌های که زایتسف در برخورد با تک‌تیراندازهای آلمانی استفاده می‌کرد و همیشه برای هنرجویان مدرسه تک‌تیراندازی هم تعریف می‌کرد چنین بود: او می‌گفت که وقتی به تنه‌ای قصد از بین بردن نیروی تک‌تیرانداز متخاصم خود را دارید بهترین وقت برای شلیک به او وقتی است که شما بتوانید مسلسلچی پشتیبان وی را از میان برداشته و وقتی مسلسل او در بالای خاک‌ریز باقی مانده و قطعاً از هلاکت وی باخبر شدید و اگر ناگهان یکی از دوستان وی مسلسل را به دست گیرد و دوباره مسلح کند و به سوی موضع مخفی کمین شما رگبار گلوله‌ای شلیک کند این به معنای آن است که موضع مخفی کمین شما هنوز برای نیروهای متخاصم مشخص نمی‌باشد، اما اگر در صورتی که کسی از افراد دشمن این مسلسل را بر ندارد و نخواهد با آن به سوی مواضع مخفی شما شلیک کند مفهوم این موضوع در این است که موضع مخفی کمین شما لو رفته و نیروهای متخاصم به درستی محل مخفی کمین شما را معلوم کرده‌اند و می‌دانند که در روی جبهه آنها نیروی تک‌تیرانداز زنده رقیب کار می‌کند، در اینجا نیروی تک‌تیرانداز حتماً باید محل و موضع مخفی کمین خود را جابه‌جا و عوض کند، زایتسف برای داوطلبان آموزشگاه تک‌تیراندازی توضیح می‌دهد و می‌گوید روزی در جبهه‌های جنگ در جلوی سنگر خود دراز کشیده و جبهه دشمن را زیر نظر داشتم، خورشید بالا آمده و هر تپه و برآمدگی در تابش نور خورشید به خوبی دیده می‌شد، او توضیح می‌دهد که من تعدادی پوکه باقی مانده از گلوله‌های توپ را دیدم و شروع کردم به شمارش آنها، بیست سه عدد را شمردم و یک‌دفعه به خودم گفتم صبر کن این یکی پوکه گلوله توپ ته ندارد و به خوبی مشخص و دیده می‌شود که ته آن پوکه را عمداً بریده‌اند و مثل لوله‌ای شده که می‌توان از آن برای مقاصد خاصی استفاده کرد و از داخل آن می‌توان اطراف منطقه دشمن را به خوبی دیدبانی کرد، او می‌گوید من مقداری خودم را از داخل سنگر به بالا کشیدم و به این پوکه ته بریده گلوله توپ خیره شدم که در یک لحظه درخشش و برقی را در داخل آن دیدم و بعد با سرعت باد خودم را به داخل سنگر پرت کردم، که در همین حین گلوله به پشت سر من و به دیواره سنگر اصابت کرد و گرد و خاکی به هوا بلند شد و این هدف‌گیری و شلیک دقیق گلوله نیروی تک‌تیرانداز آلمانی بود که من را از داخل پوکه سربریده توپ نشانه‌گیری و به سوی من شلیک گلوله کرد اما گلوله‌اش به من اصابت نمی‌کند و اگر به غیر از این بود من هم اکنون این تجربه را برای شما بازگو نمی‌کردم.

در اینجا استتار تک‌تیرانداز آلمانی خیلی حرفه‌ای و عالی بود و هیچ نقصی در آن دیده نمی‌شد و موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی در میان تعداد زیادی پوکه باقی مانده از گلوله‌های توپ درست شده بود و هیچ خطری نیروی تک‌تیرانداز آلمانی را تهدید نمی‌کرد و خیلی جالب بود که پوکه خالی ثابت بود و به جایی بسته نشده بود و در وقت نیاز تک‌تیرانداز آلمانی او را به آهستگی به اطراف حرکت می‌داد و از داخل آن پوکه شعاع دیدبانی زیادی برای او مهیاء گردیده بود و تنها خطای تک‌تیرانداز آلمانی در آن بود که در میان این همه پوکه خالی ته‌دار از یک پوکه خالی ته بریده برای دیدبانی استفاده می‌کرد که نور خورشید داخل آن را روشن کرده بود و این روشنائی داخل پوکه گلوله توپ تک‌تیرانداز روس را به شک واداشته بود (قاعدتاً باید داخل پوکه خالی گلوله توپ تاریک باشد) «زایتسف» می‌گوید من همیشه از طریق دوربین پایه‌دارم همه مناطق تحت اختیار دشمن را منظره می‌کردم هر چیز باقی‌مانده، هر کانال و سنگری حتی تمام استحکامات در داخل عمق جبهه نیروهای متخاصم را زیر نظر داشتم. گاهی اوقات در مواضع جبهه‌های دشمن یک تپه دیده می‌شود در بالای این تپه بعضی وقت‌ها لوله استتار شده دوربین پایه‌دار و یا پریسکوپ دشمن را می‌بینم و نزدیک آن گودی و فرو رفتگی زمین دیده می‌شود که احتمالاً محل مخفی کمین تک‌تیرانداز دشمن است، در آن روز هم پوکه ته بریده گلوله توپ را نظاره می‌کردم که به طور حرفه‌ای در روی یک بلندی کوچکی استتار گردیده بود و در سر دیگر پوکه خالی نیروی تک‌تیرانداز آلمانی را می‌دیدم که کلاه آهنی بر سر داشت که از طریق دوربین اپتیکی اسلحه‌اش جبهه ما را می‌نگریست. پوکه خالی جلوی تشعشع انعکاس نور خورشید ناشی از تابش به لنز دوربین را می‌گرفت، تک‌تیرانداز آلمانی هدف‌های خود را انتخاب می‌کرد، او به خاطر دید خوب و استتار عالی انجام شده‌اش حتی می‌توانست با دوربین عکاسی هم عکسی از نشانه‌روی و اصابت گلوله اسلحه‌اش به هدف‌ها شلیک شده خود بگیرد.

زایتسف ادامه می‌دهد که من تک‌تیرانداز فاشیست را به مدت نیم ساعت و از طریق دوربین پایه‌دارم تحت نظر گرفته و به محل کمین وی نشانه‌روی کرده بودم، فشار بر روی اعصابم به بالاترین حد خود رسیده بود، البته من به این موضوع توجه نمی‌کردم، تک‌تیرانداز آلمانی هم از طریق دوربین اسلحه‌اش منطقه جبهه ما را نظاره می‌کرد، هم‌قطار کمکی من به عقب رفته و در فاصله نه چندان زیاد از من مترسکی را با دستان خود کمی در بالای سنگر به بالا می‌برد و در همین لحظه تک‌تیرانداز فاشیست به کلاه آهنی مترسک شلیک می‌کند ضربه گلوله به حدی

شدید بود که انگار کلاه آهنی بر سر مترسک وجود نداشته است و به گوشه‌ای دور از مترسک پرتاب می‌شود در همین لحظه تک‌تیرانداز آلمانی دست خود را روی گلنگدن اسلحه‌اش می‌گذارد تا پوکه خالی را از اسلحه‌اش به بیرون بکشد که زایتسف او را از محل مخفی کمین خود با دوربین پایه‌دار می‌بیند که او سر خود را کمی بالاتر از حد معمول بالا آورده و در همین لحظه صدای شلیک گلوله‌ای به هوا بلند می‌شود و گلوله به پیشانی و در میان ابروها تک‌تیرانداز فاشیست می‌نشیند و کلاه آهنی وی بر روی صورت او می‌افتد و اسلحه دوربین‌دار موزر وی در پوکه خالی گلوله توپ برجای می‌ماند.

(تصویرهای زیر نیروهای نظامی را نشان می‌دهد که مواضع دشمن را با پریسکوپ دیدبانی می‌کنند)



در این نبرد که بین دو تک‌تیرانداز به وقوع پیوسته تک‌تیرانداز آلمانی مرتکب خطای نابخشودنی می‌گردد و این خطا تکرار خطاهای گذشته نیروهای تک‌تیرانداز بی‌حوصله است که در جاهای دیگری آنها را به نابودی کشانده است. چرا واسیلی زایتسف به مدت زیادی به تک‌تیرانداز آلمانی نشانه‌گیری کرده بود و او را زیر نظر داشت؟

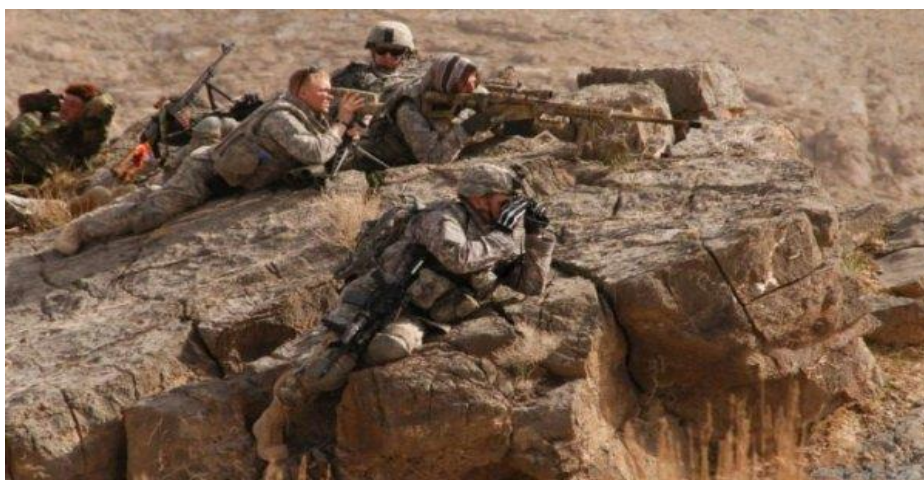
چرا بار کمکی زایتسف کمی به عقب در نزدیکی زایتسف می‌رود؟

او با فاصله اندکی از زایتسف مترسکی را نمایان می‌کند تا تک‌تیرانداز آلمانی به مترسک نشانه‌روی کند و دو نفر نیروی تک‌تیرانداز در یک خط دیدبانی و آتش مستقیم قرار بگیرند و علت دیگر در این بود که نیروی تک‌تیرانداز زبده روس واسیلی زایتسف شک داشت و احتمال

می‌داد که نیروی تک‌تیرانداز آلمانی در پشت پوکه خالی گلوله توپ مترسکی را برای فریب دادن به جای خود گذاشته است و خود وی از جای دیگری به سوی او نشانه‌روی کرده است. چون زایتسف تک‌تیرانداز آلمانی را به خوبی و واضح در پشت پوکه‌های خالی گلوله‌های توپ نمی‌دیده برای این منظور در حین نشانه‌روی به سمت و محل مخفی نیروی آلمانی هم‌قطار زایتسف برای روشن شدن ماجرا که آیا در پشت پوکه‌های خالی گلوله‌های توپ تک‌تیرانداز آلمانی مترسکی نشسته است یا خیر و برای روشن شدن این موضوع هم‌قطار زایتسف مترسکی را در فاصله خیلی کمی از زایتسف به بالا می‌برد به طوری که خط دیدگانی و آتش مابین دو تک‌تیرانداز در یک راستا قرار می‌گیرد تا زایتسف به راحتی بتواند به سمت وی نشانه‌روی کرده و او را مورد هدف گلوله اسلحه خود قرار دهد. در اینجا تک‌تیرانداز آلمانی مرتکب دو خطای بزرگ کلاسیک نابخشودنی گردید یکی اینکه به سمت مترسک نشانه‌روی و شلیک گلوله می‌کند و صحت بودن خود را برای تک‌تیرانداز روس مشخص می‌نماید و خطای دیگر وی در حین کشیدن پوکه از داخل جان لوله اسلحه خود توسط گلنگدن بود که او مجبور می‌شود سر خود را کمی به بالا بیاورد که البته در خط مستقیم نشانه‌روی اسلحه زایتسف قرار می‌گیرد و همین خطاها باعث از بین رفتن و نابودی وی می‌شوند.

در جبهه دیگری تک‌تیرانداز زبده روس «زایتسف» از طریق دوربین پایه‌داری به دوست خود قسمت بالای کلاه یک افسر آلمانی را که در پشت خاک‌ریز قرار گرفته و دیده می‌شد را نشان می‌دهد که به آهستگی از پایین خاک‌ریز به سمت بالا می‌آید او می‌گوید الآن تقریباً تمام کلاه در معرض دیدگان ما است او از هم‌قطارش می‌پرسد کلاه افسر آلمانی را می‌بیند که او جواب مثبت می‌دهد «زایتسف» در جواب می‌گوید در آنجا تک‌تیرانداز آلمانی روی جبهه ما کار می‌کند و ما را زیر نظر دارد «زایتسف» از هم‌قطارش می‌پرسد می‌دانی چرا تک‌تیرانداز آلمانی در روی این قسمت از جبهه ما کار می‌کند؟ دوستش در جواب شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و می‌گوید نمی‌دانم! شیطان می‌داند برای چه او در اینجا به کمین نشسته است، زایتسف می‌گوید دیروز تو با مسلسل خود نیروی آلمانی را از پای در آوردی و امروز آنها تک‌تیرانداز خودشان برای خاموش کردن مسلسل تو به اینجا فرستاده‌اند، زایتسف متوجه می‌گردد که نیروی آلمانی کلاه نظامی را در بالای دست خود قرار داده است (تک‌تیراندازان همیشه برای فریب دشمن کلاه آهنی نیروی پیاده را در بالای تکه چوب قرار می‌دهند نه در بالای دست) بنابراین او به قسمت پایین کلاه و جایی که دست نیروی پیاده آلمانی در پشت آن پنهان و قرار داشت شلیک گلوله می‌کند و

دست هم‌قطار نیروی تک‌تیرانداز آلمانی را مجروح می‌کند با این اوضاع تک‌تیرانداز آلمانی متوجه می‌شود که نیروی تک‌تیرانداز متخاصم خیلی حرفه‌ای و زبده عمل می‌کند و از فاصله باور نکردنی به دست هم‌قطارش نشانه‌روی کرده و او را از ناحیه دست مجروح کرده است، زایتسف در مدت زمان یک ساعت سه موضع مخفی کمین تک‌تیراندازهای آلمانی را مشخص می‌کند، او به هم‌قطارش می‌گوید ممکن است امروز مبارزه بین تک‌تیراندازان شروع گردد، سپس او در برابر محل اختفاء تک‌تیرانداز آلمانی کلاه آهنی را روی لبه خاک‌ریز می‌گذارد، هنوز چند لحظه‌ای از قرار گرفتن کلاه آهنی در روی لبه خاک‌ریز نگذشته بود که گلوله تک‌تیرانداز آلمانی به او اصابت می‌کند و کلاه آهنی را به گودی پایین داخل خاک‌ریز پرت می‌شود از مشخصات برخورد گلوله به کلاه آهنی زایتسف متوجه گردید که اصابت گلوله توسط نیروی تک‌تیرانداز آلمانی از مکانی شلیک گردیده است که او چند وقت قبل از این با شلیک گلوله‌ای به دست هم‌قطار وی او را مجروح کرده بود.



(تصویر بالا تک‌تیراندازان نیروهای ناتو را با اسلحه دوربرد M99 «بارت» را در کوهستان افغانستان نشان می‌دهد)

زایتسف ادامه می‌دهد در وقت نهار من از میان شکاف تعبیه شده در سپر فولادی محافظ مسلسل ماکسیم به سوی محل اختفاء تک‌تیرانداز آلمانی نگاه می‌کردم و متوجه گردیدم که تک‌تیرانداز آلمانی خود را با کمک علف‌ها و بوته‌های موجود در منطقه به خوبی استتار کرده و او هم از شکاف سپر فولادی محافظ تیربار منهدم شده‌ای جبهه ما را زیر نظر گرفته بود

زایتسف می‌گفت که اگر به سوی تک‌تیرانداز آلمانی شلیک می‌کردم احتمال داشت گلوله به او اصابت نکند و گلوله شلیک شده به لوله و یا سپر محافظ مسلسل برخورد کند و این موضع فقط او را می‌ترساند و باعث می‌شود که او بیشتر حواسش را جمع کند، بنابراین زایتسف منتظر می‌ماند که تک‌تیرانداز آلمانی مرتکب خطایی گردد، زایتسف در موضع مخفی کمین خود مدت زیادی منتظر نمی‌ماند که برای تک‌تیرانداز آلمانی نهار می‌آورند و در همین لحظه زایتسف در بالای سپر محافظ تیربار تخریب شده دو کلاه آهنی را می‌بیند، زایتسف نمی‌دانست کدام یک از این کلاه آهنی‌ها مربوط به تک‌تیرانداز آلمانی است که در این هنگام از تابش نور خورشید به استکان چایی تک‌تیرانداز آلمانی درخششی پدیدار می‌شود که تک‌تیرانداز آلمانی را در حال نوشیدن چای نشان می‌دهد و زایتسف منتظر می‌ماند و وقتی تک‌تیرانداز آلمانی سر خود را کمی به بالا می‌برد تا بتواند بهتر چایش را بنوشد تا حدی که سر و چانه وی در معرض دید زایتسف قرار می‌گیرد و در همین هنگام زایتسف به سمت وی نشانه‌گیری کرده و گلوله از اسلحه موسینای خود شلیک می‌کند که گلوله‌اش به هدف اصابت کرده و تک‌تیرانداز آلمانی نقش بر زمین می‌گردد. در عملیات و دوئل تک‌تیراندازان ذکر شده در بالا تک‌تیرانداز حرفه‌ای روس خیلی سریع و دقیق به هدفی که در مدت چند ثانیه دیده می‌شود نشانه‌گیری و شلیک گلوله می‌کند و خطایی که تک‌تیرانداز آلمانی مرتکب می‌شود در این بود که به خود اعتماد زیادی داشت و می‌خواست در حین کمین و دیدبانی لذتی هم از زندگی ببرد و این لذت بردن‌های کوتاه در مناطق جنگی باعث اشتباه کردن تک‌تیراندازان می‌شود و جان آنها را به خطر می‌اندازد و در اینجا زایتسف بعد از انتظار زیاد این فرصت به دست آمده را از دست نمی‌دهد. در واقع‌های دیگری در خلال جنگ جهانی دوم در یکی از جبهه‌های جنگ میان نیروهای ارتش آلمان نازی و نیروهای ارتش سرخ یک نفر از نیروهای ارتش آلمان توسط نیروهای گشتی روس دستگیر می‌شود و در هنگام بازپرسی از وی او اقرار می‌کند که نیروهای آلمانی واقع در این جبهه جنگ خیلی نگران هستند که تک‌تیراندازان روس تلفات زیادی به نیروهای آنها وارد کرده‌اند، بنابراین فرماندهی جبهه جنگ آلمان‌ها از برلین درخواست کرده است که توسط هواپیمای مخصوصی مدیر آموزشگاه تک‌تیراندازان برلین را به نام سروان «کینینگس» (با تلفظ زبان روسی نوشته شده است) را به این منطقه از جبهه جنگ بیاورند تا بتوانند «واسیلی زایتسف» سرکرده و آس تک‌تیراندازان روس را از بین ببرند و البته با درخواست آنها موافقت می‌شود و او را به این منطقه نبرد می‌آورند، او هم اکنون در روی جبهه نیروهای روس کار می‌کند، وقتی که به زایتسف این

موضوع را اطلاع می‌دهند او بی‌درنگ شروع به برنامه‌ریزی می‌کند، او بدین شکل ماجر را توصیف می‌کند که من شروع کردم در مورد این تک‌تیرانداز آلمانی به تحقیق و بررسی کردن که این تک‌تیرانداز آلمانی از چه اسلحه‌ای و چه نوع استتاری استفاده می‌کند، چون تک‌تیرانداز حرفه‌ای را به خوبی از عملکرد و تاکتیک‌های او می‌توان شناخت، اما خصوصیات اخلاقی و حرفه‌ای این تک‌تیرانداز آلمانی برای من نامشخص بود افراد ما هر روز دیدبانی می‌کردند و هیچ چیز جدید و تازه‌ای کشف نمی‌کردند حتی خیلی سخت بود که بتوان حدس زد که این تک‌تیرانداز حرفه‌ای آلمانی در چه قسمتی از جبهه جنگ کار می‌کند شاید او خیلی دقیق و حرفه‌ای مرا جستجوی می‌کرد که هیچ اثری و نشانی از خود بر جا نمی‌گذاشت و من با تکیه بر تجارب خودم می‌خواستم حرکات او را آنالیز کنم و بهترین تصمیم را برای نابودی او بگیرم. تجربه به من می‌گفت باید از اطلاعات و کمک نیروهای پیاده و مسلسل‌چی‌ها و تخریبچی‌ها و همچنین دیدبان‌ها خودی استفاده کنم و وقتی که من تک‌تیرانداز آلمانی را پیدا کنم حتماً محل کمین او را هم مشخص می‌کنم و نظر او را به خودم معطوف می‌گردانم، برای این منظور من سعی کردم از بین نیروهای پیاده خودی افرادی را برای همکاری انتخاب کنم و در این مدت می‌توانستم بهترین همکار را از بین افراد برای خودم انتخاب و در بوته آزمایش بگذارم چون داشتن یار خوب و حرفه‌ای و دلیر همیشه به درد کار تک‌تیرانداز زبده و ماهر می‌خورد و همیشه تک‌تیرانداز حرفه‌ای را دو تا سه نفر نیرو همراهی می‌کنند و حتماً یکی از اینها مسلسلچی حرفه‌ای می‌باشد و من همیشه هدفم را به دو روش پیگیری می‌کردم (زایتسف می‌گفت) اول شروع به تحقیق و تفحص در مورد امکانات و سنگرهای جبهه‌های دشمن می‌کردم و دوم اینکه کجا و در چه جایی و در چه شرایطی نیروی خودی توسط نیروی تک‌تیرانداز دشمن زخمی و یا از بین رفته است و این موضع در اینجا کمک زیادی به من کرد. پرستاری که در جبهه خدمت می‌کرد برای من توضیح داد که در کجا نیروی زخمی شده را پیدا کرده است. مثل همیشه که من به سرعت به محل حادثه عزیمت می‌کردم و دنبال شاهدین واقعه می‌گشتم در مورد همه چیز تفحص و تحقیق می‌کردم و با توجه به اطلاعات به دست آمده متوجه حضور تک‌تیرانداز و تاکتیک تیراندازی او می‌گردیدم و این به من خیلی کمک می‌کرد که بدانم به چه شکلی آنها تیراندازی می‌کنند. مرحله دوم کار من به این ترتیب شروع می‌شد که باید دنبال هدفم بگردم و تا محل کمین و اختفاء تک‌تیرانداز متخاصم را پیدا و مشخص کنم که خودم هدفی برای آنها نشوم و من از طریق دوربین پایه‌دارم منطقه دشمن را حسابی بررسی کردم ولی از دوربین دو

چشمی و یا از دوربین اسلحه‌ام هرگز استفاده نمی‌کردم. در یک مکان در میان جبهه دشمن تا چند لحظه قبل تعداد زیادی از افراد دشمن در آنجا بودند، هم اکنون کسی وجود ندارد، تجربه به من حکم می‌کرد که یقیناً در آنجا نیروی تک‌تیرانداز حرفه‌ای و زبده دشمن به کمین نشسته است. دوستان من اگر صد درصد تحقیق کافی در مورد منطقه جبهه دشمن نکرده‌اید به هیچ وجه خود را در معرض دید نیروهای متخاصم قرار ندهید. در دنیای تک‌تیراندازان هیچ وقت سهل‌انگاری جایز نیست. ضرب‌المثل عامیانه و عاقلانه‌ای است که می‌گوید هفت بار گز کن و یک بار قیچی کن و این ضرب‌المثل واقعاً در اینجا به کار می‌آید و این موضع که اگر قصد تیراندازی به هدفی را دارید باید خیلی کار کنید و همه جوانب را در نظر گرفت دقیقاً صحیح و درست می‌باشد، از خود کلک‌هایی را برای گمراه کردن دشمن غدار اختراع کنید. باید دشمن را به حد ممکن بهتر شناخت، اگر نیاز به پیروزی دارید باید نقاط ضعف و قدرت دشمن را شناخت و مورد توجه و بررسی قرار داد و بعد از اتمام شناخت این جزئیات، آن وقت می‌توانید با یک شلیک دقیق از موضعی مناسب به حریف خود نشانه‌روی کرده و وی را نابود کنید. اگر می‌خواهید به پیروزی دست پیدا کنید باید بدانید، همیشه باید بدانید فقط با دیدبانی و کار کردن درست و حساب شده و برنامه‌ریزی صحیح در روی منطقه دشمن می‌توانید به اهداف خودتان برسید. تمام این دانستنی‌ها و معلومات به سادگی دستگیر هیچ کسی نمی‌شوند و در کار و تاکتیک‌های افراد زبده تک‌تیرانداز تجربه کردن از طریق آزمون و خطا غیرممکن و جایز نمی‌باشد، نیروی تک‌تیراندازی که نتواند به خوبی استتار و پنهان گردد و دیدبانی دشمن را انجام دهد او تک‌تیرانداز خوبی نیست و مدت زیادی نمی‌تواند در جبهه‌ها نبرد دوام بیاورد و او هدفی ساده و در حقیقت سیبل زنده‌ای برای نیروهای تک‌تیرانداز دشمن می‌باشد، هر نیروی تک‌تیرانداز تاکتیک و روش مخصوص به خود را دارد اما همه تک‌تیراندازان چه تازه آموزش دیده و چه کهنه‌کار و حرفه‌ای باید بدانند که نیروی متخاصم هم حرفه‌ای است، تمام کلک‌ها و ترفندهای شما را می‌داند و دقت در نشانه‌گیری و شلیک خوب و عالی و دقیق به اهداف را دارد و در اینجا وظیفه شما است که باید به هر شکل ممکن او را به مبارزه دعوت کنید و او را گمراه کرده و به تله بکشانید. برای این منظور مسیرهای الکی و گمراه کننده در جلوی چشمان متخاصم درست کنید، حواس او را معطوف چیزهای دیگری کنید، بگذارید مسیر حرکت و جابه‌جائی شما را گم کند، اعصاب او را خرد کرده و به هم ریزید، زایتسف همیشه در سخنانش به دانش آموخته‌های مدرسه تک‌تیراندازی می‌گفت من مخالف کمین زدن در یک جای ثابت

هستم. تک‌تیرانداز حرفه‌ای همیشه در حال جابه‌جا شدن و کوچ کردن است و او خیلی غیرمنتظره و غافلگیرانه برای دشمن در مکانی از جبهه جنگ پدیدار می‌شود که هیچ کس انتظارش را ندارد و برای به دست آوردن نتیجه مناسب باید مبارزه کرد و بدون هیچ حرکت و تلاش و فکری هرگز شما نمی‌توانید حدس بزنید که متخاصم شما چه کسی است و در کجا موضع مخفی کمین دارد و چگونه عمل می‌کند، زایتسف ادامه می‌دهد که من با کمک دوستان و رفیق‌هایم و با استفاده از تجربه‌های گذشته‌ام توانستم به مقابل تک‌تیرانداز حرفه‌ای برلینی بروم که تاکنون با ما قایم‌موشک بازی می‌کرد. او در مدت یک روز با شلیک دقیق خود و اصابت گلوله یکی نفر از نیروهای تک‌تیرانداز ما را زخمی و مجروح کرد و گلوله دیگر او دوربین اپتیکی اسلحه تک‌تیرانداز دیگری را شکست. او تک‌تیرانداز حرفه‌ای و قابل‌ی بود این‌گونه تک‌تیراندازان اغلب از جنگ و نبرد سرفراز بیرون می‌آیند. هیچ شکی دیگر باقی نمانده بود که تک‌تیرانداز حرفه‌ای فاشیست‌ها در روی جبهه ما شروع به کار کرده است. در هنگام سحر من به کمینگاهی رفتم که روز قبل یکی از هم‌قطارانم در آنجا به کمین نشسته بود و هم‌قطار من در این چند روز دقیقاً جبهه و خاک‌ریز دشمن را از زاویه موضع مخفی کمین خود حسابی بررسی کرده بود و در عوض نیروهای آلمانی هر روز مثل همیشه در بالای خاک‌ریز جبهه‌شان کلاه آهنی را کمی بالاتر از سطح خاک‌ریز به بالا می‌آوردند و خیلی راحت در امتداد خاک‌ریز حرکت می‌دادند. البته مشخص بود که کلاه آهنی غیرطبیعی تکان می‌خورد و این دقیقاً مشخص می‌کرد که نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی حيله‌ای در کار دارند و این عمل آنها برای گمراه کردن و کشاندن تک‌تیراندازان روس به تله خودشان می‌باشد. نیروهای آلمانی در تمام روز هیچ کار دیگری انجام نمی‌دادند و من با اعتماد زیاد می‌دانستم که تک‌تیرانداز برلینی باید در همین منطقه کمین زده باشد. پس باید خیلی مواظب حرکات و اعمال خودم باشم و حواسم را خیلی باید متمرکز کنم، در روز سوم من با یکی از هم‌قطارانم به موضع مخفی کمینی رفتیم ما در تمامی مدت زمان نشستن در موضع مخفی خود موضع کمین تقریبی آلمان‌ها را دیدبانی کرده و زیر نظر داشتیم و از آن منطقه چشم بر نمی‌داشتیم. دوست من محل مخفی کمینی را با انگشتش به من نشان داد و گفت در همان منطقه موضع مخفی و حتمی تک‌تیرانداز حرفه‌ای آلمان‌هاست. در یک لحظه و به مدت یک ثانیه سر خود را به بالا آورد که گلوله‌ای از سمت تک‌تیرانداز آلمانی به سوی وی شلیک گردید که خوشبختانه زخم سطحی برداشت و به صورت جدی از مرگ گریخت و این نشان می‌داد که تک‌تیرانداز متخاصم زنده است و خیلی حرفه‌ای

عمل می‌کند، خلاصه من به مدت زیادی منطقه دشمن را زیر نظر داشتم و محدوده جبهه آنها را با دقت زیاد دیدبانی می‌کردم اما محل دقیق اختفاء و کمین تک‌تیرانداز آلمانی را پیدا نکردم، در مدت چند روز دیدبانی تمام منطقه پیش روی جبهه دشمن و خاک‌ریز آنها را من از حفظ داشتم، من چشم بسته می‌دانستم در کجا تپه و یا عوارض زمین طبیعی وجود دارند و هر حرکت و جابه‌جایی در منطقه دشمن را خیلی سریع متوجه می‌گردیدم. امروز هیچ چیز جدیدی و مشکوکی را پیدا نکردم اما من دیدم چقدر سریع و حرفه‌ای گلوله از سمت جبهه نیروهای آلمانی به سمت نیروهای ما شلیک گردید و برای من مشخص گردید که موضع مخفی تک‌تیرانداز آلمانی تقریباً جای در جلوی ما در میان دو جبهه جنگ و جلوی خاک‌ریز نیروهای آلمانی می‌باشد که تک‌تیرانداز آلمانی در آنجا موضع مخفی کمین گرفته است که البته ما او را نمی‌دیدیم.



(در تصویر بالا کماندوهای نیرو دریایی آمریکا یکی از تک‌تیراندازان آلمانی را جبهه‌های جنگ جهانی دوم در شمال فرانسه و در جبهه جنگ نرماندی به هلاکت رسانیده‌اند)

ما دوباره شروع به دیدبانی محل تقریبی تک‌تیرانداز آلمانی را کردیم، در آن منطقه از جبهه نزدیک به خاک‌ریزها و سنگرهای نیروهای آلمانی در سمت راست تانک تخریب شده‌ای وجود داشت و در سمت چپ تانک گودالی کوچک باقی مانده از محل سنگر مسلسل سنگین فاشیست‌ها بود، زایتسف می‌گفت نیروی تک‌تیرانداز نمی‌تواند در درون تانک باشد آنها هیچ وقت این کار را نمی‌کنند و در سمت چپ هم چیزی به جز گودال باقی مانده از محل مسلسل آلمان‌ها دیده نمی‌شد و سطح زمین میان این دو مانع به راستی صاف و هموار بود و فقط در

حداصل میان تانک و محل باقی مانده از گودال جای مسلسل یک صفحه فلزی کهنه و مقداری آجر شکسته تل انبار شده در روی سطح زمین وجود داشت که آنها هم به مدت زیادی در آنجا قرار داشتند و هیچ کس به وجود آنها اهمیتی نمی‌داد. من خودم را در جایی تک‌تیرانداز متخاصم قرار دادم و حساب کردم برای تعیین موضع مخفی کمین هیچ جایی بهتر از پنهان شدن در پشت آجرها و صفحه فلزی کهنه نمی‌باشد.

زایتسف می‌گوید، دیگر تصمیم گرفتیم که این محل را کنترل و مورد دیدبانی دقیق خودمان قرار دهیم، برای این منظور دستکشی را به بالای تخته چوبی گذاشته و در مقابل محل کمین تقریبی تک‌تیرانداز آلمانی کمی بالاتر از خاک‌ریز به بالا بردم که ناگهان صدای سفیر و شلیک گلوله به هوا برخاست و دستکش با تکه چوب داخلش به گوشه‌ای پرتاب شد که این اتفاق حاکی از نشانه‌روی دقیق تک‌تیرانداز آلمانی و قدرت دقت نشانه‌روی اسلحه موزر آلمانی بود وقتی به دستکش و تخته نگاه کردیم دقیقاً مسیر شلیک گلوله تک‌تیرانداز آلمانی را مشخص گردید و این مسیر شلیک گلوله به طور دقیقی نشان می‌داد که تک‌تیرانداز آلمانی در کجا پنهان گردیده است. اکنون با توجه به مشخص شدن محل تقریبی کمین وی باید او را گمراه کرده و به تله بکشانم البته ما پیش خودمان حساب کردیم مکان کمین تک‌تیرانداز آلمانی به خوبی استتار شده است و محال است که او این موضع مخفی خوب و مناسب خود را با جایی دیگری عوض کرده و به موضع مخفی کمین دیگری برود.

زایتسف به دوستانش گفت که خصوصیات اخلاقی تک‌تیرانداز آلمانی نشان می‌دهد که فعلاً او در این موضع مخفی کمین ماندگار است و به موضع مخفی دیگری نمی‌رود، هم‌قطار زایتسف با کمک وی در شب هنگام موضع مخفی کمین دیگری را در امتداد محور دیدگانی تک‌تیرانداز آلمانی درست کرده و این موضع مخفی کمین جدید را به خوبی استتار و مخفی نمودند به صورتی که نیروهای متخاصم نمی‌توانستند این مکان مخفی را پیدا کنند و در آنجا بود که زایتسف به کمین نیروی تک‌تیرانداز آلمانی نشست، در صبح زود روز بعد وقتی که خورشید عالم‌تاب طلوع کرد هم‌قطار «کولیکوف» به سوی موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز آلمانی گلوله شلیک کرد، در اینجا تک‌تیرانداز برلینی قاعدتاً می‌بایست از خود عکس‌العملی نشان دهد، اما او ساکت ماند و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نداد، در هنگام صبح اشعه‌های خورشید به سمت ما می‌تابیدند و موقعیت مخفی ما را در نور خورشید بسیار روشن می‌کرد، تابش نور خورشید در چشمان ما بود و برعکس موضع مخفی نیروی آلمانی پشت به خورشید بود و احتمال انعکاس

لنز دوربین‌های اسلحه‌ها و مشخص شدن موضع مخفی ما خیلی زیاد بود. بنابراین ما صبر کردیم تا خورشید گردش کند و موقعیت عوض شود، بعد از نهار با گردش حرکت خورشید عالم‌تاب سایه در روی موضع مخفی ما افکنده شده بود و برعکس بر روی مخفیگاه تک‌تیرانداز آلمانی اشعه خورشید تابش می‌کرد. ما منتظر ماندیم تا اینکه نور خورشید به صورتی مناسب بر روی موضع تک‌تیرانداز آلمانی تابش کند و وقتی که این اتفاق افتاد و خوب دقت کردیم در کنار ورق فولادی ناشی از تابش نور خورشید درخششی به نظر آمد اما معلوم نبود که این بازتابش انعکاس نور خورشید ناشی از برخورد شیشه‌ای شکسته است و یا بازتابش لنز نور دوربین تک‌تیرانداز آلمانی است؟ هم‌قطار من کولیکوف که تک‌تیرانداز زبردست و ماهر بود کلاه آهنی را با احتیاط قدری کم بالاتر از سطح خاک‌ریز آورد در این هنگام تک‌تیرانداز فاشیست گلوله‌ای شلیک کرد، «کولیکوف» طوری فریاد بلندی کشید که در آرامش روز نعره صدایش تا فاصله زیاد پخش گردیده و به گوش تک‌تیرانداز آلمانی رسید و تظاهر به تیر خوردن و زخمی شدن کرد و تک‌تیرانداز برلینی به خیال خودش بعد از چندین روز قایم‌موشک بازی کردن در آخر گلوله او به هدف اصابت کرده است و با شنیدن فریاد و نعره تک‌تیرانداز زخمی روس فکر کرد که عاقبت پیروز گردیده است و در نهایت تک‌تیرانداز آس روس‌ها یعنی «واسیلی زایتسف» را از بین برده است. این تصورات در ذهن تک‌تیرانداز آلمانی بود که او برای دیدن وضعیت بهتر جبهه نیروهای روس و دیدن تک‌تیرانداز هدف قرار گرفته مقدار کمی سر خود را از مخفیگاهش به بالا آورد و از طریق دوربین اسلحه موزرش خواست نظاره جان کنند و از بین رفتن تک‌تیرانداز آس روس‌ها باشد که در همین حین واسیلی زایتسف تک‌تیرانداز زده و مکار روس او را دیده و به سوی وی نشانه‌روی کرده و گلوله‌ای شلیک می‌کند که این گلوله با عبور از دوربین اسلحه به صورت «سروان کینگس» مدیر آموزشگاه تک‌تیراندازان برلین اصابت می‌کند و او به پشت می‌غلطد و شیشه‌های لنز دوربین اپتیکی اسلحه‌اش به اطراف پخش می‌گردند.

در خاطره بالا دیده می‌شود در جنگ با تک‌تیرانداز متخاصم «واسیلی زایتسف» به خوبی از تمام موقعیت‌ها استفاده و بهره می‌برد و از تمامی تجربه‌های گذشته دیگران و خود استفاده می‌کند. او دیدبان و تک‌تیراندازی بود با حوصله و بی‌نهایت صبور و این همیشه یکی از خصوصیات مثبت و از برگ‌های برنده وی بشمار می‌رفت، هم اکنون در موزه نیروهای ارتش روسیه اسلحه تک‌تیرانداز موزر آلمانی با دوربین شکسته «سروان کینگس» مدیر آموزشگاه تک‌تیراندازان برلینی که توسط واسیلی زایتسف از بین رفته است به نمایش عموم گذاشته شده است.



(در تصویر بالا یکی از نیروهای تک‌تیراندازان آلمانی را در جبهه‌های جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد)

زایتسف تعریف می‌کرد که در وقوع جنگ جهانی دوم در یکی از مناطق جنگی او با یکی از نیروهای تک‌تیرانداز روس در محلی در زیر ریل‌های راه آهنی مخفی شده بودند و بدون هیچ حرکتی تمام روز نیروهای آلمانی را زیر نظر داشتند و در شبانگاهان و در تاریکی شب به خط جبهه نیروهای آلمانی نزدیک گردیده و در آنجا تعداد قوطی خالی کنسرو را به هم دیگر بسته و یک سر نخ را به قوطی‌های کنسرو و سر دیگر نخ را به محل کمین خود آورده و روز دیگر در سحرگاهان با طلوع خورشید عالم‌تاب نخ متصل به قوطی‌های خالی کنسرو را به سمت خود کشیده و با به راه انداختن سر و صدا توجه نیروهای آلمانی را به سمت قوطی‌ها که در تیررس خودشان بوده جلب کرده و همین که آنها خواسته‌اند بدانند این صداها چگونه و از کجاست و بدن خود را از سنگ‌شان کمی به بالا آوردند که دو نفر تک‌تیرانداز روس به سمت آنها نشانه‌روی کرده و با شلیک دقیق گلوله هر دو نفرشان را به کام مرگ می‌فرستند و پس از مدتی این کار را دوباره تکرار می‌کنند و در مدت روز بدین ترتیب به تعداد زیادی از نیروهای آلمانی شلیک گلوله کرده و آنها را نابود می‌کنند. زایتسف تعریف می‌کند که در جنگ جهانی دوم در میان تک‌تیراندازان روس فردی بود به اسم «ساشا کالنیوف» او دوره تیراندازی را در آموزشگاه تک‌تیراندازی شهر مسکو به پایان رسانده بود. او به شکل خیلی عالی قوانین نشانه‌گیری و شلیک گلوله از اسلحه را می‌دانست. فرماندهان ارتش به کار او ایمان و اعتقاد داشتند و

می‌پنداشتند که او بهترین متخصص تک‌تیراندازی است. همیشه وقتی که او برای نبرد با تک‌تیراندازان دشمن به جبهه جنگ عزیمت می‌کرد خیلی نگران بود. او می‌گفت احساس می‌کنم که باید پایم را روی لبه کارد نوک تیزی بگذارم برای اینکه پا گذاشتن در روی تیغه چنین چاقوی تیزی حتماً به حد کافی جرات و شجاعت می‌خواهد پس باید تمرین کرد، باید خونسرد بود و آرامش داشت و بر اعصاب خود مسلط بود تا اینکه موفق گردید. او می‌گفت کسی از دوئل با نیروهای تک‌تیرانداز دشمن پیروز بر می‌گردد که اول بتواند بر احساسات خود پیروز گردد.

(تصویر پایین تک‌تیراندازان آلمانی را در جنگ جهانی دوم در شمال فرانسه در جنگ نرماندی را نشان می‌دهد)



استتار و استفاده صحیح آن در جبهه‌های جنگ و نبرد

در هر ارتشی و هر نیروی نظامی پیشرفته‌ای لزوم وجود گروه‌های تک‌تیرانداز لازم و قطعی می‌باشد و برای بهتر کار کردن و به تحقق رساندن عملیات نیروهای تک‌تیرانداز لازم است که این نیروها در میدان‌های جنگ و نبرد توسط نیروهای دیدبان متخاصم مشاهده نشوند تا بتوانند عملیات محول شده به آنان را به درستی انجام برسانند. نیروی تک‌تیراندازی که در جبهه نبرد سعی و کوشش برای مخفی کردن و استتار خود و موضع مخفی خویش را نکرده باشد حتماً هدف مناسبی برای نیروهای متخاصم است و دشمن نیروی تک‌تیرانداز غیرحرفه‌ای و ناشی و استتار نشده را شناسایی کرده و وی را مورد هدف و اصابت گلوله خود قرار می‌دهد.

استتار چیست؟ استتار واژه‌ای برگرفته از لغت فرانسوی «کاموفله» به معنای دود سیگار است و در زبان فارسی کلمه استتار از کلمه عربی (الستر) به معنی پوشیده گرفته شده است. استتار از اصول و قواعد پدافند غیرعامل می‌باشد و شامل استفاده از روش‌های متفاوت با استفاده از اشیاء و مواد موجود در طبیعت و رنگ‌آمیزی‌ها و نور و تاریکی و سایه و غیره برای پنهان و مخفی نمودن نیروهای نظامی و ارتشی در جبهه‌های جنگ و نبرد و افراد شکارچی برای پنهان نمودن خود از دید حیوانات شکاری استفاده می‌کنند.

در مناطق جبهه‌های جنگ و نبرد موقعیت و موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز اغلب در نزدیکی منطقه نفوذ و جبهه نیروهای دشمن می‌باشد، بنابراین مخفی شدن در دید نیروهای متخاصم کاری سخت و نیازمند به آموزش و علم و تجربه نیروی تک‌تیرانداز برای استتار شدن را می‌طلبد و این لازمه و اصول اولیه کار و عملیات هر نیروی تک‌تیرانداز زبده و ماهر در مناطق طبیعی و موقعیت جبهه‌های جنگ می‌باشد.

لباس استتار، یکی از اساسی‌ترین وسایل و اشیاء نیروهای دیدبان، تک‌تیراندازان، نیروهای مخصوص که قصد عملیات تخریب و ضربه زدن به نیروهای متخاصم را دارند لباس استتار می‌باشد.

تاکنون هیچگونه ماشین و ابزاری ساخته نشده است که جایگزین نیروهای تک‌تیرانداز گردد (علم در حال پیشرفت و دگرگونی است ممکن است در آینده جایگزین لباس استتار ساخته شود) بنابراین لازم است که نیروها تک‌تیرانداز لباس‌های مخصوصی بپوشانند که آنها را در جبهه‌های جنگ مخفی و از دید نیروهای دشمن پنهان و استتار بکند.

بیشترین نمونه‌های طرح‌های لباس استتار تهیه شده از پوشش‌های موجود در طبیعت یا حیوانات گرفته می‌شود و این پوشش‌های استتار شامل مواردی می‌باشند که در تشخیص و دید و بینایی افراد و ادراک بصری آنان مشکل و اختلال درست می‌کنند و مشاهده هدف‌های استتار شده در مناطق جنگ و نبرد برای نیروهای شناسایی ارتشی سخت گردیده و یا اینکه به سختی به دید و چشم آنان می‌آیند.

(در تصویرهای زیر نمونه‌ای از لباس‌های استتار نیروهای تک‌تیرانداز را نشان می‌دهد)



یکی از علت‌های کاربرد و استفاده اکثراً نیروهای نظامی و ارتشی در جهان به خصوص نیروهای تک‌تیرانداز استفاده از لباس‌ها و پوشش‌های استتاری در میدان‌های جنگ را می‌توان به خاطر خاصیت از بین بردن امکان شناسایی سریع این نیروها توسط دشمن باشد، نیروهای تک‌تیرانداز نباید از لباس‌های ناهمگون و نامناسب با طبیعت منطقه نبرد مانند و لباس‌های براق و انعکاس‌دار اشعه‌ی نور خورشید استفاده کنند و برعکس با استفاده از لباس‌ها و پوشش‌های استتار نیروهای نظامی می‌توان از مشخص شدن آنان برای مشاهده و ادراک بصری دیگران جلوگیری به عمل آورد.

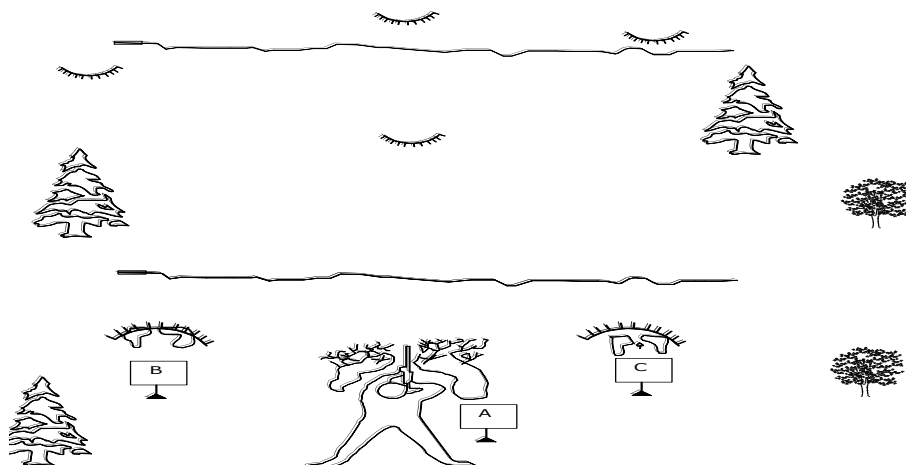
در جنگ‌های صورت گرفته در یکصد سال گذشته یکی از مهم‌ترین حيله‌ها و کلک‌های جنگی که برای فریب و گمراه کردن نیروهای متخاصم به کار برده می‌شود استتار کردن افراد و ادوات نظامی است. اما به طور کلی برای هر نیروی تک‌تیرانداز و پیاده مخفی کردن خود و وسایل و

موضع کمینش در جبهه جنگ از موارد بسیار ضروری و حیاتی می‌باشد. اما هم‌رنگی و هم‌شکلی نیروهای پیاده در صحنه‌های نبرد با محیط و طبیعت منطقه نبرد باید به گونه‌ای باشد که نیروهای متخاصم متوجه حضور آنها در منطقه‌ای جنگ و نبرد نشوند و البته آنها نیروهای متخاصم را باید ببینند، اما نیروهای متخاصم و یا دیدبان‌های آنان به سادگی قادر به تشخیص و مشاهده کردن و دیدن نیروهای استتار شده‌ای رقیب خود نباشند.

نیروهای تک‌تیرانداز در مناطق جنگ و نبرد مانند شکارچیان می‌باشند و هرگز شکار نباید شکارچی را ببیند تک‌تیراندازی که تاکتیک استتار و اختفاء و پوشش مناسب را نداند و نتواند خود را با محیط طبیعی اطراف منطقه جنگ و نبرد هم‌رنگ و هم‌گون سازد و از استتار مناسب استفاده نکند. حتماً هدف خوبی برای نیروهای متخاصم می‌باشد و دیر یا زود مورد اصابت گلوله آتشین دشمن قرار می‌گیرد و از پا در می‌آید.

مسئله استتار جزء لاینفکی از اصول و تدابیر به‌کارگیری نیروهای تک‌تیرانداز در میدان‌های جنگ و نبرد می‌باشد و استفاده از آن مستلزم داشتن علم و مهارت لازم و خاص به خود است در کل انسان مطالب را درک می‌کند و متوجه مشاهدات خود می‌باشد و در مقابل این مشاهدات از خود عکس‌العمل مناسب نشان می‌دهد و تک‌تیراندازان زبده و حرفه‌ای در جبهه‌های جنگ هم به همین طریق عمل می‌کنند نیروی تک‌تیرانداز زبده و ماهر با مشاهده منطقه نیروهای متخاصم و دیدن عوارض و اشیاء غیرمعمول و غیرعادی توجه‌اش بیشتر به آن موضوعات جلب می‌گردد و در اینجا او از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد و اگر در مکان خطرناکی این عوارض وجود داشته باشند به آن مورد مشاهده شده مشکوک گردیده و در ذهن خود به دنبال تجزیه و تحلیل علت مشکوک و توضیح قانع کننده برای خود می‌گردد و این همه مراحل را باید تک‌تیرانداز در مدت زمان خیلی کوتاهی در ذهن خود آنالیز کند و هرچه سریع‌تر از مشاهدات خود نتیجه‌ای مناسب و قانع کننده‌ای بگیرد جان وی کمتر در معرض خطر قرار می‌گیرد و تنها تمامی این موارد را با تمرین بسیار زیاد و استفاده از تجارب دیگران می‌توان به دست آورد و بعضی اوقات مشاهده شده که به دست آوردن این تجارب توسط خود تک‌تیرانداز به قیمت جان وی ختم گردیده است. بارها پیش آمده است که درخشش لنز دوربین اسلحه و یا دوربین چشمی تک‌تیرانداز باعث دیده شدن وی و هدف قرار گرفتنش از سوی نیروهای دشمن گردیده که نابودی تک‌تیرانداز را به همراه داشته است. بعضی اوقات پیش می‌آید که محل اختفاء تک‌تیرانداز درست در زیر دماغ نیروهای دشمن می‌باشد در آن وقت باید استتار موضع مخفی

کمین و خود تک‌تیرانداز با اسلحه‌اش به اندازه کافی و مناسب و حرفه‌ای صورت گیرد تا توسط نیروهای دیدبان و تک‌تیراندازهای متخاصم شناسایی نشوند، موضع مخفی کمین مناسب و استتار شده حرفه‌ای جان تک‌تیرانداز را از خطرات جبهه‌های نبرد حفظ می‌کند. دلیل این امر به راحتی روشن است اگر نیروهای دشمن شما را نبینند پس به سمت نیروها و هدف‌های شما نشانه‌روی و شلیک گلوله نخواهند کرد در جبهه‌های جنگ و نبرد نیروهای تک‌تیرانداز نباید در مکان صاف و بدون عوارض و هموار طبیعت منطقه نبرد موضع مخفی کمین خود را محیا کنند و در آنجا مخفی گردند. محل اختفاء آنان باید خیلی طبیعی دیده و به نظر دشمن آید و لازم است نیروی تک‌تیرانداز از موضع مخفی کمین خود به خوبی به محیط اطراف خود دید داشته باشد و حتماً موضع مخفی کمینش برای مواقع ضروری و خطر راه فرار و عقب‌نشینی داشته باشد تا پس از نشانه‌روی و اصابت گلوله‌اش بتواند به سرعت از موضع مخفی خود متواری گشته و به سوی جبهه نیروهای خودی بازگردد. تک‌تیراندازان زبده و حرفه‌ای در مناطق جنگ و نبرد برای مقابله با نیروهای متخاصم همیشه چندین موضع مخفی کمین مختلف برای خود در نظر می‌گیرند، آنها باید مثل روباه‌ها در مواقع ضروری و نیاز به یک و یا چند راه فرار و گریز برای خود درست و محیا کنند. (روباه‌ها حیوانات باهوشی و مکاری هستند آنها همیشه برای گریز از خطر تعداد زیادی سوراخ و لانه در محدوده محل زندگی برای خود حفر می‌کنند)



(تصویر بالا موضع‌های مخفی اصلی و موضع مخفی کمین و زاپاس تک‌تیراندازان را در نبرد نشان می‌دهد)

در تصویر بالا موضع‌های مخفی کمین نیروهای تک‌تیرانداز را در مناطق نبرد به شرح زیر توضیح داده است:

A: موضع مخفی اصلی کمین. B و C: موضع‌های مخفی کمین زاپاس می‌باشند. تاکتیک تهیه استتار موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز در تابستان و زمستان بسیار نسبت به هم دیگر متفاوت می‌باشند استتار کردن موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز در زمستان نسبت به تابستان راحت‌تر است چون بیشترین رنگ‌ها در طبیعت تیره و سفید می‌باشند. البته در زمستان به علت بارش برف و یخ‌بندان پوشش رنگ سفید بیشتر به چشم می‌خورد (منظور در مناطق سردسیر و برف خیز به خصوص در مناطق شمالی کره زمین زمستان‌های طولانی است و ریزش برف در این مناطق بیشتر می‌باشد).

بنابراین نیروی تک‌تیرانداز با لباس استتار سفید خود می‌تواند به راحتی در طبیعت مناطق نبرد مخفی و پنهان شود چون پوشش وی سفید و هم‌رنگ با برف می‌باشد. پوشش سفید لباس تک‌تیرانداز با مشخصات رنگ برف هم‌خوانی دارد. باید این پوشش استتار تک‌تیرانداز به شکل روپوشی با پوشش کلاه سرهم باشد (مثل لباس حوله حمام یا لباس پانچو) و اسلحه تک‌تیرانداز هم باید در زمستان استتار گردد و برای این منظور از وسیله راحتی که در جبهه‌های جنگ بسیار یافت می‌شود، منظور باند زخم‌بندی می‌توان استفاده کرد. حتماً باید دوربین اسلحه و تسمه اسلحه را با باند زخم‌بندی پیچید و استتار کرد.

برای از بین بردن انعکاس لنز دوربین در تابش خورشید بهتر است جلوی آن را با باند زخم‌بندی که سوراخ‌های بزرگ‌تری داشته باشد پوشانید تا جلوی دید تک‌تیرانداز را نگیرد و از انعکاس عدسی دوربین هم در تابش نور خورشید ممانعت به عمل آورد تا از شناسایی توسط دشمن جلوگیری شود، همیشه پس از استتار لباس و اسلحه تک‌تیرانداز او باید قسمت‌های باز بدن خودش را مخفی و بپوشاند و اغلب برای پنهان نمودن قسمت‌های باز بدن مثل صورت و دست‌ها در زمستان از مواد سفید کننده رنگی و یا اینکه صورت خود را با پارچه سفید رنگ پوشانده و استتار کرده و محل چشمانش را با سوراخ نازکی باز می‌گذارند، در آرشیوهای باقی مانده از جنگ جهانی دوم چنین آمده است که نیروهای تک‌تیراندازی که رنگ طبیعی صورت و دست‌های خود را پنهان نمی‌کردند بارهای مورد شناسایی و هدف گلوله دشمنانشان قرار می‌گرفتند.

نیروهای تک‌تیرانداز در زمستان‌ها حتماً باید در محل اختفاء خود لباس گرم کافی بر تن داشته باشند. چون بعضی اوقات در فصل زمستان و سرما ساعت‌ها نشستن در هوای سرد و برف و سرما در موضع مخفی کمین و انتظار کشیدن برای دیدن هدف باعث یخ زدن و بی‌حرکت بودن اعضای بدن تک‌تیرانداز می‌گردد، در فصل زمستان و سرما همیشه در موضع مخفی کمین باید دستان تک‌تیرانداز در دستکش‌های گرمی قرار داشته باشند (منظور از دستکش‌های بدون ناخن می‌باشد که انگشت‌های دستان در آنها بهتر گرم می‌مانند) که به راحتی بتواند بدنه اسلحه را در دست خود قرار دهد و قادر به چکاندن ماشه اسلحه‌اش در وقت دیدن هدف باشد. البته در وقت پدیدار شدن هدف نیروی تک‌تیرانداز دستان خود را از دستکش بیرون می‌آورد (البته این موارد برای مناطق سردسیری که در زمستان دما چندین درجه به زیر صفر تنزل می‌کند انجام می‌شود). دستکش‌های تک‌تیرانداز باید به رنگ سفید باشند و اگر دستکش‌ها به رنگ دیگری هستند سعی شود که آنها هم با رنگ سفید استتار پوشانده و مخفی شوند.

(در تصویر زیر نیروی تک‌تیراندازی را در فصل زمستان و در موضع مخفی کمین خود نشان داده است)



در فصل زمستان نیروهای تک‌تیرانداز جهت جلوگیری از یخ زدن باید مجهز به لباس و دستکش گرم برای تن و دستان و ماسک مناسب برای صورت با خود به همراه داشته باشند، در فصل زمستان زدن ماسک بر روی صورت تیرانداز از پدیدار شدن بخار دهان جلوگیری می‌کند و نیروهای تک‌تیرانداز توسط دیدبان‌های متخاصم مشاهده نمی‌شوند. بخار خارج شده از

دهان در نبردهای زمستانی تک‌تیراندازان زیادی را به کشتن داده است. بهتر است انتهای ماسک را روی صورت و به زیر یخ متصل گردد که این بخار به بیرون سرایت پیدا نکند و به داخل لباس برود و این بخار دهان همچنین باعث گرم شدن بدن تک‌تیرانداز در سرما و یخبندان می‌گردد، تک‌تیراندازی که در زمستان از لباس استتار استفاده می‌کند همیشه باید سعی داشته باشد لباس و شلوار آنها دو شماره بزرگ‌تر از اندازه معمول بدن آنها باشد تا حرکت و تکان خوردن بدن تک‌تیرانداز و دراز کشیدن او در موضع مخفی کمینش به راحتی صورت گیرد و دیده هم نشوند در فصل زمستان و هوای سرد داشتن لباس گشاد و گرم برای نیروی تک‌تیرانداز از اهمیت زیاد و حیاتی برای وی برخوردار می‌باشد. نیروی تک‌تیرانداز در موضع مخفی کمین خود همیشه از لباس گشاد برای جلوگیری از یخ زدن بدن خود استفاده می‌کند و نیروی تک‌تیرانداز در این لباس گشاد راحت‌تر می‌باشد، او می‌تواند بدن و دست و پای خود را حرکت دهد و این حرکات دست و بدن و جنبش و تکان خوردن وی در لباس گشاد توسط نیروهای متخاصم دیده نمی‌شوند و اما در لباس تنگ و چسبان به راحتی توسط نیروهای متخاصم موضع مخفی تک‌تیرانداز هویدا می‌گردد و ضمناً سرما هم بیشتر به بدن وی نفوذ می‌کند.

(تصویر پایین نیروی تک‌تیرانداز و هم‌قطارش را در فصل زمستان با لباس استتار زمستانی نشان می‌دهد)



موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز در زمستان می‌تواند به صورت رو باز و یا رو بسته باشد. در موضع مخفی کمین زمستانی سر بسته تک‌تیرانداز می‌تواند تا مدت زمان بیشتری در سرمای استخوان سوز زمستان تحمل بیاورد. این شکل موضع مخفی کمین در فصل زمستان اغلب برای به انتظار نشستن هدف به مدت زیاد می‌باشد و تک‌تیرانداز پس از پدیدار شدن هدف و از میان بردن آن به سرعت از موضع مخفی کمین خود دور و یا موضع مخفی خود را حتماً تغییر می‌دهد تا توسط نیروهای متخاصم شناسایی نگردد که ممکن است مورد هدف آتش توپخانه و خمپاره‌اندازهای دشمن و یا شکار تک‌تیراندازان آنان قرار گیرد. موضع مخفی کمین باز تک‌تیرانداز در فصل زمستان فقط برای استفاده در مدت زمان کوتاه می‌باشد و نیروی تک‌تیرانداز در این محل مخفی کمین خود منتظر هدف خود می‌نشیند. اما این دلیلی نمی‌باشد که در این مدت زمان کوتاه تک‌تیرانداز از استتار خود و اسلحه‌اش و موضع مخفی کمینش خودداری کند.

(تصویر پایین تک‌تیراندازی را نشان می‌دهد که به صورت خیلی عالی در محل کمین باز خود استتار شده است)



در تصویر بالا موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیراندازی در پشت خاک‌ریزی سنگلاخی واقع شده است. او با پوشش استتار مناسب خود موضع مخفی کمین باز برای خود در نظر گرفته است و لباس استتارش حرفه‌ای طراحی و دوخته شده است و برای مناطق کوهستانی و سنگلاخی در نظر گرفته شده است که به خوبی وی را از چشم تیزبین دیدبان‌ها و نیروهای تک‌تیرانداز دشمن نامشخص و استتار کرده است.

(تصویر زیر تک‌تیرانداز روس را با لباس استتار مخصوص زمستان را در موضع مخفی کمین باز را نشان می‌دهد.)



در تصویر بالا نیروی تک‌تیراندازی موضع مخفی کمینی را در فصل زمستان و در پشت تپه برفی کوچکی برای خود در نظر گرفته است. موضع مخفی وی در پناه بوته‌ها مانع از دیده شدن وی توسط نیروهای متخاصم می‌گردد. در این مناطق تک‌تیرانداز سعی می‌کند که بدنش را بیشتر در میان برف فرو کند تا کمتر از سوی نیروهای دیدبان متخاصم برآمدگی بدنش دیده شود. اما اگر در موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز سطح ارتفاع برف خیلی کم باشد در آن صورت تک‌تیرانداز از سمت جلو و اطراف به دور خودش مقداری برف جمع‌آوری کرده و در روی آنها قدری آب ریخته تا برف نرم و پودری شکل تبدیل به یخ یک تکه گردد. با این کار او باعث می‌شود در هنگام شلیک گلوله و خروج گازهای ناشی از سوختن باروت که از دهانه لوله اسلحه تک‌تیرانداز خارج می‌شوند برف کمتری به هوا برخیزد و موضع مخفی کمینش کمتر دیده شود. اگر برای نیروی تک‌تیرانداز مقدور باشد و او بتواند در موضع مخفی کمینش برف جلو و سمت چپ راست محل لوله تفنگ را به خوبی با پا بکوبد و یا بر روی آن آب بپاشد تا برف سفت و سخت گردد. این کار او کمک بیشتری در پنهان شدن و استتار وی می‌کند و باعث می‌شود که موضع مخفی کمینش کمتر توسط نیروهای دیدبان و یا نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم دیده شود.



(در تصویر بالا در محل مخفی کمین، جای خط‌چین باید آب ریخته شود تا در حین شلیک برف به هوا برنخیزد).

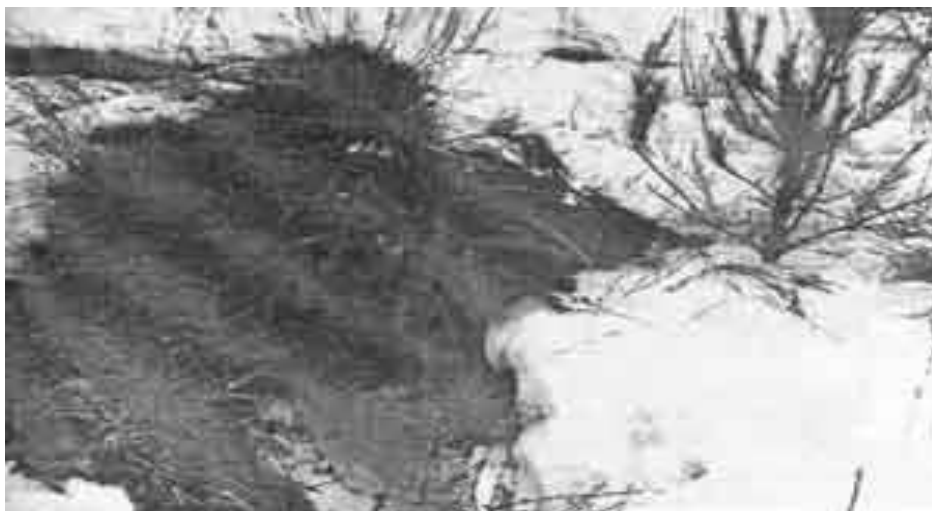
در تصویر بالا تک‌تیرانداز باید در روی خط‌چین محل اطراف خود بر روی برف آب بپاشد تا برف موجود یخ بزند و برف یخ زده باعث می‌شود که در زمان شلیک گلوله موضع مخفی رو باز کمین وی دیده نشود. از این نمونه روش تک‌تیراندازان روسی و آلمانی در جنگ جهانی دوم بهره زیاد بردند. البته این روش را تک‌تیراندازان آلمانی در جنگ جهانی دوم به وجود آوردند آنان نمی‌خواستند موضع مخفی کمین سر بسته درست کنند و فقط برای یک بار از این چنین موضع مخفی کمین باز استفاده می‌کردند. در جنگ جهانی دوم نیروهای روس به علت نداشتن خمپاره‌انداز سبک مانور پذیر نمی‌توانستند تک‌تیراندازان آلمانی را در موضع مخفی کمینشان از بین ببرند ولی در عوض آنان در سرمای زیاد زمستان طاقت و تحمل بیشتری داشتند. آنها گودالی در برف می‌کنند و موضع مخفی کمینی برای خود مهیاء می‌کردند و همین که به سوی هدفی چند شلیک گلوله می‌کردند سریعاً موضع مخفی کمین خود را عوض می‌کردند که مورد اصابت گلوله‌های خمپاره‌اندازان آلمانی قرار نگیرند، در جنگ جهانی دوم هر گروهان و یا گردان آلمانی به خمپاره‌انداز سبکی مشابه با خمپاره‌انداز ۶۰ میلی‌متری که در ارتش ایران است مجهز بودند و همین که متوجه موضع مخفی کمین تک‌تیراندازان روس می‌شدند با این خمپاره‌اندازهای سبک که از دقت بالایی هم برخوردار بودند چندین گلوله به موضع مخفی آنان شلیک می‌کردند، در جنگ جهانی دوم تک‌تیراندازان روسی و فنلاندی در فصل زمستان بیشتر از موضع مخفی کمین بسته استفاده می‌کردند که بعضی اوقات تا مدت زمان زیادی در آنجا

مخفی می‌شدند تا هدف خود را مشاهده و به سوی آن نشانه‌روی و مورد اصابت گلوله خود قرار دهند. در جنگ بین روسیه و فنلاند که قبل از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۳۸ میلادی به وقوع پیوست یک سرباز کهنه‌کار فنلاندی که پس از جنگ مدت ده سال در روسیه زندان بود روش مناسبی را برای موضع مخفی کمین بسته خود ابداع کرده بود. او می‌گفت می‌توان با هر وسیله که دم دست می‌باشد کمینگاهی مناسب درست کرد. مثلاً اگر در جنگل هستید با یک اره کوچک شاخه درخت کاج را ببرید و شاخه را برعکس در روی گودالی بنشانید و به شکلی که شاخه فرم چتر به خود بگیرد و روی آن را با شاخه‌های قوی‌تر دیگری از درختان تقویت بکنید و پس از آن با ریختن برف در روی این شاخ‌ها موضع مخفی کمین مناسبی برای شما تهیه می‌گردد.

(تصویر زیر موضع مخفی کمین فنلاندی که با شاخه از درخت کاج که مانند چتری در روی زمین قرار گرفته نشان می‌دهد)



(تصویرهای زیر موضع مخفی کمین را در زمستان که با فرم و روش چتر مانند فنلاندی ساخته‌اند را نشان می‌دهد)



بعد از گذشت مدت زمانی این موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز همگون با طبیعت محل گردیده و استتار کاملی برای نیروی تک‌تیرانداز در زمستان به وجود می‌آورد.



(تصویر زیر تک‌تیرانداز در مخفیگاه رو بازی کمین گرفته و لوله اسلحه هم با باند زخم‌بندی استتار گردیده است)



سرباز کهن کار فنلاندی بر روی این کمینگاه آب می‌پاشید که کمینگاه را به صورت یخ یک تیکه در می‌آورد. برای دیدن منطقه اطراف خود و نشانه‌گیری به سمت اهداف مورد نظرش سوراخ‌های را باز می‌گذاشت. این نمونه موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز گرم و مناسب بود و باد و سوز سرمای سرد زمستان‌های نیمکره شمالی به داخل آن نفوذ نمی‌کرد و نیروی تک‌تیرانداز می‌توانست به راحتی ساعت‌ها در آنجا به انتظار و دیدبانی نیروهای متخاصم نشسته و نظاره‌گر اطراف خود باشد، البته بهتر است در زیر محل نشیمن گاه تک‌تیرانداز مقدار شاخه برگ درختان پهن کرد تا بدن وی کمتر با برف و سرما تماس داشته باشد و از سرمای طاقت‌فرسا بیشتر محافظت گردد. پس از مدتی شاخه‌های درختان خشک می‌شوند و هوای داخل موضع مخفی کمین نسبت به هوای زیر صفر سرد بیرون گرم‌تر می‌گردد و همچنین در این موضع مخفی کمین از وزش باد و سوز و سرمای بیشتر به داخل موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز جلوگیری می‌شود و بدن وی کمتر در معرض سرما قرار می‌گیرد و باعث می‌شود که تک‌تیرانداز تحمل و طاقت بیشتری در سرما برای دیدبانی داشته باشد.

در چنین موضع مخفی کمینی حتی می‌توان با روشن کردن یک شمع این محل را به قدر کمی گرم کرد تا بدن تک‌تیرانداز سرد نگردد و به گفته سرباز کهنه‌کار فنلاندی او با داشتن دو عدد شمع می‌توانست حتی در سردترین هوای مناطق شمالی روسیه و فنلاند تا یک شبانه‌روز در

موضع مخفی کمین خود بنشیند و ساعت‌ها به دیدبانی و کمین نیروهای ارتش سرخ بپردازد و البته در داخل چنین موضع‌های مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز نیازی به استتار دست و سر و صورت را هم پیدا نمی‌کند.

(تصویر پایین تک‌تیراندازی را در پشت تپه‌ای که موضع مخفی کمین گرفته است را نشان می‌دهد)



در تصویر بالا به خوبی برجستگی بدن تک‌تیرانداز در افق پشت سرش دیده می‌شود و طبیعت پشت سر او با لباس او هماهنگی ندارد. بنابراین نیروی تک‌تیرانداز باید از مخفی شدن در چنین موضع‌های مخفی کمینی جداً پرهیز کند، گاهی اوقات در صحنه‌های جنگ و نبرد تک‌تیرانداز بدون داشتن موضع مشخصی برای جلوگیری از دیده شدن توسط نیروهای متخاصم به صورت سینه‌خیز به سوی نیروها و جبهه متخاصم حرکت می‌کند و از آنجا به هدف‌های از قبل تعیین شده دشمن شلیک گلوله کرده و خیلی به سرعت از آن موضع دور می‌گردد که در عالم تک‌تیراندازان به این روش حمله و ترور را «نیش زدن و سریع از محل دور شدن» می‌گویند در این روش (منظور کمین رو باز) همیشه نیروی تک‌تیرانداز باید به اطراف موضع مخفی کمینش نظر داشته باشد و اطراف خود را دقیقاً بررسی کند و سعی کند ظاهر پشت سرش هم‌رنگ با لباس استتار وی گردد و در افق پشت سرش عوارض طبیعی یا مصنوعی قرار داشته باشد. اگر غیر از این باشد ممکن است نیروهای دیدبان متخاصم متوجه حضور وی گردند و در صدد نابودی و شکار وی بر آیند. به طور کلی روش استتار در موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز حالتی است که پشت سر وی با لباس استتار تک‌تیرانداز هماهنگی کامل داشته باشد و نیروهای دیدبان و تک‌تیراندازان شکارچی دشمن نتواند به وجود وی پی ببرند.

(تصویر پایین نیروی تک‌تیراندازی را در فصل زمستان با لباس استتار و با اسلحه آمریکایی «بارت» نشان می‌دهد)



بعضی اوقات سؤال پیش می‌آید در چه وقت از شبانه‌روز می‌توان موضع مخفی کمین را درست کرد؟ جواب این سؤال را نیروهای زبده تک‌تیرانداز می‌دهند در شب هنگام و یا تاریکی صبحگاه باید موضع مخفی کمین را مرتب و درست کرد، برای تهیه و ساخت کمینگاه حتماً باید نه به صورت ایستاده و نه نشسته بلکه به صورت درازکش آن را درست کرد و اغلب در سحرگاهان نیروهای تک‌تیرانداز به صورت سینه‌خیز به موضع مخفی کمین خود می‌روند و این به علتی است که دشمن آنها را نبیند و رؤیت نکند، البته در هنگام شب نیروی تک‌تیرانداز قبل از رفتن به محل کمین خود برای دیدبانی محدوده اطراف محل کمینش را باید با دوربین مادون قرمز (دوربینی که در تاریکی شب با آن به راحتی می‌توان اطراف خود را مشاهده کرد) بررسی کرد او باید به هر صدایی توجه نشان دهد و همیشه اطراف خود را زیر نظر داشته باشد و ساخت کمینگاه را بدون سر و صدا و در حالت درازکش انجام دهد.

در فصل بهار و تابستان وقتی که همه جا سرسبز است نیروهای تک‌تیرانداز باید سعی کنند که موضع مخفی کمین خود را در میان شاخ و برگ‌های انبوه درختان ایجاد کنند.

دیدبانی و تعیین موضع کمین در میان شاخه و برگ‌های درختان برای نیروهای تک‌تیرانداز بسیار مناسب است و آنان باید در فاصله ۲ تا ۳ متری از محلی که برگ‌های ریزتر درختان هستند موضع مخفی کمین تهیه کنند چون این برگ‌های ریز سبز رنگ درختان باعث به وجود آمدن دیواره‌ای سبز رنگی مانند چتری گسترده در اطراف شاخه و برگ درختان ایجاد می‌کنند.

نیروهای تک‌تیرانداز از این چنین موضع مخفی کمینگاهی می‌توانند همه جا را زیر نظر داشته باشند و با داشتن میدان دید و تیر کافی بدون اینکه خود در معرض دید و تیررس نیروهای متخاصم قرار گیرند به سوی آنان هدف‌گیری و شلیک گلوله می‌کنند و حسن دیگر شاخ برگ انبوه درختان در این است که نیروهای متخاصم آتش و دود به وجود آمده از شلیک اسلحه تک‌تیرانداز را در میان شاخ و برگ تنیده درختان نمی‌بینند، البته تک‌تیرانداز نباید خیلی نزدیک به شاخه و برگ‌های کوتاه درختان موضع مخفی کمین خود را بر پا کند (فاصله ۲ و ۳ متر کافی است) چون حرکت سریع گلوله و فشار گازهای خروجی از لوله اسلحه که ناشی از سوختن باروت می‌باشند باعث به حرکت و جنبش درآوردن شاخه و برگ‌های کوچک درختان می‌شود و ممکن است توجه دیدبان‌ها و نیروهای تک‌تیرانداز دقیق و ماهر متخاصم را به موضع مخفی کمین آنان معطوف گرداند و آنان به این موضع توجه نشان دهند و این مکان را مورد دیدبانی و بررسی دقیق‌تر خود قرار داده و پی به موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز در میان شاخه و برگ درختان برده و یا احتمال این را دارد که نیروهای دشمن برای کنترل کارشان چندین گلوله خمپاره و یا آرپی‌جی به منطقه مشکوک شلیک کنند و در صدد نابودی موضع مخفی کمین احتمالی تک‌تیرانداز برآیند.

(تصویر پایین نیروی تک‌تیراندازی را در میان شاخه‌های درختی با لباس Ghilie لباس ریش‌دار شده مخصوص استتار نیروهای تک‌تیرانداز نشان می‌دهد که خیلی حرفه‌ای موضع مخفی کمین خود را استتار کرده است)



اگر نیروی تک‌تیراندازی در مکان باز و بدون عوارض و پوشش طبیعی درختان اقدام به هدف‌گیری و شلیک گلوله به سوی نیروهای متخاصم کند حتماً آتش خروجی از اسلحه وی باعث پراکندگی گرد خاک در زمین‌های خشک می‌شود و اگر در محل کمین او علف‌های خشک و یا تر کوتاهی باشد شلیک گلوله او باعث نوسان و به جنبش در آمدن علف‌ها می‌گردد و موضع مخفی کمین توسط دیدبان‌های نیروهای متخاصم معلوم می‌گردد.

البته شلیک و نشانه‌روی گلوله که توسط نیروهای تک‌تیرانداز در موضع‌های مخفی خشک و پر گرد و خاک بر پا کند حتی بدون چشمان مسلح نیروهای دیدبان متخاصم از فاصله‌ای نسبتاً دوری دیده و مشخص می‌شود. در آن صورت با توجه به پی بردن نیروهای دیدبان و تک‌تیرانداز متخاصم به این موضع مخفی کمین سریعاً این نیروها برای از بین بردن آنها اقدام می‌کنند و همین جور که در گذشته توضیح داده شده است. برای از بین بردن موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز مثل همیشه با ریختن آتش سنگین آتش‌بارها و یا با شلیک و نشانه‌روی دقیق نیروهایی تک‌تیرانداز متخاصم باعث از بین رفتن و هلاکت وی می‌شوند.

اگر نیروی تک‌تیرانداز به ناچار مجبور شود از چنین محلی مبادرت به هدف‌گیری به سوی نیروهای متخاصم کند باید پس از انجام هدف‌گیری و نشانه‌روی با سرعت باد و در یک چشم به هم زدن از این موضع مخفی کمین موقتش به محل دیگری فرار کند و پس از رفتن او از این موضع مخفی کمین آن وقت اهمیت چندانی ندارد که نیروهای متخاصم شناسایی و شلیک گلوله خمپاره و یا دیگر سلاح‌ها به موضع مخفی کمین او کنند، چون نیروی تک‌تیرانداز از منطقه خطر دور گردیده و قابل دسترسی برای نیروهای متخاصم نمی‌باشد.

اگر نیروی تک‌تیرانداز مجبور شود که موضع مخفی کمین رو بازش در زمین‌های خاکی و علف‌های کوتاهی صورت گیرد و از آنجا قصد نشانه‌روی و شلیک به سمت نیروهای متخاصم را داشته باشد با شلیک اولین گلوله‌اش در زمین‌های خاکی منجر به بلند شدن گرد و خاک به هوا می‌شود همین‌طور که در گذشته توضیح داده شده است محل مخفی کمینش خیلی سریع توسط نیروهای متخاصم مشخص می‌شود. برای این منظور مناسب است که در جلوی لوله اسلحه و اطراف آن توری‌های استتار و یا چیزی مشابه آن (پارچه‌های ارتشی) در روی علف‌های موجود و یا زمین خاکی پهن شود و گوشه‌های اطراف آن را با گذاشتن سنگ بر روی آنها نگه دارد تا با وزش باد حرکت و جابه‌جا نشوند. البته تک‌تیرانداز تمام این کارها را باید

در شب هنگام انجام دهد تا توسط نیروهای دیدبان متخاصم مشاهده نشوند و موقعیت وی به خطر نیفتد، بعضی اوقات تک‌تیراندازان موضع مخفی کمینشان را به شکل سنگری در داخل زمین حفاری می‌کنند و اطراف این محل کمین و اختفاء خود را با شاخه‌های درختان می‌پوشانند و برای این منظور بن چوبی شاخه‌های درختان را در زمین فرو می‌کنند. (برای این کار شاخه‌های سرو مناسب این کارند چون برگ‌ها این درختان تا مدت زیادی پژمرده نمی‌گردند و شاداب می‌باشد و هر گونه شاخه درخت دیگری بعد از نصف روز پژمرده شده و از فاصله‌ای دوری توسط نیروهای متخاصم مشخص می‌شوند) البته تک‌تیراندازان موضع مخفی کمین را وقتی آماده می‌کنند که نیروهای گشتی و متخاصم هنوز منطقه مزبور را شناسایی نکرده باشند.

همیشه نیروی تک‌تیرانداز باید بداند بهترین لباس و پوشش استتار مصنوعی او تا قبل از اولین شلیک گلوله توسط وی ناشناخته می‌ماند و پس از اولین تیراندازی و شلیک گلوله توسط وی امکان درصد شناسایی شدن موضع مخفی کمین او توسط نیروهای متخاصم بسیار زیاد می‌گردد و درصد خطر نابودی وی بسیار می‌شود، همیشه لباس‌ها و پوشش استتار تک‌تیراندازان اثر مخفی بودن و استتار خود را پس از اولین شلیک گلوله از دست می‌دهند آن وقت لازم است که نیروی تک‌تیرانداز موقعیت اختفاء و کمین خود را عوض کند و یا اینکه هم‌قطار نیروی تک‌تیرانداز باید با نشان داد مترسک‌های اقدام به گمراه کردن و فریب دادن نیروهای متخاصم کند و این عمل او باید به سرعت و در مدت زمان کوتاهی پس از شلیک اولین گلوله توسط او صورت گیرد تا حواس دیدبان‌های و نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم به مترسک و هم‌قطار وی معطوف گردند و نیروی تک‌تیرانداز بتواند گلوله‌های بیشتر دیگری از این مکان و موضع مخفی کمین خود به سوی دشمن شلیک کند و مأموریت خود را به پایان برساند.

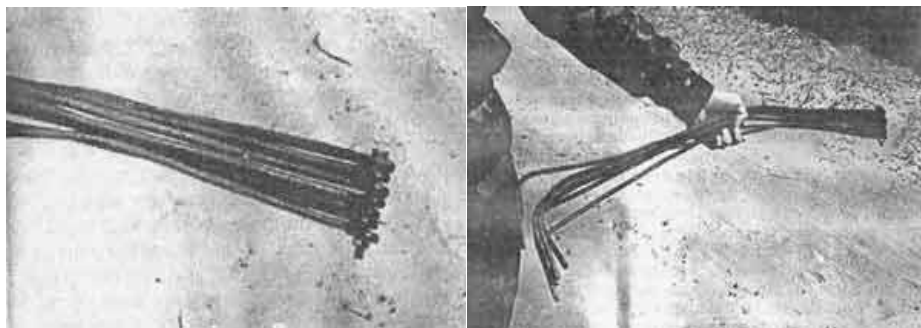
تجربه نشان داده است که بهترین موضع مخفی کمین و اختفاء نیروهای تک‌تیرانداز می‌تواند در هر گونه سایه‌ای باشد. البته اگر نیروهای دیدبان متخاصم کار دیدبانی و مشاهده منطقه مشکوک و مورد نظرشان را از محل مرتفع و بلندی انجام دهند آنان به خوبی می‌توانند پی به وجود و حضور نیروی تک‌تیرانداز در سایه ببرند.

البته هر الگوی استتاری به نور و نیز رنگ طبیعت موجود در منطقه کمین تک‌تیرانداز وابسته است. برای این منظور گاهی اوقات نیروهای تک‌تیرانداز موضع مخفی کمین خود را در جای در زیر تابش شدید اشعه‌های نور خورشید انتخاب می‌کنند به طوری که تابش نور خورشید به سمت چشمان نیروهای دیدبان دشمن بتابد و ضمناً این نور و تابش خورشید موضع مخفی و کمین

تک‌تیراندازان خودی را از چشمان و دید نیروهای دیدبان متخاصم پنهان می‌کند پس مناسب و بهتر است که در مناطق جنگی تابش نور شدید خورشید در چشمان نیروهای دیدبان و تک‌تیراندازان متخاصم و در پشت سر نیروی تک‌تیرانداز خودی باشد.

در طبیعت مناطق جنگی بیشتر اوقات نیروی تک‌تیرانداز از موضع مخفی کمین سر پوشیده استفاده می‌کند، در کشور روسیه نیروی یگان‌های کماندوی تک‌تیرانداز ارتش در حین مأموریت و در هنگام شب در زمین نزدیک به مواضع نیروهای متخاصم گودالی کنده و روی این گودال را با میله فلزی به شکل چتر مانند می‌بندند که تک‌تیراندازان روسی به آن «سیستم عنکبوت» می‌گویند.

(در تصویرهای زیر سیستم عنکبوت را در حالت‌های مختلف نشان داده است)



اکثر اوقات سیستم عنکبوت توسط خود نیروی تک‌تیرانداز از آرماتورهای فولادی نمره ۸ و یا مشابه درست و ساخته می‌گردد و در قسمت بالای آرماتورها توسط پیچ مهره به هم وصل می‌شوند و سر دیگر این آرماتورها باید به مقدار لازم تیز باشند که به راحتی در زمین منطقه کمین فرو روند و در حین کمین زدن نیروی تک‌تیرانداز مانعی برای عملیات وی ایجاد نکنند و این سیستم به راحتی جمع شود و توسط نیروی تک‌تیرانداز حمل گردد و مانعی در حین حرکت برای وی ایجاد نکند، سیستم عنکبوت باید در حین سبکی از استحکام لازم و کافی هم برخوردار باشد.

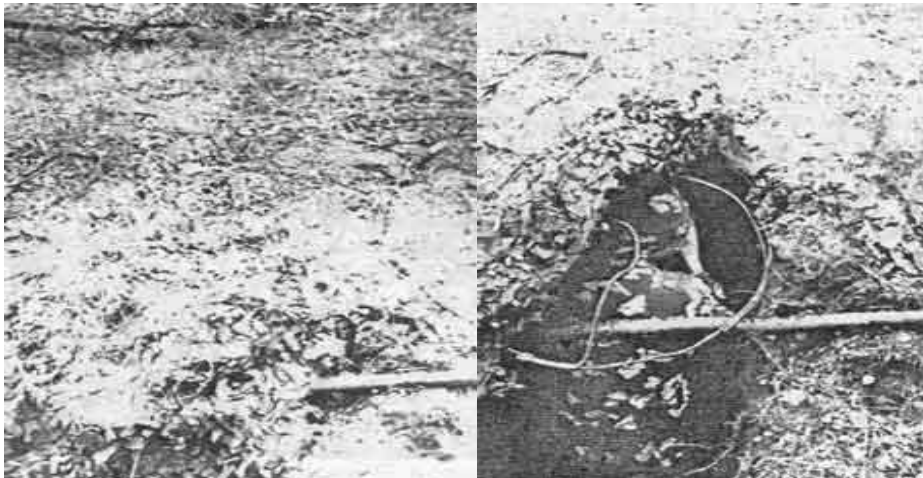


(در تصویر بالا سیستم عنکبوت را در حالت باز شده را در بالای گودال کنده شده قرار داده‌اند)

(در تصویر پایین سیستم عنکبوت را در روی گودالی با پوششی از گیاهان در حالت استتار نشان می‌دهند)



(در تصویر پایین سیستم عنکبوت را با علف خشک استتار شده و در روی گودالی نشان می‌دهد)



بعد از قرار دادن سیستم عنکبوت در روی گودال موضع مخفی کمین با تور استتار و یا شاخه و برگ درختان و بوته‌های و گیاهان و یا علف‌های خشک موجود و غیره در منطقه کمین روی آن را پوشاند بعد از این عمل موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز هم‌شکل با طبیعت اطراف منطقه یکی می‌گردد و به سختی مورد شناسایی نیروهای متخاصم قرار می‌گیرد، نیروی تک‌تیرانداز با استفاده از سیستم عنکبوت تک‌تیرانداز در همه جا به خصوص در زیر آشغال‌ها، برگ‌های درختان... و در کل در مکان‌های مانند زمین‌های پر شیب و همچنین در مناطق صاف و همواری که در آنجا نشانه‌ها و عوارض مشخصی برای استتار موضع مخفی کمین وی وجود ندارد استفاده می‌گردد و درست کردن و تعیین موضع مخفی کمین با این روش کمتر مورد توجه نیروهای دیدبان و گشتی متخاصم قرار می‌گیرد. در جنگ جهانی دوم نیروهای روس و آلمانی از روشی دیگری برای استتار موضع مخفی کمین تک‌تیراندازان استفاده می‌کردند (بعد از جنگ جهانی دوم هم در بعضی نبردهای مورد استفاده قرار گرفته است) و در زبان روسی به «کنده استتار» معروف است برای تهیه «کنده استتار» تک‌تیرانداز از لاستیک کهنه اتومبیل استفاده می‌کند که اغلب در نزدیکی تمامی جاده‌های مناطقی نبرد و یا در تعمیرگاه‌ها به وفور یافت می‌شود. تک‌تیرانداز با تهیه لاستیک کهنه و مقداری پوست از تنه درختان مختلف تهیه کرده و به یک طرف و یا به دور این لاستیک کهنه پوست‌های درختان را دوخته (ببند) و در صورت نیاز نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند از

این‌کنده استتار در مکان‌های مختلف و در شرایط متفاوت به راحتی در پناه آن مخفی و استتار شود. کنده استتار را می‌توان در روی سنگر قرار داده و اطراف کنده استتار را با علف‌ها و برگ‌های درختان و غیره پوشاند بعضی اوقات هم تک‌تیرانداز با ورق کلفت فولادی و یا با بریدن رینگ کهنه‌ای اتومبیل و قرار دادن آن در داخل حلقه لاستیک باعث کمک و حفاظت و جهت جلوگیری از شلیک گلوله مستقیم اسلحه و یا ترکش گلوله‌های انفجاری توپ خمپاره و غیره ... به سمت خود می‌گردد. گاهی اوقات نیروهای متخاصم با دیدن کنده استتار و برای از بین بردن شک و تردید خود به سویی شلیک می‌کنند و وقتی مشاهده می‌کنند که هیچ اتفاقی صورت نگرفته است آنگاه به راه خود ادامه می‌دهند. تجربه نشان داده است که در جنگ‌ها ورق فولادی داخل حلقه لاستیک چندین مرتبه جان نیروهای تک‌تیرانداز را نجات داده است.

(در تصویرهای زیر استفاده از روش کنده استتار را نشان داده است)



(در تصویر زیر موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز را در زیر کنده استتار را نشان داده است)



بعضی اوقات نیروهای تک‌تیرانداز پلیس در مبارزه با تروریست‌ها در شهرها و در مکان‌های که غیر قابل پیش‌بینی است به مشکلاتی برای تهیه موضع مخفی کمین بر می‌خورند. مثلاً در منطقه درگیر نمی‌توانند برای موضع مخفی کمین خود زمین را حفر و در آنجا پنهان گردند و ضمناً عوارضی هم وجود ندارد که بتوان در پناه آن پنهان شد چنین مکان‌های مانند فرودگاه‌ها است که تروریست‌ها در آنجا دست به عملیات تروریستی زده و مسافران واقع در هواپیما را به گروگان گرفته‌اند. برای این منظور گروهی دیگر از تک‌تیراندازان موضع مخفی را در نزدیکی محل ساختمان مورد در نظر می‌گیرند و خود را به شکلی استتار می‌کنند که تروریست‌ها میل به دیدن موضع مخفی آنها پیدا نمی‌کنند. برای این منظور آنها از لاستیک کهنه اتومبیل و امثالهم... برای موضع مخفی کمین خود استفاده می‌کنند. تک‌تیرانداز لاستیک اتومبیل را به دو قسمت مساوی تقسیم کرده و داخل آن را با جلیقه ضدگلوله می‌پوشانند و یک منفذ کوچکی را هم برای شلیک گلوله در جداره لاستیک درست می‌کنند و برای پنهان و مخفی کردن لاستیک از دید تروریست‌ها روی آن را با صفحه‌ای از فیبر (صفحات مشابه) می‌پوشانند و حتماً در جداره ورق هم منفذی برای دیدبانی نیروی تک‌تیرانداز در نظر می‌گیرند. تمام این سیستم ساده را در گاراژ و جایی دیگر نگهداری می‌کنند و در صورت لزوم در پناه نارنجک دودزا آن را در محل مورد نظر قرار می‌دهند.

(در تصویرهای زیر موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز را در پشت لاستیک بریده شده نشان داده است)



اصول صحیح تهیه پوشش (لباس) استتار توسط تک‌تیرانداز در مناطق جنگی

اغلب اوقات نیروهای تک‌تیرانداز حرفه‌ای و زبده خودشان اقدام به تهیه و دوختن لباس استتار برای خویشتن می‌کنند برای این منظور نیروی تک‌تیرانداز حتماً در وهله نخست شرایط طبیعی منطقه جنگ نبرد و همچنین فصول سال را باید در نظر بگیرد. اگر محل درگیری‌ها و موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز در شهر، بیابان، کوهستان، تپه ماهور، جنگل، مناطق روستایی و یا در فصول زمستان، بهار، تابستان و پاییز باشد تهیه و دوختن نوع لباس و رنگ آن اهمیتی زیادی برای زندگی و جان و موفقیت و پیروزی آنها در مناطق جنگ و نبرد را دارد، تهیه لباس استتار برای نیروهای تک‌تیرانداز توسط شرکت‌های در کشورهای امریکا، آلمان و روسیه تهیه می‌گردد، اما نیروی تک‌تیرانداز حرفه‌ای و زبده همیشه خود اقدام به تهیه و دوختن لباس استتار مناسب برای خویشتن می‌کند.

لباس استتار باید به طور کامل موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز را از دید نیروهای متخاصم پنهان و استتار کند تا در صورت مشاهده شدن وی توسط نیروهای متخاصم آنان توجه‌ای به وی نشان نداده و به وجود آن پی نبرند و موضع مخفی کمین استتارش به دید و چشم نیروهای متخاصم نیاید، این فلسفه کلی هر لباس استتاری می‌باشد. به نظر شما در درگیری‌های شهری و بحبوحه جنگ چه چیزی بیشتر نظر نیروهای متخاصم را به خود جلب نمی‌نماید؟ البته به لباس کثیف و کهنه افراد مسکین هیچ کس توجه نمی‌کند. بنابراین برای لباس استتار تک‌تیرانداز در درگیری‌های شهری از رنگ خاکستری و متمایل به رنگ آسفالت خشک استفاده می‌گردد. برای این منظور از تکه پارچه‌های نواری و یا چهارگوش خاکستری متمایل به رنگ تیره شبیه به آسفالت استفاده می‌گردد و برای کامل‌تر شدن لباس استتار نیروی تک‌تیرانداز بر روی این لباس دوده، آب آهک و خاک آجر می‌مالند و تا جایی که هیچ کس نخواهد به آن نظری افکند. البته تاکنون طراحان و کارشناسان این امور در سراسر جهان نتوانسته‌اند لباس استتار صد درصد کاملی را برای نیروهای ارتشی طراحی کنند تا که بتواند کاملاً بدن آنان را از دید و مشاهده نیروهای متخاصم پنهان نگه دارد. علت اصلی این مشکل در این است که گیاهان و درختان و بوته‌ها در هر منطقه‌ای از طبیعت رنگ و سایه متفاوتی نسبت به همدیگر دارند و پوشش استتار مناسب باید خطوط منحنی نامرتبی داشته باشد و بتواند خطوط و شکل منظم یک جسم را مختل کرده و به شکلی در آورد که با محیط اطرافش در طبیعت یکی و همسان گردد.

لازم به ذکر است که در طبیعت هیچ خط صافی وجود ندارد و نیمرخ بدن انسان هم متمایز از خطوط شکسته و کج و معوج می‌باشد. برای اینکه مشخصات نیمرخ و بدن تک‌تیرانداز در طبیعت دیده نشود او باید از پوشش مناسب استتار استفاده کند، پوش استتار در حقیقت هم‌شکل نمودن بدن تک‌تیرانداز با محیط پیرامونی منطقه کمین و پنهان شدن از دید نیروهای متخاصم است که در حقیقت به معنی آمیخته شدن و ترکیب شدن هیکل نیروی تک‌تیرانداز با محیط طبیعت منطقه جنگ و نبرد می‌باشد، در حقیقت او ملزم است برای پنهان شدن از دید دشمن این عمل را انجام دهد.

نیروی تک‌تیراندازی که در جنگ و نبرد و در درگیری‌های شهری با پوشش لباس استتاری که از رنگ‌های خاکستری، سیاه و زرد (بور) در تهیه آن استفاده کرده و صورتش را هم در زیر ماسک پنهان نموده است و در مکان‌های مانند خرابه‌های مسکونی، ساختمان‌های خالی، در زیر زمین‌های منازل مسکونی، سقف منازل و مکان‌های تقریباً نیمه تاریک خالی از سکنه موضع مخفی کمین تهیه کند عملاً توسط نیروهای متخاصم مشاهده و دیده نمی‌شود، به طور کلی لباس استتار برای نیروی تک‌تیرانداز خیلی مفید و حیاتی است، اگر نیروی تک‌تیرانداز آن را برعکس کرده و تمام ریشه‌هایش را به داخل برگرداند با پوشیدن این لباس بدنش در هوای سرد زمستان گرم می‌شود، از لباس استتار می‌توان به مثابه پتو و یا زیرانداز مخصوصاً در مناطق سردسیر استفاده کرد. در کل این لباس کمکی زیادی به تک‌تیرانداز می‌کند. می‌توان در داخل لباس استتار اسلحه یا وسایل تک‌تیرانداز را قرار داد تا در حین حرکت و جابه‌جائی به آنها آسیبی وارد نگردد.

از لباس استتار می‌توان به شکل نو (تیپ گاهواره) در صورت لزوم برای استراحت تک‌تیرانداز استفاده کرد. اضافه بر تمام این موارد پنهان و مخفی شدن تک‌تیرانداز در پناه آن در زمان جنگ و نبرد از دید نیروهای متخاصم را نباید از یاد برد، یکی از نیروهای پیر و با تجربه گروه تک‌تیرانداز روس و بازمانده از جنگ جهانی دوم روایت می‌کرد که در جبهه جنگ روسیه سفید با نیروهای آلمانی و در ماه آوریل و فصل پایانی سرمای زمستان وی را مجبور به عقب‌نشینی به منطقه‌ای باتلاقی می‌کنند. نیروهای آلمانی می‌دانستند در این باتلاق هیچ گونه مکان خشکی وجود ندارد و در آب‌های یخ زده زمستان نیم کره شمالی این نیروی تک‌تیرانداز روس از بین خواهد رفت. اما او با استفاده از لباس استتارش ننوی به شکل گاهواره در میان چند درخت برای خود درست کرده و به مدت یک هفته در میان باتلاق و آب‌های سرد و در داخل نو دوام می‌آورد تا اینکه نیروهای

آلمانی از آن منطقه جبهه نبرد عقب‌نشینی می‌کنند. آنها حتی نمی‌توانستند حدس بزنند که یک نفر می‌تواند زنده از آن باتلاق جان سالم به در ببرد. نیروی تک‌تیرانداز روس برای اطمینان خاطر چند روز دیگر هم در آن نو باقی مانده و سپس از آن باتلاق سرد خارج می‌شود.

هم اکنون دستگاه‌های طراحی و ساخته شده‌اند که با کمک امواج مافوق صوت و مادون قرمز می‌توان موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز را در جبهه‌های جنگ و نبرد معلوم و مشخص کرد. اما با بر تن کردن لباس استتار توسط تک‌تیرانداز شناسایی محل کمین وی بسیار سخت می‌شود و دوربین‌های مذکور در قبال این لباس‌ها کارایی ندارند و در صحنه‌های نبرد استفاده از این لباس‌ها برگ برنده‌ای برای تک‌تیرانداز می‌باشد.



(در تصویر بالا نیروهای تک‌تیرانداز ارتش ایالات متحده آمریکا با لباس و اسلحه استتار شده نشان داده است)



(در تصویر بالا نیروهای تک‌تیرانداز با پوشش استتار ریش‌دار شده Ghilie را نشان می‌دهد)

در کل وسایلی که اغلب همراه تک‌تیرانداز می‌باشند و باعث لو دادن موضع مخفی وی می‌گردند، وسایلی هستند که در مقابل هرگونه تابش نوری از خود نور را منعکس می‌کنند مانند وسایل براق مثل دکمه لباس، عینک و قسمت‌های از بدنه اسلحه تک‌تیرانداز که در نور خورشید از فاصله ۳۰۰ متری درخشش آنها دیده می‌شود و همچنین درخشش لنز دوربین‌های اپتیکی دوربین که از فاصله بیشتری قابل دیدن می‌باشند. یکی از علت‌های پیروزی نیروی تک‌تیرانداز در میدان‌های جنگ تعیین صحیح موضع مخفی کمین و استفاده از وسایل استتار برای خود و اسلحه‌اش می‌باشد.

در فصل تابستان تهیه موضع مخفی کمین برای نیروهای تک‌تیرانداز سخت می‌گردد در این فصل تمامی گیاهان در دامنه طبیعت سایه‌های متفاوتی از خود دارند. به همین علت نیروهای ارتشی لباس‌های نظامی خود را به صورت خال‌خال و پوست پلنگی و با رنگ و زمینه سبز انتخاب می‌کنند که در طبیعت و درختان منطقه استتار گردیده تا توسط نیروهای متخاصم دیده نشوند. در صد سال گذشته طراحان لباس‌های نظامی لباس‌های استتار پلنگی و مشابه بشماری را برای نیروهای ارتشی طراحی و دوخته و در معرض آزمایش گذاشته‌اند.

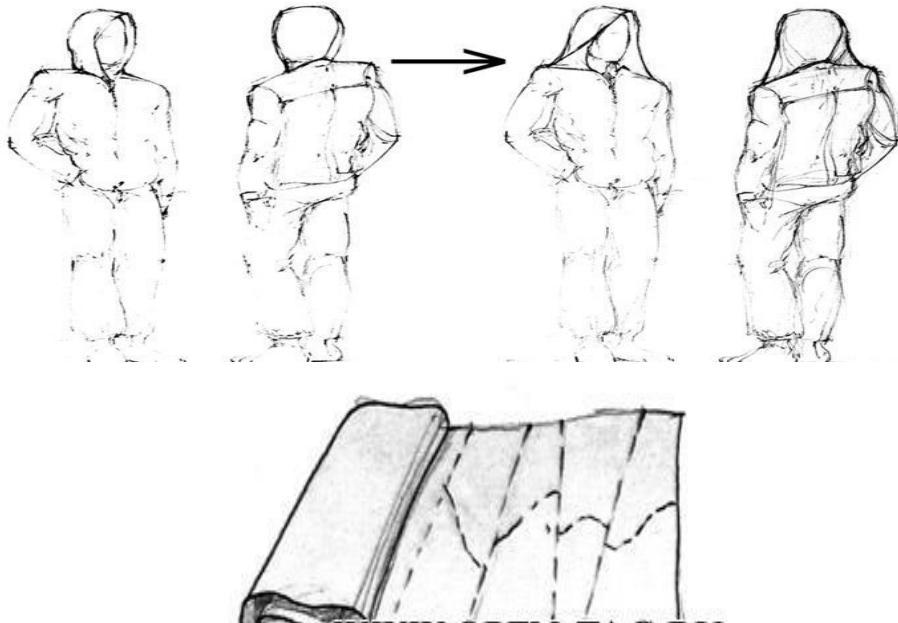
در صورتی که لباس طراحی و دوخته شده با طبیعت منطقه مورد نظر هم‌خوانی داشته باشد توانایی پنهان‌کاری کاملی برای نیروی تک‌تیرانداز به وجود می‌آورد و این یکی از بهترین راهکارهایی است که در جنگل و طبیعت و یا اصولاً در هر جایی که بازی نور و سایه نقش مهمی بازی می‌کنند می‌توان با این لباس‌ها استتار گردید، از طراحی یونیفرم‌های نظامی و دوخته شده که معمولاً براساس محیط طبیعی پیرامونی و پس زمینه منطقه موضع کمین می‌باشند می‌توان استفاده کرد، از زمان‌های بسیار قدیم در جنگ‌های صورت گرفته نیروهای ارتشی از لباس استتار استفاده می‌کردند. البته تک‌تیراندازان حرفه‌ای همیشه خودشان مبادرت به دوختن لباس مخصوص استتار می‌کنند. آنان با استفاده از نوارهای بریده شده پارچه لباس کهنه سربازان ارتشی برای خودشان پوشش استتاری تهیه می‌کنند اغلب نیروهای تک‌تیرانداز از تکه نوارهای پارچه‌ای هم‌رنگ با طبیعت منطقه‌ای که در آن قصد بر پا کردن موضع مخفی کمین دارند در دوختن لباس استتار خود استفاده می‌کنند، نیروهای تک‌تیرانداز زبده و حرفه‌ای لباس استتار خودشان را طوری تهیه می‌کنند که مناسب و هم‌رنگ منطقه‌ای باشد که می‌خواهند در آنجا موضع مخفی کمین بر پا کنند، در درگیری‌های شهری لباس استتار را طوری درست می‌کنند که به شکل کاپشن بلندی و با آستین‌های دراز دوخته شده باشد، در نبرد شهرها گاهی

اوقات تک‌تیرانداز مجبور به جنگ تن به تن با نیروهای متخاصم می‌گردد و لباس استتار او باید کمتر دست پا گیر باشد و مناسب نبرد و زد و خورد در شهرها طراحی و دوخته شده باشد. البته نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند با وسایل اولیه موجود دم دستش اقدام به دوختن و تهیه چند نوع لباس استتار به شرح زیر برای خویش بکند:

- تهیه لباس استتار کامل شامل کاپشن و شلوار
- تهیه لباس استتار شامل کاپشن و گرم‌کن
- تهیه لباس استتار به شکل «پانچو»

اهمیت و دقت در تهیه لباس استتار مناسب برای نیروهای تک‌تیرانداز در مناطق جنگی اهمیت حیاتی برای آنها دارد و در به انجام رسانیدن صحیح عملیات و سالم رسیدن به پایگاه نیروهای خودی نقش مهمی بازی می‌کند و در حقیقت پوشش استتار مناسب نیروی تک‌تیرانداز به مرگ و زندگی وی بستگی کامل دارد.

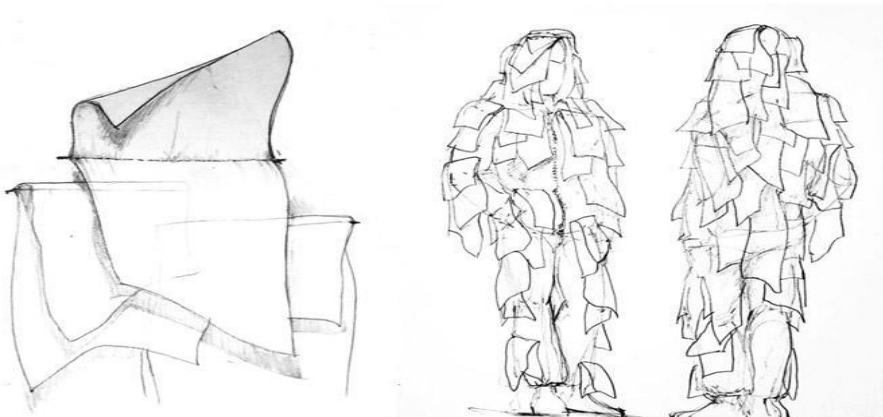
(تصاویر پایین نمونه دوخت لباس تک‌تیرانداز به صورت لباس با کلاه سرهم نشان داده است)



تهیه و دوختن لباس استتار مناسب برای تک‌تیرانداز مستلزم دقت و حوصله فراوان می‌باشد، نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند برای تهیه لباس استتار از یک لباس نظامی کهنه زیپ‌دار استفاده کند. او برای تهیه لباس استتار از سه نمونه پارچه با رنگ‌های متفاوت هم رنگ و زمینه طبیعت منطقه نبرد و مقداری هم طناب کتفی تهیه کند، اولین کاری که باید انجام داد باید به بالای لباس نظامی مورد نظر کلاه کاپشن را دوخته و وصل کرد با دوختن کلاه کاپشن به لباس نظامی ظاهر و شکل اصلی لباس نظامی تغییر کلی می‌کند و بدن تک‌تیرانداز در آن تا کمرش به صورت یک تیکه دیده می‌شود و این باعث تغییر شبیخ و شمایل لباس تک‌تیرانداز در طبیعت مناطق جنگی هم می‌گردد و ضمناً درزهای تکه پارچه‌های دوخته شده باید به شکلی در روی لباس قرار گرفته و دوخته شوند که در حین ایستادن نیروی تک‌تیرانداز و با دستان قرار گرفته در پهلوهایش (آویزان) این تکه لباس‌ها هم عمود بر سطح زمین و آویزان قرار گیرند.

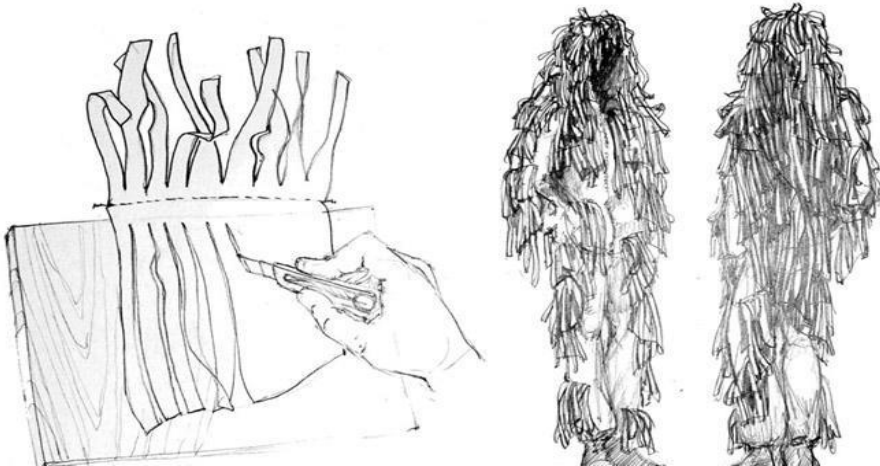
در مرحله بعدی شروع به دوختن تکه‌های پارچه کوچک به لباس استتار را باید کرد برای این منظور با قیچی قطعات و تکه‌های ناهموار لباس و تریشه‌های پارچه‌های با رنگ‌های گفته شده در بالا را قیچی و تهیه و آماده باد کرد. البته عرض این تکه پارچه‌ها به اندازه‌های ۱۰ تا ۳۰ سانتی‌متر و طول آنها از ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر باید متغیر باشند.

(تصویر پایین دوختن تکه پارچه‌ها را بر روی لباس تک‌تیرانداز نشان داده است)



یکی از موارد و نکاتی که در دوختن اینگونه لباس‌ها باید رعایت شود انجام دوخت به شکلی صورت پذیرد که استتار نیروی تک‌تیرانداز را در موضع مخفی کمین وی کامل کند و در حقیقت دوختن صحیح و مناسب همین تیکه پارچه‌های کوچک در روی کاپشن، شانه‌ها، پشت و کمر و سینه لباس استتار تک‌تیرانداز مهم باشد، موارد گفته شده در بالا نکات خیلی مهمی هستند که باید در دوختن و تهیه لباس استتار نیروی تک‌تیرانداز رعایت شوند.

پس از دوختن تمامی تکه پارچه‌های بزرگ بر روی لباس سپس باید آنها را به قسمت‌های کوچک‌تری تقسیم و قیچی کرد (تقریباً با عرض ۴-۱ سانتی‌متر) مانند شکل زیر:



البته لزوم حتمی ندارد که تکه پارچه‌های لباس را صاف قیچی کرد و هرچه این تکه‌های پارچه قیچی شده ناصاف‌تر باشند لباس مزبور کمتر جلب توجه نیروهای متخاصم را می‌کند. پس از اتمام دوخت و دوز و تهیه لباس سعی می‌شود که در روی این لباس حلقه‌های از نخ‌های کلفت کنفی هم دوخته شود که اگر موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز در مناطق جنگلی و یا بوته‌زارها واقع شود او بتواند در این حلقه‌های دوخته شده بر روی لباسش شاخه و برگ درختان را جهت استتار کامل‌تر خود اضافه کند. البته نیروی تک‌تیرانداز ماهر خودش باید تشخیص دهد که چه فرم لباس استتاری را با چه نمونه زمینه رنگش را برای خود و در کدام منطقه از طبیعت جبهه‌های جنگ و نبرد طراحی و آماده کند.

(تصویر پایین لباس استتار زمستانی و تابستانی نیروهای تک‌تیرانداز ارتش روسیه را نشان می‌دهد).



زمینه رنگ طبیعی موجود در هر منطقه جنگ و نبرد با مناطق دیگر جبهه‌های جنگ و نبرد متفاوت می‌باشد. به طور مثال در مناطق بیابانی زمینه رنگ محیط و طبیعت خاکی کم رنگ و در مناطق جنگلی سبز (در فصل تابستان و بهار) و در مناطق سردسیر و برفی سفید با خال‌ها و لکه‌های سیاه می‌باشد. به همین دلیل است که اغلب نیروهای تک‌تیرانداز زبده خود اقدام به دوختن و تهیه لباس استتار برای خویشان می‌کنند. همیشه نوع رنگ پارچه لباس یکی از نکته‌ها و دلایلی مهم در تهیه لباس استتار تک‌تیرانداز می‌باشد و مورد دیگری استفاده از روش و ایده‌ای در طراحی لباس استتار است که باعث شود که خط‌های صاف لباس استتار تبدیل به خطوط ناهموار گردند.

(در تصویرهای پایین لباس استتار تک‌تیراندازهای ارتش روسیه را نشان می‌دهد)



(تصویر پایین تک‌تیرانداز ارتش روسیه در لباس استتار مشابه لباس بالا در موضع مخفی کمین را نشان می‌دهد)



نیروی تک‌تیرانداز حرفه‌ای که در مناطق جنگی قصد عملیات نظامی را دارد برای تهیه لباس استتار خود باید شرایط زیر را مد نظر خود قرار دهد:

- نیروی تک‌تیرانداز برای استتار کامل‌تر در محل کمینش از گیاهان و بوته‌های موجود در طبیعت اطراف آن منطقه به لباس و محل کمین خود اضافه کند.
- برای قسمت‌های باز بدن تک‌تیرانداز مانند دستان و صورت وی بهتر است از دستکش و کلاه و ماسک برای پوشش صورت او که هم‌رنگ با طبیعت منطقه کمین است استفاده شود.
- در تهیه لباس استتار و دوختن تکه پارچه‌های رنگی بر روی آن سعی شود که این پارچه‌های به صورت مساوی و برابر با هم دوخته نشوند تا کمتر جلب توجه نیروهای دشمن را بکند.
- با توجه به دوختن این لباس و استفاده از آن برای موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز بهتر و مناسب است برای مناطق سردسیر لایه داخلی لباس استتار را از جنس پارچه‌های عایق مخصوص تهیه شود تا بدن نیروی تک‌تیرانداز را در موضع مخفی کمینش بیشتر و بهتر گرم نگه دارد.

(در تصویر پایین پوشش استتار نیروی تک‌تیرانداز ارتش روسیه را نشان می‌دهد)



نیروهای زبده تک‌تیرانداز حتماً در موضع‌های مخفی کمین خود اسلحه و دوربین اپتیکی اسلحه‌شان را با پارچه‌های ریش‌دار شده‌ای استتار می‌کنند، نیروهای تک‌تیرانداز در میدان‌های جنگ برای استتار اسلحه خودشان از تکه پارچه‌های از لباس‌های کهنه سربازان تهیه کرده و به دور اسلحه‌شان می‌پیچانند و یا اینکه از پوشش استتار آماده استفاده می‌کنند. در هر صورت باید این پارچه‌های بسته شده را محکم در جای خود قرار داده و به دور اسلحه پیچانیده شوند تا در حین حرکت و جابه‌جائی تک‌تیرانداز، آنها باز نشوند. برای این منظور پس از قرار دادن تک پارچه‌های قیچی شده بر دور بدنه و لوله اسلحه آنها را با نخ‌های محکمی می‌بندند و این عمل باعث کمک و جلوگیری از جابه‌جا شدن پارچه‌های استتار پیچیده شده به دور اسلحه نیروی تک‌تیرانداز در حین حرکت و جابه‌جائی در میدان‌های جنگ و نبرد و همچنین در هنگام قرار گرفتن در موضع مخفی کمین وی می‌شوند.

(در تصویر پایین به خوبی استتار اسلحه و لنز دوربین نیروی تک‌تیرانداز را نشان داده است)

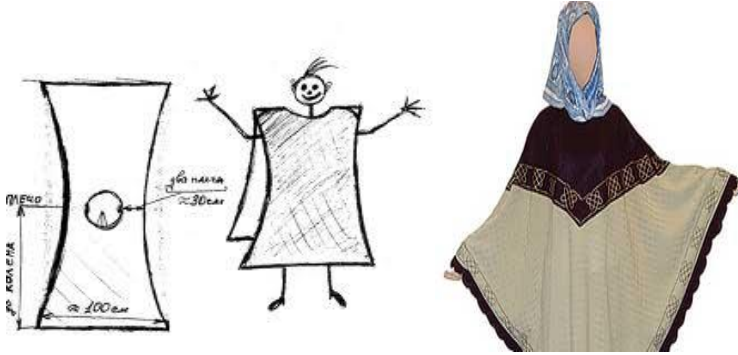


تجربه‌های باقی مانده از عملیات جنگی نیروهای تک‌تیرانداز نشان داده شده است که گاهی اوقات یکسری ملاحظات انجام شده برای پوشش استتار نیروی تک‌تیرانداز در میدان‌های جنگ و نبرد باعث به وجود آمدن حوادث پیش‌بینی نشده‌ای می‌گردد که به ناچار استتار نیروی تک‌تیرانداز هم دارای محدودیت‌های خاصی می‌شود. در طبیعت مناطق جنگ و نبرد نیروهای تک‌تیرانداز باید به شکلی با لباس استتار خود مخفی شوند که هیچ کس نخواهد به آنها نظر بیاندازد و به موضع مخفی آنها توجه نشان دهد و این شرط اصلی و مهم در پوشیدن لباس استتار

توسط نیروهای تک‌تیرانداز در مناطق جنگی می‌باشد. البته یک سری مسائل و خواسته‌های به خصوصی که از یک استتار مناسب مورد نظر است باعث می‌شود که انتخاب یک الگوی صحیح استتاری برای نیروهای تک‌تیرانداز محدود شود، در مناطق جنگی لباس استتار نیروی تک‌تیرانداز باید به شکلی باشد که هنگامی او لباس استتار را بر تن کرده است و در موضع مخفی کمین خود قرار گرفته است هم رنگ محیط و منطقه و طبیعت نبرد شود و در حقیقت هدف نیروی تک‌تیرانداز در این است که لباس و پوشش استتارش هم‌رنگ محیط اطرافش شود به طوری که در طبیعت مناطقی جنگی کمتر دیده شود (همین جور که در صفحات قبلی کتاب توضیح داده شده است). بعضی اوقات پیش می‌آید که نیروی تک‌تیرانداز به همراه گروهی از نیروهای پیاده در حال حرکت به سوی منطقه نبرد می‌باشند. در اینجا لازم است که او از لباس استتار سبک‌تر، راحت‌تر، آزادتر و کوچک‌تری استفاده کند و همراهان وی هم مانند نیروهای پیاده و مسلسل‌چی‌ها و آرپی‌جی‌زن‌ها و نیروهای تخریبی که در حال حرکت و جابه‌جائی با نیروی تک‌تیرانداز می‌باشند باید مانند نیروی تک‌تیرانداز از لباس‌های استتار استفاده کنند تا کمتر نیروهای دیدبان متخاصم آنها را مورد شناسایی قرار دهند. چون در جبهه‌های جنگ و نبرد در صورت نبودن استتار کامل در اولین حمله توسط نیروهای دشمن شناسایی و مورد اصابت گلوله آنها قرار می‌گیرند.

پوشش استتار گیلی (Ghilie): نیروهای تک‌تیرانداز در جنگ‌ها و زد و خوردها از لباس استتار دیگری به نام لباس «درختی»، «بوته‌های متحرک» و یا «گیلی» Ghilie که دوخت و تهیه آن شبیه لباس «پانچو» (نیروهای ارتشی هم در زمان ریزش باران از یک نمونه از جنس پلاستیک آن می‌کنند) می‌باشد استفاده می‌کنند. پوشش استتار ریش‌دار شده Ghilie یکی از ساده‌ترین طرح‌های تهیه لباس استتار برای نیروهای تک‌تیرانداز می‌باشد. تهیه لباس استتار گیلی به شکل لباس بارانی «پانچو» می‌باشد که در روی آن تکه‌های پارچه رنگی دوخته می‌شود و به همین علت به آن لباس استتار بوته‌های متحرک تک‌تیراندازان هم می‌گویند. این لباس به راحتی بر تن تک‌تیرانداز می‌شود و استفاده‌های زیادی هم از این لباس استتار Ghilie برای موارد دیگر می‌توان کرد نیروهای تک‌تیرانداز با استفاده از تور ماهی‌گیری یا تور استتار برای تهیه لباس گیلی استفاده می‌کنند. آنان می‌توانند با کمی حوصله و تحمل و گذاشتن وقت لازم اقدام به تهیه و دوختن لباس استتار ریشه‌دار «گیلی» یا «بوته‌های متحرک» با وسایل ابتدائی و دم دست بکنند.

(در تصاویر زیر سمت راست لباس گشاد پانچو خانم‌ها و سمت چپ نمونه لباس استتاری که تک‌تیرانداز آماده کرده است)



نیروهای تک‌تیرانداز حرفه‌ای همیشه در موضع مخفی کمین خود روپوش استتار گیلی را در روی لباس خود می‌گسترانند (فرم دوخت این روپوش و یا بوته‌های متحرک مثل لباس قیف مانند گشاد و شبیه لباس پانچو و یا نمونه مانتوی خانم‌ها است) نوع فرم و طراحی این پوشش استتار بدین علت است که اگر نیروی تک‌تیرانداز در موضع مخفی کمینش حرکت و جنبش احتمالی و ناگهانی و بی‌اختیاری از او سر بزند، روپوش استتار او تکان نمی‌خورد و تکان و جنبش بدن تک‌تیرانداز را در خود جذب می‌کند و موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز توسط نیروهای دیدبان متخاصم دیده و مشاهده نمی‌شود.

(در تصویرهای زیر نیروهای تک‌تیرانداز در لباس استتار «گیلی» نشان داده شده است)





البته بعضی اوقات روپوش استتار را آستین‌دار درست می‌کنند. فقط باید توجه کرد خط‌های دوخت لباس نباید منظم باشند و حداکثر سعی شود کج و معوج و نامتقارن دوخته شوند و یا اینکه سعی گردد تمامی خطوط صاف لباس دوخته شده «گیلی» در قسمت‌های تیره روپوش مخفی و استتار گردند.

(در تصویرهای زیر پوشش استتار ریش‌دار شده Ghilie یا بوته‌های متحرک تک‌تیراندازان را نشان می‌دهد)



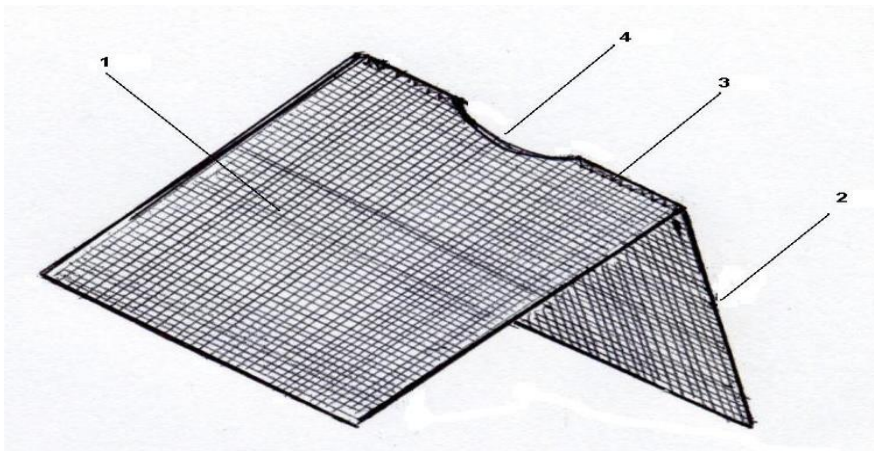
لازم است که برای تهیه و دوختن لباس استتار گیلی توری شبیه تور ماهی‌گیری تهیه شود. اگر مقدار اندازه تور تهیه شده زیاد باشد بهتر است مقداری از این تور را برای روپوش لباس استتار مصرف کرد و قسمتی دیگر هم برای تهیه شلوار استتار می‌توان گذاشت، برای دوختن لباس استتار تقریباً توری به اندازه $4-3 \times 1/5$ متر کافی و لازم است و اندازه‌های منفذهای تور از ۱ تا $2/5$ سانتی‌متر برای دوختن لباس مناسب می‌باشد.

اگر توری با این مشخصات در دسترس نبود می‌توان از گونی‌های کنفی خاکی رنگ که برای حمل سیب‌زمینی از آنها بهره می‌برند و منفذهای درشتی دارند استفاده کرد و البته برای دوختن لباس استتار نیاز است که ۵ تا ۶ عدد از این گونی‌ها را تهیه کرد و نخ‌های استفاده شده در این نوع گونی‌ها نازک و نرم می‌باشند و برای رنگ کردن لباس استتاری که با پارچه این نوع گونی‌ها تهیه می‌شود مناسب است. از رنگ‌های شیمیایی سبز، قهوه‌ای، سیاه، زیتونی و زرد رنگ استفاده شود، البته در هنگام خرید رنگ لازم است بدانید که رنگ تهیه شده برای لباس نیروی تک‌تیرانداز در چه منطقه‌ای از طبیعت مورد استفاده قرار می‌گیرد که نسبت به آن منطقه رنگ مورد نظر خریداری گردد.

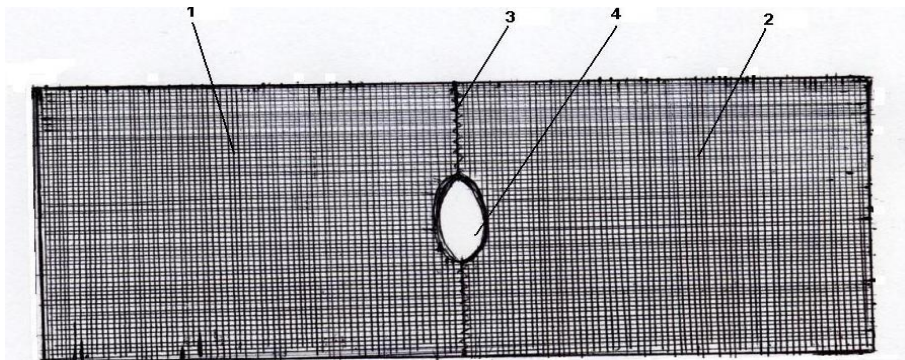
برای دوختن لباس استتار نیاز مبرمی به نخ‌ها بافتنی کلفت پلاستیکی می‌باشد که اغلب از نخ‌های سفید رنگ به کلفتی ۱ میلی‌متر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در کل به طول ۱۰۰ متر نخ لازم است و همچنین ۲۵ متر نخ کلفت به قطر ۵-۳ میلی‌متر برای محکم‌تر دوخته شدن اطراف و گوشه‌های لباس استتار و گره زدن آن لازم است.

پس از خرید و تهیه وسایل لازم برای دوختن لباس استتار Ghilie گونی‌های خالی سیب‌زمینی را باز کرده و آنها را رنگ‌آمیزی مناسب کرده و پس از رنگ‌آمیزی پارچه مذکور نیروی تک‌تیرانداز از این پارچه رنگ‌آمیزی شده برای مصرف خود استفاده می‌کند، البته او در نظر می‌گیرد که چه لباسی را می‌توان دوخت مثلاً نیاز تک‌تیرانداز به یک دست کاپشن با کلاه و شلوار استتار می‌باشد، برای دوختن لباس مورد نظر تک‌تیرانداز باید پارچه‌ای برای جلوی سینه، پشت کمر، آستین‌ها و کلاه آماده کند، اندازه پارچه جلوی سینه و پشت کمر لباس استتار به یک اندازه است برای تهیه این قسمت نیاز به پارچه‌ای چهارگوش با عرض ۱ متر و طولی به اندازه تقریبی ۲-۱/۵ برابر قد تک‌تیرانداز می‌باشد. (مشابه الگوی زیر باید دوخت)

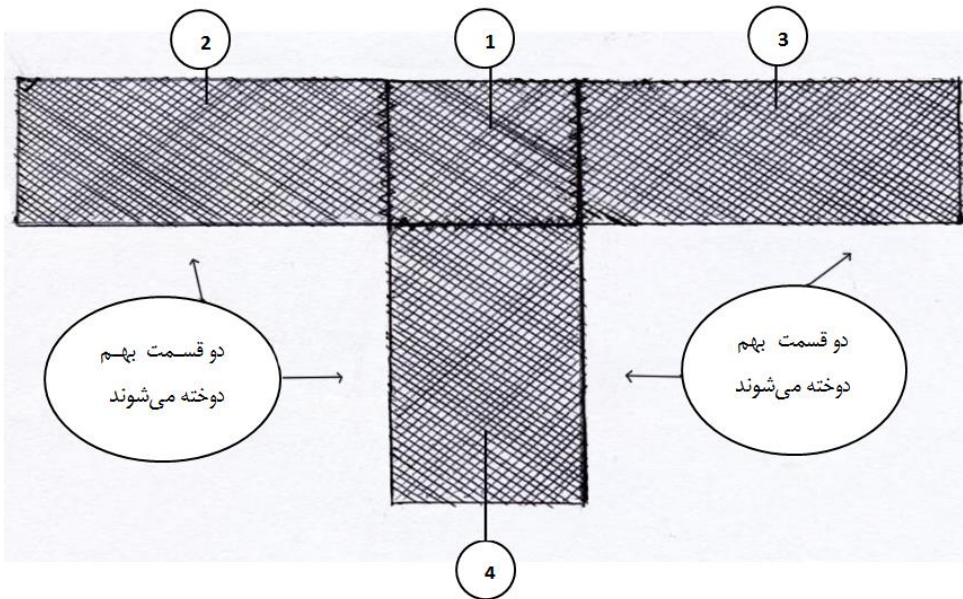
(تصویر زیر الگوی برای پوشش لباس استتار نیروی تک‌تیرانداز می‌باشد)



(تصویر زیر الگوی دیگر برای پوشش لباس استتار نیروی تک‌تیرانداز می‌باشد)



مشخصات تصاویر بالا و صفحه قبل به شرح زیر می‌باشند: ۱- جلوی سینه ۲- پشت کمر ۳- محل کوک دوخت ۴- محلی برای در نظر گرفتن سر و گردن و دوختن کلاه کاپشن تک‌تیرانداز می‌باشد، آستین‌های لباس تک‌تیرانداز از دو تکه پارچه با طول ۶۰-۷۰ سانتی‌متر و با عرض ۴۰ سانتی‌متر تهیه می‌شود و دوختن آستین‌های لباس استتار آسان‌تر از هر قسمت دیگری می‌باشد. آنها را مثل دو تکه چهارگوش از پارچه گونی‌های تهیه شده را باید قیچی کرد و سپس آنها را به هم باید دوخت.



(تصویر بالا الگوی تهیه و دوختن کلاه کاپشن لباس استتار نیروی تک‌تیرانداز را نشان می‌دهد)

برای دوختن کلاه لباس استتار از پارچه گونی و به شکل چهارگوش قیچی کرده و سپس به هم می‌دوزند (تصویر صفحه قبل شماره ۱)، برای قسمت شماره ۱ برای پارچه کلاه به اندازه 20×20 سانتی‌متر تهیه باید کرد و برای سه تکه دیگر الگوی کلاه از پارچه گونی‌های به اندازه 20×40 سانتی‌متر (تصویر صفحه قبل شماره‌های ۲، ۳، ۴) استفاده می‌شود کلاه کاپشن تهیه شده باید سطولی به حجم ۱۰ لیتر را کاملاً بپوشاند.

با توجه به تنوع رنگ‌های مختلف در طبیعت مناطق جنگی نیروی تک‌تیرانداز برای تهیه لباس استتارش هم از رنگ‌های متفاوت و مناسب و مشابه آن مناطق باید استفاده کند که همخوانی با منطقه‌ای که موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز در آنجاست داشته باشد. او پس از رنگ‌آمیزی نخ‌ها باید آنها را خشک کرده و یک مرتبه دیگر آنها را جداگانه شسته و خشک کند تا در هنگام ریزش باران و یا رطوبت زیاد در موضع مخفی کمینش در مناطق جنگی لباس استتار وی از خود رنگ پس ندهد.



(تصویرهای بالا لباس استتار درختی مشابه با لباسی که در بالا تهیه آن توضیح داده شده را نشان می‌دهد)

البته بهترین کار این است پس از تهیه و خرید نخ مورد نیاز توسط کسانی که مغازه‌ها و یا کارگاه‌های رنگرزی دارند اقدام به رنگ‌آمیزی این نخ‌ها شود و یا اینکه اقدام به خریدن نخ رنگی آماده شده از مغازه‌های نخ فروشی انجام شود. (تصاویر زیر نمونه نخ‌ها را با رنگ‌های متفاوت که مناسب دوختن لباس استتار تک‌تیرانداز هستند را نشان داده است)



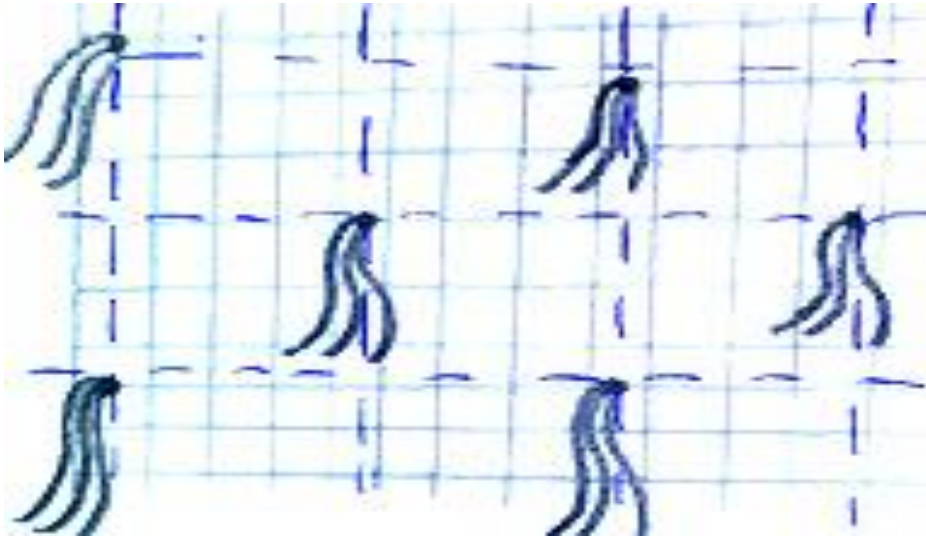
پس از تهیه نخ‌ها و رنگ‌آمیزی آنان مرحله بافتن نخ‌های ریش‌ریش شده لباس استتار بر روی تور شروع می‌شود برای این کار بهتر است از میز نقشه‌کشی و یا از میز اتو استفاده شود به شکلی توری را بر روی میز پهن می‌کنیم و کار را بر روی قسمتی از لباس که در روی میز می‌باشد را شروع می‌کنیم، اول نخ‌ها را به صورت تعداد ۴ یا ۵ تایی با طول مساوی آماده می‌کنیم و آنها را به صورت جفتی کنار هم قرار می‌دهیم. باید اقرار کرد سخت‌ترین و مهم‌ترین قسمت آماده‌سازی لباس استتار همین مرحله وصل کردن و دوختن نخ‌ها بر روی توری می‌باشد که جان نیروی تک‌تیرانداز را در موضع‌های مخفی کمین در میدان‌های جنگ استتار و پنهان و از خطرات دور می‌کند. بنابراین در این مرحله از تهیه و آماده کردن لباس استتار باید دقت فراوان کرد برای تهیه و دوختن قسمت‌های لباس استتار نکته‌های مهمی است که فوت و فن مخصوص به خود را دارند و نیروی تک‌تیرانداز به تجربه این موضع را یاد می‌گیرد.

طول نخ‌ها برای بافت تور استتار نباید خیلی کوتاه باشند که پس از آماده شدن لباس شبیه خارهای بوته‌های کاکتوس می‌شوند و خیلی هم نباید بلند باشند که شبیه به سگ‌های نژاد «باب تیل» با موی بلند می‌گردند و اگر این نخ‌ها بلند باشند لباس تهیه شده در مناطق جنگی برای تک‌تیرانداز مشکل‌ساز می‌شود و مشکل این لباس ریش‌دار بلند در این است که نخ‌های بلند در حین حرکت و جابه‌جایی نیروی تک‌تیرانداز به هر جا و مانعی گیر می‌کنند و در مناطق حساس جنگی دردسر و مزاحمت برای وی ایجاد می‌کنند.

برای گره زدن نخ‌ها بر روی تور مذکور از یک روش خاص گره زدن استفاده می‌شود. برای انتخاب نخ‌ها ۳ و ۴ و ۵ عدد رشته نخ از یک رنگ را تهیه و آماده کرده و سپس برای گره زدن‌ها از آنها استفاده می‌شود.

تمام سطح توری را به شکل یکنواخت با این گره‌ها باید پوشاند. البته بهتر است شروع گره‌ها را با رنگ اصلی طبیعت منطقه‌ای که تیرانداز در آنجا درگیر جنگ می‌باشد انجام شود، گره‌های رنگی بعدی را با فواصل ۱۰-۹ سانتی‌متر از ردیف اولی باید گره زد تا اینکه همه ردیف‌ها تمام شود و سپس از نوع باید دوباره شروع به ادامه گره زدن ردیف‌های بعدی کرد و این کار را با نخ‌های رنگی از اول تا الی آخر ادامه می‌دهیم، البته فن گره زدن‌ها در این است که اول تور را به مربع‌های ۱۰*۱۰ سانتی‌متری تقسیم کرده و در گوشه‌های این مربع‌ها نخ را گره‌های می‌زنند.

(در تصویر پایین نمونه گره‌های نخ‌ی زده شده را با رنگ‌های متفاوت در روی سطح تور نشان داده است)



هر کاری فوت و فن مخصوص به خودش را دارد و در تهیه لباس «بوته‌های متحرک» و یا گیلی همچنین می‌باشد و در حین آماده کردن این لباس گره زدن‌ها از پایین به سمت بالا باید انجام شوند و جهت خواب گره‌ها حتماً باید به سمت پایین باشد و گره‌های بعدی هم به همین ترتیب گرهشان به سمت پایین صورت می‌گیرد.

برای تهیه گره آستین‌ها باید از روی کف دست تا شانه‌ها را گره زد و گره‌های روی کلاه از پشت گردن تا روی پیشانی می‌باشند و برای تهیه لباس در قسمت بدن از پاها تا گردن در روی سطح تور باید گره زد.

بعد از آماده شدن لباس استتار «بوته‌های متحرک» (گیلی) تک‌تیرانداز آن را چندین بار به تن می‌کند تا اگر مشکلی دیده شود از روی فرصت آنها را بر طرف کند.

(در تصویرهای زیر چند نمونه از لباس‌های استتار بوته‌های متحرک «گیلی» را نشان داده است)



در کشور روسیه هیچ کارخانه و شرکت تولیدکننده‌ای پوشش رویه لباس استتار و یا همان لباس گیلی را برای نیروهای تک‌تیرانداز تهیه نمی‌کند (فقط لباس و فرم استتار زیرین را تولید می‌کنند) و شاید به این علت است که این لباس‌ها باید تک و مخصوص باشند. اگر این نمونه لباس‌ها توسط کارخانه جات به تعداد زیادی تولید شوند نیروهای متخاصم به سرعت این لباس‌ها را شناسایی می‌کنند. بنابراین تهیه و دوخت لباس استتار بر عهده‌ای نیروهای تک‌تیرانداز است که باید آن را تهیه کنند و نکته مهم در تهیه اینگونه لباس‌ها در این است که خود تک‌تیرانداز با توجه به دانستن و آشنایی با طبیعت و شرایط محل و منطقه نبرد دست به تهیه و دوخت لباس استتار گیلی خویش می‌زند.

(در تصویر زیر لباس گیلی و جالباسی تهیه شده برای نگهداری این لباس می‌باشد)



اگر نیروی تک‌تیرانداز از لباس استتار بوته متحرک Ghilie موقتاً استفاده نمی‌کند باید لباس را در روی جا لباسی گذاشته که فرم و شکل او به هم نخورد و سعی نشود او را به صورت مچاله شده جمع کرده و در جایی قرار دهد. اگر لباس استتار مذکور در زیر باران قرار گرفته است باید او را آویزان و خشک کرد، نباید فراموش شود که حرکت و جابه‌جایی با سرعت زیاد و یا به شکل دویدن در جنگل و مناطق پر درخت با این لباس مشکل‌ساز می‌باشد و این لباس برای این کار درست نشده است. حرکت تک‌تیرانداز با این لباس باید به آهستگی صورت گیرد.

(سمت راست یک نمونه پوشش استتار گیلی و سمت چپ تک‌تیرانداز را در لباس استتار گیلی نشان می‌دهد)



بعد از آماده شدن لباس استتار تک‌تیرانداز و در هنگام رفتن او به مأموریت و نشستن در موضع مخفی کمینش حتماً باید قسمت‌های باز بدنش را مانند صورت، دستان، گردن و گوش‌هایش را پوشانده و استتار و یا گریم بکند به طور کلی قسمت‌های از صورت تک‌تیرانداز که سایه‌دار می‌باشد را لازم است که حالت روشن‌تری به خود بگیرند (رنگ شوند) و قسمت‌های از صورت را که برجسته می‌باشند مانند پیشانی، گردن گوش‌ها و بینی را که روشن می‌باشد باید با رنگ تیره گریم کرد و اگر نیروی تک‌تیرانداز برای مأموریت به مناطقی با شرایط طبیعت جنگی زیر برود باید از رنگ‌های مناسب و مورد نظر زیر برای استفاده قسمت‌های باز بدنش استفاده کند:

۱. اگر در مناطق جنگلی به مأموریت و کمین می‌رود از رنگ‌های تیره و روشن سبز استفاده شود.

۲. اگر در مناطق برفی به مأموریت و کمین می‌رود رنگ سفید و خاکستری استفاده شود.

۳. اگر در مناطق بیابانی به مأموریت و کمین می‌رود از رنگ قهوه‌ای و خاکی استفاده شود.

فرم نقاشی‌های رنگی استتار روی صورت تک‌تیرانداز باید با خط‌های کلفت به حالت غیر قرینه‌ای در تمام صورت وی ادامه داشته باشند، بهتر از همه استتار و نقاشی صورت تک‌تیرانداز با خطوطی ترکیبی و همراه با لکه‌های خالدار در روی صورت وی انجام می‌پذیرد و نیروی تک‌تیرانداز هیچ وقت نباید از رنگ‌های که در طبیعت منطقه نبرد وجود ندارند برای رنگ لباس استتارش استفاده کند. در صورت استفاده از چنین رنگ‌های غیر هم‌خوان موقعیت وی برای نیروهای متخاصم قابل دیدن و مشاهده می‌شود و خطر از بین رفتن او از سوی نیروهای متخاصم زیاد می‌گردد. او حتماً باید از رنگ‌آمیزی که با طبیعت محل کمین هم‌خوانی و هماهنگی لازم را دارد استفاده کند.



(در تصویر بالا استتار و رنگ‌آمیزی صورت تک‌تیرانداز را به صورت خطوط کج و موج نشان می‌دهد)

اگر موضع مخفی کمین نیروی تک‌تیرانداز در جایی قرار دارد که درختچه‌های کوتاه و یا بیشه‌زار وجود داشته باشد اغلب نیروی تک‌تیرانداز باید از روپوش یک تکه و سرهم استفاده کند و در روی آن روپوش مذکور باید گره‌های کوچک و یا جیب‌های کوچکی دوخته شود که تا در درون آنها شاخه‌های کوتاه درختان و یا بوته‌های که در منطقه اختفاء کمین وی وجود دارد برای استتار کامل‌تر خویش قرار دهد.

نیروی تک‌تیرانداز باید آموزش و توانائی استتار و اختفاء شدن خود و اسلحه‌اش را در هر محل و منطقه‌ای در شب و روز و در هر موقعیت آب و هوایی در فصول مختلف سال را داشته باشد تا توسط نیروهای دیدبان و گشتی‌های متخاصم دیده نشود و موقعیت کمین وی هویدا و مشخص نگردد.



(در تصویرهای بالا استتار و رنگ‌آمیزی اسلحه تک‌تیرانداز را با خطوط نامتقارن نشان داده است)

در اینجا چند مورد از نکات استتار و اختفاء ساده تک‌تیراندازان را شرح می‌دهیم:

اگر نیروهای متخاصم برای مشخص کردن موضع کمین استتار و اختفاء تک‌تیرانداز از هدف‌های پرنده بهره ببرند همین که تک‌تیرانداز صدای نزدیک شدن هواپیمای شناسایی دشمن را تشخیص داد باید خیلی سریع به اطراف خود نظری بیاندازد تا محلی برای اختفاء در نزدیکی خود مانند ساختمان و یا درختانی که سایه ایجاد می‌کنند را پیدا کرده تا بتوان در سایه آنها پنهان شود و برای رفتن به آن سایه‌ها بهتر است به آهستگی حرکت کند و به زیر درخت برود و به تنه درخت و یا بدنه ساختمان بچسبد تا توسط هواپیمایی شناسایی دشمن دیده نشود، به این روش در زبان تک‌تیراندازان «اختفاء در سایه» می‌گویند. از این روش تک‌تیراندازان برای شناسایی نشدن توسط دیدبان‌ها و گشتی‌های دشمن در روز و در شب‌های مهتابی وقتی که هیکل انسان از خود سایه ایجاد می‌کند و این سایه باعث شناسایی تک‌تیرانداز توسط دشمن می‌گردد استفاده می‌شود.

اگر دیدبانی نیروهای متخاصم از هوا توسط وسایل هوایی پرنده صورت گیرد و در صورتی که نیروهای متخاصم موضع مخفی تک‌تیرانداز را شناسایی کنند و محل سایه‌ای هم برای اختفاء وی وجود نداشته باشد در اینجا نیروی تک‌تیرانداز باید خیلی سریع در روی زمین نشست و یا دراز بکشد، تک‌تیرانداز همیشه باید بداند که انسان در حال حرکت و جابه‌جا شدن در میان اجسام ثابت به سادگی مورد شناسایی هوایی قرار می‌گیرد. اگر امکان دارد نیروی تک‌تیرانداز باید روی خود را با هر چیزی که در دست اوست بپوشاند، با پوشیده شدن بدن شکل و قیافه انسان هم تغییر می‌کند و در این حالت کمتر وی مورد شناسایی و تشخیص نیروهای دشمن از طریق هوا قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از روش‌های مهم اختفاء تک‌تیرانداز هم‌رنگ شدن به شکل محیط طبیعی اطراف خود می‌باشد در این روش تک‌تیرانداز باید آموزش‌های مخصوصی را ببیند، نیروی تک‌تیرانداز باید در هر شرایط و موقعیت طبیعی و از هر وسایل یافت شده و موجود در طبیعت برای اختفاء خود استفاده کند.

در مناطق جنگی تمامی عوارض طبیعی و مصنوعی در منطقه مانند گودال، کانال، تپه، پشته، خندق و یا گودال به وجود آمده از انفجار بمب و یا گلوله توپ می‌توانند محلی مناسبی برای اختفاء تک‌تیرانداز از دید و چشم‌های تیزبین نیروهای دیدبان متخاصم باشد و کمتر مورد شناسایی آنان

قرار گیرد و همچنین هرگونه وسایل در مسیر تیرانداز مانند درخت، بوته، سنگ بزرگ، دیوار و حصار و پرچین که در نزدیکی روستاها و مناطق مسکونی و یا به طور کلی هر گونه عوارض طبیعی و یا مصنوعی در مناطق جنگی که بتوان در پناه آن پنهان گردید برای تک‌تیرانداز محلی مناسبی برای اختفاء وی از دید و شناسایی از سوی نیروهای متخاصم می‌باشد.

نیروی تک‌تیرانداز همیشه باید بیاموزد چگونه خود را با شرایط محیطی منطقه‌ای جنگی وفق دهد و از آن شرایط برای رسیدن به هدف و مقصود خود سود و استفاده ببرد. او باید بداند در کدام مسیرها حرکت کند و ضمناً از رفتن و حرکت کردن در مسیر جاده‌ها و در جاهایی که دشمن به راحتی می‌تواند متوجه حضور وی گردد و او را شناسایی کند پرهیز کند. حتی در شب هنگام باید هم حداکثر جوانب احتیاط را رعایت کند. او نباید در جاده‌ها تردد و حرکت کند چون جاده کوبیده شده و صاف بدون عوارض در شب هنگام مثل نوار پارچه‌ای سفید رنگی است که سایه نیروی تک‌تیرانداز در روی آن به وضوح توسط نیروهای متخاصم دیده و شناسایی می‌گردد.

نیروی تک‌تیرانداز باید برای حرکت و جابه‌جائی در منطقه جنگ و نبرد از مسیرهایی مانند عبور از جنگل، کانال و دره یا در کل از عوارض طبیعی موجود در منطقه استفاده کند که در صورت لزوم به راحتی بتواند در حین حرکت و جابه‌جائی از این عوارض برای پنهان شدن خود از دید نیروهای متخاصم استفاده کند.

(در تصویرهای پایین استتار حرفه‌ای و مناسب نیروهای تک‌تیرانداز را در طبیعت نشان داده شده است)



نیروی تک‌تیرانداز در حین حرکت در جنگل می‌تواند از پناه گرفتن در پشت تنه درختان و سایه آنها برای استتار و حرکت خود بهره ببرد، به طور کلی با توجه به عوارض طبیعی زیاد در مناطق جنگلی و بوته‌زارها و علف‌زارها حرکت و جابه‌جا شدن نیروی تک‌تیرانداز در آنها نسبت به محیط طبیعی باز مناسب و راحت‌تر است. نیروی تک‌تیرانداز حتی‌الامکان سعی کند از حرکت در زمین‌ها و محیط‌های باز خودداری کند و در صورت پدیدار شدن چنین عوارضی بر سر راه وی بهتر است که این مسیرها را دور بزند تا در محیط باز و به رؤیت و دید نیروهای متخاصم نرسد و به دام و تله آنان نیفتد.

نیروی تک‌تیرانداز باید در هنگام حرکت و جابه‌جائی در کناره جنگل‌ها و جاده‌ها حتماً باید به صورت خمیده از پشت تنه درختی به پشت تنه درخت دیگری حرکت و گذر کند و در سایه و تنه درختان موجود بتواند استتار گردد تا کمتر مورد شناسایی نیروهای دیدبان و گشتی‌های متخاصم قرار گیرد، هیچ وقت او نباید به کناره جنگل برود و شناسایی نیروهای متخاصم را انجام دهد. او باید و حتماً از داخل جنگل و از پشت تنه و پوشش درختان کار شناسایی نیروهای دشمن را انجام دهد و در حین شناسایی در بین بوته‌ها و سایه تنه درختان پنهان گردد.

نیروی تک‌تیرانداز هنگامی که در جنگل است برای شناسایی نیروهای دشمن می‌تواند از تنه درختان بالا برود به شکلی که در میان انبوه شاخه و برگ‌های درختان قرار گرفته و پنهان شود و سعی گردد بیشترین انبوه تجمع شاخه‌های درختان در پشت سر وی قرار داشته باشند و از آنجا شناسایی لازم را از انجام دهد بی‌آنکه دیده شود.

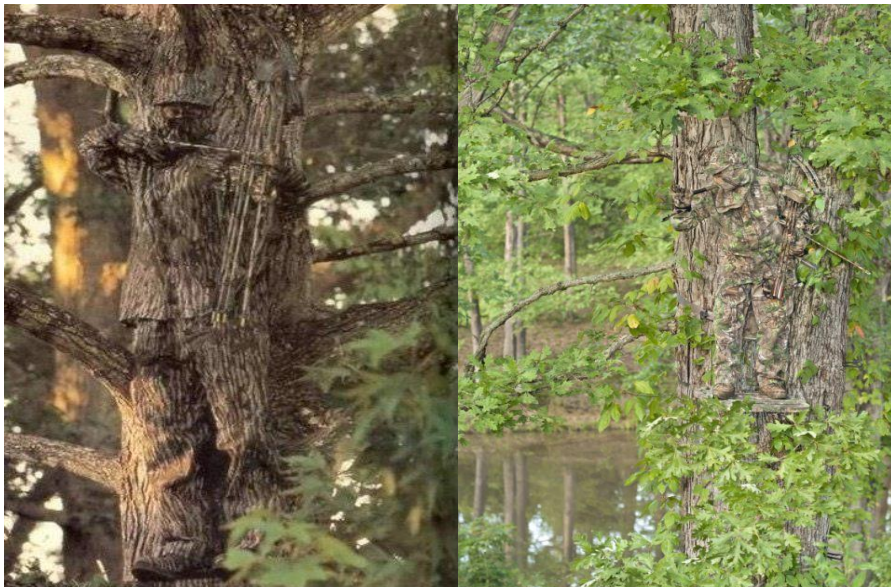
(تصویر زیر تک‌تیرانداز را با پوشش مناسب استتار در موضع مخفی کمین در بالای درختی را نشان می‌دهد)



نیروی تک‌تیرانداز هیچ وقت نباید در بالای درختان در بین شاخه و برگ‌های کم پوشش درختان قرار گیرد و او هرگز نباید در روی شاخه درختان خشک و یا بدون برگ بایستد و یا بنشیند. حتی در هنگام شب با نور کم سایه و هیکل تیرانداز از فاصله دور به راحتی توسط دشمن شناسایی می‌شود. اگر درخت غلتیده است بهتر است در بین شاخه‌های آن بنشیند و شناسایی را از انجام دهد. او باید سعی کند از پنهان شدن در بغل تنه درختان و یا شاخه برگ تک تک درختان موجود خودداری کند چون در میدان‌های نبرد تک درختان بیشتر جلب نظر نیروهای گشتی و دیدبان متخاصم را می‌کنند، اگر تک‌تیرانداز مجبور و ناچار شود که از تک درختی برای موضع مخفی کمین خود استفاده کند آن وقت باید او به صورت ایستاده و به تنه درخت بچسبد و تا نیروهای دیدبان دشمن پی به وجود او نبرند و کار دیدبانی و یا نشانه‌گیری به سوی اهداف خود را انجام دهد و حتی اگر درخت کج و یا خمیده باشد باید بدن نیروی تک‌تیرانداز هم به همان فرم کجی درخت قرار گیرد که از فاصله دور به چشم نیروهای متخاصم بدن وی به صورت یکی شده با تنه درخت به نظر آید.

اگر نیروی تک‌تیرانداز در جنگل قصد ایستادن را دارد باید سعی کند در جلوی تنه درختان بزرگ بایستد، حتی در روز روشن تنه درخت باعث استتار تک‌تیرانداز از دید و نظر نیروهای دشمن می‌گردد.

(تصاویر زیر تک‌تیراندازانی را با لباس استتار مناسب و به صورت ایستاده در روی شاخه و تنه درخت نشان می‌دهد)



اگر تک‌تیرانداز در جنگل قصد حرکت در میان درختان کوتاه قد را دارد که در دید دشمن واقع می‌باشند حتماً باید سعی کند به صورت خمیده و یا سینه‌خیز حرکت کند و حرکت نیروی تک‌تیرانداز به صورت ایستاده به راحتی توسط نیروهای دیدبان و شناسایی دشمن رؤیت می‌شود و حرکت و جابه‌جائی تک‌تیرانداز در کانال‌های عمیق مناطق جنگی می‌شود به صورت ایستاده انجام صورت گیرد شود و حرکت او در کانال به شکلی باید باشد که عمق کانال تمام قد و هیکل تک‌تیرانداز را مخفی کند و از دیده‌ها پنهان نگه دارد و جایی که ارتفاع کانال کوتاه‌تر از قد تک‌تیرانداز می‌شود، او باید به صورت خمیده و سینه‌خیز حرکت کند تا اینکه به محلی مناسبی برسد اگر تک‌تیرانداز می‌خواهد از کانالی به محیط بیرون و خارج نظری بیاندازد باید در جایی این کار را باید انجام دهد که در پشت سرش بوته و علف‌های بلندقدی و یا پشته‌ای زمینی بالاتر از قد او واقع شده باشد و اگر در پشت سر او افق و آسمان آبی باشد این کار برای وی خطرآفرین می‌باشد. چون سر، گردن و هیکل او در افق قرار می‌گیرد و حتماً و به طور یقین توسط نیروهای دیدبان و شناسایی دشمن مشاهده می‌شود.

در زمین‌های مسطح و هموار و بدون عوارض طبیعی نیروی تک‌تیرانداز باید سعی کند به صورت درازکش در پشت بوته‌ها، تپه کوچک و یا هر مانعی دیگری پنهان گردد و دیدبانی و نظاره کردن منطقه جبهه متخاصم را از پس مانع‌های ذکر شده به شکلی صورت دهد که توسط نیروهای دشمن رؤیت نگردد. برای همین منظور تک‌تیرانداز هرگز نباید از بالای موانع دیدبانی و نظاره‌گر دشمن شود و همیشه در پشت و کنار و از پهلوی مانع و یا در سایه آنها باید دیدبانی نیروهای دشمن را انجام دهد و سر خود را به آهستگی حرکت دهد و حرکت سریع سر و گردن باعث شناسایی نیروی تک‌تیرانداز توسط دیدبان‌های دشمن می‌گردد.

تک‌تیرانداز باید در مزارع گندم و یا در محلی که علف‌ها روی هم تلنبار شده‌اند و به هم چسبیده‌اند و حرکت و جابه‌جا نشود و باید در سایه آنها بنشیند و دیدبانی نیروها و جبهه متخاصم را انجام دهد. اگر موقعیت وی در مزارع باز قرار گرفته است حتماً با حرکت سینه‌خیز و یا نیمه خیز به سرعت حرکت و جابه‌جا شود تا به محل امنی دور از دید و چشم نیروهای دشمن برسد، موضع مخفی او باید در سایه تنه درختان و ریشه آنها و یا تیرهای برق و تلگراف و یا باقی مانده مصالح ساختمانی و در مکان‌های مناسبی برای مخفی شدن خود قرار گیرد.

تک‌تیرانداز باید در برابر موانع طبیعی که فرم هندسی مشخصی ندارند بدن خود را به شکلی تقریباً شبیه با آن موانع در آورده و طوری خم کند که از دور توسط دشمن به یک شکل واحد دیده شوند و به هیچ وجه تک‌تیرانداز نباید در چنین مکان‌های حرکت تند و سریعی از خود بروز

دهد که حتماً مورد شناسایی دشمن قرار می‌گیرد. در مناطق کوهستانی تک‌تیرانداز باید در پناه سایه سنگ‌ها و درختان پنهان شود و به هیچ وجه در بالای کوه و در سطح افق نباید حرکت کند چون که هیکل تک‌تیرانداز در افق به راحتی توسط نیروهای دشمن شناسایی می‌گردد، او باید در میان انبوه بوته‌ها و علف‌ها و سنگ‌ها به آهستگی و بدون هیچ سر و صدایی و به آرامی و به صورت نیم خیز حرکت کند. چون حرکت و وزش باد باعث به هم خوردن تعادل و جنبش علف‌ها می‌شود و ارتفاع آنها را تغییر می‌دهد و شمایل وی از دور برای دشمن مشخص و هویدا می‌شود. نیروی تک‌تیرانداز باید در مناطق علفزارها و بوته‌زارها حرکتی هماهنگ با جابه‌جایی و حرکت موج علف‌ها داشته باشد. در هنگام شلیک گلوله از اسلحه‌اش حداکثر از هر صدای بلند و رسا موجود در منطقه استفاده کند (منظور همراهی با صدای انفجار گلوله‌های توپ خمپاره و بمب، صدای حرکت هواپیما و هلیکوپتر و...) تا اینکه بتواند صدای شلیک گلوله‌اش را در پناه دیگر صداها پنهان و خفه کند، حرکت و جابه‌جایی نیروی تک‌تیرانداز باید در مناطق روستایی در پناه دیوارها و به سمت منازل روستایی جایی که پنجره‌ای وجود ندارد صورت گیرد. او می‌تواند در پشت دیواری پنهان گشته و از آنجا دیدبانی و یا نشانه‌روی و شلیک به سوی دشمن را از مابین شکاف دیوار منازل روستایی انجام دهد و در صورت نبودن شکاف در دیوار مورد نظر او باید سوراخی را در دیوار به وجود آورده و از طریق آن شناسایی هدف و شلیک به سوی نیروهای دشمن را انجام دهد. (در جنگ‌های شهری داشتن یک پتک برای تهیه سوراخ در دیوارهای منازل مسکونی ضروری می‌باشد).

نیروی تک‌تیرانداز در ساختمان‌های خالی از سکنه و تخریب شده در بین نخاله‌های ساختمانی و فونداسیون آنها پنهان می‌شود و سعی می‌کند در سایه آنها قرار گرفته و دیدبانی و نظاره‌گر نیروهای دشمن را انجام دهد.

نیروی تک‌تیرانداز هرگز نباید سر خود از پنجره اتاق و محل زیر سقف خانه‌های شیروانی به بیرون آورد. او باید در تاریکی و سایه داخل ساختمان مخفی شود و دیدبانی موضع نیروهای متخاصم را انجام دهد، اگر تک‌تیرانداز در روی پشت‌بام ساختمانی قرار گرفته است باید در پشت سرش دودکش ساختمان و یا مانعی وجود داشته باشد و نظاره‌گر و دیدبانی موضع متخاصم را از آنجا از بغل و کنار مانع و یا در سایه آن عوارض انجام دهد.

در شب هنگام موضع مخفی تک‌تیرانداز همیشه باید در سطحی پایین‌تر از سطح سنگ و یا خاک‌ریز و یا سطح افق قرار گیرد تا که کمتر توسط نیروهای دیدبان متخاصم مشاهده و دیده شود و ضمناً باید طوری در موضع مخفی خود قرار گیرد که بتواند از آنجا اطراف خود و جبهه نیروی متخاصم را به آسانی رؤیت کند.



(در تصویرهای بالا استتار نیروهای تک‌تیرانداز را در موضع مخفی کمینش با مصالح ساختمانی نشان داده است)

اگر نیروی تک‌تیرانداز بخواهد از موضع مخفی کمین خود دیدبانی نیروهای متخاصم را از انجام دهد و موانع طبیعی در محل وجود نداشته باشد آن وقت او باید از موانع مصنوعی برای پنهان کردن موضع کمین خود استفاده کند. اختفاء موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز و دیدبان کمکی وی در مناطق نبرد از اهمیت زیادی برخوردار است. (اکنون با پیشرفت تکنولوژی یک نفر به عنوان نیروی کمکی با وسایل همراه خود برای پیدا کردن هدف و تعیین سرعت باد و تعیین مقدار گرمای هوا و همچنین تعیین فاصله بین تک‌تیرانداز تا هدف توسط فرمانده گروه انتخاب و همراه تک‌تیرانداز در عملیات‌های شناسایی و ترور شرکت می‌کند.)

نیروی تک‌تیرانداز برای استتار و اختفاء موضع مخفی خود می‌تواند از شاخه‌های درختان، بوته‌ها، خاک، گل و اشغال و نخاله‌های باقی مانده شهری استفاده کند و یا اینکه می‌تواند در خرابه‌های ساختمان‌های تخریب شده و در میان نخاله‌های ساختمانی موجود در محل موضع مخفی خویش را تعیین کرده و پنهان شود و از آنجا مواضع متخاصم را نه با دوربین چشمی و بلکه با دوربین پایه‌دار تحت نظر خود قرار دهد. (نیروهای نظامی و یا تک‌تیراندازان در شب هنگام در مناطق نبرد بدون مخفی شدن در پناه موانع موجود در منطقه توسط دستگاه‌های دید در شب مادون قرمز به خوبی شناسایی می‌گردند. البته لباس‌های مخصوصی درست شده است که تمامی بدن نیروهای نظامی را می‌پوشاند تا گرمای بدن آنها به بیرون از لباس انتشار و سرایت پیدا نکند و امکان شناسایی این افراد با دستگاه‌های دید در شب که با سیستم مادون قرمز و تعیین گرما کار می‌کنند سخت و دشوار گردیده است.)



(تصویرهای بالا متعلق به نیروهای تک‌تیراندازی می‌باشند که در میان بوته‌ها و علف‌ها طبیعت مناطق نبرد با لباس استتار گیل به کمین نشسته‌اند)

آموزش و تمرین و هدف‌گیری با اسلحه مخصوص تک‌تیراندازان

کسانی مثال ورزشکاران حرفه‌ای و نیروهای ارتشی که علاقه به تیراندازی و هدف‌گیری با انواع اسلحه‌ها اعم از ورزشی و نظامی با برد زیاد و کالیبر بزرگ را دارند نه تنها شلیک کردن گلوله را دوست دارند صد البته حتماً شلیک و اصابت دقیق و برخورد گلوله شلیک شده توسط آنان از اسلحه‌شان به مرکز سیل و یا همان هدفی که آنها در نظر گرفته‌اند از علاقه و آرزوهای آنها می‌باشد.

برای اینکه افراد به درستی به هدفی نشانه‌گیری و شلیک گلوله کنند و اصابت گلوله به هدف را نصیب خود گردانند باید نیاز به پایداری اسلحه و تمرین زیاد و حبس نفس در سینه جهت به دست آوردن خط شلیک مستقیم و چکاندن ماشه در زمان مناسب را داشته باشند. البته برای کسانی که در وهله نخست شروع به کار می‌کنند از نظر فیزیکی سخت و برخورد قنداق اسلحه به شانه آنان دردناک و خسته کننده می‌باشد و متأسفانه راه دیگری هم وجود ندارد حرفه تک‌تیراندازان داشتن هنر حوصله و تحمل و صبر زیاد است.

تمام گفته‌های بالا مانند داشتن صبر و حوصله، قراولروی به سوی اهداف و چکاندن ماشه اسلحه تمامی این موارد به دست آمده از تجربیات صد ساله نیاکان ما در زمینه شلیک و تیراندازی به سوی اهدافشان می‌باشد.

شلیک دقیق اصابت گلوله به هدف از اسلحه خان‌دار لوله بلند همیشه بر اساس متدها و روش‌های استفاده شده در رشته ورزش تیراندازی می‌باشد و بهتر از این روش‌ها و متدهای موجود روش دیگری وجود ندارد و ضمناً شلیک و نشانه‌گیری به سمت اهداف با اسلحه‌های کالیبر کوچک و بزرگ نیروهای تک‌تیرانداز با روش‌های شلیک تیراندازی از اسلحه مخصوص ورزشکاران تفاوت چندانی ندارند.

اساس و مبنا شلیک و اصابت به هدف توسط نیروهای تک‌تیرانداز بستگی به تجربیات باقی مانده از گذشتگان و آموزش صحیح تیراندازی در مدارس و آموزشگاه‌های این رشته را می‌باشد، در کل شلیک و اصابت دقیق گلوله به هدف مجموعه‌ای از تجربیات باقی مانده از سال‌های زیاد و آموزش‌ها و تمرینات مکرر علاقه‌مندان این رشته می‌باشد. کارآموز دوره تیراندازی هر چه بیشتر آموزش‌های کلاسیک تیراندازی را که توسط مربیان با تجربه این رشته آموزش می‌دهند را رعایت کنند نشانه‌گیری و شلیک و اصابت گلوله آنها به هدف بیشتر و نزدیک‌تر و دقیق‌تر می‌گردد.

کارآموز رشته تیراندازی برای شروع کار و به دست آوردن تجربیات کافی در زمینه تیراندازی باید حتماً با اسلحه خالی و بدون فشنگ تمرین و آموزش‌های اولیه را انجام دهد او با نشانه‌گیری و چکاندن ماشه اسلحه این کار را مرتباً باید انجام دهد به شکلی که او خیال کند در جان لوله اسلحه‌اش فشنگ حقیقی وجود دارد و در هر تمرینی بدین صورت تیرانداز ۱۵۰ تا ۲۰۰ نشانه‌گیری و شلیک خالی و فرضی را باید انجام دهد. (این کار فقط به صرف تمرین می‌باشد و نه به لحاظ اقتصادی و اسراف در مصرف مهمات) تا وقتی که که هیچ کارآموز رشته تیراندازی به درستی پی به آشنایی با کاربرد اسلحه و گرفتن صحیح آن در دستانش را نبرده باشد نباید از فشنگ جنگی برای نشانه‌روی و شلیک گلوله استفاده کند.

در هنگام شلیک با اسلحه پر شده احساسی خاصی به تیرانداز دست می‌دهد که ناشی از شنیدن صدای شدید انفجار باروت (باروت می‌سوزد و منفجر نمی‌شود)، جرقه، دود و لگد زدن (عقب‌نشینی قنداق) اسلحه به کتف تیرانداز است، اما نشانه‌گیری با اسلحه که خالی از گلوله و فشنگ می‌باشد و شلیکی گلوله صورت نمی‌گیرد. موارد ذکر شده بالا در آن اتفاق نمی‌افتد و نیروی تیرانداز به خوبی و بدون فکر و هراس دروس و تعلیمات آموزش داده شده توسط مربیان را به خاطر می‌سپارد.

کارآموز تیراندازی با انجام روش ذکر شده در بالا به خوبی و به شکل صحیح می‌تواند نشانه‌گیری به اهداف مورد نظرش را انجام دهد. او می‌داند اسلحه را چگونه در دست بگیرد و به چه شکل و به کجا از طریق شکاف درجه و مگسک (سایت مکانیکی اسلحه) نشانه‌گیری و قراولروی به سوی اهدافش را انجام دهد، چگونه در هنگام فشردن ماشه اسلحه و شلیک گلوله نفسش را در سینه حبس کند، در هر صورت اگر که اشتباه و یا خطای در نشانه‌روی و قراولروی وی دیده شود مربی حاضر در آموزشگاه می‌تواند خطاهای او را نشان داده و آنها را تصحیح و برطرف کند.

قبل از شروع هر شلیک و تیراندازی کارآموز رشته تیراندازی باید موارد زیر را در نظر بگیرد:

۱. چک کردن اسلحه و لوازم و متعلقات مربوط به آن را.
۲. درست و صحیح قرار گرفتن حالت بدن (طرز قرار گرفتن پاها و ایستادن صحیح و درست در حالت تعادل و شلیک با اسلحه).
۳. نگه داشتن و حبس کردن نفس در سینه.
۴. نشانه‌روی از طریق شکاف درجه و مگسک (سایت مکانیکی) اسلحه.

۵. کشیدن ماشه اسلحه.

۶. قرار دادن اسلحه در روی میز و یا محل مناسب (بدنه زیرین اسلحه باید در محل نرمی باشد).

۷. کنترل و دیدن محل اصابت گلوله به هدف (سیبل).

بنابراین کارآموز رشته تیراندازی در مدت آموزش‌های اولیه می‌تواند تمرینات ذکر شده در بالا را انجام داده و به مقدار و تعداد زیاد شلیک و نشانه‌روی با اسلحه خالی را انجام دهد و این نشانه‌روی‌ها و شلیک‌های خالی را به صورتی باید انجام دهد که انگار از اسلحه جنگی پر شده نشانه‌روی‌ها و شلیک‌ها صورت می‌گیرند.

تیرانداز بعد از مدتی که به اصول تیراندازی آشنا گردید بعد از هر ۲-۳ بار نشانه‌روی و چکاندن ماشه اسلحه خالی‌اش باید با گلوله‌های جنگی به سوی هدف نشانه‌روی و شلیک گلوله کند تا تمرین‌های خود را به سرانجام رساند. از این روش گفته شده در بالا به مدت صد سال است که در مدارس و آموزشگاه‌های تیراندازی استفاده می‌کنند و تک‌تیراندازان معروف جنگ جهانی دوم در کشورهای روسیه و فنلاند و دانش‌آموختگان مدرسه معروف تیراندازی شهر برلین آلمان همگی از این روش برای آموزش نیروهای تک‌تیرانداز خود استفاده می‌کردند.

در اتحاد جماهیر شوروی سابق دانش‌آموختگان مدارس تک‌تیراندازی روش‌های دیگری را مانند حالت‌های درازکش در سرما و یخ‌بندان نیم کره‌ای شمالی و یا تا گردن فرو رفتن در باتلاق‌های جنگل‌های روسیه را در تمرین‌های تیراندازی خود می‌گنجاندند. البته این تمرین‌ها خیلی سخت و خشن می‌باشند اما با توجه به طبیعت منطقه کشور روسیه راه دیگری برای کارکشته و زنده شدن کارآموزان آموزشگاه‌های تک‌تیراندازی روسیه وجود ندارد و تا امروز هم از این روش‌های سخت در مدارس تیراندازی روسیه استفاده می‌شود.

حالت‌های روانشناسی فیزیکی بدن انسان‌ها باعث می‌گردد که هر نیروی داوطلب رشته تیراندازی با نیروی داوطلب تیرانداز دیگر از نظر دریافت و کسب اطلاعات و آموزش‌های فردی متفاوت باشند. از سال‌های گذشته تاکنون تجربه‌ها نشان داده شده است که کارآموزان رشته تیراندازی حاضر در آموزشگاه‌های تیراندازی نباید هر روز عملیات تیراندازی و شلیک گلوله با اسلحه را انجام دهند چون هیچ گونه تجربه‌ای از این همه شلیک کردن‌های هر روزه به آنها به تجارب آنها اضافه نمی‌گردد و البته بالا بردن کیفیت آموزش تیراندازی فقط در تمرین و شلیک گلوله نمی‌باشد و با نشانه‌روی و شلیک گلوله‌های بی‌شمار تغییرات زیادی در کیفیت کار تیراندازی آنها به وجود نمی‌آید.

تجربه نشان داده است که تمرین مناسب برای تیراندازی توسط افراد کارآموز این رشته بهتر است یک روز در میان به مدت ۳-۲/۵ ساعت انجام گیرد، علت این کار در این است که تمرین شلیک گلوله توسط این نیروهای که در آینده باید نیروی تک‌تیرانداز قابلی شوند بار سنگین فیزیکی و فشار زیادی بر بدن آنها وارد می‌کند. تحمل چنین بار فیزیکی زیاد بر بدن به علاوه فشار و تشدید بصری مضاعف (در تمرینات دیدبانی و شناسایی نیروهای تک‌تیرانداز فشار زیادی به چشمان آنان وارد می‌شود) به کارآموزان تیراندازی وارد می‌شود، البته همان طور که قبلاً گفته شده است تمرین‌های تیراندازی در این آموزشگاه‌ها نیاز به توانائی زیاد اعصاب و قدرت فیزیکی آنان دارد.

تحمل تمامی فشارهای فیزیکی بر ارگانیزم داوطلبان تیرانداز بیش از حد زیاد می‌باشد. بنابراین کارآموز رشته تیراندازی بعد از سه ساعت عملیات تیراندازی احساس خستگی مفرط می‌کند و ادامه کار و تمرین تیراندازی بی‌حاصل بوده و بازده و عمل کرد خوبی برای آنان ندارد، به همین دلیل در آموزشگاه‌های معتبر تک‌تیراندازی واقع در کشورهای پیشرفته جهان در هر روز بیش از سه ساعت آموزش تیراندازی برای کارآموزان ممنوع می‌باشد. اگر غیر از این باشد و زمان آموزش بیش از زمان تعیین شده در نظر گرفته شود این نشانه‌ای از ناپختگی مربیان آموزشگاه‌های تک‌تیراندازی است و هیچ گونه راندمانی مثبتی برای کارآموزان این مدارس ندارد و مثال آب در هاون کوبیدن است. در مدارس و آموزشگاه‌های معتبر تک‌تیراندازی در کشورهای مختلف جهان برای آموزش و تمرین تیراندازی با سلاح گرم به صورت زیر برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد:

تقریباً از هر دو روز آموزش نیم روز آنها صرف تیراندازی می‌گردد و یک و نیم روز دیگر موارد آموزشی دیگری در برنامه درسی آنها گنجانده می‌شود و بدین صورت روزها و ایام هفته را تا آخر تقسیم می‌کنند.

(تصویر زیر تک‌تیرانداز و هم‌قطارش در حال نشانه‌روی و شلیک به سوی هدف در مناطق شهری می‌باشند)



دروسی را که کارآموز تیرانداز باید در یک نیم روز دیگر آموزش ببیند به شرح زیر می‌باشند:

شناخت سلاح‌های جنگی گوناگون، تئوری بالستیک حرکت گلوله، عملیات تجربی استتار و کمین، تمرین‌های فیزیکی، تمرین حرکت به صورت سینه‌خیز با آرنج (این حرکت سینه‌خیز برای تک‌تیراندازان در میدان‌های نبرد خیلی مفید و کارآمد می‌باشد)، آشنایی با نقشه و خواندن و ترسیم کروکی، آشنایی با سیستم‌های تعیین موقعیت و محل و مکان در مناطق جنگی مورد نظر مانند قطب‌نما و یا در صورت ممکن جی‌پی‌اس، تعیین مسافت تا هدف به وسیله تک‌تیرانداز توسط وسایل ابتدائی و تجربی (البته هم اکنون از دستگاه‌های فاصله‌سنج لیزری بیشتر استفاده می‌گردد) تعیین سرعت وزش باد به صورت تجربی، آماده کردن پوشش لباس استتار و همچنین تمرین شناسایی و دیدبانی و مشخص کردن مواضع و شناخت نیروهای مهم و کلیدی دشمن در برنامه روزانه آنان جای می‌گیرد.

در آموزشگاه‌ها و مدارس تک‌تیراندازی مربیان یک ماه از دوره آخر آموزش داوطلبان تک‌تیراندازی را صرف تکرار آموزش تمرینات صورت گرفته می‌کنند تا تمامی تمرینات به درستی و به طور صحیحی انجام شوند. (دوره عمومی آموزش و آمادگی برای داوطلبان تک‌تیراندازی در کشور روسیه شش ماه می‌باشد. البته نیروهای مخصوص وزارت دفاع مانند گروه‌های «آلفا» و نیروهای «اسپیت ناز» دوره‌های تخصصی فراوان و به مقدار قابل توجهی نسبت به دیگر گروه‌ها می‌گذرانند) مربیان این آموزشگاه‌ها همیشه سعی می‌کنند که داوطلبان را

برای کسب و کنترل مهارت‌های یاد گرفته و آموزش دیده و درس‌های اولیه ارائه شده را در تمام دوره‌های آموزش نسبت به زمان ورودشان به آموزشگاه را بسنجند و با امتحان و مقایسه نتایج پیشرفت کارشان آنان را محک بزنند.

اگر مربیان آموزشگاه‌ها نظارتی بر کار آموزش و تیراندازی افراد کارآموز دوره تیراندازی را نداشته باشند رشد نتایج کار آنها بلافاصله کم و منفی می‌گردد و این ناشی از این است که تمام افراد در حال آموزش تیراندازی چنین فکر می‌کنند که این دروس و آموزش‌های و تیراندازی، تکنیک بسیار ساده‌ای می‌باشند و دریافت و یادگیری این تجربیات بسیار ساده و سهل است. بنابراین آنها توجه واقعی به آموزش و دروس خود نمی‌کنند که این ساده گرفتن و سرسری مطالب باعث پس رفت و توقف در کار و آموزش آنان می‌شود. (این موضع در خیلی موارد صادق می‌باشد در خیلی موارد پیش آمده که افراد بعد از مدتی آموزش احساس می‌کنند که همه چیز را می‌دانند و بر همه چیز مسلط می‌باشند و شروع به سهل‌انگاری می‌کنند که البته همیشه در میدان‌های جنگ غلط از کار در می‌آید.)

داوطلبان تازه کاری که قصد آموزش تیراندازی را برای اولین بار را دارند باید اعتقاد راسخی به اسرار و علم و هنر تکنیک تک‌تیراندازی داشته باشند تا اینکه نیروهای تک‌تیرانداز ماهر و حرفه‌ای شوند، البته این اسرار که تک‌تیرانداز چگونه باید حرفه‌ای شود چیز دیگری است و این مجموعی است از روش‌های موجود کوچک که با هم دیگر ارتباط تنگاتنگی دارند که همه افراد باید قادر به شناخت و انجام تمامی این آموزش‌ها و تجارب باشند و برای این کار باید ساعات‌های متمادی تمرین کنند و با این تمرینات باید انس بگیرند و زندگی کنند و اگر آنان ساعات‌های طولانی با احساس ناخوشایندی و با اجبار و بدون انگیزه تلاش و تمرینات سخت را انجام دهند بر روحیه و آموزش و عمل کرد آنها اثرات منفی گذاشته می‌شود و اگر روند آموزش و تمرین افراد به صورت صحیح و درستی صورت گیرد کارآموزان هم در کار خود تلاش می‌کنند و در آخر نیروی تک‌تیرانداز حرفه‌ای و زبده و ماهر می‌گردد. ضرب‌المثلی روسی است که می‌گوید «هر کجا که در آن هیچ تلاشی عضلانی وجود نداشته باشد، هیچ حافظه عضلانی هم وجود نخواهد داشت» (این شبیه ضرب‌المثل زبان شیرین فارسی است که می‌گوید «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود، مزد آن گرفت که جان برادر که کار کرد»)، این دو ضرب‌المثلی روسی و فارسی اشاره می‌کنند که هر جا تمرین و کار فیزیکی و آموزش به حد لازم و کافی نباشد هیچ کس هیچ مهارت لازمی را کسب نمی‌کند، البته این هم از ایام قدیم گفته‌اند مهارت زائیده نتایج تمرینات و تلاش زیاد است.

در کار و تجربه و معیار عمل نیروی تک‌تیرانداز در صحنه‌های نبرد و هنگامی که او از موضع مخفی کمین خود به سوی نیروهای متخاصم شلیک می‌کند دو نتیجه را از کار او می‌تواند گرفت، یا گلوله‌ای او به هدف اصابت می‌کند و یا اینکه گلوله او به خطا می‌رود، کسانی که در جبهه‌های جنگ و نبرد شرکت می‌کنند باید بدانند که اگر گلوله شلیک شده از اسلحه آنان به هدف اصابت بکند او فردی خوش شانس می‌باشد و اگر گلوله او به هدف اصابت نکند او فرد خیلی بد شانس است چون یا مأموریت وی انجام نمی‌شود و یا اینکه احتمال بسیار زیاد دارد که گلوله آتشین اسلحه نیروهای متخاصم به وی اصابت کرده و باعث نابودی او شود.

نیروهای تک‌تیرانداز تازه‌کار و همچنین مربیان تازه‌کار باید بدانند و در خاطر بسپارند که آموزش تک‌تیراندازی نمی‌تواند به شکل و صورت دیگری باشد تک‌تیرانداز غیرحرفه‌ای و ناکارآمد که وظایف خود را در میدان‌های جنگ و نبرد نداند خوراک خوبی برای مرگ می‌شود.

در صحنه‌های جنگ و نبرد عملیات موفق فقط توسط نیروی تک‌تیرانداز حرفه‌ای آموزش دیده و زنده و باهوش و زیرک به دست می‌آید. بنابراین نیروی تک‌تیرانداز در زمان صلح باید آموزش‌های لازم را ببیند. آنها باید به سختی کار و تمرین کنند و دروس آموزشی خود را نباید سر سری و پیش پا افتاده بگیرند و تا می‌تواند تمرین‌های فیزیکی را به درستی انجام دهند در میدان‌های جنگ و نبرد جای برای افراد ضعیف نمی‌باشد.

نیروی تک‌تیرانداز باید از نظر فیزیکی قدرتمند و قوی باشد چون بعضی اوقات نیروهای تک‌تیرانداز برای انجام مأموریت و رسیدن به هدفشان ممکن است چندین شبانه‌روز را در شرایط آب‌وهوایی نامناسب در باد باران و برف و سرما در موضع مخفی کمین کوچک خود به انتظار و یافتن نیروی متخاصم نشسته و بدون هیچ حرکتی منتظر وقت و زمان مناسب بمانند تا اینکه اهدافشان را دیده و آنها را نابود کنند و اگر نیروهای تک‌تیرانداز از نظر فیزیکی و بدنی ضعیف باشند در مناطق جنگ و نبرد حتماً به مشکل جدی برمی‌خورند که پرداخت تاوان آن گران می‌باشد.



(تصویر بالا نیروهای تک‌تیرانداز را با پوشش استتار کامل در حین تمرین در جنگل نشان می‌دهد)

تهیه گروهی آتش توسط نیروی تک‌تیرانداز در مناطق نبرد

برای هدف قرار دادن نیروهای دشمن توسط تک‌تیرانداز در مناطق جنگ و نبرد باید همیشه گروهی از منطقه تحت تسلط نیروهای متخاصم و منطقه آزاد مابین دو جبهه جنگ را داشته باشد و همچنین جدول مشخصات کامل برد و شلیک اسلحه تک‌تیرانداز و روش‌های محاسبات مورد لزوم برای شلیک به اهداف را به همراه داشته و در صورت ممکن به خاطر سپرده و حفظ کند به شکلی که بدون برداشتن چشم از هدف محاسبات نشانه‌گیری و شلیک به هدف را در فواصل مختلف دانسته و توسط وی تنظیمات لازم در روی اسلحه او صورت گیرد، هدف منتظر نمی‌ماند تا که نیروی تک‌تیرانداز از روی حلاوت و به آهستگی این محاسبات و تنظیمات لازم و تصحیحات و اصلاحات لازم را برای سیستم اپتیکی اسلحه‌اش به کار ببرد چون نیروی متخاصم باهوش و زبده است و عملیات نظامی و مأموریت خود را به سرعت انجام داده و از مهلکه جنگ و نبرد فرار می‌کند. بنابراین ایجاب می‌کند قبل از حرکت کردن نیروی تک‌تیرانداز به میدان‌های نبرد یک سری آمادگی‌ها از قبل برای تنظیم اسلحه‌اش را داشته باشد.

نیروی تک‌تیرانداز خبره و حرفه‌ای قبل از حرکت به موضع مخفی کمین خود باید نکات مهمی را به شرح زیر در دفترچه کوچک و در روی گروهی خود در نظر گرفته و یادداشت بکند:

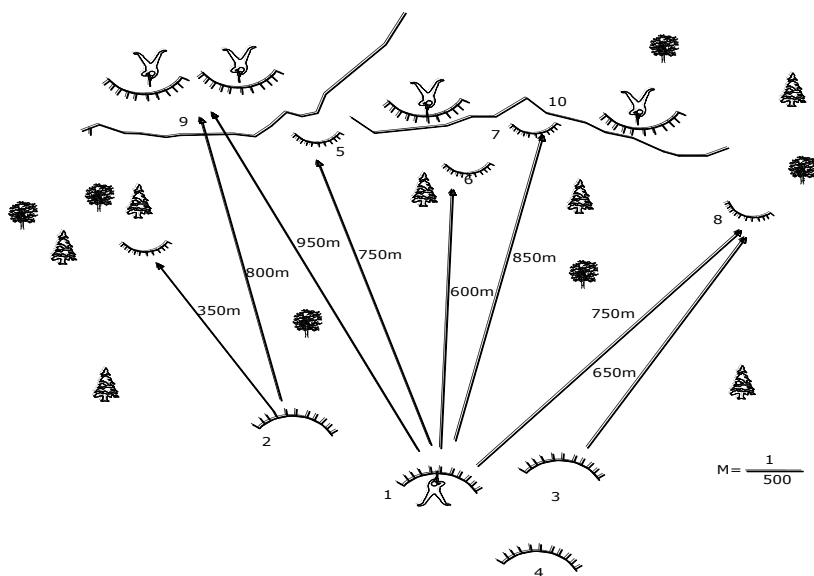
- تعیین دقیق فاصله مواضع و سنگرهای خودی، موضع مخفی کمین اصلی، موضع مخفی کمین فرعی، موضع مخفی کمین فریب تا جبهه نیروی متخاصم را بداند.
- مشخص کردن و مقایسه عوارض طبیعی موجود در روی نقشه‌های نظامی منطقه با خود عوارض واقعی و حقیقی در منطقه مورد نظر.
- مشخص کردن جهت و سرعت همیشگی باد در منطقه و موضع کمین و جبهه نیروهای متخاصم برای پیشگیری از مشکل خطا در نشانه‌روی به سوی اهداف.
- مشخص کردن محل تقریبی پدیدار شدن هدف و تعیین فاصله از موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز تا محل هدف.
- امکان مشخص کردن جهت حرکت و جابه‌جائی و سرعت هدف.
- تعیین کردن موضع‌های مشخص نیروهای متخاصم و نشان دادن این عوارض با تعیین جهت و فاصله نقاط و عوارض طبیعی موجود در منطقه نبرد.
- تعیین هدف و مشخص کردن زوایای هدف تا موضع مخفی کمین تک‌تیرانداز.

- تعیین و مشخص کردن وضعیت هواشناسی منطقه جنگ و نبرد (درجه سرما و حرارت هوا، اندازه ارتفاع از سطح دریا و.... غیره)
- اگر قرار بر این باشد که نیروی تک‌تیرانداز به هدف‌های مشخص و از قبل تعیین شده شلیک کند، باید اصلاحات و تصحیحات برای اندازه و جهت باد را در روی سیستم نشانه‌گیری سلاح خود انجام بدهد و تمام این اندازه‌های را باید در دفترچه راهنما خود و در روی نقشه و کروکی منطقه مورد نظر یادداشت کند.
- اگر زمان شلیک به هدف نامشخص باشد آن وقت تک‌تیرانداز باید در دفترچه راهنما و یا کروکی همراه خود مقدار اندازه اصلاحات و تصحیح برای اندازه جهت وزش باد برای (اصلاح خطای افقی) را در روی سیستم نشانه‌گیری سلاح برای باد با سرعت کم (۴ متر بر ثانیه) یا تقریباً نسیم ملایم با زاویه ۹۰ درجه نسبت به سمت و مسیر شلیک گلوله از اسلحه خود را تنظیم کند با این شکل وقتی که نیروی تک‌تیرانداز در منطقه نبرد حضور داشته باشد با سرعت بیشتری می‌تواند تنظیمات و اصلاح خطا سیستم نشانه‌روی اسلحه خود را برای وزش باد با هر سرعتی را انجام دهد و نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند با پدیدار شدن ناگهانی هدف از هر جهتی به راحتی به سوی وی شلیک هدفمند و مؤثر خود را انجام دهد. (اگر نیروی تک‌تیرانداز سیستم نشانه‌روی را برای باد با سرعت کم تنظیم کند و در میدان‌های نبرد وانگهی سرعت باد کم و یا زیاد شود به راحتی می‌تواند سیستم نشانه‌روی اسلحه‌اش را تنظیم مجدد کند).
- اگر تک‌تیرانداز تنظیمات نشانه‌روی را برای سرعت و جهت باد در دفترچه خود یادداشت می‌کند بهتر و مناسب است که تنظیمات اسلحه را برای درجه حرارت و یا برودت هوا، فشار و تراکم هوا، و زاویه تقریبی حرکت و جهت و جابه‌جا شدن هدف را هم مشخص کند.
- گاهی اوقات در مناطق نبرد نیروی تک‌تیرانداز با دیدن هدف قصد تنظیم سیستم نشانه‌روی اسلحه را برای هدف‌گیری و شلیک به سوی وی را می‌کند که در این مدت زمان کوتاه ممکن است هدف در محل و فاصله مشخص اولی نباشد. یعنی زمان مشاهده و دیدن هدف و مدت زمان تنظیم سیستم شلیک به سوی هدف با هم برابر نمی‌باشند و این به دو علت است یکی سرعت حرکت زیاد هدف برای پنهان شدن و دومی هدر رفتن زمان برای تنظیم سیستم نشانه‌روی اسلحه است، برای این منظور اگر نیروی تک‌تیرانداز قصد شلیک به سوی هدفی که فرضاً نیروی پیاده متخاصم می‌باشد را داشته باشد اول باید سیستم نشانه‌روی اسلحه را با اندازه ۲-۱ درجه در روی

طبلک‌های سمت سیستم نشانه‌روی (منظور دوربین اپتیکی و یا الکترونی) تنظیم و جابه‌جا کند، اگر تک‌تیرانداز بخواهد به هدف‌های موتوری و مکانیزه با زره سبک متخاصم شلیک کند در آن صورت وی باید سیستم نشانه‌روی اسلحه را با اندازه ۲-۳ درجه نسبت به هدف در روی طبلک‌های سمت سیستم نشانه‌روی جابه‌جا و تنظیم کند، تمامی محاسبات و تنظیمات اسلحه تک‌تیرانداز قبل از عزیمت به محل و موضع کمین وی باید تنظیم شوند و این تنظیمات به تک‌تیرانداز کمک بیشتری می‌کنند که به راحتی در مدت زمان کوتاهی بتواند به سوی هدفی که به صورت ناگهانی پدیدار و مشخص می‌شود نشانه‌گیری صحیح و شلیک موفق را انجام دهد.

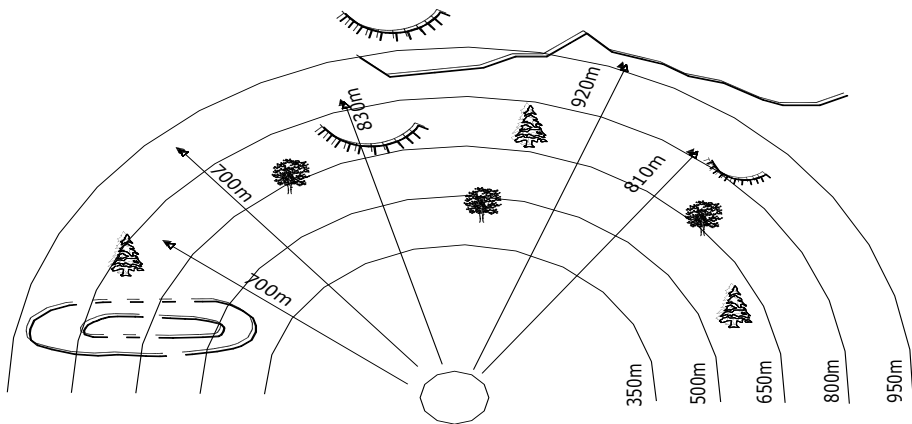
تمامی گفته‌های بالا را نیروی تک‌تیرانداز باید در روی کروکی و یا دفترچه یادداشت خود معین و مشخص و یادداشت کند (خیلی خوب است که در یک تکه مقوا و یا کارتن این محاسبات یادداشت شوند چون تکه کارتن و مقوا مچاله و تا نمی‌شوند) با در دست داشتن کروکی از محل نبرد و اطلاعات مورد نظر و لازم در روی آن نیروی تک‌تیرانداز بدون اتلاف وقت و زمان به راحتی می‌تواند در میدان‌های نبرد سیستم نشانه‌روی اسلحه خود را برای شلیک دقیق به هر سوی و هر جهتی و فاصله تنظیم کند.

(تصویر پایین در روی کروکی فواصل تا مواضع نیروهای متخاصم و مواضع‌های کمین تک‌تیرانداز مشخص شده‌اند)



در کروکی صفحه قبل نیروی تک‌تیرانداز نباید پس از اتمام انجام عملیات در موضع مخفی کمینش نباید هیچ نشانه‌ای را جهت شناسایی جبهه نیروهای خودی را در هنگام رفتن از موضع مخفی‌اش بر جای بگذارد.

(در تصویر پایین نمونه کروکی از جبهه جنگ را نشان می‌دهد که از دقت بسیار بالایی برخوردار بود که نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی در جنگ جهانی دوم در عملیات‌های خود استفاده می‌کردند)



نیروهای تک‌تیرانداز آلمانی از کروکی تهیه شده در بالا در جنگ جهانی دوم بر علیه نیروهای متفقین استفاده می‌کردند که از دقت بسیار بالایی برخوردار بود در روی این کروکی تمامی عوارض میدان‌های نبرد و فاصله مسیرها با جهت آنها را با دقت زیاد نشان داده شده بود و نیروی تک‌تیرانداز از مواضع مخفی خود به راحتی می‌توانست اندازه‌گیری فواصل تا هدفش را در جبهه جنگ برای تنظیم اسلحه جهت شلیک به سوی دشمن را انجام دهد. هم اکنون و در زمان حال نیروهای زنده تک‌تیرانداز کروکی مناسبی از مناطق درگیر در جنگ را تهیه می‌کنند که در روی آن تمامی فواصل تا هدف‌های مورد نظر مشخص گردیده شده است.

(هم اکنون سامانه آمریکایی BORS در بازار وجود دارد که خیلی از پارامترهای مورد استفاده تک‌تیراندازان را مشخص می‌کند و از دقت زیادی هم برخوردار است و کمک بسیار زیادی به نیروهای تک‌تیرانداز در مناطق جنگ و نبرد می‌کند که در ادامه همین کتاب توضیح داده شده است) در مناطق نبرد همیشه تک‌تیرانداز زنده قبل از رفتن به موضع مخفی کمینش حتماً باید با دیدبان‌ها و گشتی‌های خودی و فرماندهان جبهه جنگ هماهنگی و مشورت و کسب اطلاعات کند و هیچ نکته را بر جای نگذارد و هرگونه اطلاعات مفیدی که وی را در عملیاتش یاری دهد در روی کروکی و یا در دفترچه یادداشت خود ثبت کند.

روزی از «واسیلی زایتسف» تک‌تیرانداز معروف روس می‌پرسند آیا تو در فاصله ۸۰۰ متری به میان پیشانی یکی از نیروهای آلمانی شلیک گلوله کردی؟ او در جواب می‌گوید آری از وی می‌پرسند چگونه این نشانه‌روی و شلیک مؤثر را انجام دادی؟ او می‌گوید شلیک در چنین فواصلی آداب و رسوم و علم خاص خود را دارد اولین عملی که باید انجام داد این است که به دقت و به سرعت فاصله خود تا هدف را باید تعیین کنی و این خیلی مهم است که بدانی فاصله تا هدف دقیقاً ۸۰۰ متر است و نه ۶۰۰ متر و نه ۷۵۰ متر و تعیین فاصله از طریق محاسبه زاویه نیاز به شناخت و آشنایی بودن به علم ریاضیات و مثلثات دارد، گلوله وقتی در هوا حرکت می‌کند به دور خود حرکت دورانی دارد و این حرکت دورانی گلوله از چپ به راست به دور محور خود می‌باشد (در اسلحه‌های روسی گردش گام خان اسلحه از چپ به راست می‌باشند) و انحراف آن از مسیر مستقیم سیر پروازش مقداری به سمت راست گرایش دارد که در فاصله ۶۰۰ متری مقدار اندازه این انحراف ۱۲ سانتی‌متر و در فاصله ۸۰۰ متری ۲۹ سانتی‌متر است و اگر نیروی تک‌تیرانداز این اطلاعات را به درستی بداند او به راحتی می‌تواند سیستم نشانه‌روی اسلحه خود را تنظیم کند و اگر در منطقه جنگ و نبرد وزش باد با سرعت تند در جریان باشد و این هم مشکلی است اضافه بر مشکلات دیگر که باید نیروی تک‌تیرانداز جهت و اندازه سرعت باد را محاسبه و در نظر گرفته و در تنظیم نشانه‌روی اسلحه‌اش لحاظ کند و اگر نیروی متخصص در حال دویدن باشد و این هم مشکل دیگری است که او باید تنظیماتی را در روی سیستم نشانه‌روی اسلحه‌اش انجام دهد و اگر به غیر از این باشد تیر وی به خطا می‌رود. محاسبه همه این عوامل و پارامترها کار یک پرفسور است کله تک‌تیرانداز باد می‌کند و از حل همه این محاسبات می‌ترسد و البته تمامی زمان و فرصت برای محاسبه و تنظیم دوربین اسلحه‌اش فقط چند ثانیه می‌باشد، دوستان این است کار نیروهای تک‌تیرانداز ماهر و زنده در میدان‌های جنگ و نبرد. (از سخنان واسیلی زایتسف تک‌تیرانداز معروف روس)

تکنیک نشانه‌روی و شلیک تک‌تیراندازان در میدان‌های نبرد

در مورد جزئیات اقدام عملیات تاکتیکی گروه‌های کوچکی از تک‌تیراندازان که در حین عملیات می‌باشند تمامی افراد واقع در گروه همیشه باید در ارتباط با فرماندهی گروه باشند و از دستورات وی پیروی کنند البته فرمانده گروه هم با هماهنگی و دستورات داد شده از سوی فرماندهی جبهه عملیات خود را انجام می‌دهد.

گروه‌های گشتی و تجسس و نیروهای تک‌تیرانداز در حین حرکت و جابه‌جائی با ویژگی‌های خاص مربوط به خودشان و با حجم آتش کم اسلحه‌هایشان در هنگام ظاهر شدن ناگهانی اهداف آمادگی کامل برای شلیک و نشانه‌روی و پیدا کردن موضع کمین مخفی مناسب و اتخاذ مقررات لازم برای شلیک در حال حرکت را باید داشته باشند. حتی در جاها و مکان‌های نامناسب و غیر قابل پیش‌بینی نشده آنان باید توانائی انجام نشانه‌گیری و شلیک به سوی هدف‌ها را داشته باشند، در مکان‌ها و فضاهای باز همین که نیروی تک‌تیرانداز افرادی از دشمن را مشاهده و می‌بیند باید در یک چشم بر هم زدن از محل باز منطقه نبرد به گودترین نقطه موجود در محل جابه‌جا و به صورت درازکش و در حالت آماده باشد برای شلیک گلوله به سوی نیروی متخاصم قرار گیرند.

(نیروی تک‌تیرانداز را در حین نشستن در تصویر پایین شماره ۱ نشان داده است)



در تصویر بالا تک‌تیرانداز در یک چشم به هم زدن از حالت دویدن به سرعت حرکت خود را کند کرده و به صورت پرش و درازکش در روی زمین قرار می‌گیرد و در این حالت به سرعت و به نرمی کمر و زانوهای خود را خم کرده تا شب و شبیل بدن وی کمتر در طبیعت منطقه مور نظر به چشم نیروهای متخاصم دیده شود تا او هدف مناسبی برای تک‌تیراندازان دشمن قرار نگیرد، دراز کشیدن تک‌تیرانداز بر روی زمین با وارد کردن فشار بر دست راست خود است که در اینجا دست او حالت فنری شکل را برای بدن تک‌تیرانداز بازی می‌کند.

(در تصویر پایین شماره ۲ این عمل را نشان می‌دهند)



پس از آن نیروی تک‌تیرانداز به صورت درازکش قرار گرفته و با فشار و تکیه بر آرنج دست چپش که به دور آن تسمه اسلحه پیچیده شده است با دست راست اسلحه را در روی شانه‌اش قرار می‌دهد و عمل نشانه‌روی را انجام می‌دهد.

(در تصویر پایین شماره ۳ این نمونه فرم دراز کشیدن و نشانه‌روی به سوی متخاصم را نشان داده است)



روش دیگری هم برای شلیک گلوله به صورت درازکش در حین حرکت و جابه‌جائی تک‌تیرانداز وجود دارد، در این روش دراز کشیدن در هنگام حرکت، دراز کشیدن در روی زمین باید به سرعت باد و برق صورت گیرد و انجام این روش در میدان‌های جنگ و نبرد برای نیروهای تک‌تیرانداز راحت‌تر می‌باشد و در نبردهای گذشته نیروهای تک‌تیرانداز از این روش زیاد استفاده کرده‌اند و بدین صورت است وقتی که نیروی تک‌تیرانداز سرعت حرکتش را کند و کم می‌کند مانند تصویر شماره ۱ او باید به نرمی در روی زانوهای خود بایستد و به سرعت کمر و سینه خود را به سمت و سوی جلو خم کند (مانند تصویر شماره ۴) و به آرامی با اتکاء بر آرنج دست چپ خود به نرمی با شکم در روی زمین دراز بکشد و در اینجا دست راست وی حکم فنر بازی می‌کند و نیروی تک‌تیرانداز و همگام با دراز کشیدن خود سعی کند قنداق اسلحه را در روی شانه‌اش قرار داده و آماده نشانه‌گیری شود.

(در تصویر شماره ۴ این روش نشان داده شده است)



در گذشته از این روش افراد نیروهای اداره اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی به نام «ان ک و د» استفاده می کردند. (در اوایل کارکرد حکومت در اتحاد جماهیر شوروی اداره اطلاعات و امنیت «ان ک و د» نامیده می شد که بعدها به «کا گ ب» تغییر نام پیدا کرد).

در این روش نسبت به روش های دیگر خم شدن و نشستن بر روی زانو ها به سرعت و به راحتی صورت می گیرد، استفاده از این نوع دراز کشیدن در هنگام حرکت در جنگ و نبرد خیلی به کار می آید و نسبت به روش اولی مناسب تر است و از این روش بدین علت در مناطق جنگی استفاده می شود که نیروی تکتیرانداز بخواهد با سرعت بیشتری شبح و شمایل خود را در افق از دید نیرو های دشمن پنهان کند و دشمن پی به وجودش در آنجا نبرد و ضمناً از اصابت ترکش و یا گلوله های دشمن بر حذر بماند معمولاً از این روش استفاده می شود، البته باید دید که از میان روش های ذکر شده در بالا در مناطق جنگ و نبرد کدام روش برای تکتیرانداز مناسب تر است و او بهتر و سریع تر می تواند در موقعیت دراز کش قرار گیرد. روش های گفته شده در بالا نه فقط در مناطق جنگ و نبرد برای افراد در حال حرکت و جابه جای استفاده می گردد بلکه برای کسانی که در حال ایستاده قرار گرفته اند و ناگهان با دیدن هدف می خواهند به صورت دراز کش قرار بگیرند و به سوی نیرو های متخاصم نشان روی و شلیک گلوله کنند هم مورد استفاده قرار می گیرد.

در روش بالا که انجام حرکتش به شکل سریع‌تری نسبت به روش‌های دیگر صورت می‌گیرد و از حالت ایستاده و یا در حال حرکت نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند به ناگه خود را در روی زمین قرار دهد، همین طور که در تصویر شماره ۴ مشخص است نیروی تک‌تیرانداز باید به سرعت زانوهایش را خم کرده و بر روی آنها بنشیند.

لازم است که در این روش مقدار عرض باز شده زانوان نیروی تک‌تیرانداز کمی بیش از عرض شانه‌های وی باشد او باید کمر و شکم و نشیمن‌گاه خودش را به سمت جلو حرکت بدهد و به نرمی و به راحتی با شکم خود بر روی زمین قرار گیرد و زانوی سمت چپش تکیه‌گاه بدنش باشد نیروی تک‌تیرانداز باید سعی کند این عمل را در هنگام قرار گرفتن اسلحه در دست راست و در حالی که تسمه اسلحه در دست چپش می‌باشد انجام بدهد و تمام این اعمال را در این روش با یک حرکت باید انجام دهد فرقی نمی‌کند که تک‌تیرانداز در حال حرکت و جابه‌جائی باشد و یا اینکه در حال ایستاده، در هر صورت نیروی تک‌تیرانداز باید با استفاده از این روش به سرعت در روی زمین دراز کشیده و به سوی اهداف متخاصم نشانه‌گیری و شلیک گلوله کند و اگر نه نیروهای متخاصم وی را شناسایی کرده و او را مورد اصابت گلوله خود قرار می‌دهند. در آموزشگاه تک‌تیراندازی است که کارآموز تیرانداز در هنگام تمرین کردن با این روش متوجه می‌شود که روشی سریع‌تر از این در میدان‌های جنگ و نبرد برای نیروهای تک‌تیرانداز وجود ندارد. روش دیگری هم وجود دارد که نیروی تک‌تیرانداز با استفاده از بدنه اسلحه‌اش برای خم شدن و کمتر کردن فشار به بدنش استفاده می‌کند از این روش در مناطق سنگلاخی کوهستانی و مناطقی که مصالح ساختمانی در محل و موقعیت تک‌تیرانداز وجود دارد و دراز کشیدن وی با مشکل همراه می‌باشد استفاده می‌گردد. (تصویر شماره ۵-۶)

(در تصویر شماره ۵ پایین روش فرود آمدن بر روی زمین با تکیه بر اسلحه را توسط تک‌تیرانداز نشان داده شده است)



در این روش ممکن است در حین فرود آمدن بدن نیروی تک‌تیرانداز بر روی زمین با اتکاء بر اسلحه‌اش منجر به تخریب اسلحه و یا دوربین اپتیکی اسلحه گردد که البته در بعضی مواقع ممکن است ارزش تخریب کردن اسلحه و از بین بردن آن نسبت به هدف قرار گرفتن نیروی تک‌تیرانداز توسط دشمن می‌باشد.

از روش بالا در مناطق هموار و بدون عوارض بزرگ طبیعی هم استفاده می‌گردد نیروی تک‌تیرانداز پس از قرار گرفتن به شکل مناسب در روی سطح زمین و به سرعت به سوی نیروهای متخاصم نشانه‌روی کرده و تعداد چند گلوله به سوی آنان شلیک می‌کند و به سرعت از مهلکه نبرد به جای دیگری رفته و مکان خود را عوض می‌کند.

سرعت انجام دادن این روش خیلی مهم است چون بعد از مدت زمان چند ثانیه نیروهای متخاصم محل وی را شناسایی کرده و به سوی او شلیک گلوله می‌کنند و ممکن است وی را با اصابت گلوله از بین ببرند، مهارت و عملکرد مثبت گروه‌های کوچک تک‌تیرانداز در حرکت و جابه‌جائی و مانور سریع آنها می‌باشد. بنابراین گروهی از نیروهای تک‌تیرانداز باید به سرعت به شکل سینه‌خیز و یا به صورت خم شده مکان کمین خود را هرچه سریع‌تر در میدان‌های جنگ و نبرد عوض کرده و به جایی دیگری بروند.

(در تصویر پایین شماره ۶ این روش را نشان داده شده است)



برای رفتن به موقعیت دیگری تک‌تیرانداز باید سعی کند از حالت درازکش به صورت ایستاده بلند شود، البته در وهله اول شروع تمرین این حرکت به کندی برای اشخاص تازه کار صورت می‌گیرد و پس از تمرینات بسیار حرکات آنان سریع می‌شود، البته نیروهای متخاصم هم این را می‌دانند که تک‌تیرانداز قصد تغییر موضع خود را دارد و می‌خواهد به سرعت موضع مخفی کمین خود را عوض کند و تک‌تیرانداز در موقعیت کمینش از حالت درازکش باید بلند شود و در این لحظه است تک‌تیرانداز دشمن می‌تواند وی را مورد هدف اصابت گلوله خود قرار دهد.

برای جلوگیری از این خطر نیروی تک‌تیرانداز باید خیلی به سرعت به صورت سینه‌خیز به سمتی و سوی دیگری حرکت و جابه‌جا شود تا اینکه نیروهای متخاصم او را رؤیت نکنند و پس از رفتن به موضع مخفی دیگری و همین که از چشم نیروهای متخاصم مقداری دور گردید و آن وقت می‌تواند از جای خود بلند شود و از منطقه خطر دور گردد.

نیروی تک‌تیرانداز وقتی که در حالت درازکش (تصویر شماره ۷ تا ۱۱) البته بهتر است می‌باشد به دور خود غلطی بزند و برای این منظور تک‌تیرانداز از حالت درازکش با قرار دادن اسلحه در دست چپ و فشردن آن به شانه چپش به سرعت به سمت چپ خود غلطیده و پس از فاصله گرفتن از مکان مخفی خود می‌تواند بر روی پاهایش بایستاد.

(تصویر شماره ۷)



نیروی تک‌تیرانداز در حین غلط خوردن باید بر روی پشت خود قرار گرفته و غلط بخورد و آنگاه بر روی پهلوی چپش قرار گیرد و در این هنگام باید پای راستش را کمی به سمت بدنش به عقب بکشد.

(تصویر شماره ۸)



پس از این حرکت تک‌تیرانداز و قرار گرفتن حالت بدن او باید دست راستش را حائل بدنش بکند و بدنش را به سمت جلو بکشانند و با حرکت و گردش بر روی پای چپ بلند شود و برای این منظور با کف دستش زانوی پای راست خود را گرفته و آرنج دست راستش را بر روی زمین تکیه داده و بلند می‌شود.



(در تصویر شماره ۹ بالا این عمل توسط نیروی تک‌تیرانداز با مشخصات زیر نشان داده شده است)

۱- تک‌تیرانداز بدنش را بالا می‌کشد ۲- تک‌تیرانداز پای چپش را در جهت چرخش بدنش حرکت می‌دهد ۳- تک‌تیرانداز با دستش راستش زانوی راستش را می‌گیرد ۴- تک‌تیرانداز بدنش را نیمه خیز بر روی آرنج دست راستش قرار می‌دهد، در این روش تک‌تیرانداز با این عمل و حرکت خود نیروی اینرسی بدنش را در روی آرنج دست راستش چرخانده و این نیرو به وی کمک می‌کند که به سرعت و درجا از زمین بلند شود.

(تصویر شماره ۱۰)



پس از تمرین‌ها زیاد و تکراری وقتی که نیروی تک‌تیرانداز این حرکت را با انرژی زیاد انجام می‌دهد او احساس می‌کند که نیروی نامرئی و نامشخص او را به سرعت از سطح زمین به حالت ایستاده بلند می‌کند.

(در تصویر شماره ۱۱ تک‌تیرانداز با فشار زیاد دست بر روی زانوی پای راستش نهاده و از حالت نشسته بلند می‌شود)



در اکثر اوقات عملیات جابه‌جائی و حرکت گروه‌های تجسس و دیدبانی و تک‌تیراندازان در شرایط نامناسب طبیعی و دید کم صورت می‌گیرد و این مناطق مانند جنگل‌ها و بوته‌زارهای انبوه است که در چنین مکان‌های احتمال وجود کمین زدن نیروهای متخاصم در سر راه گروه‌ها نیروهای تک‌تیرانداز هم بسیار زیاد می‌باشد و در این مواقع شرایط دید در محل درگیری و نبرد کم می‌باشد و اغلب تیراندازی‌ها و شلیک کردن‌ها از فاصله کمی صورت می‌گیرد و برای دفاع و جلوگیری از ضربه احتمالی توسط نیروهای دشمن به گروه‌های تجسس و تک‌تیراندازان خودی و اگر ناگهان این گروه‌ها در کمین نیروهای دشمن واقع شوند. در این شرایط باید تمامی نیروها در کمین افتاده بدون تلف کردن زمان و وقت با ارزش خود بدون گرفتن دستور از فرماندهی گروه شروع به نشانه‌گیری دقیق و شلیک به سوی نیروهای متخاصم بکنند و البته ممکن است که نیروهای تک‌تیرانداز کمی به مشکل بر بخورند و این هم به خاطر طول بلند اسلحه‌های آنان و کاربردشان می‌باشد که همیشه باید به صورت درازکش از مکانی ثابت به سوی نیروهای متخاصم نشانه‌گیری و شلیک گلوله کنند. (البته بهترین کار در چنین شرایطی آتش سنگین مسلسلچی است که همراه با گروه می‌باشد که در اینجا می‌تواند خیلی مؤثر و مفید باشد)، اگر نیروی تک‌تیرانداز در حالت درازکش قرار داشته باشد و به یکباره نیروهای متخاصم را مشاهده کند، او برای نشانه‌گیری به سوی هدفش وقت و زمان کمی دارد و این نشانه‌گیری و شلیک به سوی هدفش کمی از وقت او را می‌گیرد. بنابراین تک‌تیرانداز در روی سمت چپ بدنش غلطی زده و به سمت راست نیروهای دشمن نشانه‌گیری و شلیک گلوله می‌کند.

(در تصویر پایین شماره ۱۲ این عمل توسط نیروی تک‌تیرانداز نشان داده است)



اگر ناگهان از جهت دیگری نیروهای متخاصم پدیدار گردند نیروی تک‌تیرانداز در روی پهلوی دیگر بدنش چرخیده و به سوی نیروهای دشمن نشانه‌گیری و شلیک گلوله می‌کند.

(در تصویر پایین شماره ۱۳ این عمل توسط نیروی تک‌تیرانداز نشان داده است)



اگر در میدان‌های نبرد فواصل مابین نیروها خودی و دشمن کوتاه و کمتر از ۲۰۰ متر باشد نیروی تک‌تیرانداز نمی‌تواند به سوی نیروهای متخاصم به طور دقیق نشانه‌گیری کند و فقط او باید به سمت و سوی شمایل و هیکل و بدن آنان شلیک کند. اگر نیروهای متخاصم به ناگهان از پشت سر نیروی تک‌تیرانداز پدیدار شوند در این حال تک‌تیرانداز که تاکنون به حالت درازکش بر روی زمین قرار داشته است بر روی پشت خود غلطی زده و حالت نشسته به خود می‌گیرد و به سرعت اسلحه‌ای خود را به پشت سر خود و به سمت نیروهای دشمن گرفته و

نشانه‌روی می‌کند. برای اینکه تک‌تیرانداز بتواند در میدان‌های جنگ و نبرد به راحتی از اسلحه خود استفاده کند دست چپ خود را به صورت تکیه‌گاهی در حالت ۹۰ درجه زیر بدنه اسلحه قرار می‌دهد (تصویر شماره ۱۴) تا اسلحه در حین شلیک گلوله به سمت چپ و راست کمتر منحرف گردد (در این حالت نشانه‌روی و شلیک گلوله با اسلحه اغلب اسلحه به سمت راست تک‌تیرانداز منحرف می‌گردد) و پاهای تک‌تیرانداز باید از هم باز گردند و پاشنه‌های پوتین نیروی تک‌تیرانداز باید به حالت فشرده در زمین و خاک محل قرار گرفتن وی فرو روند تا بدن او محکم در جایی خود قرار گیرد و از حرکت و چرخش اسلحه به سمت چپ و راست در هنگام نشانه‌روی و شلیک گلوله جلوگیری شود.

(در تصویر پایین شماره ۱۴ این عمل توسط نیروی تک‌تیرانداز نشان داده است)



یکی از روش‌های مرسوم نشانه‌گیری و شلیک گلوله در حین حرکت توسط گروه‌های تک‌تیرانداز و گشتی‌ها ارتشی روش شلیک به صورت نشسته مثل افراد «بدوی» یا «بادیه نشینان» می‌باشد که در غرب به شلیک به سبک و روش «بدوی‌ها» معروف است (به کسانی که مکان ثابتی برای اقامت ندارند و به صورت سیار در صحراها و مراتع و زیر چادرها زندگی می‌کنند، «بدوی» یا «بادیه نشین» گفته می‌شود) در روش «بدوی» فشار بدن از طریق لگن تک‌تیرانداز به پای چپ و پوتین چپش وارد می‌شود.

(در تصویر پایین شماره ۱۵ روش شلیک تک‌تیرانداز به سبک «بدوی» را نشان می‌دهد.)



روش نشانه‌گیری و شلیک به سبک «بدوی» بدین ترتیب صورت می‌گیرد که نیروی تک‌تیرانداز روی باسن خود می‌نشیند و پای راست خود را در زیر بدنش جمع می‌کند و پای چپش را به صورت نیمه بسته و یا نیمه جمع قرار می‌دهد و در روی زانوی پای چپش آرنج دست چپ خود را قرار داده و وزن خود را به سمت چپ بدن و بر روی پای دراز شده‌اش رها می‌کند (تصویر شماره ۱۵).

در حالت نشسته بدن نیروی تک‌تیرانداز به صورت کمتری در دید نیروهای متخاصم و همچنین در سطح افق قرار گرفته می‌شود و ضمناً هیکل نیروی تک‌تیرانداز در طبیعت و در سطح افق ارتفاعی کمتری دارد، از روش بدوی در میدان‌های جنگ برای نشانه‌گیری و شلیک به سوی اهداف استفاده می‌شود و روشی مناسب و عملی می‌باشد.

البته باید توجه کرد در تمام روش‌های ذکر شده نیروی تک‌تیرانداز به خوبی و به شکل مناسبی از بند اسلحه‌اش هم استفاده کرده است، نیروی تک‌تیرانداز بند اسلحه را به دور بازوی چپ خود بین آرنج و شانه‌اش محکم می‌کشد که در حفظ و تعادل اسلحه در دستان وی کمک مؤثری می‌شود و هدف‌گیری و نشانه‌روی و شلیک گلوله از اسلحه وی با تعادل بیشتر و راحت‌تر و بهتر صورت می‌گیرد.

تقریباً اکثر سلاح‌های مخصوص نیروهای تک‌تیراندازان دارای بند قنداق می‌باشند و تک‌تیرانداز همیشه سعی می‌کند در حال حرکت و دویدن بند قنداق اسلحه‌اش را به دور دست چپش پیچیده تا اگر یک دفعه و نابهنگام نیاز به تیراندازی داشته باشد دیگر نیاز به پیچیدن بند به دور دستش را نداشته باشد و وقتش را برای پیچانیدن بند اسلحه به دور دستش هدر و تلف نکند و این کار سرعت هدف‌گیری نیروی تک‌تیرانداز را میدان‌های نبرد بیشتر می‌کند.

یکی دیگر از روش‌های نشانه‌گیری و شلیک گلوله در حین حرکت توسط گروه‌های تک‌تیرانداز و گشتی‌ها ارتشی روش شلیک به صورت نشسته است که در غرب معروف به روش «شکاربان‌های آلمانی» می‌باشد.

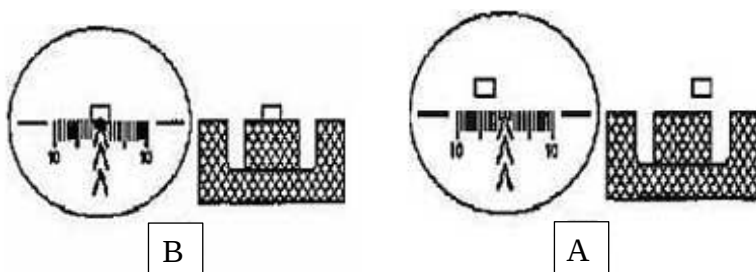


(در تصویر بالا شماره ۱۶ روش تیراندازی به سبک «شکاربان‌های آلمانی» را نشان داده شده است.)

در این روش همین‌طور که در تصویر شماره ۱۶ دیده می‌شود نیروی تک‌تیرانداز در حالت نشسته به پاشنه پوتین‌های خودش فشار وارد کرده و آنها را به زمین و خاک زیر پایش فرو می‌کند و زانوی پای چپش را خم کرده و آرنج دست چپ خود را در روی آن قرار داده و آماده شلیک و نشانه‌روی به سمت نیروهای متخاصم می‌شود، از این روش بیشتر در مناطقی که دارای بوته‌زارها و یا مکان‌های که عوارض کوچکی دارند استفاده می‌شود و در این حالت نیروی تک‌تیرانداز به راحتی می‌تواند به صورت نشسته بدن خود را در پشت درختچه‌ها و بوته‌ها پنهان کند.

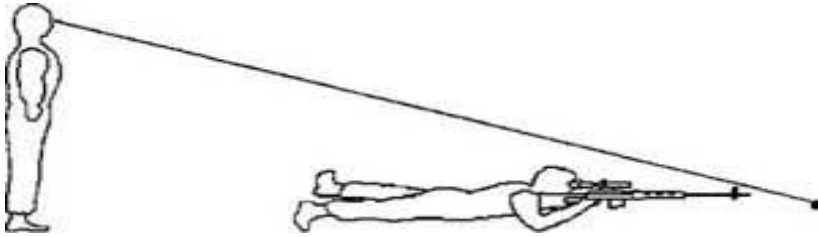
نیروهای تک‌تیرانداز در محل قراولروی خود می‌توانند با کمک دستان و پاها و وزن بدنشان تکیه‌گاه و پایداری مناسب و خوبی برای اسلحه خویش به وجود بیاورند و برای اینکه آنان متوجه شوند که اسلحه را در محل قراولروی به صورت صحیحی در دست گرفته‌اند می‌توانند به تنه‌ای و یا با کمک هم‌قطار خود وضعیت قراولروی و قرار گرفتن بدنه اسلحه‌اش را بر روی تکیه‌گاه به شرح زیر معلوم کند:

۱. نیروی تک‌تیرانداز پس از گرفتن اسلحه در دست و نشانه‌گیری به سوی هدف (در هر حالتی که اسلحه را به دست گرفته باشد) به مدت چند ثانیه چشمانش را می‌بندد و سپس مجدداً چشمانش را باز کرده و دوباره به سمت هدفش نشانه‌روی می‌کند اگر اسلحه در این مدت چند ثانیه از مسیر نشانه‌روی و هدف‌گیری انجام شده (قبلی) منحرف نگردیده باشد قراولروی وی صحیح می‌باشد (تصویر A) و اگر اسلحه‌اش به سمتی منحرف شده باشد (در تصویر B) آن وقت قراولروی وی درست و صحیح نمی‌باشد و او باید با جابه‌جا کردن و تغییر دادن بدنه اسلحه در دستانش و یا بر روی تکیه‌گاهی این مشکل را حل و تصحیح کند.



۲. نیروی تک‌تیرانداز به صورت درازکش اسلحه‌اش را به دست گرفته و به سوی هدفی نشانه‌ای روی می‌کند و در همین حال هم‌قطار او درست در پشت سر در امتداد او و اسلحه‌اش ایستاده و به جلوی لوله اسلحه در روی زمین و در روی نقطه ثابتی در فاصله کمی دورتر از لوله اسلحه تک‌تیرانداز خیره می‌گردد. در این وقت هم‌قطار تک‌تیرانداز اگر متوجه کوچک‌ترین جابه‌جائی و یا حرکت و یا لرزشی در لوله و بدنه اسلحه و یا هدف‌گیری نیروی تک‌تیرانداز ببیند به وی گوشزد و اعلام می‌کند که نشانه‌گیری او غیر قابل قبول می‌باشد و نیروی تک‌تیرانداز باید فرم و قالب نشانه‌روی و قراولروی خود را عوض و تغییر و تصحیح کند.

(در تصویر پایین تصحیح نشانه‌گیری و قراولروی نیروی تک‌تیرانداز را به شرح بالا نشان داده است)



در کل اگر لرزش محسوس و تکان‌های کوچکی در بدنه اسلحه قرار گرفته شده در دستان تیرانداز در محل قراولروی مشاهده گردد این علائم نشان می‌دهند که تک‌تیرانداز اسلحه را به شکل درست و صحیحی در دستان خود و در محل قراولروی نگرفته است و مقداری از فشار و سنگینی اسلحه بر روی ماهیچه دستان نیروی تک‌تیرانداز می‌باشد، کارآموزهای آموزشگاه‌های تک‌تیراندازی لازم است این را بدانند که از روز شروع اولین آموزش‌های تیراندازی همیشه قنداق اسلحه خودشان را محکم به سمت بدن خود فشرده و به آن بچسبانند و در همین حین بدنشان را شل و آرام نگه دارند.

فرم‌های قراولروی: همیشه نیروهای تک‌تیرانداز برای قراولروی و هدف‌گیری با اسلحه‌های مخصوص و به سمت اهدافشان به صورت درازکش، به زانو، نشسته و ایستاده انجام می‌دهند.

روش قراولروی به صورت درازکش: یکی از روش‌های است که از پایداری خوبی برای نشانه‌روی و شلیک گلوله در میدان‌های جنگ و نبرد و برخوردار است، در روش قراولروی به صورت درازکش نیروی تک‌تیرانداز باید به این نکات توجه کافی داشته باشد: نیروی تک‌تیرانداز نباید کوچک‌ترین فشاری به ماهیچه‌های دست خود وارد کند، محل دراز کشیدن وی در مکان قراولروی باید راحت باشد، سعی کند در حین نشانه‌روی خسته نباشد و احساس خستگی در وی دیده و مشاهده نگردد، در هنگام نشانه‌روی موقعیت سر وی در حالت مناسبی باید قرار داشته باشد و در همین حالت شرایط دید مناسبی هم به اهداف خود داشته باشد.

موقعیت قرار گرفتن بدن نیروی تک‌تیرانداز در حالت درازکش باید آزاد و راحت باشد، در هنگام نشانه‌روی به سوی اهداف خود نباید هیچ فشاری بر بدن وی وارد شود و سعی شود که کمر و ستون فقراتش صاف باشد و هیچ خمشی در ستون فقرات و کمر وی دیده نشود.

کوچک‌ترین خمش در ستون فقرات نیروی تک‌تیرانداز باعث سفت شدن ماهیچه‌های بدن وی می‌گردد و این باعث اشتباه قرار گرفتن قنداق اسلحه توسط تک‌تیرانداز می‌شود و همچنین در حین نشان روی به سوی هدف انحراف اسلحه به سمت چپ و راست بیشتر گردیده و افزایش خطا در شلیک و اصابت گلوله به هدف افزایش می‌یابد.

قراولروی به سمت هدف به صورت درازکش به چندین روش می‌باشد:

۱. روش فنلاندی

۲. روش دراز کشیدن بدن با ارتفاع کم

۳. روش دراز کشیدن بدن با ارتفاع بلند

البته در حین عملیات ممکن است این موقعیت‌های با کمی تغییرات و بدون فشار بر بدن نیروی تک‌تیرانداز انجام گردد.

در حین نشانه‌گیری و قراولروی با روش درازکش معمولی در موضوع مخفی کمین تیرانداز او به صورت درازکش بر روی شکم خود قرار می‌گیرد و پاهایش را از هم باز کرده و با نوک و پنجه پوتین‌هایش به زمین فشار وارد می‌کند. در این روش تک‌تیرانداز تمامی وزن بدنش را به طور مساوی در روی هر دو آرنج دستانش تقسیم می‌کند این روش قراولروی منجر به خستگی کمتر دست چپ تیرانداز می‌گردد و البته دارای برخی معایب هم می‌باشد.

در این روش دست راست نیروی تک‌تیرانداز بیشتر مشغولیت دارد در نتیجه مشکلاتی برای چکاندن ماشه اسلحه و تنظیم دوربین اپتیکی اسلحه برای نیروی تک‌تیرانداز به وجود می‌آورد.

در روش قراولروی به صورت دراز کشیدن در روی شکم مقداری هم فشار به قفسه سینه تیرانداز وارد می‌گردد که نفس کشیدن را برای وی کمی سخت می‌کند، در این روش فشردن پاشنه پوتین و کفش به سطح زمین توسط نیروی تک‌تیرانداز تازه‌کار کمی سخت است و نیاز به تمرین و تکرار بیشتر توسط وی می‌باشد.

البته نیروهای تک‌تیرانداز حرفه‌ای از روش دراز کشیدن در حین قراولروی در روی شکم و در مواضع مخفی کمین در مناطق جنگی کمتر استفاده می‌کنند.

روش قراولروی و هدف‌گیری به صورت درازکش فنلاندی: در این روش دراز کشیدن پاها تیرانداز از راحتی بیشتری برخوردار می‌باشند، در این حالت پای راست تیرانداز از زانو به زیر شکم خم می‌گردد و فشار کمتری به قفسه سینه نیروی تک‌تیرانداز وارد می‌شود و حالت نفس کشیدن برای وی راحت‌تر می‌گردد و با توجه به اینکه زانوی پای چپ تیرانداز در زیر شکم وی خم شده است و این برای نیروی تک‌تیرانداز حالت تکیه‌گاهی می‌شود و دست راست وی به صورت راحت‌تری عمل می‌کند.

در این روش دست تیرانداز راحتی عمل بیشتری دارد و او به صورت راحت‌تری می‌تواند به سمت نیروهای دشمن نشانه‌روی و ماشه اسلحه‌اش را بچکاند و مشکل تنظیم دوربین اپتیکی اسلحه هم در این روش حل می‌گردد.

معایب این روش قراولروی در این است که مقداری فشار به دست چپ وارد می‌شود که باعث خستگی سریع دست چپ نیروی تک‌تیرانداز می‌شود و این معایب باعث می‌گردد که از این روش بیشتر برای هدف‌گیری و قراولروی بین کاری و عملیات‌های و نشانه‌روی‌های کوتاه مدت استفاده شود.

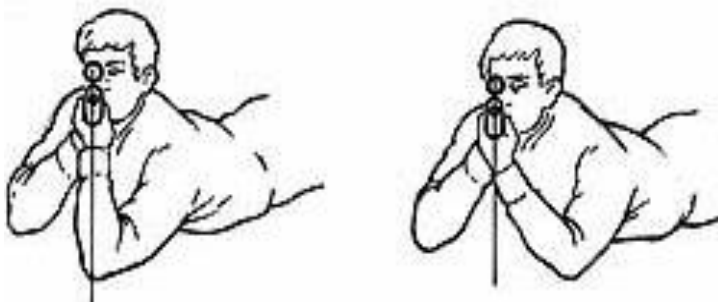
روش قراولروی و هدف‌گیری به صورت درازکش با ارتفاع کم بدن: در این روش تک‌تیرانداز دست چپ خودش را تا جایی که ممکن است به سمت جلو تا آنجا که اجازه می‌دهد دراز کرده و اسلحه را به سمت جلو جابه‌جا می‌کند در این روش اسلحه نیروی تک‌تیرانداز از پایداری زیادی برخوردار است اما به دست چپ تک‌تیرانداز فشار زیادی هم وارد می‌گردد و برای نیروی تک‌تیرانداز هدف‌گیری از طریق دوربین اپتیکی کمی سخت‌تر می‌گردد چون تک‌تیرانداز از زیر پشانیش هدف را از طریق دوربین اپتیکی باید ببیند که خستگی چشم و گردن را برای وی در پی دارد. اگر قنداق اسلحه پد تنظیم کننده‌ای ارتفاعی نداشته باشد (اسلحه‌های مخصوص تک‌تیراندازان دارای دو تنظیم کننده پد در طول و در ارتفاع برای قنداق می‌باشند) به خاطر علت کم ارتفاع قراولروی و هدف‌گیری باعث می‌گردد که تیرانداز قنداق اسلحه را به طور صحیحی به کتفش نچسباند و با این عمل وی احتمال دارد زاویه خط سیر پرواز گلوله هم کمی تغییر کند و باعث گردد که گلوله وی به هدف اصابت نکند و تیرش به خطا برود، با توجه به نتیجه‌گیری‌های گرفته شده و دیده شده در میدان‌های جنگ و نبرد در این روش به علت کمی ارتفاع هدف‌گیری ممکن است با خروج گازهای ناشی از سوختن باروت از لوله اسلحه، لوله اسلحه کمی به سمت بالا منحرف شود و صدای شلیک گلوله برای نیروی

تک‌تیرانداز بیش از حد معمول می‌شود و عیب دیگر این روش در این است که هنگامی تک‌تیرانداز در موضع مخفی کمین خود گلوله‌ای شلیک می‌کند به علت ارتفاع کم لوله اسلحه با سطح زمین گرد و خاک زیادتری به هوا بر می‌خیزد که باعث هویدا شدن موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز از فاصله زیاد می‌گردد.

روش قراولروی و هدف‌گیری به صورت درازکش با ارتفاع بلند: در این حالت قراولروی دست چپ نیروی تک‌تیرانداز به مقدار زیادی از آرنج خم می‌گردد (برعکس قراولروی به صورت درازکش با ارتفاع کم) و یکی از نقاط مثبت این روش فشار کمتر بر چشمان و دستان نیروی تک‌تیرانداز می‌باشد. البته پایداری قراولروی و نشانه‌گیری به سوی اهداف در این روش کمی نامناسب و بد می‌باشد.

طریقه دراز کشیدن و گرفتن صحیح اسلحه در دستان تک‌تیرانداز بدین شرح می‌باشد، تیرانداز با دست چپ زیر قسمت محافظ نگه دارنده لوله اسلحه (یا زیر خشاب) را در دست می‌گیرد و با دست راست قنداق اسلحه را کمی به کتف خود فشرده و سپس از طریق دوربین اپتیکی اسلحه و یا سایت مکانیکی اسلحه به سمت اهدافش نشانه‌گیری کرده و سپس با انگشت اشاره دستش ماشه اسلحه‌اش را می‌چکاند.

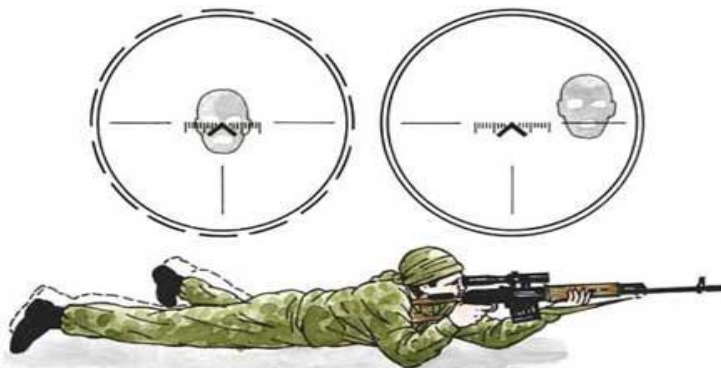
(در تصویرهای پایین تصویر سمت راست اسلحه به طور صحیح قرار نگرفته است چون نقطه تکیه‌گاه در میان دو آرنج دستان نیروی تک‌تیرانداز قرار گرفته است و در تصویر سمت چپ اسلحه به طور صحیح قرار گرفته است چون نقطه تکیه‌گاه اسلحه در روی آرنج دست چپ نیروی تیرانداز می‌باشد)



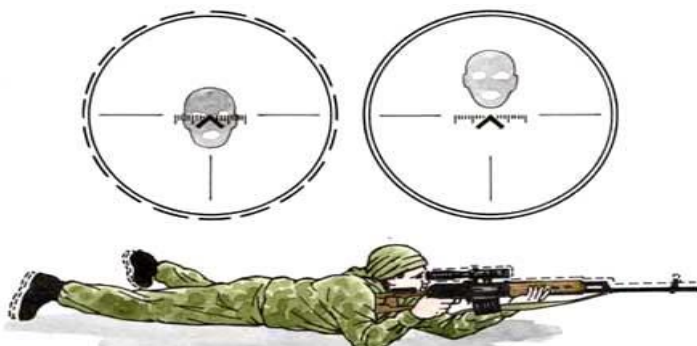
(در تصویر پایین طریقه صحیح گرفتن اسلحه و قراولروی توسط تک‌تیرانداز را به صورت درازکش نشان داده شده است)



(در تصاویر زیر اگر نیروی تک‌تیرانداز به سمت چپ صورت (تصویر سمت راستی) نشانه‌گیری کرده باشد در این حالت او باید پاشنه پوتین‌های خود را به زمین فشرده و سنگینی وزن بدنش را کمی به سمت چپ بدن خود وارد کند)



(در تصاویر پایین اگر نیروی تک‌تیرانداز به سمت پایین صورت نشانه‌گیری کرده است (تصویر سمت راست) در این حالت او باید پاشنه پوتین‌های خود را به زمین فشرده و سنگینی وزن بدنش را به سمت عقب و به پاهای خود وارد کند)



اگر تک‌تیرانداز قصد تیراندازی از محلی را داشته باشد که در نزدیکی او تکیه‌گاهی (تپه کوچک، دیوار، تکه سنگ بزرگ، تنه بزرگ درخت و غیره) وجود داشته باشد او باید محافظ زیر لوله اسلحه را در روی کف دست چپش قرار داده (برای نیروهای تک‌تیرانداز یکی از بهترین تکیه‌گاه‌های مناسب کف دست است و همیشه آماده برای اسلحه آنان می‌باشد) و با پاهایش به تکیه‌گاه‌های ذکر شده در بالا فشار آورد و با دست راستش اسلحه را گرفته و قنداقش را به سمت کتفش با فشار حرکت می‌دهد.

در مناطق جنگ و نبرد نیروی تیرانداز می‌تواند بدنه زیرین اسلحه خود را در روی تکیه‌گاه ثابتی قرار داده و با دست چپ خشاب اسلحه و یا روکش زیرین بدنه اسلحه را در دست بگیرد. برای تکیه‌گاه‌های سخت و خشک بهتر است نیروی تک‌تیرانداز حائلی بین بدنه زیرین اسلحه و مکان سخت در نظر بگیرد او می‌تواند از شال دور گردن و یا پارچه نرم و یا اینکه کف دستش را در زیر بدنه اسلحه قرار دهد و با این عمل او از تکان خوردن اسلحه هم جلوگیری می‌شود.

(در تصویرهای زیر طریقه نشانه‌گیری با اسلحه را از روی تکیه‌گاه توسط نیروی تک‌تیرانداز نشان داده شده است)



استفاده از تکیه‌گاه و دو پایه در زیر اسلحه تک‌تیرانداز: در مناطق جنگ و نبرد می‌توان برای تکیه‌گاه اسلحه از وسایل دم دست دو پایه‌ای ساخت، برای این منظور می‌توان دو تکه چوب به اندازه ۳۰-۲۵ سانتی‌متری تهیه کرده و با طناب و یا بند کفش آنها را از وسط به هم دیگر متصل نموده از گره زدن این چوب‌ها می‌توان دو پایه مناسبی برای اسلحه نیروی تک‌تیرانداز در مناطق جنگی و نبرد تهیه کرد.

البته این موضع را نباید فراموش کرد که برای تهیه و استفاده کردن از تکیه‌گاه برای زیر اسلحه باید این موضع را مد نظر قرار داد که مشخصات تکیه‌گاه و محل تکیه‌گاه اسلحه در روی زاویه پرواز گلوله اسلحه اثرگذار می‌باشد. تکان‌های اسلحه در هنگام شلیک گلوله باعث

وارد آمدن ضربه به بدنه زیرین و تکیه‌گاه زیرین اسلحه می‌گردد که موجب انحراف و پرت شدن بدنه اسلحه به سمت چپ و راست می‌شود که این انحرافات باعث می‌گردند که گلوله شلیک شده تک‌تیرانداز به خطا رود و در میدان‌های جنگ خطرآفرین می‌شود. بنابراین لازم است که برای تکیه‌گاه زیر بدنه اسلحه از وسیله نرمی استفاده شود، اگر از دو پایه چوبی دست‌ساز برای بدنه زیرین اسلحه استفاده شود لازم است که حتماً این دو پایه در روی زمین نرم (خاک نرم) قرار بگیرد و چون قرار گرفتن در روی زمین سخت و یا سنگی باعث پرواز انحراف در خط سیر شلیک گلوله می‌شود.

(در تصویرهای زیر طریقه نشانه‌گیری نیروی تک‌تیرانداز را با اسلحه از روی دو پایه نشان داده است)



در هر صورت هر تکیه‌گاه مختلفی اثر مستقیمی بر روی خواص و مشخصات سیر پرواز گلوله اسلحه می‌گذارد که نیروی تک‌تیرانداز باید این خصوصیات را در نظر گرفت، مثلاً استفاده از دو پایه باید به شکلی باشد که محل قرارگیری دو پایه در زیر بدنه اسلحه نزدیک به لوله اسلحه قرار گیرد و همیشه سعی می‌شود که دو پایه مستقیماً در زیر قسمت جلوی لوله اسلحه قرار نگیرد.

در عملیات جنگی و در مناطق نبرد وقتی که نیروی تک‌تیرانداز از تکیه‌گاهی برای قرار دادن اسلحه‌اش استفاده می‌کند باید شرایط زیر را در نظر بگیرد:

- هرگز لوله اسلحه را در روی تکیه‌گاه سفت و سخت و خشک قرار ندهد بهتر است قسمت زیرین بدنه اسلحه را در روی تکیه‌گاه نرمی قرار گیرد.
- در محل قرار دادن اسلحه مابین بدنه زیرین و تکیه‌گاه اسلحه بهتر و مناسب است از وسیله دم دست نرمی مانند کلاه و شال گردن و یا از کف دست استفاده شود.
- اگر بدنه زیرین اسلحه را در روی تکیه‌گاه یکنواخت و مسطحی قرار می‌گیرد بهتر است که نقطه اتصال اسلحه با تکیه‌گاه فقط در یک قسمت و یک نقطه از بدنه اسلحه باشد.
- در هنگام استفاده از دو پایه برای تکیه‌گاه اسلحه در مناطق شهری و مکان‌های سنگی و زمین‌های سفت و سخت بهتر است که تیرانداز دو پایه اسلحه را در روی کیسه و یا گونی قرار داده که در داخل آن به جهت نرم شدن مقداری خاکاره و یا ماسه قرار می‌دهند.

نشانه‌گیری و قراولروی تک‌تیرانداز به صورت زانو نشستن: در این روش نیروی تک‌تیرانداز بدنه زیرین اسلحه را در دست راستش گرفته و در همین هنگام پای راستش را به سمت عقب برده و زانوی پای راستش را جمع کرده و در روی پای راست و پاشنه پوتینش می‌نشیند و زانوی پای چپ را به صورت قائم قرار داده و اسلحه را به شانه سمت راست خود فشرده و بدنه اسلحه‌اش را در دست چپش قرار داده و به سمت نیروهای متخاصم نشانه‌روی و شلیک گلوله می‌کند.

قراولروی و نشانه‌گیری از روی زانو به دو روش صورت می‌گیرد:

۱. نیروی تک‌تیرانداز در حین قراولروی (تصویر سمت چپ) بدنه زیرین اسلحه را با دست چپ می‌گیرد.

۲. نیروی تک‌تیرانداز در حین قراولروی (تصویر سمت راست) بدنه زیرین اسلحه را با دست چپ گرفته و سنگینی خشاب اسلحه به قسمتی از دست چپ (مابین مچ دست تا آرنج دست) وی وارد می‌شود.

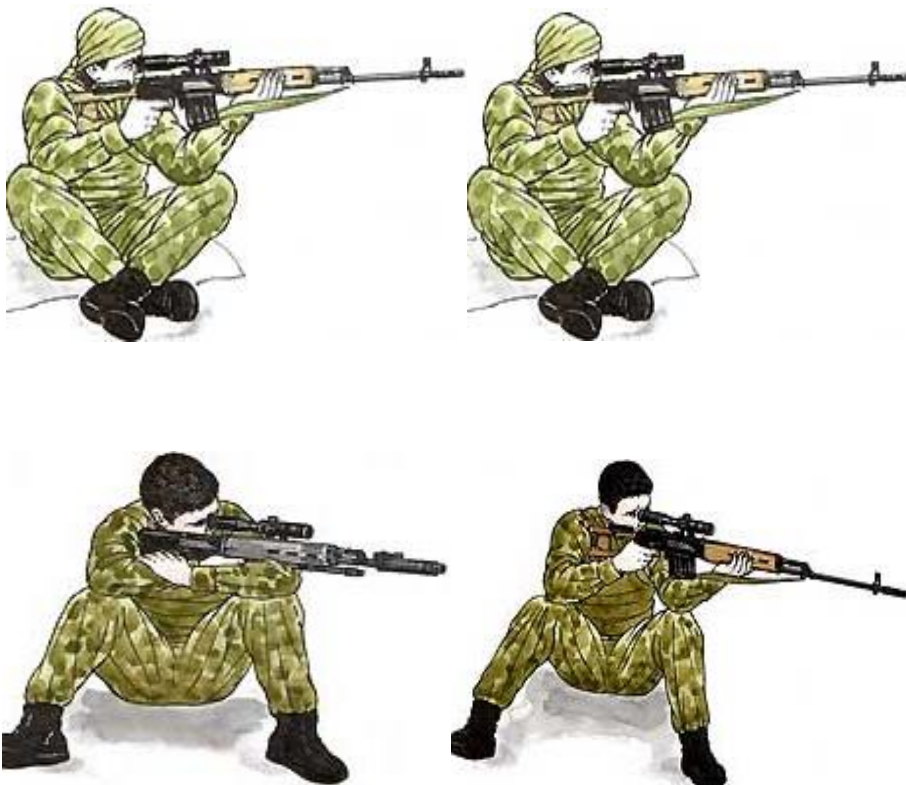
(در تصویرهای زیر طریقه نشانه‌گیری نیروی تک‌تیرانداز با اسلحه را از روی زانو نشان داده است.)



نشانه‌گیری و قراولروی نیروی تک‌تیرانداز به صورت نشسته:

در این روش تک‌تیرانداز در وهله اول به صورت ایستاده قرار دارد و قسمت زیرین اسلحه را در دست راست خود گرفته و همگام با این عمل نیروی تک‌تیرانداز در روی دست سمت چپش با زاویه ۹۰ درجه در خلاف جهت نشانه‌گیری به سمت هدف بر روی زمین فرود می‌آید و پاهایش را به شکل بعلاوه جمع می‌کند و پاشنه پوتین‌هایش را به سمت زمین در خاک می‌فشارد، و یا اینکه نیروی تک‌تیرانداز پاهایش را از هم باز کرده به صورت نشسته اسلحه را به صورت تصاویر زیر در دستان خود قرار داده و به سمت اهداف خود تیراندازی می‌کند.

(در تصاویر زیر نیروی تک‌تیرانداز طریقه نشانه‌روی را با اسلحه به صورت نشسته نشان داده است.)



نشانه‌گیری و قراول‌روی تک‌تیرانداز به صورت ایستاده: برای نشانه‌گیری به صورت ایستاده تک‌تیرانداز در حالت ایستاده به صورت نیم‌گردش (۹۰ درجه) نسبت به مسیر هدف چرخشی صورت می‌دهد و پای چپش را در امتداد شانه‌هایش به سمت جلو حرکت می‌دهد و نسبت به راحت بودن تک‌تیرانداز وزنش را به طور مساوی در روی پاهایش تقسیم می‌کند و همگام با حرکت پاهایش با دست راستش بند اسلحه را گرفته و آن را از روی شانه‌اش جدا می‌کند و با دست چپ قسمت محافظ زیرین لوله اسلحه را در دست می‌گیرد و با قدرت تمام لوله اسلحه را به سمت و سوی هدف گرفته و نشانه‌روی می‌کند، بهتر است که نیروی تک‌تیرانداز برای پایداری بیشتر اسلحه‌اش در هنگام تیراندازی و نشانه‌روی از بند اسلحه‌اش استفاده کند.

(در تصاویر پایین طریقه نشانه‌گیری نیروی تک‌تیرانداز را با اسلحه به صورت ایستاده نشان داده است.)



قراولری و هدف‌گیری تک‌تیرانداز از مکان‌های مخفی: برای نشانه‌روی از پشت تنه درختان، گوشه ساختمان و مکان‌های مخفی دیگر لازم است که نیروی تک‌تیرانداز طبق قواعد مخصوص به خود مخفی و استتار گردد تا از آتش و اصابت گلوله نیروهای مخالف در امان باشد و در ضمناً پایداری اسلحه وی هم برقرار باشد.

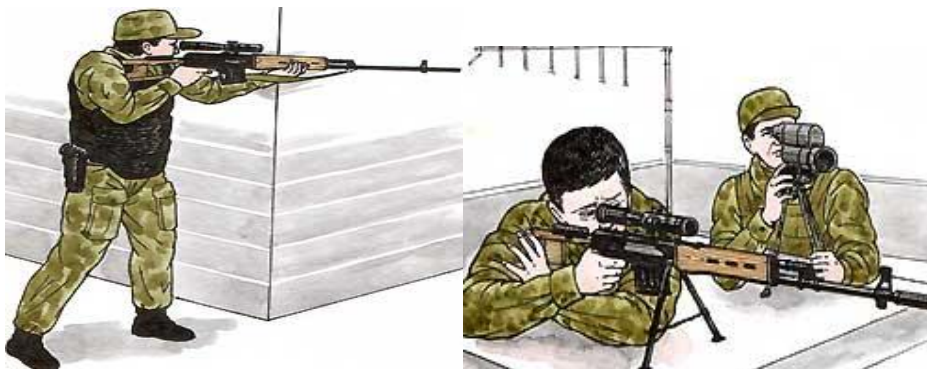
در مناطق جنگ و نبرد نیروی تک‌تیرانداز باید اسلحه‌اش را به شکلی در دستانش قرار دهد و به سمت نیروهای دشمن نشانه‌روی کند که بتواند از برخورد گلوله‌های نیروهای زبده تک‌تیرانداز متخاصم به دستان وی جلوگیری و محافظت به عمل آورد.

(در تصاویر پایین قراولروی نیروی تک‌تیرانداز از پشت مانع‌های با قرار دادن بدنه اسلحه‌اش در روی جسم نرمی برای جلوگیری از خطا در شلیک به اهداف را نشان می‌دهد)



(تصاویر پایین و صفحه بعدی هم قراولروی نیروی تک‌تیرانداز از پشت موانع را نشان می‌دهد)





(تصاویر پایین قراولروی نیروی تک‌تیرانداز را در میدان‌های جنگ نشان می‌دهد که با کمک هم قطاروی صورت می‌گیرد)



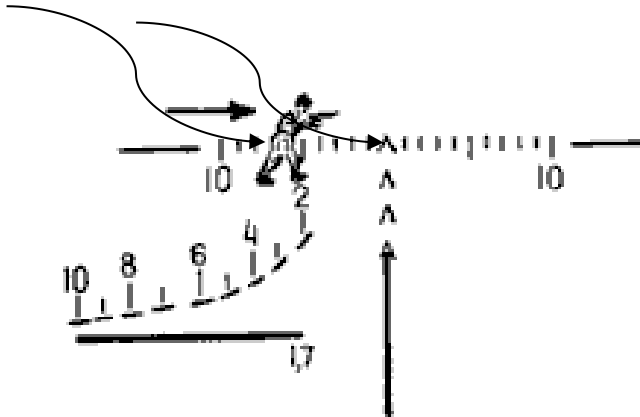
تکنیک شلیک به هدف‌های در حال حرکت توسط تک‌تیرانداز

شلیک به هدف‌های در حال جابه‌جائی و حرکت در مناطق نبرد توسط نیروهای تک‌تیرانداز سخت و بسیار مشکل می‌باشد و نیاز به تمرین و ممارست فراوان دارد، در هنگام نشانه‌روی و شلیک به هدف‌های در حال حرکت توسط تک‌تیرانداز اگر او از سایت مکانیکی و مگسک اسلحه‌اش استفاده کند باید مقداری به سمت جلو و در جهت حرکت نیروی متخاصم نشانه‌گیری و شلیک گلوله کند، اگر تک‌تیراندازی به سوی هدف پیاده در حال حرکت نشانه‌روی کند و اسلحه‌اش را جابه‌جا و حرکت ندهد و در روی هدف قفل و متمرکز و شلیک گلوله کند یقیناً این گلوله شلیک شده در فاصله ۱/۵ متری از پشت سر هدف عبور می‌کند و یا اینکه او باید نسبت به مقدار فاصله میان تک‌تیرانداز تا هدف سایت مکانیکی (تنظیم کننده شکاف مدرج) اسلحه را و یا دوربین اپتیکی را به سمت هدف و در مسیر جلوی حرکت وی به اندازه مناسب هماهنگ با سرعت حرکت هدف تنظیم کند. البته تمام این موارد ذکر شده برای شلیک به اهداف در حال حرکت و جابه‌جائی کافی نمی‌باشند، برای این منظور لازم است پیشگیری‌ها و تنظیم‌های لازم دیگری را در نشانه‌روی به سمت هدف انجام داد، نیروی تک‌تیرانداز قبل از زمان خروج گلوله از کانال لوله اسلحه‌اش باید اسلحه را به سمت هدف نگه دارد و با حرکت و جابه‌جا شدن هدفش اسلحه را هم به سمت وی و به صورت نرم و بدون پرش حرکت و جابه‌جا بکند، اگر تک‌تیرانداز قصد نشانه‌روی به سمت هدفی متحرک که به صورت تمام قد و ایستاده در حال حرکت با سرعت ۴ متر بر ثانیه در فاصله ۳۵۰ متری از خود که از سمت چپ جبهه به سمت راست در حرکت می‌باشد و زمان حرکت گلوله از اسلحه تک‌تیرانداز تا رسیدن و اصابت به هدف در مدت زمان ۰/۵ ثانیه به طول بیانجامد. در این مدت زمان کوتاه هدف از لحظه زمان شلیک گلوله توسط تک‌تیرانداز تا رسیدن گلوله و اصابتش به سمت وی مسافت ۲ متر ($X = t \times v$) را طی می‌کند پس نیروی تک‌تیرانداز برای اصابت گلوله به هدفش باید این فاصله ۲ متری را در تنظیمات نشانه‌روی اسلحه خود لحاظ کند.

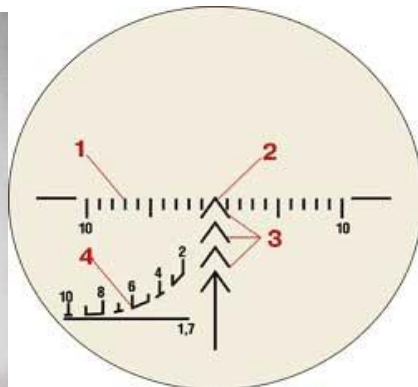
(با داشتن زمان رسیدن گلوله t تا هدف در فاصله ۳۵۰ متر و سرعت حرکت هدف v که ۴ متر بر ثانیه می‌باشد به راحتی می‌توان اندازه فاصله X که خطا برخورد گلوله به هدف که ۲ متر می‌باشد را تعیین کرد.)

برای تنظیم دوربین اپتیکی PsO-1 که در روی اسلحه تک‌تیرانداز S.V.D روسی نصب گردیده است نیروی تک‌تیرانداز باید برای نشانه‌روی و هدف‌گیری به سوی هدفی (مشابه با مشخصات حرکت هدف در صفحه قبل) که در حال حرکت می‌باشد (دوربین PsO-1 دوربین اپتیکی ضد آبی است که با گاز ازت پر شده و یکی از معروف‌ترین دوربین‌های اپتیکی استفاده شده در اسلحه‌های نیروهای تک‌تیرانداز روسیه است) و برای تصحیح دوربین و قراول‌روی به سوی هدف باید دوربین را در روی خط ۶ تنظیم کرد (در تصویر پایین هدف در خط ۶ درجه‌بندی دوربین قرار گرفته است) در این وضعیت هدف دیده شده در دوربین قاعدتاً به سوی زاویه‌های وسط که به صورت عدد هشت (۸) در دوربین PsO-1 درجه‌بندی شده است حرکت می‌کند.

(تصویر زیر حرکت هدف را به سوی زاویه‌های (۸) درجه‌بندی هشت شکل دوربین حرکت می‌کند.)



(تصویرهای پایین دوربین اپتیکی معروف PsO-1 روسی را با درجه‌بندی‌های داخلی نشان می‌دهد.)



با توجه به توضیحات داده شده در صفحه قبل نیروی تک‌تیرانداز دوربین اپتیکی اسلحه‌اش را تنظیم کرده و اسلحه را بدون حرکت و جابه‌جائی به سمت هدف نشانه‌گیری و گلوله را به سمت هدف شلیک می‌کند؛ بنابراین اگر در چنین مواقعی تک‌تیرانداز بخواهد به هدفی که در حال حرکت و جابه‌جائی می‌باشد شلیک کند باید خطوط درجه‌بندی دوربین اپتیکی اسلحه‌اش را نسبت به سرعت حرکت و جابه‌جائی هدف تنظیم کند، اگر نیروی تک‌تیرانداز بخواهد به صورت دیگری عمل کند مثلاً حرکت و جابه‌جائی اسلحه‌اش را با حرکت و جابه‌جائی هدف مطابقت دهد و به هم قفل کند نتیجه مثبتی از این هدف‌گیری به دست نمی‌آورد و گلوله شلیک شده توسط وی به خطا رفته و به هدفش اصابت نمی‌کند. اگر نیروی تک‌تیرانداز بخواهد در حین نشانه‌گیری به قسمت بالای بدن نیروی پیاده دشمن که در حال حرکت می‌باشد و با حرکت و جابه‌جائی او تنظیم کند در این حال اسلحه وی به سمت بالا و پایین پرش می‌کند و گلوله نیروی تک‌تیرانداز خطا رفته و به هدف اصابت نمی‌کند.

در جنگ‌های گذشته نیروهای تک‌تیرانداز زنده و حرفه‌ای برای شلیک به سوی هدف‌های در جبهه دشمن که در حال حرکت و جابه‌جائی بودند اسلحه‌ای خود را در سطح افق و در یک امتداد حرکت می‌دادند که در کشورهای غربی نیروهای تک‌تیرانداز آن را حرکت «پوتین» اسلحه می‌نامند.

بعضی اوقات نیروی تک‌تیرانداز در حالت دراز کش و در موضع مخفی کمین خود بند اسلحه‌اش را به دور دست خویش پیچانیده و به هدفی که در سطح افق می‌باشد قصد نشانه‌روی و شلیک گلوله را دارد، برای این منظور او باید پای راستش را از بدنش دور کند و با پوتینش به سطح زمین فشار وارد کرده و پای چپش را به سمت بدن خود جمع کند، در این صورت او به راحتی می‌تواند اسلحه‌اش را در سطح افق قرار داده و تنظیم کند و به سمت نیروها متخاصم نشانه‌گیری و شلیک گلوله کند.

نیروهای تک‌تیرانداز در میدان‌های تیر برای تمرین و نشانه‌گیری به سمت اهدافی که در حال حرکت می‌باشند از تکنولوژی سیل در حال حرکت استفاده می‌کنند.

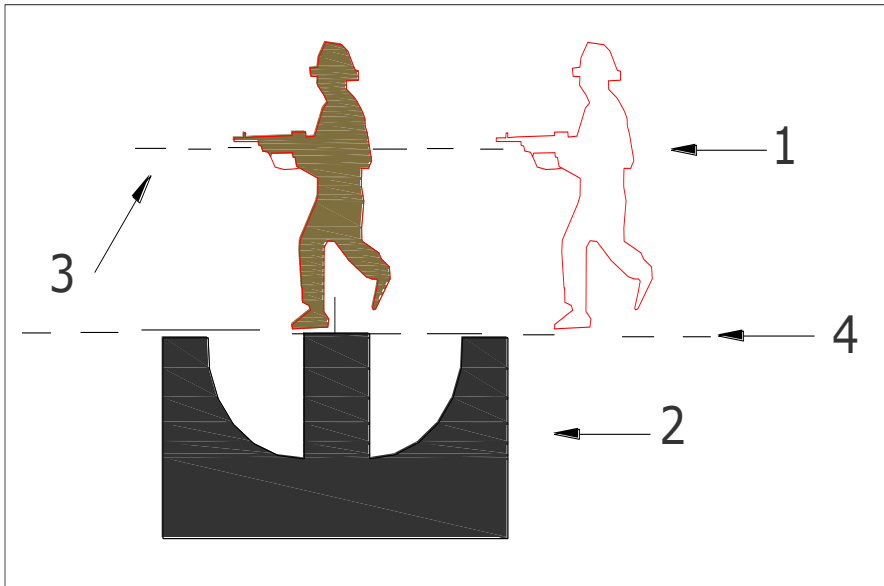
البته همیشه برای نیروی تک‌تیرانداز این امکان میسر نمی‌شود که از میدان‌های تیر پیشرفته استفاده کند، بنابراین نیروی تک‌تیرانداز هدفی را در روی جریان حرکت آب رودخانه قرار داده و وقتی که هدف با حرکت جریان آب رودخانه جابه‌جا و حرکت می‌کند توسط تک‌تیرانداز به سویش نشانه‌روی و شلیک گلوله می‌شود.

(مثلاً می‌توان با قرار دادن تکه تخته و یا چوب‌پنبه سبکی بر روی آب رودخانه و گذاشتن علامتی در بالای این جسم شناور به طوری که از فاصله دور برای نیروهای تک‌تیرانداز قابل مشاهده باشد استفاده کرد و یا اینکه می‌توان هدفی به دنبال ماشین بسته و در حالی که اتومبیل در حال حرکت کشیدن آن بر روی زمین است به سمت آن نشانه‌روی و شلیک گلوله کرد).

شلیک و نشانه‌روی به اهداف در حال حرکت باید خیلی سریع و کوتاه از سوی تک‌تیرانداز صورت گیرد و هر چه این حرکت و جابه‌جائی اسلحه کوتاه و سریع باشد زمان کمتری تک‌تیرانداز صرف نشانه‌روی می‌کند و نتایج بهتری دستگیر می‌گردد و برای این منظور تک‌تیرانداز باید تمرین‌های زیادی را برای شلیک به سوی هدف متحرک انجام دهد تا جایی که تک‌تیرانداز بتواند به صورت اتومات و بدون فکر کردن و فقط از طریق حس بینایش به سمت و سوی نیروهای دشمن در حال حرکت نشانه‌روی کند و با شلیک مؤثر و دقیق خود آنها را از بین ببرد. البته نشانه‌روی و شلیک به هدف در حال حرکت و جابه‌جائی برای هر نیروی تک‌تیرانداز تازه‌کاری سخت و مشکل است و فقط با تمرین و صرف زمان زیاد به این توانائی و تجربه دست پیدا خواهند کرد.

اگر در میدان‌های جنگ و نبرد نیروی تک‌تیرانداز قصد شلیک و نشانه‌روی از فاصله ۳۵۰ متری به هدف در حال حرکت و جابه‌جائی را داشته باشد (در میدان‌های نبرد فاصله تقریبی مابین دو جبهه جنگ ۳۵۰ تا ۴۰۰ متر می‌باشد) او می‌تواند بدون استفاده از دوربین اپتیکی و فقط با استفاده از شکاف درجه و نوک مگسک (سایت مکانیکی) اسلحه‌اش به فاصله مشخصی در جلوی هدف نشانه‌گیری و شلیک گلوله را انجام دهد که قطعاً گلوله او به هدف مورد نظرش اصابت می‌کند.

(تصویر پایین هدف‌گیری و نشانه‌روی نیروی تک‌تیرانداز از فاصله ۳۵۰ متری با استفاده از شکاف درجه و نوک مگسک اسلحه به سمت نیروی متخاصمی که در حال حرکت و جابه‌جائی می‌باشد را نشان می‌دهد)



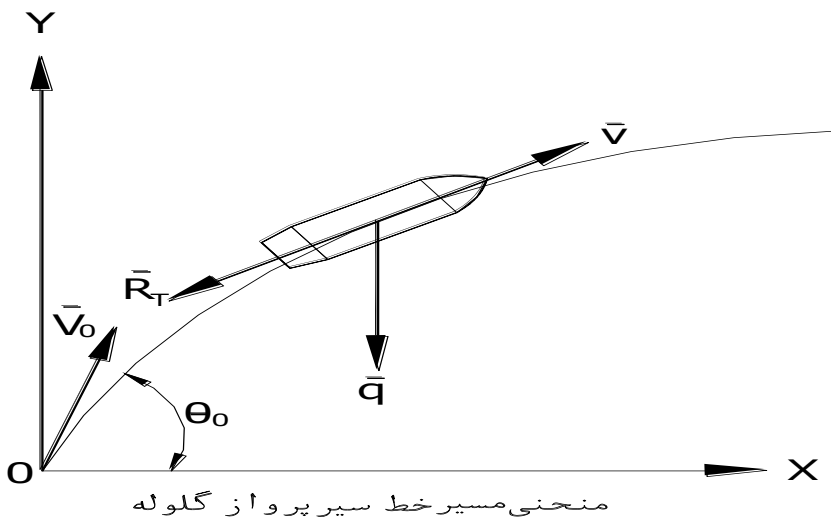
مشخصات تصویر بالا به شرح زیر می‌باشد:

۱. سمت حرکت و جابه‌جائی هدف را نشان داده است.
۲. جهت و جابه‌جائی حرکت مگسک اسلحه که در فاصله معین و در جلوی هدف در نظر گرفته شده است.
۳. ارتفاع و خط سیر جابه‌جائی هدف می‌باشد.
۴. مسیر و جهت حرکت نیروی متخاصم (هدف) می‌باشد.

بالستیک سیر پرواز گلوله اسلحه

می‌گویند ماهرترین تک‌تیرانداز اگر از هر جهت هم در فنون تیراندازی و نشانه‌روی بهترین باشد ولی علم بالستیک سیر پرواز گلوله در هوا و محاسبات آن را نداند او نیروی تک‌تیراندازی ماهری نمی‌گردد.

اگر نیروی تک‌تیرانداز همیشه در حال شلیک و تیراندازی در میدان‌های تیر باشد ولی از او بخواهند در شرایط طبیعی مناطق مختلف و از فاصله مشخص به هدفی شلیک کند حتماً گلوله او به خطا می‌رود. گرچه گاهی در میدان‌های تیر گلوله‌اش به هدف اصابت می‌کند اما او حتماً توانایی شلیک به اهداف متحرک و یا هدف دیده شده ناگهانی را در میدان‌های جنگ را ندارد و یا با کوچک‌ترین نسیم و حرکت کم باد گلوله او به خطا می‌رود.



(در تصویر بالا حرکت سیر پرواز گلوله و علت‌های که باعث افت سرعت و برد گلوله می‌گردد را نشان داده شده است در اینجا $\bar{V}$ سرعت اولیه گلوله و $\bar{q}$ نیروی جاذبه و $\bar{R}_T$ نیروی بازدارنده مقاومت هوا θ_0 زاویه شلیک گلوله می‌باشد.)

اگر نیروی تک‌تیرانداز علم بالستیک پرواز گلوله در هوا و جدول محاسباتی بالستیک آن را نداند تک‌تیراندازی ماهر و زبده‌ای از کار در نخواهد آمد، گاهی اوقات خطاهای پیش آمده در میدان‌های نبرد واقعاً جبران‌ناپذیر می‌باشند.

در علم بالستیک سیر حرکت گلوله در مسیر حرکت پروازش تا اصابت به هدف چنین می‌باشد: شناخت و عملکرد گلوله پس از چکاندن ماشه توسط تیرانداز، وقتی گلوله در داخل جان لوله اسلحه قرار داشته باشد و بر اثر انفجار چاشنی فشنگ باروت موجود شروع به سوختن می‌کند که گرما و گازهای زیادی از خود تولید می‌کند، بر اثر تولید این گازها فشار زیادی در پشت گلوله (مرمی) در کانال لوله اسلحه به وجود می‌آید که باعث حرکت و سیر پرواز گلوله در هوا می‌شود که این حرکت گلوله به شکل سهمی هندسی است و این شکل پرواز تا انتهای مسیر حرکت گلوله و اصابت به هدف ادامه دارد، علم بالستیک و پرواز گلوله تا اصابتش به هدف از قوانین فیزیک و ریاضی خاص خود استفاده می‌کند. لازم است نیروهای تک‌تیرانداز این قوانین را دانسته و در محاسبات خود آنها را لحاظ کنند، شناخت و آگاهی اثرات موجود در طبیعت و تغییرات به وجود آمده ناشی از این اثرات بر سیر پرواز و حرکت گلوله و نتایج به دست آمده از این تغییرات و شناخت تأثیر آنها بر اصابت دقیق گلوله به هدف است که نیروی تک‌تیرانداز باید این موارد را در نظر بگیرد، به طور مثال در مناطق کوهستانی با افزایش اندازه ارتفاع دما هوا هم به ازای هر ۱۵۰ متر ۱ درجه سانتی‌گراد کاهش می‌یابد و به علت سردی هوا در ارتفاعات رطوبت هوا هم کمتر می‌شود و البته تراکم هوا نسبت به افزایش ارتفاع حالت معکوسی دارد و مقدار اندازه غلظت مولکولی هوا هم کمتر می‌گردد با این شرایط سیر پرواز گلوله در هوا هم متغیر می‌شود.

در مناطق کوهستانی اگر نیروی تک‌تیراندازی از جایگاهی در بالای کوهی به هدفی در پایین کوه و یا برعکس از پایین کوه به سمت هدفی در بالا کوه شلیک گلوله کند و یا اینکه در مناطق صاف و مسطح در بالای کوه شلیک مستقیم گلوله انجام دهد، این سیر پرواز گلوله‌های شلیک شده و هدف‌گیری‌های انجام شده نسبت به همدیگر متغیر و متفاوت می‌باشند، شلیک گلوله توسط نیروی تک‌تیرانداز در هوای خنک صبحگاهی و گرمای ظهر خیلی با هم متفاوت است. در هوای بارانی و هوای خشک حرکت پرواز گلوله بسیار با هم متفاوت می‌شوند تمامی این علت‌ها همگی بستگی به علم بالستیک سیر حرکت گلوله دارد. حال اگر نیروی تک‌تیراندازی اطلاع و آشنایی کامل به علم بالستیک سیر پرواز گلوله نداشته باشد شلیک گلوله او بی‌فایده است و گلوله وی به هدف اصابت نمی‌کند.

خیلی مسائل دیگر هم در علم بالستیک وجود دارد که ندانستن آنها باعث به خطا رفتن و انحراف گلوله از مسیر سیر پروازیش در اتمسفر هوا می‌گردد. (توضیح کامل علم بالستیک در این کتاب سخت و دور از بحث این کتاب می‌باشد فقط به صورت جزئی برای دوست داران و مدافعین وطنم شرح داده می‌شود).

علم بالستیک پرواز حرکت گلوله به طور کلی همیشه در سه مرحله مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد:

۱. **بالستیک داخلی حرکت گلوله:** این در هنگامی صورت می گیرد که ماشه اسلحه توسط نیروی تیرانداز چکانده می شود و گاز ناشی از سوختن باروت در فشنگ و کانال لوله اسلحه عمل می کند و فشار ناشی از گاز به وجود آمده مرمی (گلوله) را از انتهای لوله اسلحه به حرکت چرخشی وا می دارد که مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.
 ۲. **بالستیک خارجی حرکت گلوله:** به رفتار و مشخصات حرکت مرمی فشنگ، از هنگام خروج مرمی از دهانه لوله اسلحه تا لحظه اصابت به هدف را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهند.
 ۳. **بالستیک نهایی حرکت گلوله:** درباره مطالعه و حرکت گلوله در فضاء از لحظه ترک گلوله از دهانه لوله اسلحه تا خاتمه حرکت آن در هوا و یا اصابت آن به هدف و همچنین نحوه اثر و شدت تخریب هدف ناشی از اصابت گلوله به هدف را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهند.
- شلیک گلوله:** انرژی آزاد شده ناشی از انفجار چاشنی و سوختن باروت در داخل پوکۀ فشنگ باعث پرتاب و حرکت مرمی فشنگ (یا شلیک نارنجک در سلاح های نارنجک انداز) از کانال لوله اسلحه می گردد، در حین چکاندن ماشه اسلحه توسط تیرانداز و حرکت گلنگدن و وارد شدن ضربه سوزن گلنگدن به چاشنی فشنگ باعث سوختن باروت موجود در فشنگ می شود، از سوختن این باروت مقدار زیادی گاز در پوکۀ فشنگ به وجود می آید که باعث متورم شدن پوکۀ اسلحه می گردد و پوکۀ را به دیواره داخلی جان لوله اسلحه می چسباند تا از خروج گاز از پشت پوکۀ جلوگیری شود و با اتمام فشار و خروج گاز از کانال لوله اسلحه پوکۀ هم آزاد می شود با فشار گاز تولید شده در پشت مرمی (گلوله) این مرمی است که تحت فشار گازهای به وجود آمده در جان لوله حرکت دورانی خود را که ناشی از درگیر شدن مرمی با خان های موجود در جان لوله است را آغاز می کند و سپس مرمی از لوله اسلحه با فشار و سرعت چرخشی زیاد در مسیر رأس لوله اسلحه در هوا و اتمسفر به حرکت در می آید. (چرخش مرمی در لوله اسلحه ممکن است راست گرد و یا چپ گرد باشد که این ناشی از جهت گردش گام خان های لوله اسلحه می باشد در سلاح های روسی اغلب گردش خان از چپ به راست می باشد).

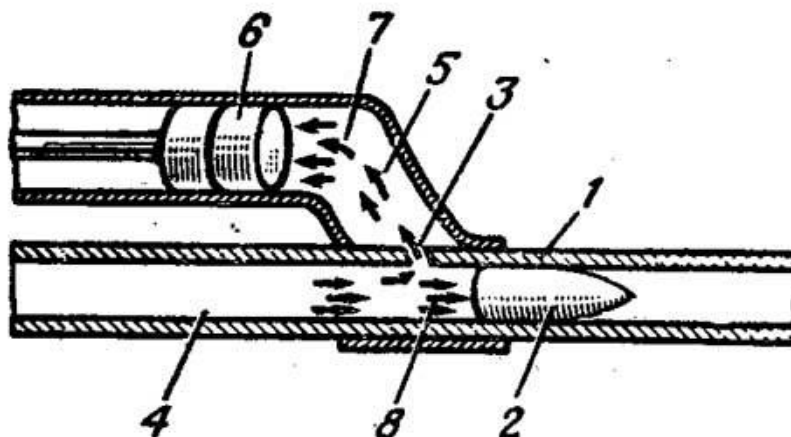
فشار گاز ناشی از سوختن باروت در داخل پوکۀ و حرکت مرمی به جلو باعث حرکت و جابه جایی و عقب نشینی بدنه و قنداق اسلحه به عقب می شود، (قانون سوم نیوتن هر عملی عکس العملی دارد مساوی با آن و در خلاف جهت آن) در اسلحه های اتومات هنگام شلیک گلوله سیستم

مکانیکی اسلحه (منظور گلنگدن و ابزار متحرک سیستم چکاننده اسلحه) تحت اثر فشار گاز ناشی از سوختن باروت قرار گرفته و باعث عقب رفتن گلنگدن و همزمان کشیدن پوک‌ه توسط ناخن فشنگ کش و پرتابش به بیرون از جان لوله می‌شود و در همین حال فشنگ دیگری از خشاب اسلحه به سمت جان لوله اسلحه برده می‌شود، در اسلحه‌های روسی مانند کلاشنیکف و اسلحه تک‌تیرانداز S.V.D مقداری از فشار گاز باروت سوخته شده در جان لوله از طریق سوراخ ریزی که در جدار لوله اسلحه قرار دارد به طرف پیستونی حرکت کرده و این پیستون با حرکت خود عمل عقب بردن حرکت گلنگدن را انجام می‌دهد با توجه به اینکه گاز ناشی از سوختن باروت که با مقداری دود همراه است به طور غیرمستقیم با ابزار و آلات متحرک اسلحه در تماس نمی‌باشد و این ابزار کمتر تحت تأثیر دود قرار گرفته و کثیف نمی‌شوند. (به همین علت است که سیستم چکاننده سلاح‌های روسی برعکس اسلحه‌های ساخت کشورهای غربی در میدان‌های جنگ و نبرد کمتر خراب و گیر می‌کند.)

با وارد آمدن ضربه سوزن به چاشنی و سوختن گاز باروت در داخل پوک‌ه فشنگ که در جان لوله اسلحه قرار دارد تقریباً ۳۵٪ - ۲۵٪ درصد از انرژی آزاد شده از سوختن باروت صرف از جا کندن و حرکت مرمی فشنگ در جهت حرکت و در کانال لوله اسلحه می‌گردد (عمل اصلی) و ۲۵٪ - ۱۵٪ درصد از انرژی آزاد شده دیگر هم در مرحله دوم از سوختن باروت صرف اصطکاک و درگیری مرمی با برجستگی‌های خان‌های داخل کانال لوله و حرکت و جابه‌جائی و مرمی (گلوله) به جلو و در داخل کانال لوله اسلحه می‌گردد.

همیشه مقداری از انرژی تولید شده ناشی از سوختن باروت صرف گرم شدن لوله اسلحه، پوک‌ه و مرمی، و قسمت‌های متحرک اسلحه (منظور پیستون و گلنگدن و ناخن فشنگ کش می‌شود) و مقدار کمی انرژی هم به علت کامل نسوختن دانه‌های باروت به هدر می‌رود، در هر صورت تقریباً مقدار ۴۰٪ از انرژی باروت موجود در پوک‌ه فشنگ پس از خروج گلوله از کانال لوله اسلحه به شکلی از دست داده و یا به هدر می‌رود و از آن استفاده نمی‌شود.

(در تصویر پایین کار کردن سیستم اتومات اسلحه‌های روسی را با گاز باروت و پیستون متحرک را نشان داده شده است)



مشخصات کارکرد سیستم اتومات اسلحه را با گاز باروت و پیستون (تصویر بالا) به شرح زیر می‌باشد:

۱. کانال لوله اسلحه.
۲. مرمی (گلوله).
۳. برش افقی کانال لوله اسلحه و مجرای خروج گاز به سمت پیستون متصل به دستگاه چکاننده و گلنگدن.
۴. برش افقی کانال لوله اسلحه جای که فشار گاز از سوختن باروت به پشت مرمی فشار وارد می‌کند.
۵. اتاقک محل جمع شدن گازهای ورودی به سمت پیستون.
۶. پیستونی که با فشار گاز موجود دستگاه گلنگدن اسلحه را به عقب می‌راند.
۷. گازهای ورودی به پشت پیستون.
۸. گازهایی که گلوله (مرمی) را به سمت بیرون از کانال لوله اسلحه پرتاب می‌کنند.

همیشه شلیک گلوله از اسلحه در مدت زمان بسیار کمی صورت می‌گیرد و این مدت زمان تقریباً برابر با $0/06 - 0/01$ ثانیه می‌باشد.

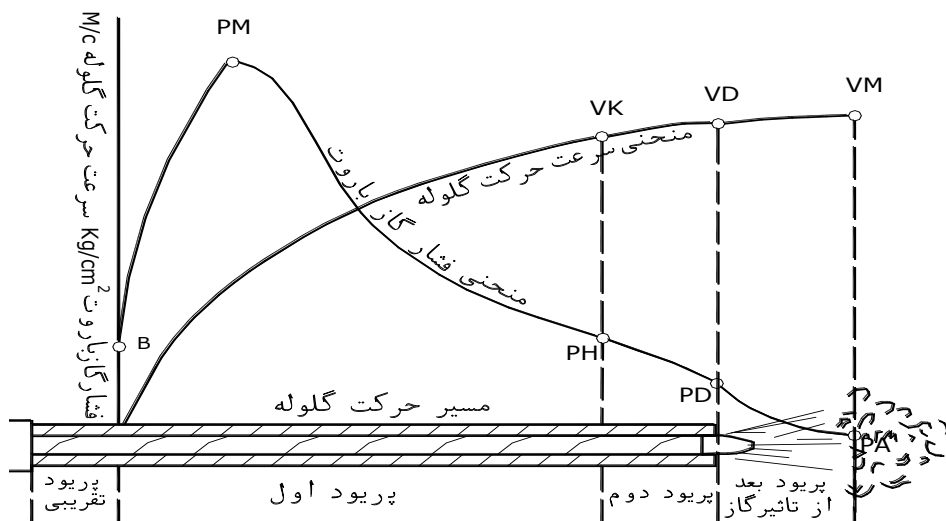
شلیک گلوله در چهار پرپود (سیکل) کلی صورت می‌گیرد:

- مرحله پرپود تقریبی.
- مرحله پرپود اولیه یا اصلی.
- مرحله پرپود دوم.
- مرحله پرپود سوم یا آخرین مرحله پرپود.

مرحله پرپود تقریبی: از زمانی آغاز می‌گردد که باروت شروع به سوختن در پوکه فشنگ کرده و تا آخرین مقدار اندازه باروت که سوخته گردیده و تولید گاز در پوکه می‌کند و مرمی فشنگ را از جا کنده و به داخل جان لوله حرکت می‌دهد را پرپود تقریبی می‌نامند.

فشار اولیه: در مدت زمان کوتاهی که باروت در جان لوله اسلحه می‌سوزد مقدار زیادی گاز تولید می‌کند که همگی ناشی از سوختن باروت موجود در پوکه فشنگ می‌باشند، نیرو و فشاری که این گازها تولید و بر مرمی اثر کرده را فشار اولیه می‌نامند، مقدار فشار اولیه برابر با $250 - 500 \text{ kg/cm}^2$ کیلوگرم بر سانتی مترمربع است که بستگی به نوع و فرم خان لوله اسلحه (برجستگی‌های خان‌های داخل لوله اسلحه‌ها را از جنس فولاد سخت می‌سازند که بر اثر مرور زمان و استفاده از اسلحه و شلیک‌های مکرر سائیده نشوند) و به وزن و سختی جنس مرمی فشنگ که اغلب از جنس فلز سرب و با روکش مسی و یا برنجی ساخته می‌شود بستگی دارد. با سوختن باروت موجود در پوکه فشنگ مرمی (گلوله) در مدت زمان بسیار کوتاهی با سرعت زیاد و با حرکت چرخشی که ناشی از وجود خان‌های داخل لوله اسلحه است در کانال لوله اسلحه وادار به حرکت می‌شود. (وجود خان داخل لوله اسلحه باعث ایجاد حرکت چرخشی گلوله می‌شود و این حرکت چرخشی گلوله باعث پایداری ژيروسکوپی گلوله در اتمسفر هوا و افزایش برد و دقت گلوله در تیراندازی با سلاح می‌شود، جهت گردش خان‌ها در لوله اسلحه‌ها به دو نوع چپ‌گرد و راست‌گرد تقسیم گردیده شده است.)

(در تصویر زیر چهار مرحله پریود پرتاب مرمی در لوله اسلحه و منحنی‌های مربوطه به آن را نشان داده است)



مرحله پریود اولیه یا اصلی: مدت زمان مرحله پریود اصلی یا اولیه از شروع حرکت مرمی (گلوله) در جان لوله اسلحه تا لحظه اتمام سوخته شدن تمامی باروت موجود در پوکة فشنگ می‌باشد و تمامی مقدار اندازه موجود باروت تا لحظه خروج مرمی از کانال لوله اسلحه باید سوخته شوند.

در مرحله پریود اولیه هنوز وقتی سرعت حرکت گلوله در کانال لوله اسلحه هنوز زیاد نمی‌باشد مقدار حجم گاز موجودی ناشی از سوختن باروت به سرعت افزایش می‌یابد، هرچه حجم گاز پشت مرمی و در داخل پوکة زیاد گردد مقدار فشار تولید شده گاز هم با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد و این مقدار افزایش فشار گاز در پوکة فشنگ اسلحه تا 2900 kg/cm^2 کیلوگرم بر سانتی مربع است و به این فشار تولید شده در پشت مرمی «فشار ماکزیمم» می‌گویند و این مقدار فشار ماکزیمم گاز در اسلحه‌های جنگی در مسیر و فاصله‌ای به طول ۴-۶ cm در کانال لوله اسلحه تولید می‌گردند.

همیشه با از جا کنده شدن مرمی از پوکة و حرکت آن در جان لوله حجم محفظه گاز در لوله اسلحه زیاده‌تر می‌شود و برعکس آن فشار گاز باروت هر لحظه کمتر می‌گردد و در انتهائی حرکت مرمی در لوله اسلحه فشار ماکزیمم گاز تقریباً چیزی برابر با $2/3$ مقدار اندازه ماکزیمم فشار اولیه گاز تقلیل پیدا می‌کند.

سرعت حرکت گلوله در اثر فشار گاز تولید شده و چرخش ناشی از برجستگی‌های مسیر مارپیچ خان‌های موجود در جان لوله اسلحه هر لحظه افزایش یافته و در پایان این مرحله تقریباً به مقدار $\frac{3}{4}$ سرعت اولیه مرمی دست پیدا می‌کند و ضمناً تعداد خان‌های موجود در کانال لوله اسلحه باعث می‌شوند که در روی بدنه مرمی (گلوله) شیارهای ظاهر گردد. (در جرم‌شناسی نیروهای پلیس با مشاهده مرمی فشنگ و شیارهای ایجاد شده بر روی آن می‌توانند پی به نوع اسلحه مورد استفاده شده در صحنه جرم و جنایت ببرند.)

تأثیر شکل چرخشی خان‌های موجود در لوله اسلحه باعث می‌شود که گلوله (مرمی) در هنگام خروج از دهانه لوله اسلحه با حرکت چرخشی (دورانی) به دور خود حرکت کند و سرعت سرسام‌آوری پیدا کند و جهت حرکت دورانی گلوله به دور رأس و محور طولی مرمی می‌باشد، حرکت دورانی گلوله به دور محور خود باعث ثبات حرکت گلوله در مسیر سیر پرواز او در اتمسفر هوا می‌شود و همچنین باعث می‌گردد که گلوله در مسیر سیر پرواز خود در هوا معلق بماند و از مسیر حرکت در نظر گرفته شده توسط تیرانداز منحرف نشود.

مرحله پریود دوم: این مرحله پریود مدت زمانی است که از سوختن تمامی باروت تا خروج و پرواز مرمی از کانال لوله اسلحه شامل می‌گردد، در مرحله پریود دوم گاز تولید شده از سوختن باروت به پایان می‌رسد اما قدرت فشار و گرمای گاز بیشتر می‌گردد و به مرمی فشار زیادی وارد می‌کند و در اثر فشار زیاد گاز حاصله از سوختن باروت، مرمی (گلوله) در درون کانال لوله اسلحه شروع به حرکت می‌کند. در اینجا حرکت مرمی همراه می‌شود با درگیر شدن با خان‌های (برجستگی‌های مارپیچی درون لوله اسلحه که باعث حرکت چرخشی و دورانی مرمی می‌شوند) داخل کانال لوله اسلحه که با آن هم قطر و هم مماس می‌باشند قطر مرمی (گلوله) دقیقاً برابر است با قسمت فرورفتگی جداره داخلی لوله اسلحه، در نتیجه گاز تولید شده از انفجار باروت نمی‌تواند از کنار گلوله عبور کند و قبل از حرکت مرمی از دهانه لوله اسلحه خارج گردد و بنابراین تمامی فشار حاصله گاز ناشی از انفجار باروت‌ها صرف حرکت و جابه‌جائی و کندن گلوله از جا و حرکتش به سمت جلو و خروج مرمی از دهانه لوله اسلحه می‌گردد. همیشه توسط کارخانه‌های سازنده قطر مرمی فشنگ کمی بیشتر از قطر قسمت‌های برجسته (منظور خان لوله است) در نظر گرفته می‌شود و فشار گاز ناشی از احتراق باروت گلوله (مرمی) را که با این برجستگی‌ها به شدت درگیر است در مسیر مارپیچ خان‌های اسلحه به جلو می‌راند و سرعت حرکت گلوله (مرمی) را افزایش می‌دهد، در تمامی سلاح‌ها گلوله‌زنی ساخته شده مقدار سرعت مرمی در مرحله و زمان خروج از جان لوله کمتر از سرعت اولیه مرمی در شروع آن می‌باشد، در این مرحله فشار گاز باروت به سرعت کاهش می‌یابد.

در لوله اسلحه‌های خان دار مختلف مقدار فشار گاز باروت مابین $300-900 \text{ kg/cm}^2$ کیلوگرم بر سانتی مترمربع در نوسان می‌باشد و کارخانه جات سازنده اسلحه اغلب این مقدار اندازه را در کاتالوگ اسلحه درج می‌کنند.

مرحله پرپود سوم یا آخرین مرحله پرپود: به این مرحله پرپود پرتاب گلوله «مرحله پس از اثر گازها تولید شده» هم می‌نامند و مدت زمان این مرحله پرپود از هنگامی شروع می‌شود که مرمی از کانال لوله اسلحه خارج گردیده و زمان فشار گازهای تولید شده بر مرمی فشنگ به پایین‌ترین حد خود می‌رسد، در مدت زمان این پرپود و در مرحله خروج گازهای تولید شده از کانال لوله اسلحه سرعتی بالغ بر $2000-1200 \text{ m/c}$ متر بر ثانیه را دارند. بیشترین مقدار سرعت (ماکزیمم) مرمی از کانال لوله اسلحه در مرحله سوم در فاصله چند ده سانتی‌متری از دهانه لوله اسلحه به دست می‌آید، این مرحله در زمانی تمام می‌شود که فشار گاز باروت بر ته مرمی (گلوله) اسلحه با فشار مقاومت هوای اتمسفر موجود در طبیعت منطقه مذکور یکی و برابر گردد.

سرعت اولیه گلوله (مرمی): به سرعتی می‌گویند که مرمی در هنگام خروج از دهانه کانال لوله اسلحه به بیرون پرتاب می‌شود، همیشه سرعت اولیه مرمی را به صورت تقریبی در نظر می‌گیرند که بیشتر از سرعت داخلی مرمی در داخل کانال لوله اسلحه و البته کمی کمتر از سرعت ماکزیمم مرمی است، این سرعت حرکت مرمی (گلوله) با محاسبه یکسری پارامترهای عملی به دست می‌آید، در کاتالوگ تمامی اسلحه‌های ساخته شده حتماً سرعت گلوله اسلحه را هم برای نیروهای تک‌تیرانداز مشخص و معلوم می‌کنند.

سرعت اولیه گلوله هر نوع مدل اسلحه یکی از مهم‌ترین خصوصیات برجسته جنگی هر اسلحه می‌باشد. همیشه با افزایش مقدار سرعت مرمی (گلوله) مقدار اندازه مسافت و برد نهایی مرمی هم افزایش می‌یابد و عوامل محیطی اطراف (باد، رطوبت، فشار اتمسفر هوا و نیروی ثقل زمین) بر سیر حرکت مرمی در فضاء اثر گذاشته و در نتیجه برد مرمی کمتر می‌شود.

به طور کلی مقدار اندازه سرعت اولیه گلوله (مرمی) به عوامل زیر بستگی دارد:

- طول لوله اسلحه.
- وزن گلوله (مرمی) فشنگ.
- وزن، درجه حرارت و رطوبت مقدار باروت موجود در فشنگ.
- تراکم مقدار اندازه باروت موجود در فشنگ.

- نوع و تعداد خان‌های (طول گام خان‌ها) داخل کانال لوله اسلحه.
- اندازه ارتفاع خان‌های داخل لوله اسلحه.

طول لوله اسلحه: هرچه طول لوله اسلحه بلندتر باشد به همان نسبت اسلحه دارای خان‌های بیشتری می‌باشد و مقدار زمان بیشتری فشار گاز تولید شده در کانال لوله اسلحه بر پشت گلوله (مرمی) اثر می‌گذارد و گلوله تحت تأثیر خان‌های لوله اسلحه شروع به چرخش دورانی به دور خود می‌کند و سرعت گلوله و برد آن نسبت به تعداد خان‌های موجود بیشتر می‌گردد، اگر طول لوله اسلحه بلند باشد و مقدار اندازه باروت موجود در فشنگ هم زیاد باشد سرعت اولیه گلوله زیاد می‌گردد و این سرعت گلوله رابطه مستقیمی با وزن گلوله دارد هر چه وزن گلوله (مرمی) بیشتر باشد سرعت حرکت آن هم نیز بیشتر و بازداشتن آن مشکل‌تر و برد نهایی گلوله هم نیز افزایش می‌گردد. اما برای به حرکت در آوردن گلوله سنگین‌تر باید از نیروی بیشتر (مقدار اندازه باروت در پوکه) استفاده کرد.

تغییر مقدار وزن باروت فشنگ: این تغییر مقدار اندازه وزن باروت موجود در پوکه فشنگ با مقدار تولید شده گاز ناشی از سوختن باروت رابطه مستقیمی دارد و هرچقدر گاز بیشتری از سوختن باروت تولید شود فشار گاز هم در جان و کانال لوله اسلحه بیشتر می‌گردد و این حجم تولیدی گاز زیاد باعث افزایش سرعت اولیه گلوله اسلحه می‌شود. با افزایش دما گرم شدن باروت موجود در فشنگ اسلحه گازهای به وجود آمده ناشی از سوختن باروت هم بیشتر می‌گردند و مقدار افزایش فشار گازهای تولید شده هم ماکزیمم می‌شوند و این افزایش مقدار اندازه فشار گاز به وجود آمده بر سرعت اولیه و برد گلوله اسلحه هم اثر افزایشی می‌گذارد و برعکس با کمتر شدن و پایین آمدن مقدار اندازه گرمای باروت فشار گاز تولید شده کمتر و سرعت اولیه و برد گلوله اسلحه هم کمتر می‌گردد.

با توجه به موارد ذکر شده در بالا باید تصحیح‌هایی هم در روی نشانه‌روی و هدف‌گیری اسلحه توسط تیرانداز در دماهای مختلف محیط اطراف و نسبت به درجه حرارت باروت فشنگ انجام داد. (البته گرمای باروت همیشه با دما محیط منطقه قرار گرفتن آنها تقریباً یکی می‌باشد)، در مناطقی که رطوبت در محیط اطراف و هوای اتمسفر زیاد باشد و اگر این رطوبت در روی باروت داخل فشنگ اثر بگذارد زمان سوختن باروت را کم کرده و پایین می‌آورد در نتیجه گازهای تولید شده در جان لوله در زمان کمتری به وجود می‌آیند و سرعت حرکت اولیه گلوله را کمتر می‌کنند.

تراکم مقدار باروت در فشنگ: مقدار اندازه تراکم باروت در پوکه فشنگ نسبت به مقدار اندازه حجم باروت بستگی کاملی دارد و این مقدار اندازه باروت باید در حد مشخصی در پوکه فشنگ باشند، مقدار زیاد اندازه تراکم و حجم باروت در پوکه فشنگ باعث عقب‌نشینی اسلحه (لگدزدن) و حتی ترکیدن لوله اسلحه می‌گردد با کم و زیاد شدن مقدار اندازه باروت موجود در پوکه فشنگ سرعت و برد گلوله (مرمی) هم کم و زیاد می‌گردد، فرم و اندازه‌های ذرات باروت فشنگ در سرعت سوختن باروت و تولید گاز بیشتر نقش مهمی دارند و در تعیین سرعت و برد گلوله اثر مستقیمی دارند.

همیشه کارخانجات سازنده اسلحه در وقت طراحی اسلحه نوع و مقدار اندازه تعداد ذرات باروت را در فشنگ‌های تولید شده برای نوع و مدل اسلحه ساخته شده در نظر می‌گیرند.

عقب‌نشینی اسلحه در حین شلیک گلوله (لگد زدن): در هنگام شلیک گلوله توسط تیرانداز و خروج گلوله از کانال لوله اسلحه، اسلحه حرکتی در خلاف جهت حرکت گلوله انجام می‌دهد و این عقب‌نشینی به صورت وارد کردن ضربه قنداق اسلحه به شانه و کتف و دست تیرانداز می‌باشد.

همیشه مقدار سرعت عقب‌نشینی (لگد زدن) اسلحه به مقدار زیادی کمتر از سرعت اولیه حرکت گلوله می‌باشد چون مقدار وزن گلوله نسبت به مقدار وزن اسلحه خیلی کمتر است.

مقدار انرژی عقب‌نشینی اسلحه‌های تک‌تیرانداز اغلب کمتر از 2 kg/m کیلوگرم بر متر می‌باشد و خطر و درد زیادی برای بدن تیرانداز وارد نمی‌کنند. (در اسلحه کالیبر بزرگ این مقدار کمی بیشتر می‌باشد) قدرت عقب‌نشینی و قدرت مقاومت عقب‌نشینی (قنداق) اسلحه همیشه طوری تعیین می‌شود که هیچ وقت در یک خط و مسیر و در یک نقطه در جهت مخالف همدیگر قرار نگیرند آنها با یکدیگر دو قدرت تشکیل می‌دهند که تحت تأثیر این نیروها سر لوله اسلحه در حین شلیک گلوله کمی به طرف و سمت بالا پرش کرده و گلوله شلیک شده از اسلحه از مسیر سیر پروازش کمی انحراف پیدا می‌کند.

اگر قنداق اسلحه به شکل صحیحی ساخته نشود و نیروی تک‌تیرانداز هم اسلحه و قنداقش را به شکل درست و صحیحی در دست نگرفته باشد مقدار اندازه این انحراف بیشتر می‌گردد. به غیر از این در حین شلیک گلوله توسط نیروی تک‌تیرانداز لوله اسلحه شروع به حرکت‌های انحرافی و تولید نوسان می‌کند در هنگام به وجود آمدن این نوسانات ممکن است که لوله اسلحه از حالت و جهت نشانه‌گیری اولیه منحرف گردد و این انحراف می‌تواند به هر سمت (بالا، پایین، چپ و راست) باشد.

زاویه انحراف: مجموعه اثرات نوسانات لوله و عقب‌نشینی اسلحه در هنگام شلیک گلوله باعث مشکلاتی می‌شود که همگی اینها زاویه‌ای را به وجود می‌آورند که به آن «زاویه انحراف» می‌گویند و زاویه انحراف زاویه‌ای است که مابین دو امتداد مسیر کانال لوله اسلحه در وقت نشانه‌گیری و با همین امتداد مسیر کانال لوله اسلحه پس از شلیک و خروج گلوله از دهانه لوله اسلحه می‌باشد که به این زاویه، زاویه انحراف پرواز گلوله می‌گویند.

زاویه انحراف مثبت و منفی: زاویه انحراف پرواز گلوله را وقتی زاویه انحراف مثبت می‌گویند که رأس مسیر کانال لوله اسلحه پس از شلیک و هنگام پرواز گلوله کمی بالاتر از رأس مسیر کانال لوله اسلحه قرار داشته باشد و برعکس به آن زاویه انحراف منفی می‌گویند وقتی که کانال لوله اسلحه پایین‌تر از رأس مسیر لوله اسلحه پس از شلیک گلوله از اسلحه قرار داشته باشد.

برای نیروهای تک‌تیرانداز در میدان‌های نبرد از بین بردن مقدار اندازه زاویه انحراف پرواز گلوله خیلی مهم و حیاتی می‌باشد و برای آنان حکم مرگ و زندگی را در میدان‌های جنگ و نبرد را دارد چون اگر مقدار اندازه زاویه انحراف از مسیر کانال لوله اسلحه زیادتر از حد معمول باشد حتماً گلوله شلیک شده وی به خطا می‌رود و اگر این اتفاق در میدان‌های جنگ و نبرد صورت گیرد نیروی تک‌تیرانداز به مشکل جدی بر می‌خورد چون احتمال مشخص شدن موضع مخفی وی توسط نیروهای متخاصم حتمی گشته و آنان در پس نابودی وی بر می‌آیند و او را مورد هدف اصابت گلوله اسلحه تک‌تیراندازان و یا آتشبارهای خود قرار می‌دهند.

برای از بین بردن اثرات زاویه انحراف پرواز گلوله اسلحه در عملیات‌های جنگی و میدان‌های نبرد نیروی تک‌تیرانداز باید مشکلات اسلحه‌اش را از بین ببرد، اما برعکس اگر نیروی تک‌تیرانداز نتواند به طرز صحیحی قنداق اسلحه را در دست بگیرد و یا به طور کلی در نگهداری نامناسب و تمیز کردن اسلحه تنبلی و کاهلی بکند زاویه انحراف پرواز گلوله هم در میدان‌های نبرد حتماً تغییر خواهد کرد.

برای کمتر شدن اثر عقب‌نشینی قنداق اسلحه در هنگام شلیک گلوله توسط نیروی تک‌تیرانداز می‌توان از سیستم تنظیم کننده قنداق اسلحه که به صورت پدهای است که توسط کارخانه‌های اسلحه‌سازی ساخته می‌شوند استفاده کرد و تنظیم کردن پدهای عمودی و افقی قنداق اسلحه کمک مضاعفی به نیروی تک‌تیرانداز در گرفتن و تنظیم اسلحه و در نهایت کمک زیادی به تصحیح انحراف شلیک گلوله می‌کند، در کل شلیک گلوله از اسلحه با شروع حرکت و سرعت گلوله آغاز می‌گردد و عقب‌نشینی قنداق اسلحه اثر زیادی بر افزایش زاویه انحراف و در آخر بر دقت نشانه‌روی و شلیک گلوله اسلحه وی اثر می‌گذارد.

بالستیک خارجی حرکت گلوله

در این علم حرکت گلوله را پس از اتمام فشار گاز باروت و اثر پیش رونده و خط سیر پرواز گلوله محاسبه و بررسی می کنند، با کمک علم بالستیک خارجی نیروی تک تیرانداز می تواند جدول شلیک گلوله از اسلحه اش را در فواصل مختلف با توجه به جهت باد و درجه دما و فشار هوای منطقه نبرد و دیگر عوامل مورد نیاز جهت هدف گیری و نشانه گیری به سمت نیروهای متخاصم را مشخص و تنظیم کند.

خط سیر پرواز گلوله: مشخصات خط سیر پرواز گلوله به صورت منحنی هندسی می باشد که با مرکز ثقل گلوله ترسیم می گردد، گلوله در حین پرواز در هوا تحت تأثیر عامل دو نیرو قرار می گیرد:

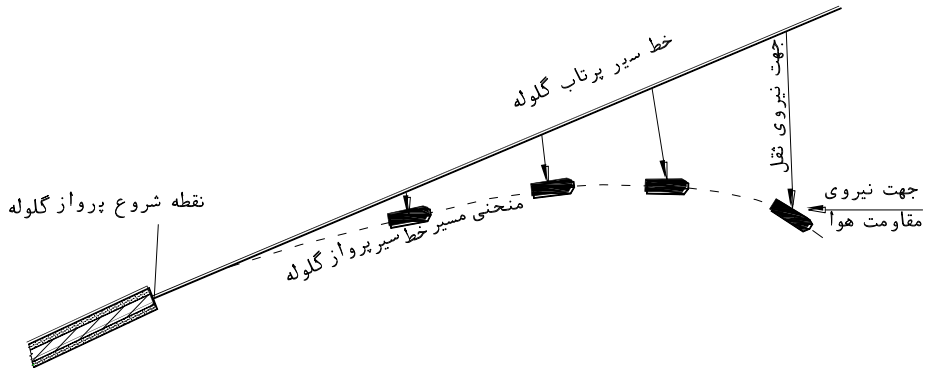
۱. عامل نیروی وزن گلوله.

۲. عامل نیروی بازدارنده مقاومت هوا.

نیروی وزن گلوله باعث می گردد که گلوله تحت تأثیر نیروی جاذبه زمین (نیروی گرانشی زمین) و نیروی ثقل گلوله $\bar{q}$ به آهستگی ارتفاع خود را از مسیر سیر خط پرواز گلوله کم کند و نیروی مقاومت هوا $\bar{R}_T$ باعث می گردد که سرعت گلوله $\bar{V}$ تحت تأثیر تراکم مولکول های موجود در هوا قرار گرفته و سرعت حرکتش تنزل پیدا کرده و کم شود و گلوله را از مسیر سیر حرکت خود منحرف و واژگون می گرداند. (در ارتفاعات کوهستان ها جایی که تراکم مولکول های هوا کمتر است سرعت پرواز و برد مفید گلوله کمی بیشتر است و این موضع را نیروهای تک تیرانداز زنده حتماً در محاسبات خود لحاظ می کنند.) در نتیجه اعمال و اثر این دو نیرو (نیروی ثقل گلوله $\bar{q}$ و نیروی مقاومت هوا $\bar{R}_T$) بر گلوله است که باعث می شود که سرعت حرکت گلوله به آهستگی کمتر شود و در ترسیم انتهای منحنی خط سیر پرواز گلوله به شکل منحنی با خط شکسته درمی آید.

اثر مقاومت هوا $\bar{R}_T$ بر سیر پرواز گلوله نشان می دهد که اتمسفر هوا حالت الاستیکی دارد بنابراین حرکت و سیر پرواز مرمی (گلوله) در چنین محیطی به مقدار زیادی انرژی و نیروی گلوله را مصرف کرده و خط سیر پرواز گلوله در اتمسفر هوا به صورت منحنی شکسته ای در می آید.

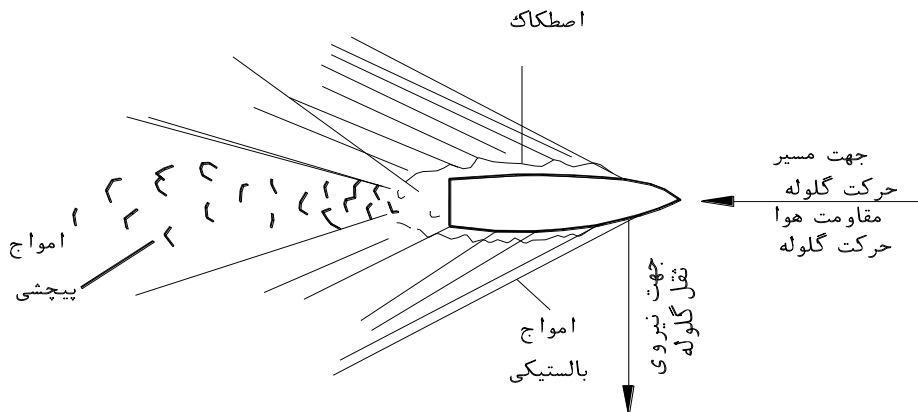
(تصویر زیر خط سیر پرواز گلوله و مقاومت نیروهای موجود در اتمسفر هوای منطقه شلیک گلوله را نشان می‌دهد)



نیروی مقاومت بازدارنده گلوله در اتمسفر هوا ناشی از سه علت و عامل‌های زیر می‌باشند:

۱. اصطکاک با مولکول‌های هوا.
۲. تشکیل امواج پیچشی هوا در پشت مرمی.
۳. تشکیل امواج بالستیکی در اطراف مرمی.

(تصویر زیر نیروهای مقاومت بازدارنده گلوله (مرمی) را در حین پرواز به در اتمسفر هوا نشان می‌دهد)

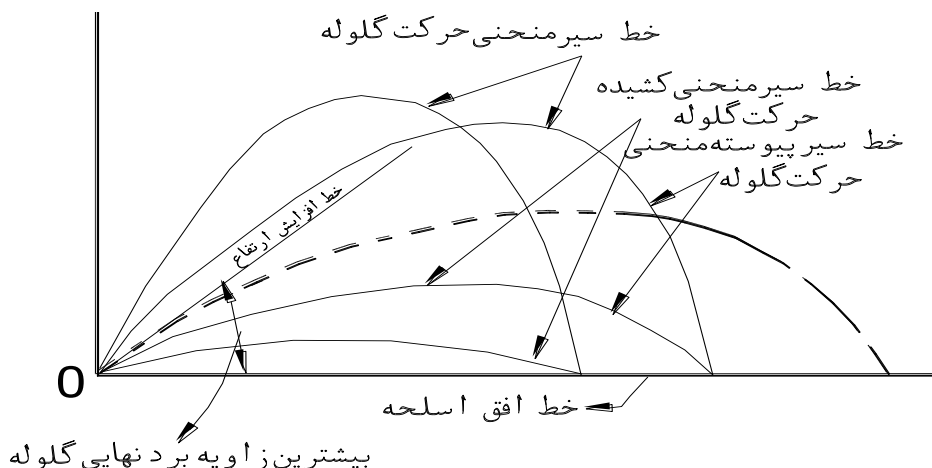


فرم سیر پرواز گلوله همیشه مربوط به مقدار افزایش اندازه زاویه آن نسبت به سطح افق می‌باشد، با افزایش مقدار اندازه زاویه افقی ارتفاع خط سیر پرواز و برد نهایی گلوله افزایش می‌یابد البته این افزایش زاویه گلوله تا مقدار مشخص و معینی در برد نهایی گلوله مؤثر می‌باشد، همیشه با افزایش مقدار اندازه زاویه خط سیر پرواز گلوله ارتفاع پرواز گلوله هم افزایش می‌یابد و برعکس با کمتر شدن مقدار زاویه خط سیر پرواز گلوله و خط سیر افقی گلوله (برد نهایی گلوله) و ارتفاع پروازش هم کمتر می‌گردد.

با افزایش مقدار اندازه زاویه پرواز گلوله برد نهایی گلوله هم بیشتر می‌شود که به این مقدار اندازه زاویه «حداکثر برد نهایی گلوله» هم می‌گویند، مقدار اندازه زاویه ماکزیمم برد (برد نهایی) گلوله اسلحه‌های مختلف تقریباً زاویه 35° درجه‌ای را تشکیل می‌دهند.

خط سیر پرواز منحنی گلوله: منحنی که ناشی از مقدار زاویه پرتاب گلوله به دست می‌آید به نام خط سیر پرواز منحنی گلوله نامیده می‌شود. خط سیر پرواز گلوله در اتمسفر هوا منحنی کشیده‌ای می‌باشد که ناشی از زاویه کمتر پرتاب گلوله است و برد زیاد گلوله را به همراه دارد که به خط سیر منحنی کشیده پرواز گلوله هم معروف می‌باشد.

(در تصویر زیر خطوط سیر متفاوت حرکت گلوله را در اتمسفر هوا نشان می‌دهد)



در هنگام شلیک گلوله با یک نمونه اسلحه (با سرعت اولیه مساوی) و با زوایای شلیک مختلف می‌توان دو سیر منحنی پرواز افقی گلوله را به شرح زیر به دست آورد:

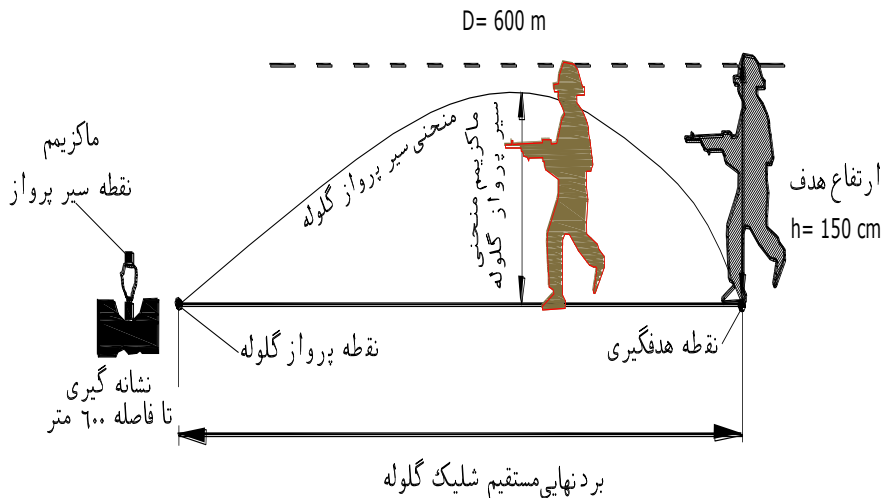
۱. سیر پرواز گلوله با منحنی پیوسته.

۲. سیر پرواز گلوله با منحنی کشیده.

سیر پرواز منحنی پیوسته: سیر پرواز شلیک‌های گلوله (از یک نمونه و یک مدل اسلحه) با زاویه‌ها و منحنی مختلف که برد یکسان گلوله را در پی داشته باشند به نام سیر پرواز منحنی پیوسته گلوله نامیده می‌شوند.

در هنگام شلیک با اسلحه‌های گلوله‌زنی فقط از سیر پرواز گلوله با زاویه کمتر و با منحنی کشیده‌تر استفاده می‌گردد و خط سیر پرواز منحنی کشیده گلوله (مرمی) کمترین ارتفاع سیر پرواز گلوله را در خط نشانه‌روی و قراولروی را دارد.

(در تصویر زیر خط سیر پرواز گلوله و شلیک مستقیم حرکت گلوله را در اتمسفر هوا در فاصله ۶۰۰ متری نشان می‌دهد.)



در مناطق جنگ و نبرد هنگامی که نیروی تک‌تیرانداز در محدوده‌ای برد مستقیم و فواصل نزدیک به دشمن قرار دارد او می‌تواند بدون تغییر سیستم نشانه‌روی و هدف‌گیری اسلحه به سمت هدف شلیک کند برای این منظور نیروی تک‌تیرانداز در هنگام نشانه‌روی به هدف ایستاده و دارای ارتفاع باید کمی پایین‌تر از بالاترین نقطه ارتفاعی لبه هدف را جهت نشانه‌گیری انتخاب کند.

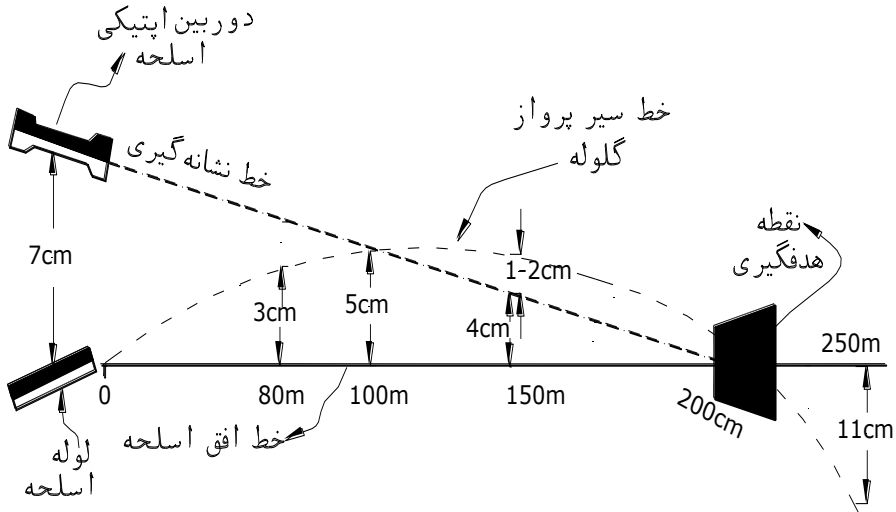
در مناطق جنگی برد مؤثر شلیک مستقیم توسط نیروی تک‌تیرانداز نسبت به ارتفاع هدف تنظیم می‌شود و این همان خط سیر منحنی کشیده پرتاب گلوله است هر چه هدف در مکان بالاتری قرار گرفته باشد این هدف به خط سیر کشیده منحنی پرواز گلوله نزدیک‌تر می‌گردد و برد مؤثر شلیک مستقیم گلوله و احتمال اصابت گلوله به هدف هم بیشتر می‌گردد. (منظور هدف در نقطه بلند و مرتفعی قرار داشته باشد).

نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند برد مؤثر گلوله را در شلیک مستقیم با اسلحه‌اش تعیین کند او باید در جدولی مقدار اندازه ارتفاع هدف را با مقدار اندازه ارتفاع سیر پرواز منحنی کشیده گلوله را با یکدیگر مقایسه کند.

شلیک مستقیم گلوله اسلحه نیروی تک‌تیرانداز در مناطق شهری: در اسلحه‌های مخصوص نیروهای تک‌تیرانداز ارتفاع قرارگیری دوربین اپتیکی در روی بدنه اسلحه تقریباً ۷ سانتی‌متر بالاتر از روپوش بدنه بالایی اسلحه می‌باشد و برای نشانه‌روی به هدفی در فاصله ۲۰۰ متری با دوربین اپتیکی و تنظیم درجه‌بندی آن در روی درجه ۲ (در دوربین اپتیکی PSO که بر روی اسلحه‌های تک‌تیرانداز روسی نصب می‌گردد برای فاصله نشانه‌روی تا ۲۰۰ متری درجه‌بندی دوربین را روی مقدار ۲ تنظیم می‌کنند) قرار می‌دهند، حداکثر مقدار ارتفاع امتداد خط نشانه‌روی دوربین اپتیکی اسلحه در فاصله ۱۰۰ متری ۵ سانتی‌متر بالاتر از خط افق لوله اسلحه می‌باشد و در فاصله ۱۵۰ متری از هدف مقدار اندازه خط نشانه در روی دوربین اپتیکی اسلحه ۴ سانتی‌متر بالاتر از خط افق لوله اسلحه می‌باشد و در فاصله ۲۰۰ متری جایی که هدف قرار دارد عملاً امتداد خط هدف‌گیری دوربین اپتیکی و خط منحنی سیر افقی اسلحه بر هم منطبق شده و هم دیگر را قطع می‌کنند.

ارتفاع خط نشانه‌روی دوربین اپتیکی اسلحه در فاصله ۲۰۰ متری از هدف تقریباً برابر ۳/۵ سانتی‌متر می‌باشد که عملاً با خط سیر پرواز گلوله یکی می‌گردد و در فاصله ۱۵۰ متری از هدف ارتفاع منحنی خط سیر پرواز گلوله تقریباً بین ۵ تا ۶ سانتی‌متر می‌باشد و امتداد خط نشانه‌روی دوربین اپتیکی اسلحه تقریباً بین ۳ تا ۴ سانتی‌متر است و تفاوت و اختلاف این اندازه‌ها بین ۱-۲ سانتی‌متر است که در نشانه‌گیری به سمت هدف دارای دقت خیلی مناسبی است.

(در تصویر زیر خط سیر پرواز گلوله و شلیک مستقیم تا فاصله ۲۵۰ متری به هدف را نشان می‌دهد.)



در فاصله ۸۰ متری از هدف ارتفاع منحنی خط سیر پرواز گلوله برابر با ۳ سانتی‌متر می‌باشد و ارتفاع خط نشانه‌روی دوربین اپتیکی اسلحه برابر با ۶ سانتی‌متر است که تفاوت این دو اندازه برابر با ۳ سانتی‌متر است، اگر دقت کنیم نشانه‌گیری به سوی اهدافی در جنگ شهرها از فواصل ۸۰ متر تا ۲۰۰ متری با این تنظیم دوربین اپتیکی بسیار مناسب می‌باشد و بنابراین در درگیری‌های شهری همیشه تنظیم دوربین اپتیکی اسلحه تک‌تیرانداز با درجه‌بندی ۲ برای مسافت‌های از ۸۰ متر تا ۲۰۰ متر تنظیم می‌گردد.

نشانه‌روی به سمت اهداف توسط نیروی تک‌تیرانداز با درجه‌بندی ذکر شده دوربین اپتیکی اسلحه وی و اصابت گلوله او به هدف با اندازه تقریبی ۲/۳ cm سانتی‌متری بالا و یا به پایین نقطه‌ای از هدف که توسط تک‌تیرانداز در نظر گرفته شده است اصابت و برخورد خواهد کرد.

در فاصله ۲۰۰ متری از هدف گلوله نیروی تک‌تیرانداز دقیقاً به مرکز نقطه هدف‌گیری شده توسط وی اصابت می‌کند و حتی تا فاصله ۲۵۰ متری از هدف با درجه‌بندی مذکور (۲) دوربین اپتیکی می‌توان به سمت اهدافی در مناطق شهری نشانه‌گیری و شلیک گلوله کرد و نیروی متخاصم را از پا در آورد.

به طور مثال نیروی تک‌تیراندازی به بالای کلاه آهنی نیروی متخاصمش نشانه‌روی می‌کند گلوله شلیک شده از اسلحه وی پس از طی فاصله ۲۵۰ متری به مقدار بیشتری ارتفاع سیر پروازش کمتر می‌شود و در این فاصله گلوله تقریباً ۱۱ سانتی‌متر پایین‌تر از خط افق لوله اسلحه پایین‌تر آمده (یا به قول شکارچی‌ها گلوله ۱۱ سانتی‌متر سر می‌خورد) و به صورت یا گردن نیروی متخاصم اصابت می‌کند.

این روش نشان روی و تنظیم دوربین اپتیکی در جنگ‌های خیابانی و شهری کاربرد زیادی دارد، در نبرد شهری فواصل درگیری‌ها اغلب ۲۵۰-۱۵۰ متر می‌باشند. بنابراین نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند از قبل دوربین اسلحه‌اش را تنظیم کرده و با خود به همراه ببرد و همین که هدفی از نیروهای متخاصم را در تیررس خود دید به سرعت به سمت وی نشانه‌روی و گلوله‌ای شلیک کرده و با حرکت سریع خود از محل متواری می‌گردد.

در اکثر کشورهای جهان آموزشگاه‌های و مدارس تیراندازی ورزشی وجود دارند و ورزشکارانی را در زمینه تیراندازی و شلیک با نمونه‌های مختلف اسلحه آموزش می‌دهند. اما نباید اشتباه کرد که آموخته‌های تیراندازان ورزشکار با نیروهای تک‌تیراندازی که در میدان‌های جنگ و نبرد عملیات ترور نیروهای متخاصم را انجام می‌دهند از زمین تا آسمان فرق و تفاوت دارد، آموزش‌ها و دروس نیروهای تک‌تیرانداز در مدارس و آموزشگاه‌های تک‌تیراندازی نظامی و فاصله در نظر گرفته شده برای شلیک به اهداف مورد نظر توسط آنان و شرایط مناطق نبرد و استتار افراد و خیلی نکات مهم دیگر وجود دارد که برای ورزشکاران رشته تیراندازی نامفهوم و گنگ می‌باشند.

در کل مقدار فواصل در نظر گرفته شده برای تمرین و آموزش نیروهای تک‌تیرانداز در آموزشگاه‌های تک‌تیراندازی و نظامی در کشورهای مختلف جهان به شرح زیر می‌باشند:

- برای نشانه‌روی و شلیک به اهداف در فواصل کوتاه ۲۰۰ متر می‌باشد.
- برای نشانه‌روی و شلیک به اهداف در فواصل نزدیک ۶۰۰ متر می‌باشد.
- برای نشانه‌روی و شلیک به اهداف در فواصل متوسط ۱۰۰۰ متر می‌باشد.
- برای نشانه‌روی و شلیک به اهداف در فواصل دور ۲۰۰۰ متر می‌باشد.

برای نیروهای تک‌تیرانداز زده و حرفه‌ای فاصله شلیک به هدف واقعی ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر است و اصابت گلوله به اهدافی در این فواصل با اسلحه مخصوص ورزشکاران رشته تیراندازی بسیار سخت و یا غیرممکن می‌باشد.

عوامل و فاکتورهای زیادی در مناطق جنگ و نبرد وجود دارد که بر سیر حرکت گلوله در هوا اثر گذاشته و این عوامل باعث به خطا رفتن و انحراف گلوله از برخورد و اصابت به هدف می‌شوند که ورزشکاران این رشته از آنها بی‌اطلاع‌اند.

در هنگام عملیات جنگی لازم است نیروهای تک‌تیرانداز تمامی علت‌ها و عواملی را که بر دقت اصابت شلیک گلوله وی به هدف مؤثر است را در نظر بگیرد و ضمناً این عوامل نیروهای هستند که باعث می‌شوند که گلوله نیروی تک‌تیرانداز به هدفش اصابت نکند و از مسیر در نظر گرفته شده توسط تک‌تیرانداز منحرف گردند بنابراین نیروی تک‌تیرانداز باید در هنگام نشانه‌روی و شلیک گلوله به سوی اهدافش تمامی این مسائل را در نظر گرفته و محاسبه کند.

نیروی تک‌تیرانداز در این خصوص باید اطلاعات کافی داشته باشد بنابراین دانستن علم بالستیک توسط نیروهای تک‌تیرانداز از لزومات آموزش و شناخت شلیک به سوی اهداف توسط آنان می‌باشد، آنان باید بتوانند جدول محاسباتی شلیک گلوله به سوی هدف را به سرعت تنظیم و انجام دهند و خطاهای احتمالی به وجود آمده را مد نظر قرار بدهند و در تنظیمات نشانه‌روی اسلحه خود لحاظ کنند در غیر این صورت انتظار به خطا رفتن گلوله را باید داشته باشند.

در میدان‌های جنگ و نبرد نیروی تک‌تیرانداز زبده و حرفه‌ای اهدافی را در میان نیروهای متخاصم در نظر می‌گیرد او با شناخت به محیط و طبیعت منطقه نبرد و محاسبه خطاهای بالستیک گلوله و سپس با در نظر گرفتن این خطاها و در آخر با یک نشانه‌روی دقیق گلوله‌ای به سوی نیروی متخاصم شلیک می‌کند و این گلوله باید به هدف اصابت کند و نیروی متخاصم را از پای در آورد در غیر این صورت نیروی متخاصم منتظر شلیک گلوله دوم نخواهد شد و شاید خود نیروی تک‌تیرانداز صید صیاد شود و اگر تک‌تیرانداز شکار نکند ممکن است دیگر صید در آن موقعیت قرار نگیرد و موقعیت استتار وی برای افراد دشمن مشخص می‌شود و آنها در پی نابودی وی اقداماتی انجام می‌دهند.

اگر نیروی تک‌تیرانداز با اولین شلیک از اسلحه خود بتواند هدفی از نیروهای متخاصم را از پای درآورد او ضربه روحی سختی در منطقه جنگ و نبرد به نیروهای دشمن وارد کرده است بنابراین باید هر شلیک گلوله وی حساب شده باشد تا گلوله شلیک شده از اسلحه‌اش دقیقاً به هدف مورد نظر برخورد کند.

گاهی اوقات نیروی تک‌تیرانداز باید جدول محاسباتی بالستیک گلوله را در حین حرکت و جابه‌جائی انجام دهد و محاسبات لازم را انجام دهد که گاهی اوقات با تنبلی و سهل‌انگاری بعضی از نیروها همراه می‌باشد در این صورت احتمال هدف قرار گرفتن آنان توسط نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم و یا نیروهای دیگر دشمن حتمی است.

(در تصویر زیر تک‌تیراندازی را نشان می‌دهد که در مکانی باز و در پشت عوارض طبیعی به خوبی استتار گردیده است.)



اطلاعاتی که باید یک تیرانداز برای شلیک به اهداف را بداند

برای اینکه تک‌تیرانداز بتواند نشانه‌گیری و قراولروی دقیق و شلیک موفق به سوی نیروهای متخاصم انجام دهد (منظور از نشانه‌روی به سوی هدف، بالا بردن تفنگ و قرار دادن آن در امتداد مسیر شلیک مستقیم به سوی مرکز هدف است، برای این کار تیرانداز از چهار قسمت و اجزاء اسلحه‌اش کمک می‌گیرد، تیرانداز باید چشم، روزنه دید، حفاظ مگسک، مگسک و خال سیاه را در امتداد هم دیگر قرار دهد.) لازم است که او مسائل جانبی محیطی در منطقه نبرد را در نظر بگیرد و ضمناً لزوم دانستن موارد زیر برای نیروی تک‌تیرانداز در میدان‌های نبرد حکم مرگ و زندگی را دارد، همین طور که در صفحات قبلی این کتاب توضیح داده شده است. در میدان‌های جنگ و نبرد اگر گلوله نیروی متخاصم به هدف اصابت نکند قطعاً گلوله و یا آتش‌باری سلاح‌های نیروهای متخاصم وی را نابود می‌کنند، بنابراین دانستن موارد زیر برای وی مهم و حیاتی است، تنظیم مناسب دستگاه نشانه‌روی اسلحه تک‌تیرانداز در نشانه‌روی و باعث بالا رفتن دقت شلیک گلوله وی به سوی هدف می‌گردد در غیر این صورت گلوله‌اش به خطا می‌رود.

اگر نیروی تک‌تیرانداز قصد نشانه‌روی و شلیک گلوله به قسمتی ایستاده (قد) هدف را داشته باشد او باید موارد ذیل را در مناطقی جنگ و نبرد در نظر گرفته و در محاسبات خود درج کند:

۱. تعیین مقدار اندازه فاصله خط شلیک مستقیم تیرانداز تا هدف.
۲. تعیین مقدار اندازه درجه حرارت هوا.
۳. تعیین مقدار اندازه سرعت وزش جانبی باد نسبت به سیر پرواز گلوله.
۴. تعیین مقدار اندازه فشار اتمسفر هوا.
۵. تعیین مقدار اندازه زاویه گلوله شلیک شده توسط تک‌تیرانداز نسبت به سطح افق.
۶. استفاده از نوع و جنس مخصوص گلوله ضروری است. (منظور وزن و سنگینی نوع جنس مرمی فشنگ است.)
۷. تعیین جهت و حرکت و جابه‌جایی و مقدار اندازه سرعت هدف.

اگر هدف تک‌تیرانداز شلیک به قسمتی افقی (پهنا) هدف در مناطق جنگی باشد او باید موارد ذیل را در نظر بگیرد:

۱. موقعیت نشانه‌گیری به سوی هدف در سطح افق.
 ۲. سرعت جانبی وزش باد.
 ۳. جهت و حرکت و جابه‌جائی و سرعت هدف در منطقه را برای درج در محاسبات خود.
- در هر دو مورد بالا تنظیمات اسلحه در سطح افقی و قسمت بلندای هدف برای شلیک دقیق به هدف مهم و ضروری می‌باشد. همچنین دقت در اندازه‌گیری فاصله نیروی تک‌تیرانداز تا هدف هم رل مهمی برای محاسبه شلیک نیروی تک‌تیرانداز به هدف را بازی می‌کند. هرچه فاصله تا هدف بیشتر باشد دقت اندازه‌گیری پارامترهای محاسباتی وی باید بیشتر و دقیق‌تر انجام گردند. برای کسانی که اولین بار آموزش شلیک با اسلحه مخصوص نیروهای تک‌تیرانداز را برای اهدافی تا فاصله ۶۰۰ متری شروع می‌کنند مناسب است آموزش شلیک به هدفی را به صورت قدی انجام دهند برای اینکه می‌توانند به شکل راحت‌تری قد انسان (همان هدف) را از بالا تا پایین نسبت به قسمتی افقی (پهنا) مورد هدف قرار دهند و ضمناً نیروی تک‌تیرانداز جدول محاسباتی تنظیمات عمودی هدف (ایستاده) را راحت‌تر انجام می‌دهد.

(در تصویر زیر نیروی تک‌تیراندازی را نشان می‌دهد که به خوبی صورت و اسلحه او استتار گردیده است.)



تعیین فاصله تا هدف توسط تک‌تیرانداز در مناطق نبرد

برای نشانه‌گیری در سطح افق و آموزش و شلیک گلوله موفق تک‌تیرانداز به هدف لازم تنظیماتی در روی اسلحه توسط وی صورت گیرد، یکی از این تنظیمات تعیین اندازه فاصله تا هدف می‌باشد برای این منظور می‌توان به صورت تجربی و یا با دستگاه‌ها لیزر فاصله را محاسبه کرد، روش دیگری برای تعیین اندازه فاصله تا هدف استفاده از روش هزارتایی است، روش هزارتایی تنها روش اندازه‌گیری ساده فاصله در سطح افق است ضمناً این یکی از روش‌های عملی جهانی است که در نیروهای توپخانه ارتش تمام کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد، (البته هم اکنون در خیلی ارتش‌ها از سیستم جی‌پی‌اس برای تعیین فاصله استفاده می‌شود) روش هزارتایی برای تعیین تنظیم فاصله افقی است که در تعیین دقیق آتش توپخانه و اسلحه‌های گلوله‌زنی نقش مهم و اساسی را دارند و نیروهای تک‌تیرانداز برای تعیین اندازه فاصله تا هدف توسط نیروهای تک‌تیرانداز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

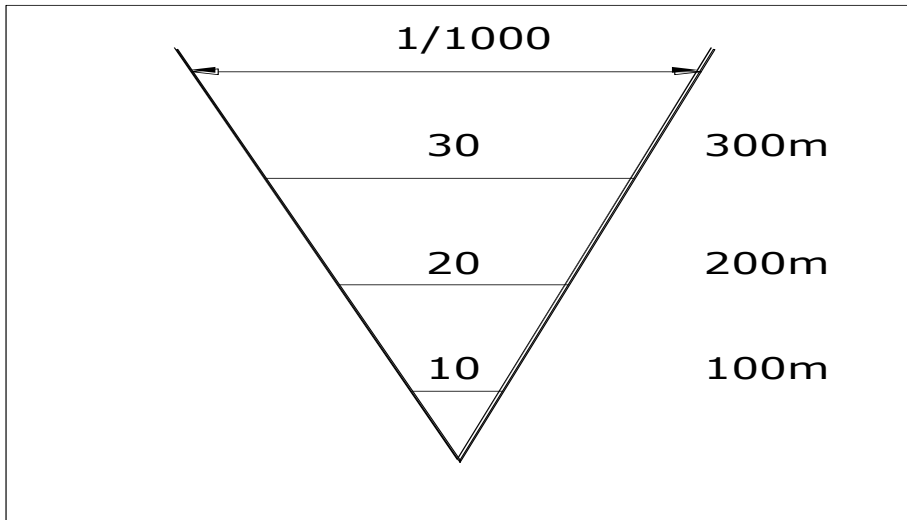
چگونه با روش اندازه‌گیری هزارتایی فاصله را اندازه می‌گیرند؟

یکی از واحدهای که بیشتر در امور نظامی و ارتشی مورد استفاده است قرار می‌گیرد «واحد میلیم» می‌باشد که عبارت است از زاویه دید شیئی یک متری در مسافت ۱۰۰۰ متری حالا با توجه به این موضع و فرمول محیط دایره که برابر با است « $۲ \times \text{شعاع} \times \frac{۳}{۱۴}$ » در اینجا محیط دایره را با شعاع ۱۰۰۰ متری در نظر گرفته و این مقدار اندازه شعاع را به ۶۲۸۰ قسمت تقسیم کرده که هر قسمت برابر با یک میلیم می‌باشد:

$۶۲۸۰ = ۲ \times \text{شعاع} \times \frac{۳}{۱۴}$ البته در کشورهای بلوک شرق برای ساده‌تر و کمتر شدن زمان محاسبه تعیین مسافت محیط دایره را به ۶۰۰۰ قسمت تقسیم کرده‌اند اما در کشورهای غربی برای دقت بیشتر اندازه ۶۴۰۰ را در محاسبات خود در نظر می‌گیرند.

این روش به صورت دیگری چنین محاسبه و تعریف می‌گردد: ما محیط اطراف خود را به ۳۶۰ درجه تقسیم کرده و این مقدار تقسیمات برابر با ۶۰۰۰ قسمت مساوی می‌گردند (البته همین طور که می‌دانیم در محاسبات ریاضی یک درجه برابر با ۶۰ دقیقه است) و هر زاویه برابر با ۱/۶۰۰۰ افق می‌شود و آن را یک شش‌هزارم و یا به صورت معمول یک هزارتایی می‌نامیم البته در محاسبات تعیین فاصله مقدار زاویه هزارتایی را باید تبدیل به سیستم متریک کرد.

(مقدار اندازه فاصله از نوک زاویه دید تا هدف یک‌هزارم میلیم است که در شکل زیر نشان داده شده است).



در روش محاسبه فاصله از طریق میلیم اگر هدفی در فاصله ۱۰۰ متری از نوک زاویه دید باشد در روش میلیم در سطح افق اندازه ۱۰ سانتی‌متر را دارد و به همین شکل برای فاصله‌های ۲۰۰ متر ۲۰ سانتی‌متر و ۳۰۰ متر ۳۰ سانتی‌متر و ۴۰۰ متر ۴۰ سانتی‌متر تا الی آخر که در فاصله ۱۰۰۰ متری یک متر را نشان می‌دهد.

اندازه‌گیری زاویه را می‌توان به روش‌های زیر محاسبه کرد: توسط زاویه‌یاب دایره‌ای مقدار اندازه زاویه را می‌توان اندازه گرفت (مشابه نقاله). با تارهای «رتیکول» دوربین دو چشمی مقدار اندازه زاویه را می‌توان اندازه گرفت.

توسط دوربین اسلحه مخصوص نیروهای تک‌تیرانداز و یا با قطب‌نما هم مقدار زاویه را می‌توان اندازه‌گیری کرد. اگر نیروی تک‌تیرانداز در مناطق ناهموار قصد اندازه‌گیری و تخمین مسافت را از نقاط مرتفع و بالا را به سمت پایین داشته باشد و زمینه پشت هدف هم تیره باشد مقدار اندازه گرفته شده مسافت اغلب بیش از مقدار واقعی آن می‌گردد.

در هنگام شب در مناطق جنگی با استفاده از دیدن و مشاهده نور و صدای شلیک گلوله توپ و مسلسل و اسلحه نیروهای متخاصم می‌توان فاصله را تا اهداف تعیین و تخمین زد.

مقدار اندازه سرعت صوت در هوای صاف و بدون گرد و غبار تقریباً ثابت است و سرعتی برابر با ۳۳۳ متر بر ثانیه را دارد و سرعت نور ۳۰۰,۰۰۰ متر بر ثانیه می‌باشد، بنابراین نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند برای تعیین مسافت از خاصیت نور و صدا استفاده کند. در هنگام شب وقتی نیروی تیرانداز جرقه و آتش ناشی از شلیک هرگونه جنگ‌افزار دشمن را مشاهده کند او باید شمردن ثانیه‌ها را شروع کند تا هنگامی که صدای شلیک گلوله از سلاح شلیک شده به گوش وی رسد. در این وقت شمارش اعداد را قطع کرده و عدد به دست آمده از شمارش ثانیه‌ها را در ۳۳۰ متر ضرب کرده و حاصل به دست آمده مقدار مسافت بر حسب متر تا هدف می‌باشد.

روش دیگری برای تعیین مقدار اندازه فاصله و مسافت از طریق نقشه می‌باشد نیروی تک‌تیرانداز با داشتن نقشه‌ای با هر مقیاس مختلف از مناطق جنگی می‌تواند به راحتی فاصله را به وسیله خط کش مدرج و فرمول ساده ریاضی مقیاس به دست آورد، مثلاً فاصله مابین دو جبهه خودی و متخاصم در روی نقشه ۱۰ سانتی‌متر (۱/۰ متر) می‌باشد و اگر مقیاس نقشه ۱/۲۰۰۰ باشد فاصله به دست آمده برابر می‌گردد:

$$۲۰۰۰ = ۱/۰ \times ۲۰۰۰۰ \text{ که حاصل برابر با } ۲۰۰۰ \text{ متر و یا دو کیلومتر می‌گردد.}$$

البته در آب هوای مختلف تعیین و به دست آوردن مقدار اندازه مسافت هم تغییر می‌کند، مثلاً زمانی که هوا در منطقه مورد نظر آفتابی و روشن است و خورشید از پشت سر نیروی تک‌تیرانداز تابش کند و منطقه طبیعت نبرد هم ناهموار باشد و اگر او بخواهد مقدار اندازه فاصله را از روی سطح پایین زمین نسبت به سطح بالاتری از زمین تعیین و محاسبه کند مقدار اندازه به دست آمده مسافت از مقدار واقعی‌اش کمتر می‌باشد.

هم اکنون در بعضی از ارتش‌های دنیا نیروهای تک‌تیرانداز از دستگاه‌های «رنج فایندر» که مسافت را با سیستم اندازه‌گیری لیزری تعیین می‌کند استفاده می‌کنند، این دستگاه‌ها یکسری دیگر از محاسبات مورد نیاز نیروی تک‌تیرانداز را در مناطق جنگ و نبرد را هم می‌توانند اندازه‌گیری کنند بعضی از دستگاه‌های «رنج فایندر» اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار نیروهای تک‌تیرانداز قرار می‌دهند با کمک این دستگاه‌ها نیروهای تک‌تیرانداز می‌توانند مقدار اندازه مسافت تا هدف، سرعت باد، جهت سرعت باد، سرعت حرکت نیروی پیاده و یا هرگونه هدفی از نیروهای متخاصم را در حال حرکت و جابه‌جائی محاسبه کنند، کار کردن با این دستگاه‌ها خیلی راحت است و خطایی نشانه‌رویی نیروی تک‌تیرانداز به سوی هدف را تا مقدار زیادی کاهش می‌دهند.

شرکت اسلحه‌سازی آمریکائی «Barrett» سامانه «BORS» را طراحی و تولید و روانه بازار کرده است که خیلی سیستم مناسبی برای استفاده در روی اسلحه نیروهای تک‌تیرانداز می‌باشد در این سیستم نرم‌افزاری نصب گردیده است که اطلاعاتی را در زمینه مربوط به فشار اتمسفر هوا، سمت، زاویه، درجه حرارت محیط و نوع گلوله محاسبه و در اختیار نیروهای تک‌تیرانداز قرار می‌دهد.

(تصویر زیر سیستم اندازه‌گیری «رنج فایندر» محصول کارخانه اسلحه‌سازی «بارت» آمریکا را نشان می‌دهد)



(در تصویر زیر سیستم رنج فایندر BORS را نشان می‌دهد که در روی اسلحه دوربرد «بارت» M99-1 کالیبر ۵۰ (۱۲/۷ میلی‌متری) مخصوص نیروهای تک‌تیرانداز ایالات متحده آمریکا نصب گردیده است)



برای تعیین فاصله تا هدف توسط نیروی تک‌تیرانداز نیاز به داشتن اندازه‌های قد و پهنای نیروی متخاصم هم می‌باشد که او باید از قبل این اندازه‌ها را محاسبه و تعیین کند و با در دست داشتن مقدار این اندازه‌ها می‌تواند فاصله تا هدف را از فرمول زیر به دست آورد:

$D = (V \times 1000) / \beta$ در اینجا D فاصله تا هدف و ۱۰۰۰ مقدار ثابت ریاضی و β مقدار اندازه زاویه‌ای است که هدف را پوشش می‌دهد و مقدار V اندازه یک‌هزارم در دوربین اپتیکی و یا دستگاه اندازه‌گیری زاویه است و با داشتن مقدار اندازه ارتفاع و پهنای هدف می‌توان داده‌ها را در فرمول بالا جایگذاری کرده و مقدار اندازه فاصله D تا هدف را به دست آورد.

برای تعیین اندازه فاصله تا هدف باید اندازه خطی افقی هدف (اندازه خط مستقیم) تا هدف، پهنای و ارتفاع قد نیروی متخاصم را دانسته و در محاسبات خود لحاظ کند. (در جدول صفحه بعد یکسری اندازه‌ها مشخص شده‌اند که نیروی تک‌تیرانداز می‌تواند برای تعیین محاسبه تا اهدافش از آنها استفاده کند.)

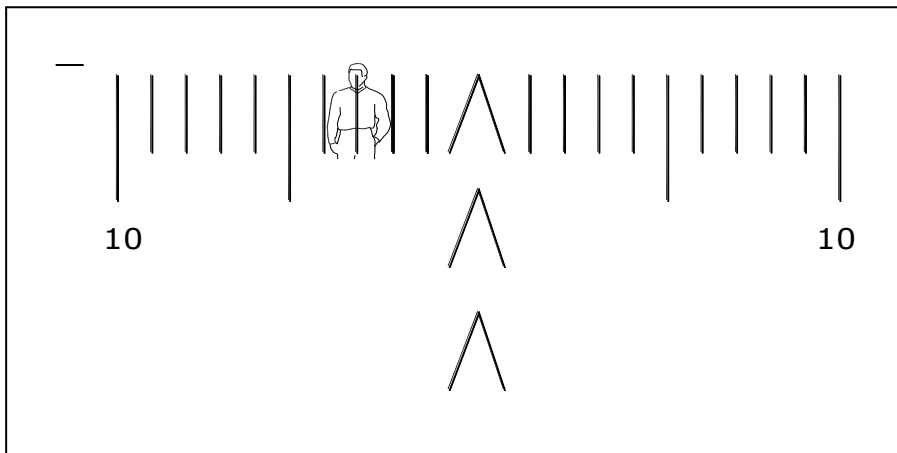
(در جدول زیر اندازه‌هایی را نشان داده که تک‌تیرانداز دانسته و در جدول محاسباتی خود لحاظ کنند)

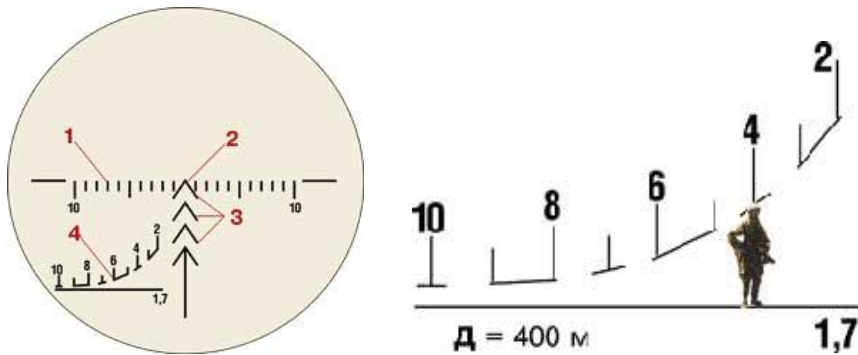
عرض (پهنا)، M	ارتفاع، M	تعیین اندازه‌های مورد نظر تک‌تیرانداز
۰/۵	۱/۷	نیروی پیاده با تمام قد
۰/۵	۱/۵	نیروی پیاده در حال پرش و دویدن
۰/۴	۱/۵	نیروی پیاده از بغل با تمام قد
-	۶/۰	تیر تلگراف چوبی
-	۸/۰	تیر تلگراف بتونی
-	۵/۰	ساختمان یک طبقه گنبدی یا شیروانی
-	۴/۰	ساختمان یک طبقه آجری با سقف تخت
۱۴-۱۵	۴/۰	واگن قطار باری
۲۰	۴/۰	واگن قطار مسافری
۵-۶	۲-۳	کامیون
۳/۸-۴/۵	۱/۵	خودروی سواری

سر انسان بدون کلاه آهنی	۰/۲۵	۰/۲
سر انسان با کلاه آهنی	۰/۳	۰/۳
آجر	ضخامت ۶-۷ سانتی‌متر	طول ۲۰ سانتی‌متر

به طور مثال لازم است که نیروهای تک‌تیرانداز فاصله خود را تا هدف مشخص کنند (اندازه سینه و یا قد نیروی متخاصم) در اینجا تک‌تیرانداز در داخل دوربین اسلحه‌اش (در اینجا دوربین PSO اسلحه S.V.D صفحه ۱۹۸ مد نظر است) اندازه قد و یا سینه هدف را در میان دو تا خط از درجه‌بندی سمت چپی دوربین باید ببیند (اگر اسلحه فاقد دوربین باشد آن وقت اندازه‌های قد و سینه نیروی متخاصم با ضخامت مگسک سیستم نشانه‌روی باید برابر باشند) اندازه بلندی قد و عرض سینه نیروی پیاده در جدول بالا برابر با ۰/۵ متر می‌باشد در تصویر پایین مقدار اندازه زاویه β (در دوربین اپتیکی PSO مخصوص اسلحه نیروهای تک‌انداز روسیه می‌باشد) برای هدف برابر با مقداری است که هدف خطوط و درجه‌های دوربین را پوشانده است که در تصویر زیر برابر با ۲ هزارم میلیم می‌شود که در نتیجه مقدار اندازه فاصله برابر $D = (۰/۵ * ۱۰۰۰) / ۲ = ۲۵۰$ می‌شود از محاسبه به دست آمده مشخص گردید که فاصله تیرانداز تا هدف برابر با ۲۵۰ متر می‌باشد، این روش تعیین مسافت در صحنه‌های جنگ و نبرد عملی است و جواب داده است.

(در تصویر زیر هر خط درجه یک هزار میلیم را پوشش می‌دهد دو خط درجه دو هزار میلیم، هدف دو خط را پوشش داده است)





(در تصاویر بالا سمت چپ شبکه خطوط داخل دوربین روسی PSO را نشان می‌دهد و در تصویر سمت راست اندازه‌گیری فاصله با دوربین PSO را نشان می‌دهد که در اینجا هدف در روی درجه ۴ می‌باشد پس فاصله برابر با ۴۰۰ متر می‌باشد.)

تصاویر بالا (سمت چپ): ۱. درجه‌بندی تنظیم برای شلیک به هدف در حال حرکت ۲. درجه‌بندی اصلی (به شکل عدد هشت) برای شلیک به اهدافی تا مسافت ۱۰۰۰ متر ۳. درجه‌بندی کمکی (به شکل عدد هشت) برای شلیک به اهداف تا مسافت ۱۱۰۰ و ۱۲۰۰ و ۱۳۰۰ متر ۴. درجه‌بندی برای تعیین مسافت تا هدف تا فاصله ۱۰۰۰ متر مثل تصویر سمت راست است، در تصویر سمت راست تعیین مسافت توسط سیستم اپتیکی دوربین صورت می‌گیرد بدین ترتیب اگر ارتفاع متوسط قد انسان ۱/۷۰ متر باشد و در زیر یکی از خطوط عمودی واقع در روی خطچین کمان شکل دوربین قرار گیرد با توجه به عدد نوشته شده در کنار خط عمود می‌توان فاصله را تا هدف تعیین کرد، اعداد نوشته در کنار خطوط عمودی نمایان گر فاصله تا هدف می‌باشند و این اعداد از ۱۰،۴،۲ می‌باشند که نشانگر فواصل ۲۰۰، ۴۰۰، ۶۰۰، ۸۰۰ و ۱۰۰۰ متر فاصله می‌باشند.

البته نباید فراموش کرد ابعاد و اندازه قد و عرض سینه نیروهای پیاده با یکدیگر متفاوت می‌باشند و با توجه به پوشش تن نیروهای پیاده تک‌تیراندازان حرفه‌ای همیشه در زمان‌های متفاوت سال اندازه‌گیری‌ها قد و عرض سینه نیروهای پیاده دشمن را انجام می‌دهند البته لازم است که تک‌تیرانداز اندازه هیکل و قد نیروهای پیاده و همچنین خط‌های صاف وسایل نقلیه و ادوات نظامی متخاصم را بداند و در صورت ممکن آنها را اندازه بگیرد که در مواقع لازم نیروی تک‌تیرانداز باید بتواند با داشتن این ابعاد و اندازه‌ها فاصله خودش را تا اهداف مورد نظرش

مشخص کند البته نیروهای تک‌تیرانداز حرفه‌ای با تمرینات زیاد فاصله را از طریق حس بینائی و نگاه کردن به اهداف تعیین می‌کنند و این تمرینات را می‌توان در همه جا و همه مناطق انجام داد برای این منظور تک‌تیرانداز به اهداف در حال حرکت نگاه می‌کند هرچه قدر هدف دور گردد تصویرش کوچک‌تر می‌شود و هرچقدر نزدیک‌تر گردد تصویر او بزرگ‌تر می‌شود در پایین نشان داده شده است که چگونه تک‌تیرانداز می‌تواند با کمک چشم و دیدن هدف فاصله را تا هدف اندازه بگیرد:

- در فاصله ۱۰۰۰-۹۰۰ متری فرم بدن انسان و سر وی به صورت یک تیکه می‌باشد و سیاهی پنجره ساختمان‌ها و تیرهای برق بزرگ دیده می‌شوند.
- در فاصله ۸۰۰-۷۰۰ متری فرم بدن انسان و حرکت پاها و سر آنان و دودکش منازل دیده می‌شوند.
- در فاصله ۶۰۰-۵۰۰ متری فرم بدن انسان حرکت پاها و دستان و شاخه‌های درختان به صورت خیلی واضحی دیده می‌شوند.
- در فاصله ۴۰۰ متری کلاه سر و لباس و کفش نوع اسلحه (سبک و سنگین) نیروی پیاده و پروفیل دور پنجره منازل و نوع درختان را می‌توان مشاهده و تشخیص داد.
- در فاصله ۳۰۰ متری می‌توان صورت و رنگ نوع لباس نیروی پیاده و اجزاء کوچک منازل مسکونی را مشاهده و تشخیص داد.
- در فاصله ۲۰۰ متری می‌توان مشخصات لباس و کمربند نیروی پیاده و برگ درختان را مشاهده کرد.
- در فاصله ۱۰۰ متری می‌توان مشخصات صورت نیروهای پیاده مانند بینی دهان و چشمان و فرم برگ درختان را مشاهده کرد البته همین طور که در صفحات قبلی کتاب هم ذکر شده است هم اکنون در تمام ارتش‌های دنیا از دستگاه‌های اندازه‌گیری فاصله‌یاب که توسط لیزر کار می‌کنند استفاده می‌گردد ولی بازهم استفاده از روش محاسبه مسافت برای نیروهای تک‌تیرانداز و نظامی از ضروریات می‌باشد در خصوص روش محاسبه مسافت توسط فرمول بالا همه نیروهای نظامی آموزش دیده این روش را می‌دانند و در صورت لزوم از آن استفاده می‌کنند؛ بنابراین همیشه در مناطق جنگی نیروهای رقیب سعی می‌کنند که یکدیگر را در تعیین اندازه دقیق فواصل فریب داده و به

گمراهی بکشانند در نبردهای گذشته دیده شده است که نیروهای متخاصم برای فریب دادن نیروهای رقیبشان در هنگام شب به صورت مخفی ارتفاع تیر تلگراف را به اندازه نیم متر افزایش داده‌اند که در هنگام روز اگر نیروی رقیب بخواهد از روی اندازه ارتفاع تیر تلگراف مسافت را تعیین کند اندازه‌گیری وی اشتباه شود و برای نیم متر افزایش تیر تلگراف خطا به وجود آمده اندازه‌گیری فاصله چیزی نزدیک به ۵۰ تا ۷۰ متر می‌گردد.

(تصویر زیر دو نفر از نیروهای تک‌تیرانداز ارتش روسیه را با اسلحه S.V.D و لباس استتار نشان می‌دهد)



روش‌های تعقیب و شناسایی تک‌تیرانداز متخاصم

جون ارلی هم اکنون (۱۹۷۹ میلادی) خبرنگار مجله "SOLDIER OF FORTUNE" (سرباز جویای نام و ثروت) است او به مدت ۱۲ سال در ارتش امریکا خدمت کرده است او در این مدت زمان خدمتش ۴/۵ سال هم به عنوان افسر گروه پنجم از هنگ دهم کماندوهای ویژه نیروی دریایی امریکا بوده است که در جنگ‌های داخلی ویتنام با نیروهای ویتنام شمال (ویتکنگها) می‌جنگیده است و به مدت سه سال هم در ارتش کشور «رودزیا» مشغول به خدمت بوده است.

او مقاله‌ای در مجله "SOLDIER OF FORTUNE" (سرباز جویای نام و ثروت) در سال ۱۹۷۹ میلادی در خصوص یکی از عملیات جنگیش مقاله در مورد تعقیب و شناسایی نیروهای متخاصم نوشته است که خلاصه از آن را ذکر می‌کنم. او در مقاله خود چنین می‌نویسد که در حین تعقیب و جستجوی محل تقریبی نیروهای متخاصم بودیم در هوای گرم میدان‌های جنگ و نبرد عرق تن چشم‌های نیروها را که پر از گرد خاک میدان جنگ شده است را می‌سوزاند آدرنالین در تمام بدن آنان مثل شوک الکتریسیته می‌تپد (ضربه می‌زند) و شما در این وضعیت دنبال نیروهای تک‌تیرانداز پنهان شده‌ای متخاصم می‌گردید. شما می‌دانید آنها اینجا هستند تمام جان و روان شما آنها را احساس می‌کند که آنها در همین اطراف‌اند و شما را می‌بینند و منتظر فرصت و از بین بردن شما و هم‌زمان‌تان هستند آنها همین جا هستند در همین اطراف، گروه و افراد شما در تله آنها گرفتار شده است نیروهای تک‌تیرانداز دشمن شما را به کمین انداخته‌اند و البته شما این‌جور فکر و تصور می‌کنید. اگر نیروهای شما آموزش دیده و زنده باشند تلفات شما کم و یا اصلاً تلفاتی نخواهید داشت و شما تشنه و منتظر از بین بردن نیروهای متخاصمی که در کمین شما نشسته‌اند هستید و مشکل در اینجا است که شما به چه شکلی آنها را پیدا کرده و از بین ببرید.

در زمان حال نیروهای پیاده (سرباز) ابزار تولیدی و تکنولوژی نیروهای زنده و کارکشته ناتو می‌باشند و مثل بازجوهای دادگاه‌ها تجربه اندکی در پیدا کردن نیروهای متخاصم دارند آنها اغلب یک سرباز معمولی هستند که جذب ارتش گردیده‌اند و فرماندهان نظامی برای حل مسئله‌ای پیچیده در موقعیت و محلی ناآشنا و شرایط سخت و محیط‌های خطرناک و جنگی از آنها بهره می‌برند، برای حل این سری مسائل و مشکلات ممکن است شما برگردید به چند ماه عقب‌تر از زمانی که شما این عملیات را شروع کرده‌اید در صورتی که می‌خواهید موفقیتی در مناطق جنگی به همراه داشته باشید و تلفاتی به شما و نیروهای شما وارد نگردد اولین قدم

آشنایی از محل و منطقه عملیات می‌باشد شما نمی‌توانید عملیات موفقیت‌آمیزی داشته باشید در صورتی که کمترین اطلاعاتی از محل نبرد نداشته باشید و از افراد محلی هم در میان نیروهای شما نباشند بنابراین قبل از اینکه در منطقه جنگی عملیات شما شروع شود چندین روز از وقت خود و نیروهایتان صرف آشنایی محل نبرد می‌شود تا شناخت بهتری به شرایط محلی منطقه عملیات داشته باشید. در این مدت زمان کم حتماً باید نقشه عکس‌های هوایی و موقعیت محل عملیات و مسیرهای رفت و آمد نیروهای متخاصم را مطالعه کنید. ملاقات‌های شما در منطقه با مردم محلی کمک شایانی به شما می‌شود از دهقانان و چوپانان محلی می‌توانید اطلاعات ذی‌قیمتی در مورد محل و شرایط منطقه و اطلاعاتی هم از نیروهای متخاصم به دست آورید، در زمان جمع‌آوری اطلاعات از منطقه می‌توانید تمرین‌های فیزیکی و نظامی لازم را با نیروهای پیاده خودی انجام داده و موضع‌های احتمالی مخفی کمین دشمن و مناطقی که امکان کمین زدن در آنها وجود دارد را در نظر گرفته و لباس استتار مناسب نسبت به طبیعت منطقه نبرد را مهیا کرد و کنترل مهمات و وسایل نیروها را انجام داد و سعی شود که وسایل مورد نیاز را تهیه کرده و اقلام غیرضروری را حذف نموده و کنترل کامل نیروها را از نظر روحی و نظامی و فیزیکی را از نظر نباید به دور داشت، مواد غذائی زاپاس، آب و مهمات را فراموش نکنید و سعی گردد نیروهای شما بار کمتری را با خود به همراه حمل کنند.

بعضی اوقات نیروهای زبده تعقیب کننده خودی هم‌رنگ و هم‌فرم با نیروهای متخاصم لباس می‌پوشند و از اسلحه‌های غنیمتی آنها استفاده می‌کنند. این حيله در زمانی مفید واقع می‌گردد که شما در تعقیب نیروهای متخاصم در مناطق و سرزمین‌های آنها هستید در حین تعقیب نیروهای دشمن باید حواستان خیلی متمرکز باشد و مواظب حرکات خود و نیروهایتان باشید. اگر نیروهای خودی برای فریب دادن دشمن لباس آنان را به تن کرده‌اند سعی کنید که توسط نیروهای شما به اشتباه شناسایی و مورد اصابت گلوله قرار نگیرند. بنابراین باید همه‌ی جوانب کار را سنجیده و ضمناً سعی شود هرچه بیشتر شناخت لازم در مورد مردم منطقه عملیات داشته باشید، به طور مثال که آنها چه چیزهای را مصرف می‌کنند فرهنگ آنان آداب و سنن آنها را بدانید، در صحنه نبرد اغلب رد پای آنان را گم می‌کنید و نباید عصبی شوید هیچکس مادرزاد «بوشمن» (قبیله آفریقائی که در رد زدن و پیدا کردن شکار تجربه زیادی دارند) به دنیا نیامده است با حوصله و دقت حواس خود را متمرکز پیدا کردن رد آنان کنید. مثلاً پژمردگی و یا خم شدن گیاهان و یا سر خم شده علف‌ها در یک جهت به معنی نشان دادن جهت حرکت نیروی

متخاصم است. اگر نیروی متخاصم بعد از طلوع خورشید حرکت کرده باشد در مسیر حرکت آنان شب‌نم در روی برگ‌های درختان و علف‌ها کمتر دیده می‌شود و علف‌ها حالت کمرنگ‌تری را بر اثر عبور و رد پای نیروهای پیاده پیدا می‌کنند که این می‌تواند نشانی از اثر حرکت و جابه‌جائی دشمن باشد دنبال تخریب تور و شبکه عنکبوت‌ها باشید وقتی که نیروهای شما تحت تعقیب و شناسایی نیروهای متخاصم‌اند و از مناطقی عبور می‌کنند سعی شود که هر چند لحظه سر خود را بالا گرفته و تا فاصله ۱۵ تا ۲۰ متری اطراف خود را زیر نظر بگیرند. این دید زدن‌ها باعث می‌شود که رد پا و مسیر حرکت خود را بهتر ببینند و کنترل محل و منطقه تحت نفوذ خود را در دست داشته باشند تا به کمین نیروهای متخاصم گرفتار نشوند چون آنها حتماً شما را زیر نظر دارند. سعی شود با حوصله و با تحمل مواظب حرکات و رفتار خود باشید، نیروی تک‌تیرانداز شکارچی است و شکار نباید شکارچی خود را ببیند و اگر نه شکار رم کرده و به تور شکارچی نمی‌افتد.

(تصویر پایین تک‌تیرانداز ارتش روسیه را نشان می‌دهد که موضع کمینش در میان شاخ و برگ درختان می‌باشد)



مروری بر جنگ تک‌تیراندازان در شمال قفقاز

در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۴ میلادی بین نیروهای فدرال روسیه و جدائی‌طلبان چچن جنگ سختی در گرفت. در این جنگ نیروهای تک‌تیرانداز در هر دو سوی جبهه جنگ با استفاده از تاکتیک‌های جنگی خود ضربه‌های سخت و مهلکی به نیروهای یکدیگر وارد کردند و تلفات نیروهای دو طرف در این جنگ بسیار زیاد بود.

در این درگیری‌ها و جنگ‌های صورت گرفته در شمال قفقاز (در منطقه قفقاز جنگ داخلی چچن به جمهوری داغستان و جمهوری‌های دیگر هم کشیده شده بود بنابراین در بعضی نوشته‌ها به جنگ‌های شمال قفقاز اشاره گردیده است) استفاده از گروه‌های تک‌تیرانداز از هر دو طرف درگیر در جنگ به قدری گسترده بود که این زد و خوردها و جنگ و نبردها صورت گرفته را به جنگ نیروهای تک‌تیرانداز هم معروف گردیده است.

در اوایل شروع جنگ نیروهای تک‌تیرانداز چچنی نیروهای بی‌تجربه ارتش پیاده روسیه را با شلیک گلوله‌های مرگبار خود از پای در می‌آوردند. در اوایل درگیری‌ها در جمهوری چچن بیشترین تلفات نیروهای ارتش روسیه توسط نشانه‌گیری و اصابت گلوله نیروهای تک‌تیرانداز جدائی‌طلب چچنی صورت گرفته بود. آمارهای به دست آمده نشان می‌دهد که ۲۶٪ درصد از نیروهای تلف شده و زخمی ارتش فدرال روسیه ناشی از شلیک و اصابت گلوله‌های اسلحه نیروهای تک‌تیرانداز بوده است.

به گزارش بعضی از شاهدان عینی در جنگ‌های صورت گرفته در محدوده شهر «گروزنی» مرکز چچن نیروهای تک‌تیرانداز چچنی تقریباً تمامی افسران سپاه هشتم ارتش روسیه را از بین برده بودند، به طور مثال در هنگ ۸۱ موتوریزه سپاه هشتم کشور روسیه که مقرش واقع در محدوده شهر گروزنی بود در ژانویه ۱۹۹۵ میلادی از کل افراد کادر و رده‌های مختلف این هنگ فقط ده سرباز و یک افسر سالم باقی مانده بودند.

نیروهای چچنی برای جلوگیری از تسخیر شهر گروزنی توسط ارتش روسیه از قبل خود را آماده کرده بودند. آنها موقعیت‌ها و موضع‌های مخفی کمین را برای حمله به نیروهای ارتش روسیه در نظر گرفته بودند، آنها از خیلی قبل مناطق و قسمت‌های از شهر را برای ارتباط و حمله‌های تاکتیکی خود آماده کرده بودند تا با شروع جنگ بتوانند در وقت لازم و اسلحه و مهمات کافی را در اختیار نیروهای «جوهر دودایف» (اولین رئیس‌جمهور چچن بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که خود او یکی از افسران ارتش سرخ سابق بود) قرار بگذارند.



(تصویر بالا نیروهای تک‌تیرانداز ارتش روسیه را با اسلحه‌های تک‌تیرانداز «S.V.D» در کوه‌های قفقاز نشان می‌دهد.)

در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۴ میلادی در هنگام عقب‌نشینی نیروهای ارتش فدرال روسیه از شهر گروزنی تعداد ۵۳۳ قبضه اسلحه تک‌تیرانداز «اس و دی S.V.D» و مقدار قابل توجه سلاح‌های دیگر با مهمات مربوطه‌شان به دست نیروهای جدائی‌طلب چچنی افتاده بود.

نیروهای تک‌تیرانداز چچنی تعلیمات لازم را دیده بودند. آنها از نیروهای تک‌تیرانداز جوان زن در میان صفوف خود استفاده شایانی کردند و در زد و خوردها و درگیری‌ها مقابل نیروهای فدرال روسیه خیلی حساب شده کار می‌کردند. آنها آشنایی کاملی به منطقه درگیری و نبرد داشتند و از کمک مردم محلی بی‌دریغ نمی‌ماندند و در جنگ با نیروهای فدرال ارتش روسیه خیلی خشن و حرفه‌ای و با کیفیت برخورد کرده و می‌جنگیدند.

جنگ تک‌تیراندازان در شهر گروزنی مرکز جمهور چچن: نیروهای پیاده سپاه هشتم ارتش روسیه که درگیر جنگ در محدوده شهر گروزنی مرکز چچن بودند به هیچ وجه آمادگی درگیری و جنگ با نیروهای تک‌تیرانداز زبده و حرفه‌ای چچنی در مناطق شهری را نداشتند.

یکی از نمونه اتفاق‌های که در زد و خوردهای شهر گروزنی به وجود آمد بدین شرح است: سرهنگی از سپاه هشتم ارتش فدرال روسیه که فرماندهی یکی از هنگ‌های موجود در منطقه را به دست داشت یک گروهان موتورسوار از این هنگ را برای از بین بردن و دستگیری گروه کوچکی از تک‌تیراندازان محلی به داخل شهر گروزنی فرستاده بود گروه تک‌تیرانداز چچنی در

هر لحظه در خرابه‌های ساختمان‌های شهری پدیدار و از آنجا به سوی نیروهای روسی شلیک‌های مؤثر انجام می‌دادند و پس از شلیک‌های مؤثر و کارآمد سریعاً محل و مکان خود را تغییر می‌دادند، یک گروهان موتوریزه که برای دستگیری گروه تک‌تیرانداز زبده و ماهر چچنی به مأموریت رفته بود تجربه نیروهای روسی جنگ جهانی دوم را که در مقابل نیروهای آلمانی از خود نشان می‌دادند نداشتند آنها با دادن تلفات زیاد و کشته و مجروح شدن افرادشان به مقر خود باز گشتند.

گروه‌های تک‌تیرانداز چچنی به تعداد زیادی قبضه اسلحه از نمونه‌های مانند «اس و دی» روسی و همچنین اسلحه‌های کلاشنیکف را مجهز به دوربین‌های اپتیکی کرده بودند و حتی از تفنگ‌های ورزشی هم بر علیه نیروهای ارتش روسیه استفاده می‌کردند. جنگ‌های شمال قفقاز خاصیتی از جنگ‌های پارتیزانی و چریکی شهری را با نیروهای دولتی داشتند. در این جنگ‌ها به صورت وسیعی از گروه‌های مرکب از تک‌تیراندازان و یک تا دو نفر مسلسلچی و آرپی‌جی زن برای تخریب نیروهای موتوریزه و وسایل حمل و نقل نیروهای فدرال می‌پرداختند و برای نیروهای ارتشی در درسر و مشکل در کار و عملیات ارتش روسیه به وجود می‌آوردند. بعضی اوقات این گروه‌ها متشکل از ۹ تا ۱۰ نفر نیرو بودند که مجهز به مسلسل‌های سبک کلاشنیکف و یک نفر هم مجهز به اسلحه آرپی‌جی و یک یا دو نفر هم نیروی تک‌تیرانداز حرفه‌ای که مجهز به اسلحه‌های اس و دی بودند به نیروهای ارتش فدرال روسیه حمله و ضربه‌های کاری وارد می‌کردند و بیشتر عملیات آنها به نیروهای ارتش روسیه، حمله به پست‌های نگهبانی و بازرسی، حمله و هجوم نابهنگام به نیروهای ارتشی، مخفی شدن و تشکیل موضع‌های کمین در مسیر و راه نیروهای ارتشی و به تله انداختن نیروهای ارتش، انجام عملیات تروریستی و شلیک زدن و به اسارت در آوردن نیروهای ارتشی را انجام می‌دادند و آنان اغلب اوقات با استفاده از تاریکی شب به پایگاه‌های ارتش روسیه شلیک می‌زدند و در مدت بسیار کوتاهی پس از وارد کردن تلفات به نیروهای ارتش روسیه از محل مزبور متواری می‌گردیدند.

(تصویرهای زیر اسلحه تک‌تیرانداز «اس و د S.V.D» ۷/۶۲ میلی‌متری ساخت روسیه را نشان می‌دهد که در جنگ چین بیشترین تلفات را با این سلاح نیروهای فدرال روسیه و جدائی‌طلبان چین به همدیگر وارد کردند)



نیروهای جدائی‌طلب چینی کمین‌های خود را اغلب در جاده‌ها و یا در محل‌های احتمالی رفت و آمد نیروهای ارتش روسیه انجام می‌دادند تا تلفات بیشتری به نیروهای ارتش فدرال روسیه وارد کنند و مقدار بیشتری غنائم، اسلحه، مهمات و همچنین نفراتی از نیروهای ارتش روسیه را به اسارت گرفته و سپس در معاملات خود از آنها استفاده کنند، نیروهای تک‌تیرانداز جدائی‌طلب چینی در شمال قفقاز اغلب با گروه‌های از جنگجویان مسلح به سلاح‌ها و مسلسل‌های سبک که آتش زیاد و گسترده‌ای بر پا کرده و به نیروهای ارتشی حمله می‌کردند و با از بین بردن نیروهای پیاده و افسران کادر و نیروهای مخابراتی ارتش از منطقه عملیات گریخته و دور می‌شدند.

بعضی اوقات نیروهای تک‌تیرانداز چینی ساختمان بلند مرتبه‌ای را انتخاب می‌کردند و در طبقات میانی ساختمان و در عمق اتاق‌ها دور از روزنه‌ها و پنجره‌ها موضع مخفی کمین گرفته و مسلسلچی همراه وی در طبقه اول و در طبقه بالای سر مسلسلچی یک نفر دیگر از نیروهای آنان با سلاح نارنجک‌انداز که اغلب از سلاح آرپی‌جی استفاده می‌کردند قرار می‌گرفت و با چنین آرایشی نیروهای آنان بر سر راه نیروهای ارتش فدرال روسیه کمین زده و به آنان تلفات وارد می‌کردند گاهی اوقات آنان در میان خرابه‌های ساختمان‌ها و دیوارهای فرو ریخته به کمین می‌نشستند و از آنجا هدف‌های خود را انتخاب و با نشانه‌روی دقیق شلیک هدفمند خود را انجام می‌دادند، در بین نیروهای جدائی‌طلب چینی روش دیگری بود که اغلب آنان از این روش در درگیری‌ها و یا در کمین‌های مخفی خود بر سر راه نیروهای دولتی استفاده می‌کردند. این روش بدین شرح بود که همین که نیرو و یا نیروهای تک‌تیرانداز چینی گروهی از نیروهای فدرال را

در کمین خود گرفتار می‌کردند به یک نفر از این نیروهای روس البته به قسمت پایین تنه او شلیک کرده و وی را زخمی می‌کردند و همین که دوستان و هم‌قطاران وی برای کمک به سوی او می‌شتافتند یکی یکی آنها را با شلیک گلوله به هلاکت می‌رساندند و در آخر نفر زخمی شده را با یک تیر خلاص به هلاکت می‌رساندند. (در جنگ‌های ویتنام نیروهای ویتکنگ هم از این روش بر علیه نیروهای آمریکایی استفاده زیادی می‌کردند.) در جنگ‌های قفقاز خیلی اوقات تک‌تیراندازان به صورت تکی هم عملیات از بین بردن نیروها ارتش فدرال روسیه را انجام می‌دادند اغلب این نیروهای تک‌تیرانداز حرفه‌ای زودتر و قبل از حرکت و جابه‌جائی نیروهای ارتش فدرال موضع مخفی خود را دور از دید آنان در فاصله مناسب در پشت‌بام منازل و در ساختمان‌های مخروبه تعیین کرده و در آنجا به کمین می‌نشستند و در مدت زمان کوتاهی به سوی چندین هدف مورد نظر نشانه‌رووی و شلیک مؤثر خود را انجام می‌دادند و به سرعت باد و برق از موضع مخفی کمین خود متواری می‌شدند این نیروهای تک‌تیرانداز همچنین در مکان‌های مشخصی برای خود مهمات و مواد غذائی پنهان و ذخیره می‌کردند تا در زمان‌های مناسب بتوانند از آنها استفاده کنند.

اگر بخواهیم علت موفقیت پیشرفت نیروهای جدائی‌طلب چچنی را در اوایل جنگ و نبردها و زد و خوردهای شمال قفقاز را در نظر بگیریم یکی از این علت‌ها آشنایی به منطقه جنگ و نبرد و تجربه‌های نظامی کافی آنان بود در میان این نیروهای جدائی‌طلب کسانی بودند که در جنگ‌های داخلی افغانستان در زمان اتحاد جماهیر شوروی شرکت داشتند و کوله باری از تجارب جنگی را با خود به قفقاز آورده بودند که بر علیه نیروهای فدرال استفاده می‌کردند و در اواخر جنگ آنان همچنین مجهز به سلاح‌های تک‌تیرانداز شده بودند به خصوص اسلحه‌های تک‌تیرانداز روسی کالیبر بزرگ ۱۲/۷ میلی‌متری «او اس-۹۶» با برد بیش از ۲۵۰۰ متر و همچنین اسلحه‌های بدون صدا (مجهز به صدا خفه کن) «وی اس اس» و «وی اس کی-۹۴» و «اس وی دی» بودند.



(تصویر بالا تک‌تیراندازان ارتش روسیه را که در ساختمان مخروبه شهر گروزنی سنگر گرفته‌اند را نشان می‌دهد.)

فرماندهی نیروهای سپاه هشتم ارتش روسیه در شمال قفقاز را ژنرال با تجربه و زبده روس «ژنرال لف یاکولویچ روخلین» در دست داشت که مقر وی در یکی از پایگاهی سپاه هشتم روسیه به نام ولگاگراد قرار داشت فرمانده سپاه هشتم «ژنرال روخلین» که تجربه جنگ‌های داخلی افغانستان را به همراه داشت فرمانده بسیاری زبده و ماهر بود و او فرماندهی عملیات‌های موفقیت‌آمیز زیاد جنگی را در شمال قفقاز بر عهده داشت.

(تصویرهای زیر متعلق به ژنرال روخلین با مدال‌های فراوان و لباس نظامی را در روسیه و افغانستان نشان می‌دهد)



(ژنرال لف یاکولویچ روخلین یکی از فرماندهان باتجربه ارتش فدرال روسیه بود که سابق درخشانی در جنگ‌های افغانستان و در جنگ‌های جمهوری‌های شمال قفقاز در پرونده نظامی خود داشت او در سال ۱۹۹۸ میلادی در سن ۵۱ سالگی به طرز مشکوکی در خانه بیلاقیش در اطراف شهر مسکو به دست همسرش و با تپانچه شخصی وی مدل ماکاروف در حال خواب به قتل رسید).

با توجه به مشکلات و درگیری‌های نیروهای ارتش روسیه با تک‌تیراندازان جدائی طلب چینی ژنرال روخلین درخواستی را برای ستاد فرماندهی ارتش روسیه جهت فرستادن گروهی از نیروهای ویژه تک‌تیرانداز زبده روسی را به منطقه درگیری انجام داد و پس از مدتی یک هنگ از نیروهای تک‌تیرانداز یگان‌های ویژه ارتش فدرال روسیه به پایگاه مقرر فرماندهی هشتم ارتش آمدند پس از مدتی چندین گروه از این نیروهای تک‌تیرانداز آموزش دیده شروع به انجام عملیات و شکار نیروهای تک‌تیرانداز متخاصم در منطقه چچن پرداختند و با ترورهای خود تلفات زیادی به آنها وارد کردند و شاهد و مدعی این موضوع کاهش شدید زخمی‌های و مجروحان نیروهای ارتش روسیه ناشی از اصابت گلوله نیروهای تک‌تیرانداز در منطقه جنگی چچن بود.

آمار اعلام شده توسط وزارت دفاع روسیه مدعی این بود که تعداد مجروحین و زخمی‌های نیروهای ارتش فدرال به مقدار قابل ملاحظه‌ای تقریباً ۲۰۰ درصدی کاهش پیدا کرده بود.

به گزارش سخنگوی نیروهای ارتش روسیه در عملیاتی نظامی که توسط نیروهای ارتش روسیه با جدائی طلبان چینی در نزدیکی منطقه «باموت» در جمهوری چچن که همراه با موفقیت بود صورت گرفت بدین شرح بود که در حین این عملیات تک‌تیراندازان ارتش روسیه ۴۴ نفر از جنگ جویان چینی را از بین بردند که در میان این نیروها ۱۶ نفرشان از فرماندهان رده پایین و سه نفر از فرماندهان رتبه بالا و ۱۲ نفر هم از نیروهای پیاده در میان آنها بودند و هم چنین در میان کشته شدگان ۷ نفر هم از نیروهای خارجی وهابی مربوط به گروه القاعده وجود داشت (به گزارش نیروهای ارتش روسیه در جنگ‌های شمال قفقاز نیروهای خارجی که به القاعده وابسته بودند متشکل از افرادی از کشورهای عربی به خصوص عربستان سعودی و شمال آفریقا در بین آنها دیده و یا کشته شده بودند) با توجه به تلفات زیاد نیروهای ارتش فدرال روسیه در ماه‌های اول جنگ و نتیجه‌گیری از این تلفات انسانی در میان نیروهای ارتشی نشان می‌داد که نیروهای پیاده با تاکتیک‌های نظامی جنگ شهری آشنا نبوده‌اند و لازم است که این نیروهای

نظامی از اول آموزش‌ها مورد نظر را ببینند و نبودند این تجارب به قیمت ریختن خون تعداد زیادی از نیروهای ارتش فدرال روسیه سرانجامید که لازم بود قبل از شروع جنگ آموزش‌های مخصوص جنگ تک‌تیراندازان را در شهرها ببینند.

مرکز تعلیم و تربیت نیروهای تک‌تیرانداز روسیه آموزشگاهی بود که در منطقه «سولنیچه گرسک» در کشور روسیه واقع گردیده بود (در بین نیروهای ارتش روسیه به اسم «K-43» معروف است. نام آموزشگاه بر گرفته از شماره نامه‌ای می‌باشد که با آن نامه دستور ساخت این مرکز را تأسیس نمودند) این مرکز جدید آموزش و تعلیم نیروهای کادر تک‌تیرانداز روسیه را در سپتامبر سال ۱۹۹۹ میلادی به دستور فرماندهی ستاد نیروهای مسلح روسیه شروع کردند. (البته مدارس تیراندازی دیگری در مناطق مختلف روسیه وجود داشت که از قبل آموزش نیروهای تک‌تیرانداز ارتش روسیه را بر عهده داشتند. ولی آموزشگاه کا-۴۳ به خاطر اساتید زبده و آموزش‌های خاص خود در میان تمامی آموزشگاه‌های تک‌تیراندازی روسی از معروفیت خاصی نسبت به بقیه آموزشگاه‌ها برخوردار بود.)

برای آموزش نیروهای ارتش روسیه از تمام یگان‌های ارتش افسرانی زبده و با تجربه‌ای برای این منظور به آن مرکز جهت آموزش و تربیت نیروهای تک‌تیرانداز ارتش روسیه اعزام گردیدند. این افسران قبل از آموزش دادن نیروهای تک‌تیرانداز واقع در آموزشگاه مذکور یک دوره شش ماهه آموزش‌های مخصوص آموزش دادن نیروهای تک‌تیرانداز را در این همین مرکز دیده بودند. وظایف اصلی در مرکز آموزش کا-۴۳ تربیت و تعلیم نیروهای تک‌تیرانداز زبده برای یگان‌های ارتش فدرال در سراسر کشور روسیه می‌باشد در این مکان برنامه آموزشی تاکتیکی فشرده و سختی را برای نیروهای تک‌تیرانداز که به صورت انفرادی و یا به صورت گروهی آموزش می‌بینند را برگزار می‌کنند.

نیروهای پیاده ارتشی جهت آموزش تک‌تیراندازی در این آموزشگاه پس از انتخاب اولیه این نیروها گزینش‌های سختی هم از طریق آموزگاران و مدیران این مدرسه در مورد این نیروها صورت می‌گیرد.

پس از پایان دوره آموزشی این نیروها در آموزشگاه کا-۴۳ برای کسب تجربه عملی بیشتر آنها را به جمهوری چین و شمال قفقاز می‌فرستادند. (این مقاله در یکی از نشریه‌های نظامی روسی چاپ شده بود که هنوز درگیری‌ها به صورت گسترده‌ای در جمهوری چین ادامه داشته است.)

در ماه‌های بهار و تابستان سال ۲۰۰۰ میلادی تک‌تیراندازان ارتش روسیه که اکثراً از میان نیروهای تک‌تیرانداز آموزش و دوره دیده در آموزشگاه کا-۴۳ بودند در حین هجوم به شهر گروزنی به غیر از بین بردن هدف‌های و نیروهای پیاده مهم جدائی‌طلبان ۲۸ نفر هم از نیروهای تک‌تیرانداز چچنی را هم از بین بردند که باعث ضربه زدن کاری به نیروهای جدائی‌طلب گردید و ضمناً باعث جلوگیری از تلفات بیشتری نیروهای ارتش روسیه سرانجامید که اغلب توسط تک‌تیراندازان چچنی از بین می‌رفتند.

در حال حاضر در آموزشگاه کا-۴۳ برنامه درسی مناسبی برای آموزش نیروهای تک‌تیرانداز و هم چنین تحقیقات زیادی برای بالا بردن دقت در نشانه‌روی و تیراندازی و شلیک به اهداف و حل و تشریح مشکلات آموزشی نیروهای تک‌تیرانداز به صورت نوین و بروز شده‌ای توسط اساتید خبره در این آموزشگاه صورت می‌گیرد.

در آموزشگاه کا-۴۳ به غیر از آموزش افراد، آموزش اساتید تک‌تیراندازی را هم صورت می‌گیرد که پس از آموزش‌های لازم این اساتید به آموزشگاه‌های مختلف تک‌تیراندازی در کشور پهناور روسیه رفته تا در آنجا به آموزش و تربیت نیروهای تک‌تیرانداز واجد شرایط ارتشی بپردازند، اساتید این آموزشگاه افرادی را برای بخش‌های مختلف وزارت دفاع و نیروهای ارتش روسیه آموزش و تعلیم می‌دهند آنها تاکتیک‌های نوینی را به وجود می‌آورند که برای راندمان بیشتر نیروهای تک‌تیرانداز در عملیات‌های مختلف نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در اینجا خاطره‌ای یکی از نیروهای تک‌تیرانداز ارتش فدرال روسیه را که در مجله روسی زبان «سرباز خوش شانس» آمده است را ذکر می‌کنم:

نیروی تک‌تیرانداز روس می‌گوید که خاطره‌های زیادی از عملیات‌های نیروهای روسی بر جای باقی مانده است یکی از این یادها چنین است که به وی مأموریت داده می‌شود که به محلی در نزدیکی یکی از پایگاه‌های ارتش روسیه در شمال قفقاز در منطقه چچن برود که در آنجا یک تک‌تیرانداز محلی گاه بیگاه با اسلحه خود از فاصله مناسب و از مخفیگاه خود به سوی نیروهای ارتشی شلیک‌های مرگباری انجام می‌داد که باعث زخمی یا کشتن شدن نیروهای ارتش فدرال می‌گردید و قبل از اینکه موضع مخفی وی توسط نیروهای ارتش فدرال شناسایی شود به سرعت از موضع مخفی خود متواری و اثری از خود برجا نمی‌گذاشت. (در زد و خوردها و درگیری‌های شهر گروزنی مرکز چچن تک‌تیراندازان جدائی‌طلب چچنی از ساختمان‌های بلند

مرتبه حتی گلدسته مساجد و پشت‌بام منازل مسکونی که اکثراً خالی از سکنه بودند برای موضع مخفی کمین خود استفاده می‌کردند و از این مکان‌ها به سمت نیروهای ارتش فدرال نشانه‌روی و شلیک گلوله می‌کردند و نیروهای ارتش روس برای از بین بردن آنها از شلیک مستقیم گلوله تانک و یا توپ‌های سبک «راپیرا» خود استفاده می‌کردند چون شعاع و ترکش‌های ناشی از انفجار گلوله این مدل توپ حتماً به تک‌تیراندازان اصابت می‌کرد و باعث هلاکت آنها می‌گردد بنابراین بعد از تصرف نیروهای ارتش فدرال و خروج جدائی‌طلبان از شهر گروزی هیچ ساختمان و یا منازل مسکونی سالمی در شهر باقی نمانده بود و تمامی ساختمان‌های شهر شدیداً آسیب‌دیده و تخریب شده بودند و پس از پایان جنگ چچن دولت فدرال روسیه شهر گروزی را از نو بنا نمود) او اظهار می‌کند تمامی شلیک‌های مرگبار تک‌تیرانداز چچنی در شب صورت می‌گرفت و اسلحه وی مجهز به دوربین دید در شب (مادون قرمز بود) برای این منظور قبل از غروب خورشید با یک نفر بی‌سیم‌چی به محدوده تقریبی کمین تک‌تیرانداز چچنی حرکت کردم و برای جلوگیری از به دام افتادن خودم یک نفر نیروی کمکی با تیربار سبکی را با خود به همراه بردم او اظهار می‌کند اسلحه من هم مجهز به دوربین دید در شب بود که تاریکی شب را به روشنی بعد از ظهر تبدیل می‌کرد و دید خوبی برای من مهیا می‌نمود او می‌گوید پاسی از شب گذشته بود که در فاصله ۳۵۰ متری از خودم در خرابه‌های ساختمان سوله یک کارخانه متروکه متوجه جابه‌جائی حرکت سایه و شب‌چی گردیدم و وقتی که به سمت آن سایه نشانه‌روی کردم تک‌تیرانداز متخاصم اصلاً دیده نمی‌شد. اما من می‌دانستم او در همان جا است و منتظر هویدا شدن طعمه و شکار خود می‌باشد. بنابراین من هم در موضع مخفی خودم منتظر ماندم که به ناگه روشنایی جرقه ماندی از داخل کارخانه متروکه پدیدار شد و من بلافاصله بدون تأمل به سوی آن جرقه آتش کمی بالاتر به جایی که احساس می‌کردم سر و صورت تک‌تیرانداز مذکور می‌باشد شلیک کردم و به نظر می‌آمد که گلوله اسلحه من به هدف اصابت کرده است روز بعد وقتی افرادی از پایگاه ارتش روسیه که در آن نزدیکی بودند و به محل عزیمت کردند جسد نیروی تک‌تیرانداز چچنی را در آنجا پیدا کردند.

بعداً مشخص شد که او تک‌تیراندازی بود که یک‌نفره عملیات ترور نیروهای ارتش فدرال را انجام می‌داد و بعد از هلاک شدن وی در آن منطقه و محدوده پایگاه ارتش نیروهای فدرال روسیه دیگر نیروی تک‌تیرانداز متخاصمی در آن منطقه پیدا نگردید و نیروهای واقع در آن پایگاه نظامی آرامش پیدا کردند.

با تمامی مشکلات جنگ و درگیری‌ها ارتش روسیه در شمال قفقاز این نیروهای تک‌تیرانداز کارگشته و زبده ارتش فدرال روس بودند که با کمک دیگر نیروهای ارتشی توانستند تمامی شهر گروزنی مرکز چچن را از نیروهای جدائی‌طلب چچنی و نیروهای وهابی پاکسازی کنند و برای ارتش روسیه موفقیت‌های به همراه آورند در میان نیروهای تک‌تیرانداز ارتش فدرال که در جنگ‌های شمال قفقاز درگیر بودند، نیروی تک‌تیرانداز معروفی به نام «الکساندر چرنیشف» بود که عملیات‌های موفقیت‌آمیز و زیادی را انجام داد و نشان قهرمانی دولت روسیه را به دست آورد.

در درگیری‌ها و زد و خوردهای در شمال قفقاز و جمهوری چچن این نیروهای تک‌تیرانداز روس بودند که تجربه‌های گوناگونی در زمین‌های مختلف جنگ شهری به دست آوردند. این تجارب جنگی با ریختن خون‌های زیادی از نیروهای دو طرف به دست آمده است که در خاطره نیروهای زبده تک‌تیرانداز روس به یاد مانده است و هیچ وقت فراموش نمی‌شود و در تاریخ جنگ شهری نیروهای تک‌تیرانداز هم ثبت و باقی مانده است.



(تصویر بالا یکی از نیروهای کماندوی وزارت دفاع روسیه که معروف به نیروهای «اسپیتس ناز» می‌باشند را با اسلحه تک‌تیرانداز S.V.D. کالیبر ۷/۶۲ میلی‌متری و لباس استتار سفید زمستانی را در جنگ‌های شمال قفقاز نشان می‌دهد.)

تعیین محل شلیک گلوله تک‌تیرانداز توسط سیستم جغد

امروزه در میدان‌های جنگ و نبرد شهری و غیرشهری وجود گروه‌های اسنایپر (تک‌تیراندازان) از مهره‌های مهم و برگ‌های برنده اصلی این جنگ و نبردها می‌باشند تجربه‌های جنگی از گذشته تا حال نشان داده است که با شلیک هر گلوله توسط این افراد زبده سرنوشت جنگ در منطقه مورد نظر رقم می‌خورد. با توجه به سرعت پیشرفت صنایع نظامی در جهان ارتش‌های کشورهای مختلفی دست به طراحی ساخت و مونتاژ دستگاه‌های برای تعیین محل شلیک گلوله و موضع مخفی تک‌تیراندازان زده‌اند یک نمونه مؤثر از این سیستم‌ها سیستم تعیین محل تک‌تیراندازان ساخت کارخانه جات اسلحه‌سازی روسیه به نام جغد می‌باشد که توسط صنایع دفاعی دولت روسیه ساخته شده است. (البته وسایل تعیین گرمای بدن برای تعیین موضع مخفی تک‌تیرانداز هم مؤثر است ولی با پیشرفته‌های صورت گرفته نظامی و تولید لباس‌های جدید پرتوهای اشعه گرمایی بدن تک‌تیراندازان به حداقل می‌نیمیم رسیده است و کارایی سیستم‌های دید در شب را کم کرده است). از تولید و ساخت اولین اسلحه‌های گلوله‌زنی چندین قرن می‌گذرد از آن موقع تاکنون این اسلحه‌ها هم همیشه در حال پیشرفت برای استفاده نیروهای تک‌تیرانداز در میدان‌های جنگ بوده‌اند اما یک چیز هیچ وقت تغییر نکرده است و آن ضربه موج و اکوستیک به وجود آمده ناشی از شلیک گلوله اسلحه نیروهای تک‌تیرانداز در اتمسفر هوا است، با توجه به مشخص شدن یک سری پارامترهای ناشی از شلیک حرکت گلوله و ضربه امواج آن در اتمسفر هوا و محاسبه این پارامترها می‌توان به محل دقیق اختفاء و شلیک گلوله توسط نیروهای تک‌تیرانداز پی برد. بر اساس قوانین فیزیکی اثر شلیک گلوله در اتمسفر هوا به صورت مخروطی شکل می‌باشد که در سر این مخروط گلوله در حال پرواز است (تصویر صفحه ۱۸۴ کتاب) و این محور مخروطی خط سیر پروازی گلوله است که توسط گازهای به وجود آمده ناشی از سوختن باروت پدید آمده است.

پارامترهای ناشی از شلیک گلوله اسلحه‌های تک‌تیراندازان به شرح زیر می‌باشند:

- زاویه مخروطی به وجود آمده ناشی از شلیک و حرکت گلوله در اتمسفر هوا که بستگی به سرعت گلوله دارد که در هر متر پرواز گلوله در اتمسفر هوا یک ژول از توان و قدرت گلوله کم می‌شود. (البته در جایی که تراکم اتمسفر هوا کم است این مقدار هم تغییر می‌کند)
- سطح اکوستیکی پرواز گلوله که برابر با ۱۰۰ دسیبل می‌باشد.
- طول موج صدای ناشی از شلیک گلوله که برابر با $0.16 - 0.6$ متر می‌باشد.
- محدوده تقریبی فرکانس امواج به وجود آمده ناشی از شلیک گلوله که برابر با 0.6 تا ۲ کیلوهرتز می‌باشد.

با توجه به تعیین و اندازه‌گیری پارامترهای ناشی از شلیک گلوله اسلحه نیروی تک‌تیرانداز می‌توان توسط دستگاه‌های محاسبه‌گر به صورت اتومات و به سرعت محل شلیک گلوله اسلحه را تعیین کرد. هم اکنون در ایالات متحده امریکا بر اساس داده‌های بالا چند سیستم برای تعیین دقیق محل تک‌تیراندازان ساخته شده است مانند سیستم‌های «Pdc»، «Boomerang»، «Lifequard» و در کشور انگلیس از سیستم «Bdi» و در کشور فرانسه از سیستم «Metravib» و در کشور روسیه از سیستم «Sova» یا جغد استفاده می‌شود که در رده‌های مورد نظر ارتش و پلیس این کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در اینجا به بررسی سیستم روسی تعیین محل تک‌تیرانداز به نام جغد «Sova» می‌پردازیم که در واحدهای پلیس و ارتش فدرال روسیه مورد استفاده می‌باشد و به گفته و تأیید نیروهای ارتش و پلیس روسیه و به گزارش متخصصان و کارشناسان سازنده این دستگاه‌ها سیستم جغد «Sova» از دقت و راندمان بالایی برای تعیین محل مخفی نیروی تک‌تیرانداز برخوردار است و به صورت ۱۰۰٪ درصد محل شلیک گلوله و موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز دشمن را تعیین و شناسایی می‌کند.

(تصویر زیر سیستم روسی جغد است که در روی یک نفر بر روسی نصب گردیده است را نشان می‌دهد)



سیستم جغد «Sova» در تمام شرایط آب‌وهوایی روز و شب کار می‌کند سیستم جغد در جنگ‌های شمال قفقاز به خوبی خود را نشان داده است و مورد تأیید فرماندهان ارتش روسیه قرار گرفته است. این سیستم هم اکنون در محل‌های پست‌های بازدید، پست‌های نگهبانی و موقعیت واحدهای مختلف نیروهای ارتش فدرال در سرزمین بزرگ روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کار با سیستم جغد «Sova» خیلی راحت و ساده می‌باشد از این سیستم می‌توان به صورت ترکیبی جغد و نارنجک‌انداز «AGC-17» با هم در مأموریت‌ها استفاده می‌شود که برای از بین بردن نیروهای تک‌تیرانداز خیلی مؤثر می‌باشد سیستم نارنجک‌انداز «AGC-17» با برد ۱۷۰۰ متر و با دوربین اپتیکی و تداوم شلیک از ۱۰۰ تا ۴۰۰ نارنجک در دقیقه است که در مناطق جنگی برای از بین بردن و ترساندن نیروی تک‌تیرانداز متخاصم خیلی مؤثر است.

(تصویر زیر نارنجک‌انداز روسی «AGC-17» را نشان می‌دهد)



دریافت اطلاعات از سیستم جغد خیلی سریع می‌باشد، بنابراین با داشتن مختصات محل شلیک و یا فاصله و آзимوت می‌توان با سرعت زیاد موضع مخفی نیروی تک‌تیرانداز دشمن را تعیین و با انتخاب راه و روش مناسب برای دفع خطر وی در میدان‌های جنگ و جلوگیری از تلفات بعدی اقدام نمود از سیستم جغد برای تعیین روش جستجو نیروهای تک‌تیرانداز توسط دیدبان‌ها و محل شلیک گلوله‌های نامشخص آنان به خوبی استفاده می‌شود.

(تصویر زیر صفحه دیجیتالی سیستم جغد را که با مشخصات محل شلیک گلوله را به صورت فاصله و آзимوت می‌باشد را نشان می‌دهد و می‌توان فاصله و آзимوت را تبدیل به مختصات نمود.)



منابع

- ❖ کتاب تک‌تیرانداز نویسنده «گریشایف»
- ❖ کتاب جاسوس‌ها نویسنده «باریس پالیوی»
- ❖ کتاب لوله اسلحه تک‌تیرانداز نویسنده «یوگینی وراویف»
- ❖ کتاب مترسکی برای دشمن نویسنده «واسیلی زایتسف»
- ❖ کتاب نبرد تک‌تیراندازان نویسنده «یوگینی نیکلایف»
- ❖ کتاب نبرد استالینگراد «نویسنده واسیلی سیمونویچ گروسمان»
- ❖ کتاب آماده‌سازی نیروهای تک‌تیرانداز جلد اول سال ۱۹۸۷ میلادی «وزارت دفاع اتحاد جماهیر شوروی»
- ❖ کتاب آماده‌سازی نیروهای تک‌تیرانداز جلد دوم سال ۱۹۸۷ میلادی «وزارت دفاع اتحاد جماهیر شوروی»
- ❖ کتاب تک‌تیرانداز نویسنده «آ.آ.پوپف»
- ❖ کتاب آموزش و آماده‌سازی نیروهای تک‌تیرانداز برای میدان‌های جنگ نویسنده ژنرال «گ.ف.ماروزف» چاپ ۱۹۳۹ میلادی
- ❖ تصویرهای این کتاب بر گرفته از سایت‌های زیر می‌باشند:

- Danesh Mag.ru
- www.army.lv/ru
- Vaci.net.ru
- pohodd.ru
- www.open-tag.ru
- Vasi.net
- www.Spec.naz.ord